

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۶۸/۰۳/۲۷

دشمن‌ها نمی‌توانند ما را بترسانند و متزلزل کنند. ما قوی‌تر از دشمن‌ها هستیم. خداوند با عزت و قوت خود، مومنین را از هر جناح و صف و جبهه‌ای که شما فرض کنید، عزیزتر و قوی‌تر قرار داده است. عزت، متعلق به خدا و رسول و مومنین است. ما اگر مومن باشیم، عزت متعلق به ماست، و ما به خداوند عرض می‌کنیم: پروردگارا! ما به تو و راه تو و آینده‌ای که به ما وعده داده‌ای، مومنین.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۶۸/۰۴/۰۸

خدای متعال آن‌قدر عظمت در اجتماع یک ملت مومن گنجانده، که آن را با نصرت خود مقایسه کرده است؛ «هو الذی ایدک بنصره و بالمومنین». این روحیه را نگهدارید. تا شما ملت ایران، این اتحاد و آمادگی برای انجام کارهای بزرگ را دارید، همه آرزوهای انبیا و اولیا (ع) به دست شما قابل عمل است. آمل بزرگ آنان، استقرار عدل جهانی و نجات مستضعفان و نابودی ظلم در سطح عالم بود. البته وعده‌ی الهی حق است و استقرار عدل جهانی فقط در دوران ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا له الفدا) انجام خواهد گرفت؛ اما یک ملت مومن و مبارز می‌تواند زمینه را برای تشکیل آن حکومت فراهم کند؛ همچنان که ملت ایران تاکنون توانسته و بر خیلی از مشکلات فایق آمده است.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۶۸/۰۴/۱۲

همان‌طور که خدای متعال در قرآن وعده فرموده، تا وقتی ایمان عمیق اسلامی با مردم همراه است، هیچ خطری ملت و انقلاب را تهدید نمی‌کند و هیچ قدرتی نمی‌تواند کمترین آسیبی به جمهوری اسلامی و انقلاب شکوهمند ایران وارد آورد.

پیام به حجاج بیت‌الله الحرام اول ذی‌الحجه ۱۴۰۹ / ۱۳۶۸/۰۴/۱۲

وعده‌ی خدا به رسولش، ان شا الله در باره‌ی شما فرزندان مخلص امام و یاران فداکار اسلام نیز به تحقق خواهد پیوست، که فرمود: «لقد صدق الله رسوله الرویا بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شا الله آمنین محلقین روسکم و مقصرین لا تخافون»

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۶۸/۰۴/۱۹

ان‌شاالله تمام خیرات و برکات عالم به سمت شما و کشورتان سرازیر خواهد شد؛ این هم وعده‌ی الهی است: «و لو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء» (۱). خدای متعال، برکات مادی و معنوی را خواهد فرستاد. انصافا ملت ایران شایسته‌ی این است که برکات مادی و معنوی را به عنوان پاداش با هم از پروردگار عالم بگیرد.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۶۸/۰۴/۱۹

ان شا الله تمام خیرات و برکات عالم به سمت شما و کشورتان سرازیر خواهد شد؛ این هم وعده‌ی الهی است: «و لو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء». خدای متعال، برکات مادی و معنوی را خواهد فرستاد. انصافا ملت ایران شایسته‌ی این است که برکات مادی و معنوی را به عنوان پاداش با هم از پروردگار عالم بگیرد.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۶۸/۰۴/۲۱

این جمله را که امام بزرگوارمان بارها و بارها روی آن تاکید می‌کردند، به یاد داشته باشید که: رمز همه‌ی پیروزیها، وحدت کلمه و حضور در صحنه است. اگر وحدت کلمه و حضور مردم در صحنه نباشد، ملت ایران نخواهد توانست گامی به جلو بگذارد؛ ولی اگر همه‌ی مردم این رمز را شناختند و حفظ کردند، البته خداوند به آنها کمک خواهد کرد. این وعده‌ی الهی است که: «و الذین جاهدوا فینا لنهینهم سبیلنا»، «من کان لله کان الله له». این‌ها وعده‌ی حق و صدق و قطعی الهی است. بحمد الله خدا با ملت ایران است و وجود بزرگوار آن رهبر عالی‌قدر و انسان والا و بی‌نظیر، واقعا بزرگترین نعمتها برای ما بوده است. امروز هم کلمات و نصایح او که برای ما باقی مانده، بزرگترین نعمت برای ماست؛ چون کلمات خدا و انبیاست و باید قدرشان را بدانیم و ان شا الله به آنها عمل کنیم.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۶۸/۰۴/۲۱

روزی که ما پشت سر امام عزیز و علمدار اسلام ناب، شعارهای اسلام واقعی را مطرح می‌کردیم، می‌دانستیم که دشمن‌ها و قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها در مقابل ما صف‌آرایی می‌کنند. در صدر اسلام هم همین‌گونه بود. آن روزی که یهودیها و منافقان و کفار و مشرکان، اطراف مدینه‌ی پیامبر را محاصره کردند و جنگ احزاب و خندق را به وجود آوردند، مومنین واقعی گفتند: «هذا ما وعدنا الله و رسوله»؛ این، چیز تازه‌ای نیست. خدا و رسولش به ما گفته بودند که بدها و شریرها و فاسدها علیه شما همدست خواهند شد. بنابراین، آنها چون صدق وعده‌ی الهی را دیدند، ایمانشان قوی‌تر شد.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۶۸/۰۴/۲۱

این جمله را که امام بزرگوارمان بارها و بارها روی آن تاکید می‌کردند، به یاد داشته باشید که: رمز همه‌ی پیروزیها، وحدت کلمه و حضور در صحنه است. اگر وحدت کلمه و حضور مردم در صحنه نباشد، ملت ایران نخواهد توانست گامی به جلو بگذارد؛ ولی اگر همه‌ی مردم این رمز را شناختند و حفظ کردند، البته خداوند به آنها کمک خواهد کرد. این وعده‌ی الهی است که: «والذین جاهدوا فینا لنهینهم سبیلنا» (۱)، «من کان لله کان الله له» (۲). اینها وعده‌ی حق و صدق و قطعی الهی است.

بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۶۸/۰۵/۱۵

آن چیزی را که احساس می‌کنیم تکلیف شرعی ماست، ان شا الله انجام می‌دهیم. در تشخیص تکلیف هم سعی می‌کنیم نهایت دقت و احتیاط را انجام بدهیم. چیزی که من برای خود فرض می‌دانم، این است. در تشخیص تکلیف، ان شا الله دچار سهل‌انگاری و آسان‌نگری نمی‌شویم. جواب امر را مطالعه می‌کنیم تا آن چیزی که به عنوان تکلیف، در سمت هدایت عمومی ملت بر دوش ماست، تشخیص بدهیم. وقتی که تشخیص دادیم، پا را در آنجا محکم می‌گذاریم و بدون هیچ‌گونه تردید و ترسی و بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ی از هیچ قدرت سیاسی و نظامی عالم و هیچ تهدیدکننده و خطر هشداردهنده‌ی و بدون رعایت آن چیزهایی که انسان مجاز نیست آنها را در راه انجام تکلیف رعایت کند، عمل می‌کنیم. این، ان شا الله شیوه و سیره‌ی ما خواهد بود؛ یعنی تشخیص درست تکلیف و اقدام قطعی در جهت آن. البته، اگر خدای متعال به آن حرکت برکت داد و نتایج را بر این اقدام مترتب کرد، خوشحال و مسرور خواهیم بود و تحقق وعده‌های الهی برای همه‌ی کسانی که به آن وعده‌ها اعتقاد دارند، لذتبخش و شیرین خواهد بود. اگر هم خدای متعال مقدر نرمود که آن نتایج بر این مقدمات مترتب بشود، ما خوشحالیم که تکلیفمان را انجام داده‌ایم و کار خود را کرده‌ایم. این، آن روش و خط اساسی است که انجام می‌دهیم.

پیام به مناسبت روز جهانی قدس / ۱۳۶۹/۰۱/۲۳

انقلاب بزرگ اسلامی ما نشان داد که کلید حل مشکلات بزرگ، در دست خود ملت‌هاست و اراده‌ی انسان‌هاست که در صورت تکیه به خدا و اعتماد به وعده‌ی الهی، بر تدبیر و خواست قدرتهای مسلط غلبه خواهد کرد. و امروز با حوادثی که در نقاط متعددی از جهان رخ داده، نقش ملتها بیش از پیش به اثبات رسیده است. در برابر درنده‌خویی رژیم صهیونیست غاصب فلسطین، تنها اراده‌ی ملت فلسطین است که می‌تواند بایستد و با مقاومت مردانه‌ی خود، دشمن را به عقب‌نشینی و قبول شکست وادار سازد.

خطبه‌های نماز عید فطر / ۱۳۶۹/۰۳/۰۷

ما باید به خدا اتکا و اتکال کنیم و این، جز بندگی و تسلیم در مقابل خدا چیزی نیست. اتکای به خدا و اعتماد به وعده‌ی الهی، از هرکسی برنمی‌آید. تنها کسانی می‌توانند به خدا اتکا کنند، که خدا در دل و یاد آنها باشد. اگر خدا در یاد انسان نباشد و فضای جان او را پر نکند، به خدا هم اعتماد نخواهد کرد و در میدانهای خطر، نخواهد توانست با اعتماد به خدا حضور پیدا کند. قرآن راه را به ما نشان داده است. خوف از خدا و داشتن تقوای الهی و بندگی و تسلیم و خضوع در مقابل پروردگار، راه فلاح و رستگاری در دنیا و عقیبت.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

اسلام، دین توحید است و توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هرکس به جز خدا؛ یعنی گسیستن بندهای سلطه‌ی نظامهای بشری؛ یعنی شکستن طلسم ترس از قدرتهای شیطانی و مادی؛ یعنی تکیه بر اقتدارات بی‌نهایتی که خداوند در نهاد انسان قرار داده و از او بکارگیری آنها را همچون فریضه‌ی تخلص‌ناپذیر، طلب کرده است؛ یعنی اعتماد به وعده‌ی الهی در پیروزی مستضعفین بر ستمگران و مستکبرین به شرط قیام و مبارزه و استقامت؛ یعنی دل بستن به رحمت خدا و نهراسیدن از احتمال شکست؛ یعنی استقبال از زحمات و خطراتی که در راه تحقق وعده‌ی الهی، آدمی را تهدید می‌کند؛ یعنی مشکلات راه را به حساب خدا گذاشتن و خود را به پیروزی حتمی و نهایی امیدوار داشتن؛ یعنی در مبارزه، چشم به هدف عالی که نجات جامعه از هرگونه ستم و تبعیض و جهل و شرک است دوختن و عوض ناکامیهای شخصی و میان راهی را نزد خدا جستن؛ و خلاصه یعنی خود را مرتبط و متصل به اقیانوس لا یرال قدرت و حکمت الهی دیدن و به سمت هدف اعلی، با امید و بی‌تشویش شتافتن. همه‌ی عزت و اعتلایی که به مسلمین وعده داده شده، در سایه‌ی چنین ایمان و درک روشن و عمیقی از توحید است. بدون فهم درست و پایبندی عقیدتی و عملی به توحید، هیچ‌کدام از وعده‌های الهی در باره‌ی مسلمانان عملی نخواهد شد.

بیانات در دیدار جمعی از آزادگان / ۱۳۶۹/۰۴/۰۵

هر جمعی از شما عزیزان را که انسان زیارت می‌کند، بیش از پیش، این فکر در انسان زنده می‌شود که حقیقتا جای امام آن پدر مهربان، آن استاد و مرشد حمیم، آن معلم دلسوز و عالی‌قدر خالی است. اگر شما فرزندان دلاور را که امروز بحمد الله با سربلندی به آغوش ملت و کشور برگشته‌اید، می‌دید، یقینا وعده‌های الهی در این مورد را هم مجسم ملاحظه می‌کرد. خدا را شکر می‌کنیم که شماها پیروز برگشتید و اسلام سربلند و مفتخر شد.

بیانات در دیدار جمعی از آزادگان / ۱۳۶۹/۰۴/۲۶

عزیزان من! آن روزی که خدای متعال، موسی را که بچه‌ی یکروزه یا چندساعته‌ی بود و مادرش او را به آب انداخته بود و به خدا سپرده بود، به او برگرداند، به وعده‌ی خود عمل کرد: «انا رادوه الیک». خدای متعال در این جا، دو وعده به مادر موسی کرد: یک وعده این بود که «انا رادوه الیک»؛ ما او را به تو برمی‌گردانیم. مادر هم دلش به همین وعده‌ی اول بیشتر بند بود؛ بچشش است دیگر. بچه‌ی چندساعته را داخل جعبه گذاشته و به آب داده و خدا هم گفته که او را بر می‌گردانیم. وعده‌ی دومی هم بود که برای مادر موسی، خیلی باور کردنی نبود و آن، این بود: «و جاعلوه من المرسلین»؛ نه فقط ما او را برمی‌گردانیم، که پیامبر مرسل خودمان هم خواهیم کرد. اولی برای مادر موسی قابل فهم بود؛ یکی داخل آب می‌رود و موسی را می‌گیرد و به مادرش برمی‌گرداند - اگرچه خیلی دشوار بود - اما همین بچه را «جاعلوه من المرسلین»؟! آیه‌ی قرآن می‌فرماید: «فرددناه الی امه»؛ او را به مادرش برگردانیم، «کی تقر عینها»؛ تا چشمش روشن شود، «و لتعلم ان وعد الله حق» (۲)؛ تا بداند که وعده‌ی خدا درست است؛ یعنی آن وعده‌ی دوم هم عملی خواهد شد. دیدی وعده‌ی اول چه‌طور زود عملی شد؟ دیدی بچه‌ی که در راه خدا داده بودی، چه‌طور زود به تو برگشت؟ آن وعده هم به همین شیرینی تحقق پیدا خواهد کرد.

عزیزان من، آزادگان، رزمندگان، خانواده‌ها، هجران‌کشیده‌ها، دلدادگان به اسلام و انقلاب و حاکمیت جهانی اسلام و همه‌ی ملت! یازده سال گذشت. یعنی در مقیاس تاریخ، یک چشم برهم زدن است؛ بیشتر که نیست. شما اگر تاریخ را نگاه کنید و بخوانید، می‌بینید که ده سال و یازده سال و پانزده سال و بیست سال، در طول تاریخ هیچ است؛ یک چشم به هم زدن است. در یک چشم برهم زدن، وعده‌ی اول الهی تحقق پیدا کرد. آن، چه بود؟ آن، این بود که ما شما را نصرت خواهیم داد و پیروز خواهیم کرد. پیروز شدیم دیگر. پیروزی از این بهتر؟ هیچ پیروزی‌ی برای ملتی که انقلابی است و مثل ماست، به این بزرگی و به این کمال و به این شیرینی نیست.

همه‌ی دنیا در مقابل شما آمدند، تا شما را از مرزهایتان یک قدم عقب بنشانند. میلیارد‌ها صرف کردند، مجهزترین وسایل جنگی را آوردند، قدرتمندترین قدرتها با هم همدست شدند، از شرق و غرب کمک گرفتند، وسایل تبلیغاتی را با قوت هرچه تمامتر وارد کردند، هشت سال هم جنگیدند، بعدش دو سال هم چک‌وچانه زدند، آخرش نشد.

کدام کشور و ملتی، برای قدرت و پیروزی خود، نشانه‌ی بالایت را این می‌تواند داشته باشد؟ جنگهای دنیا، دوروزه و پنج‌روزه و ده‌روزه است. جنگ بین‌الملل، چهارساله و پنجساله است. تازه، تمام نقشه‌ی جغرافیای عالم، در جنگهای بین‌الملل تغییر و تبدیل پیدا می‌کند. در آن قسمت خلیج فارس، چند ساعت زدوخورد شد. نقشه‌ی جغرافیای دنیا الان تغییر پیدا کرده و همه‌ی دنیا به خلیج فارس لشکر کشیده‌اند. اینها را با هشت سال جنگ همه‌جانبه با کشور ما مقایسه کنید. بعد از آن‌که همه‌ی زورهایشان را زدند، تازه ملت ایران از آنها با نشاطتر، شادابتر، کشور دست‌نخورده‌تر است و نیروهای نظامی منظمتری دارد.

شما حالا به ارتش و سپاه می‌روید و می‌بینید که ارتش و سپاه امروز، با ارتش و سپاه ده سال قبل که شماها رفتید، قابل مقایسه نیست. ارتش امروز، یک ارتش منظم، محکم، منضبط و با تجهیزات عالی است. سپاه امروز، یک سازمان بی‌نظیر و یک نیروی انقلابی زنده است. ملت را هم که می‌بینید چگونه ملتی است. پیروزی، یعنی این. آن دشمنی هم که وجه‌المصالحه‌ی خرده‌حسابهای قدرتها با ما شده بود، حالا می‌بینید در چه روز و چه وضعی است. دنیا هم نسبت به همه‌ی ما، با کمال احترام و تعظیم و تجلیل برخورد می‌کند. این، وعده‌ی اول بود؛ «ولینصرن الله من ینصره» (۳)؛ هر که خدا را نصرت کند، خدا او را نصرت می‌کند. شماها نصرت کردید دیگر. در میدان جنگ، خدا را نصرت کردید. در سلول، با صبرتان نصرت کردید. در اردوگاه، با ایستادگیتان نصرت کردید. در مراجعت، با روحیه‌ی خوبتان نصرت کردید. ملتتان هم، با آن صبر فوق‌العاده و حضور در همه‌ی میدانهای خطر، نصرت کردند.

شماها خبر ندارید که در این دهساله، چه گذشته است. حالا به مرور ان‌شالله به شما گفته خواهد شد. همین شهر تهران، بارها مورد تهاجم موشکهای دوربرد قرار گرفت که یک‌بار آن دو ماه طول کشید. دو ماه، شب و روز، نصف شب، صبح، به تهران موشک خورد. در هر شبانه‌روزی، ده، پانزده موشک به شهر تهران می‌خورد و مردم هم زندگی می‌کردند. یک روز زیر همین موشکها، مردم ما روز قدس را گرامی داشتند. اجتماع عظیمی در تهران و همه‌ی شهرهای کشور شد که باید بگویم مخصوص شماها، فیلمهای آن روزها را بگذارند، تا شما ببینید که در این کشور، چه گذشته است. شهرهایی مثل دزفول و دیگر شهرهای خوزستان و بسیاری از شهرها - شاید پنجاه، شصت شهر - در طول چند سال، به طور دایم زیر موشکباران دشمن بود. مگر تحمل چهار، پنج سال شوخی بود؟ درعین‌حال، امام بزرگوار این ملت - آن نسخه‌ی انبیا (نمی‌گویم نسخه‌ی کامل؛ امام شاگرد آنها بود و خودش می‌گفت من خاک پای اولیا و انبیا هستم. اگر آدم

بخواهد قدری چهره و روش و اخلاق و نفوذ کلمه‌ی پیامبران را بفهمد، باید به زندگی امام نگاه می‌کرد) - یک اشاره می‌کرد، این ملت «من کل فج عمیق» (۴) بیرون می‌ریختند و سپاهها و جمعیتها تشکیل می‌دادند. ارتشی یک‌طور، سپاهی یک‌طور، بسیجی یک‌طور، نیروهای انتظامی یک‌طور، کسانی که تفنگ به دست نگرفته بودند، طور دیگر بیرون می‌ریختند و به جبهه‌ها می‌رفتند. اینجا، نصرت الهی است؛ «ولینصرن الله من ينصره» (۵).

خدا این وعده‌ی اول الهی را به خاطر نصرت تحقق بخشید؛ اما وعده‌ی دوم هنوز باقی است. وعده‌ی دوم این است: «ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون» (۶). در یک آیه دیگر: «ان الارض لله يورثها من يشاء من عباده» (۷). در یک آیه دیگر: «ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون» (۸). یعنی این پرچم توحید و اسلام و ایمان، این پرچم ایستادگی در مقابل ظلم و جور از هر کس و هر جای عالم، این پرچم استقلال ملتها در مقابل قدرتهای زورگوی عالم، باید در سرتاسر جهان و به عنوان مرکز امید همه‌ی مستضعفان عالم، به اهتزاز در بیاید.

ملتها امید بسته‌اند و بیدار شده‌اند. مسلمانان، امروز به اسلام خودشان افتخار می‌کنند و احساس عزت می‌نمایند. امروز ترس قدرتمندان و زورگویان عالم، فقط از اسلام و قرآن و مسلمانان واقعی است. امروز واهمه‌ی مرتجعان و پیروان و علمداران اسلام امریکایی، از اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. همه فهمیدند و دانستند که اسلام از جا برخاسته و حرکت را آغاز کرده و بازوان خود را باز کرده است و به مسلمانان امید و به مستضعفان نوید می‌دهد؛ و این هم خواهد شد. اگر مشکلاتی بر اثر نفوذ ابرقدرتهاست، برطرف می‌شود.

جامعه‌ی ما که ام‌القرای اسلامی و مرکز توجهات جهانی اسلام است، ان‌شاءالله طبق وعده‌ی الهی، با همان شکلی که اسلام خواسته، به صورت کامل - که ما از آن صورت کامل هنوز خیلی فاصله داریم - ساخته خواهد شد و به آنجا خواهیم رسید. اینجا، وعده‌ی الهی است. وقتی این وعده‌ی اول تحقق پیدا کرد، شما باید دلپایان را محکم و یقینپایان را کامل کنید که وعده‌های بعدی و بزرگتر هم - که مضمون آیات کریمه قرآن است - تحقق پیدا خواهد کرد. راهش این است که ما مجاهدت را از دست ندهیم.

بیانات در دیدار جمعی از آزادگان / ۱۳۴۹/۰۴/۲۶

اسلام به ما راست گفت. اسلام به وعده‌هایی که به ما داده بود، عمل کرد. شما باعزت و سربلندی برگشتید. میان شماها افرادی هستند که کسان و دوستان آنها، باور نمی‌کردند که دیگر چشمشان به دیدار عزیزانشان روشن بشود؛ ولی خدا خواست و شد. البته ملت ما، ملتی عجیبند. دیدید که چه استقبالهایی از شما کردند. مخصوصا در روزهای اول دیدید که این ملت، یکپارچه چه شور و شوقی شد. این لحظات استقبال مردم، لحظاتی فراموش‌نشده است. مردم اصلا در دنیای دیگری بودند. ماها بالاینکه در جریان بودیم و قضایا را می‌دانستیم و از پیش انتظار داشتیم، در آن روزهایی که شماها شروع به آمدن کردید، حال ما قابل توصیف نبود و نیست. وعده‌ی الهی را در مقابلمان می‌دیدیم که تحقق پیدا می‌کند. بحمد الله با سربلندی و عزت برگشتید، خانواده‌ها خوشحال شدند و ملت جشن گرفت.

در سالگرد جنگ تحمیلی، هر سال ما هفته‌یی به عنوان هفته‌ی دفاع مقدس داشتیم و امسال هم خواهیم داشت. این هفته، تقریبا عبارت از یک جشن پیروزی برای ملت ما خواهد بود. این هفته را امسال هم می‌گیریم، تا ملت ما ضمن اینکه یاد مفقودان عزیز و شهدای گران‌قدرمان و هم‌زمان شماها را که شهید شدند و خون و جانشان را در راه خدا دادند و در حقیقت پیروزها را تضمین کردند گرامی و بزرگ می‌دارد و برای آن‌ها عزاداری می‌کند، در ایام دیگر هفته‌ی دفاع مقدس، ان شا الله جشن پیروزی خواهد گرفت. این، وعده الهی بود که تحقق پیدا کرد؛ اما اینجا نیمه‌ی راه است.

عزیزان من! آن روزی که خدای متعال، موسی را که بچه‌ی یکروزه یا چندساعته‌ای بود و مادرش او را به آب انداخته بود و به خدا سپرده بود، به او برگرداند، به وعده‌ی خود عمل کرد: «انا رادوه الیک». خدای متعال در اینجا، دو وعده به مادر موسی کرد: یک وعده این بود که «انا رادوه الیک»؛ ما او را به تو برمی‌گردانیم. مادر هم دلش به همین وعده‌ی اول بیشتر بند بود؛ بچهاش است دیگر. بچه‌ی چندساعته را داخل جعبه گذاشته و به آب داده و خدا هم گفته که او را برمی‌گردانیم. وعده‌ی دومی هم بود که برای مادر موسی، خیلی باورکردنی نبود و آن، این بود: «و جاعلوه من المرسلین»؛ نه فقط ما او را برمی‌گردانیم، که پیامبر مرسل خودمان هم خواهیم کرد. اولی برای مادر موسی قابل فهم بود؛ یکی داخل آب می‌رود و موسی را می‌گیرد و به مادرش برمی‌گرداند اگرچه خیلی دشوار بود اما همین بچه را «جاعلوه من المرسلین»؟! آیه قرآن می‌فرماید: «فرددناه الی امه»؛ او را به مادرش برگردانیم، «کی تفر عینها»؛ تا چشمش روشن شود، «و لتعلم ان وعد الله حق»؛ تا بداند که وعده‌ی خدا درست است؛ یعنی آن وعده‌ی دوم هم عملی خواهد شد. دیدی وعده‌ی اول چطور زود عملی شد؟ دیدی بچه‌ای که در راه خدا داده بودی، چطور زود به تو برگشت؟ آن وعده هم به همین شیرینی تحقق پیدا خواهد کرد.

عزیزان من، آزادگان، رزمندگان، خانواده‌ها، هجران‌کشیده‌ها، دل‌دادگان به اسلام و انقلاب و حاکمیت جهانی اسلام و همه‌ی ملت! یازده سال گذشت. یعنی در مقیاس تاریخ، یک چشم برهم زدن است؛ بیشتر که نیست. شما اگر تاریخ را نگاه کنید و بخوانید، می‌بینید که ده سال و یازده سال و پانزده سال و بیست سال، در طول تاریخ هیچ است؛ یک چشم به هم زدن است. در یک چشم برهم زدن، وعده‌ی اول الهی تحقق پیدا کرد. آن، چه بود؟ آن، این بود که ما شما را نصرت خواهیم داد و پیروز خواهیم کرد. پیروز شدیم دیگر. پیروزی از این بهتر؟ هیچ پیروزی‌ای برای ملتی که انقلابی است و مثل ماست، به این بزرگی و به این کمال و به این شیرینی نیست.

همه‌ی دنیا در مقابل شما آمدند، تا شما را از مرزهایتان یک‌قدم عقب بنشانند. میلیاردها صرف کردند، مجهزترین وسایل جنگی را آوردند، قدرتمندترین قدرتها باهم همدست شدند، از شرق و غرب کمک گرفتند، وسایل تبلیغاتی را با قوت هرچه تمامتر وارد کردند، هشت سال هم جنگیدند، بعدش دو سال هم چک‌وچانه زدند، آخرش نشد. کدام کشور و ملتی، برای قدرت و پیروزی خود، نشانه‌ای بالاتر از این می‌تواند داشته باشد؟ جنگهای دنیا، دوره و پنج‌روزه و ده‌روزه است. جنگ بین‌الملل، چهارساله و پنج‌ساله است. تازه، تمام نقشه‌ی جغرافیای عالم، در جنگهای بین‌الملل تغییر و تبدیل پیدا می‌کند. در آن قسمت خلیج فارس، چند ساعت زدوخورد شد، نقشه‌ی جغرافیای دنیا الآن تغییر پیدا کرده و همه‌ی دنیا به خلیج فارس لشکر کشیده‌اند. این‌ها را با هشت سال جنگ همه‌جانبه با کشور ما مقایسه کنید. بعد از آنکه همه‌ی زورهایشان را زدند، تازه ملت ایران از آن‌ها بانشاطتر، شاداب‌تر، کشور دست‌نخورده‌تر است و نیروهای نظامی منظم‌تری دارد.

شما حالا به ارتش و سپاه می‌روید و می‌بینید که ارتش و سپاه امروز، با ارتش و سپاه ده سال قبل که شماها رفتید، قابل مقایسه نیست. ارتش امروز، یک ارتش منظم، محکم، منضبط و با تجهیزات عالی است. سپاه امروز، یک سازمان بی‌نظیر و یک نیروی انقلابی زنده است. ملت را هم که می‌بینید چگونه ملتی است. پیروزی، یعنی این. آن دشمنی هم که وجه‌المصالحه‌ی خرده‌حسابهای قدرتها با ما شده بود، حالا می‌بینید در چه روز و چه وضعی است. دنیا هم نسبت به همه‌ی ما، با کمال احترام و تعظیم و تجلیل برخورد می‌کند. این، وعده‌ی اول بود: «و لینصرن الله من ينصره»؛ هر که خدا را نصرت کند، خدا او را نصرت می‌کند. شماها نصرت کردید دیگر. در میدان جنگ، خدا را نصرت کردید. در سلول، با صبرتان نصرت کردید. در اردوگاه، با ایستادگیتان نصرت کردید. در مراجعت، با روحیه‌ی خویشتان نصرت کردید. ملتتان هم، با آن صبر فوق‌العاده و حضور در همه‌ی میدانهای خطر، نصرت کردند.

شماها خبر ندارید که در این ده‌ساله، چه گذشته است. حالا به مرور ان شا الله به شما گفته خواهد شد. همین شهر تهران، بارها مورد تهاجم موشکهای دوربرد قرار گرفت که یک‌بار آن دو ماه طول کشید. دو ماه، شب و روز، نصف شب، صبح، به تهران موشک خورد. در هر شبانه‌روزی، ده، پانزده موشک به شهر تهران می‌خورد و مردم هم زندگی می‌کردند. یک روز زیر همین موشکها، مردم ما روز قدس را گرامی داشتند. اجتماع عظیمی در تهران و همه‌ی شهرهای کشور شد که باید بگویم مخصوص شماها، فیلمهای آن روزها را بگذارند، تا شما ببینید که در این کشور، چه گذشته است. شهرهایی مثل دزفول و دیگر شهرهای خوزستان و بسیاری از شهرها شاید پنجاه، شصت شهر در طول چند سال، به طور دائم زیر موشک‌باران دشمن بود. مگر تحمل چهار، پنج سال شوخی بود؟

درعین‌حال، امام بزرگوار این ملت آن نسخه‌ی انبیا (نمی‌گویم نسخه‌ی کامل؛ امام شاگرد آن‌ها بود و خودش می‌گفت من خاک پای اولیا و انبیا هستم. اگر آدم بخواهد قدری چهره و روش و اخلاق و نفوذ کلمه‌ی پیامبران را بفهمد، باید به زندگی امام نگاه می‌کرد) یک اشاره می‌کرد، این ملت «من کل فج عمیق» بیرون می‌ریختند و سپاهها و جمعیتها تشکیل می‌دادند. ارتشی یک‌طور، سپاهی یک‌طور، بسیجی یک‌طور، نیروهای انتظامی یک‌طور، کسانی که تفنگ به دست

نگرفته بودند، طور دیگر بیرون می‌ریختند و به جبهه‌ها می‌رفتند. این‌ها، نصرت الهی است؛ «و لینصرن الله من بنصره». خدا این وعده‌ی اول الهی را به خاطر نصرت تحقق بخشید؛ اما وعده‌ی دوم هنوز باقی است. وعده‌ی دوم این است: «و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادى الصالحون». در یک آیه‌ی دیگر: «ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده». در یک آیه‌ی دیگر: «لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون». یعنی این پرچم توحید و اسلام و ایمان، این پرچم ایستادگی در مقابل ظلم و جور از هرکس و هرجای عالم، این پرچم استقلال ملتها در مقابل قدرتهای زورگوی عالم، باید در سرتاسر جهان و به عنوان مرکز امید همه‌ی مستضعفان عالم، به اهتزاز در بیاید.

ملتها امید بسته‌اند و بیدار شده‌اند. مسلمانان، امروز به اسلام خودشان افتخار می‌کنند و احساس عزت می‌نمایند. امروز ترس قدرتمندان و زورگویان عالم، فقط از اسلام و قرآن و مسلمانان واقعی است. امروز واهمه‌ی مرتجعان و پیروان و علم‌داران اسلام امریکایی، از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) است. همه فهمیدند و دانستند که اسلام از جا برخاسته و حرکت را آغاز کرده و بازوان خود را باز کرده است و به مسلمانان امید و به مستضعفان نوید می‌دهد؛ و این هم خواهد شد. اگر مشکلاتی بر اثر نفوذ ابرقدرت‌هاست، برطرف می‌شود.

جامعه‌ی ما که امراقای اسلامی و مرکز توجهات جهانی اسلام است، ان شا الله طبق وعده‌ی الهی، با همان شکلی که اسلام خواسته، به صورت کامل که ما از آن صورت کامل هنوز خیلی فاصله داریم ساخته خواهد شد و به آنجا خواهیم رسید. این‌ها، وعده‌ی الهی است. وقتی این وعده‌ی اول تحقق پیدا کرد، شما باید دل‌هایتان را محکم و یقین‌هایتان را کامل کنید که وعده‌های بعدی و بزرگتر هم که مضمون آیات کریمه‌ی قرآن است تحقق پیدا خواهد کرد. راهش این است که ما مجاهدت را از دست ندهیم. همه‌ی جهاد، به جبهه رفتن نیست. هرجا هستید، می‌توانید مجاهد فی سبیل الله باشید.

بیانات در دیدار جمعی از آزادگان / ۱۳۶۹/۰۶/۲۶

تا اینجا هرچه وعده‌ی الهی بود، درست بود و عمل شد. هرچه تحلیل براساس آیات محکومات قرآن بود، درست از آب درآمد و محقق شد. تا اینجا ما بوضوح و عیان دیدیم که یک ملت مومن و با خدا، وقتی همه‌ی دنیا هم در مقابل او قرار بگیرند، اگر بایستند و صبر کنند، شکست نخواهد خورد؛ این را تجربه کردیم. همیشه می‌گفتم، قبل از انقلاب و اوایل انقلاب می‌گفتم، در طول این ده سال بارها و بارها می‌گفتم؛ اما حوادث، این گفته را برای ما عینی و ملموس کرد.

پیام به مجمع فرماندهان سپاه / ۱۳۶۹/۰۶/۲۸

برای شما جوانان عزیز و فرزندان صالح اسلام، مایه‌ی سربلندی و افتخار است که در نبرد خونین و تعیین‌کننده‌ی اسلام با کفر، حضوری با همه‌ی وجود داشته و پایداری و صبری کم‌نظیر نشان داده‌اید و اکنون شاهد تحقق وعده‌ی الهی، یعنی پیروزی اسلام بر همه‌ی کفر می‌باشید. ملت ما و مقدم بر همه، رزمندگان ایثارگر، این امتیاز بزرگ را دارند که همچون مسلمانان صدر اسلام، جهاد فی سبیل الله را در مقابل صنادید کفر و نفاق و گردنکشان ظالم و متجاوز عالم، با پیروزی کامل به پایان برده و در کارزار بزرگ خود، به هیچ‌چیز و هیچ‌کس جز نیروی ایمان و اخلاص که ناشی از اعتقاد راسخ به توحید و اعتماد به وعده‌های الهی است تکیه نکرده‌اند. از این پس نیز در راه طولانی به سمت اهداف نهایی انقلاب اسلامی، همیشه پیروزی با شما خواهد بود.

پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی / ۱۳۶۹/۰۸/۱۳

خدا را شکر می‌گوییم که ملت ایران با گوش حق‌نویس و چشم حقیقین، درسهای بزرگ زندگی را از انقلاب بزرگ و رهبر حکیم خود آموخت و روز به روز با تحقق وعده‌های الهی، ایمانش به حقانیت این راه عمیق‌تر شد. ملت ما، پیروزی بر رژیم وابسته‌ی شاهی را، پیروزی بر ترفندها و توطئه‌های امریکایی را، پیروزی بر جبهه‌ی نظامی پیش‌کرده‌ی شرق و غرب را، پیروزی بر محاصره‌ی اقتصادی را، پیروزی بر جبهه‌ی سیاسی و تبلیغاتی جهانی را و پیروزی بر بسیاری از مشکلاتی که به دست همان دشمنان برایش فراهم شده بود، یکی پس از دیگری با همه‌ی وجود حس کرد و طعم شیرین آن را چشید. همه‌ی این پیروزیها، به برکت تمسک به اسلام و حفظ استقلال و استغنا از بیگانگان و توکل به خدا و تلاش یکپارچه‌ی ملت پشت سر رهبر یگانه و بی‌بدیلش به دست آمد.

پیام به دومین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۶۹/۱۲/۰۱

این مجلس محترم که مجمع گروهی از علمای بزرگ و مجتهدین و برجستگان در آگاهی و تعهد اسلامی و انقلابی است، حساس‌ترین وظایف را در نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارد و ضامن بقا و استمرار نظام اسلامی در خطرترین لحظات است و طبیعی است که محل امید ملت و همه‌ی دوستداران انقلاب و نیز مورد بغض و طمع دشمنان و بدخواهان باشد. این معنی باید موجب شود که منتخبین محترم ملت و قبول‌کنندگان این امانت عظیم، در نهایت هوشیاری و آمادگی و با اعتماد به وعده‌های الهی، در این سنگر مقدس به وظیفه‌ی مهم خود پرداخته و کید دشمنان و وسوسه‌ی خناسان را باطل سازند.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم / ۱۳۶۹/۱۲/۱۱

در باره‌ی برکات این میلاد معظم و حقایقی که در باب وجود اقدس ولی‌عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفدا) هست، من قادر نیستم سخن تازه‌ای بگویم. درک مراتب معنوی و حقایق الهی در باب این قطب اعظم عالم امکان و خلیفه‌ی خدا و مظهر صفات و اسمای الهی، در حد زبان و بیان و قلب و فهمی همچون من قاصر نیست. خود آن‌ها باید در باره‌ی امام زمان سخن بگویند؛ همچنان که خود آن‌ها باید در باره‌ی علی بن ابی طالب (علیه الصلاه و السلام) و بقیه اولیا و اصفیای دین سخن بگویند. ما همین‌قدر می‌دانیم که وجود مقدس امام زمان، مصداق وعده‌ی الهی است. همین‌قدر می‌دانیم که این بازمانده‌ی خاندان وحی و رسالت، علم سرافراز خدا در زمین است. «السلام علیک ایها العلم المنصوب و العلم المصوب و الغوث و الرحمة الواسعة وعدا غیر مکذوب». او وعده‌ی الهی و مصداق لطف خدا بر انسانیت و بشریت است. او مستوره و نمونه‌ی از اولیا و اصفیا و انبیا و برجسته‌ترین بندگان خداست. او نمایشگر مبلغ فضل الهی بر بنی‌آدم است. این‌ها چیزهایی است که خود آنان بیان فرمودند. اگر ما بتوانیم در حد فهم قاصر و ناقص خودمان، رشحاتی از این گفته‌ها را درک کنیم و بفهمیم، خیلی برد کرده‌ایم.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم / ۱۳۶۹/۱۲/۱۱

درباره‌ی برکات این میلاد معظم و حقایقی که در باب وجود اقدس ولی‌عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفدا) هست، من قادر نیستم سخن تازه‌ی بگویم. درک مراتب معنوی و حقایق الهی در باب این قطب اعظم عالم امکان و خلیفه‌ی خدا و مظهر صفات و اسمای الهی، در حد زبان و بیان و قلب و فهمی همچون من قاصر نیست. خود آنها باید درباره‌ی امام زمان سخن بگویند؛ همچنان‌که خود آنها باید درباره‌ی علی بن ابی‌طالب (علیه‌الصلاه‌و‌السلام) و بقیه اولیا و اصفیای دین سخن بگویند. ما همین قدر می‌دانیم که وجود مقدس امام زمان، مصداق وعده‌ی الهی است. همین‌قدر می‌دانیم که این بازمانده‌ی خاندان وحی و رسالت، علم سرافراز خدا در زمین است. «السلام علیک ایها العلم المنصوب و العلم المصوب و الغوث و الرحمة الواسعة وعدا غیر مکذوب» (۱). او وعده‌ی الهی و مصداق لطف خدا بر انسانیت و بشریت است. او مستوره و نمونه‌ی از اولیا و اصفیا و انبیا و برجسته‌ترین بندگان خداست. او نمایشگر مبلغ فضل الهی بر بنی‌آدم است. اینها چیزهایی است که خود آنان بیان فرمودند. اگر ما بتوانیم در حد فهم قاصر و ناقص خودمان، رشحاتی از این گفته‌ها را درک کنیم و بفهمیم، خیلی برد کرده‌ایم.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۶۹/۱۲/۲۳

باید این ایمان و این اخلاق اسلامی را به اعماق روح مردم رساند و آن تحول واقعی که دین برای آن می‌آید دین برای ایجاد تحول واقعی در نفوس انسانها و تطهیر و تزکیه‌ی این نفوس می‌آید انجام بگیرد. تلاش ما باید این باشد. باید از انداز غفلت نکنیم. باید از ترساندن مردم از عذاب خدا و آنچه که خداوند متعال در دنیا و آخرت

برای بدکاران وعده کرده است، غفلت نکنیم؛ همان طریقه و روشی که در گذشته انبیا و اولیا و بزرگان ما، برای مومن کردن و مومن نگهداشتن مردم انجام می‌دادند.

بیانات در دیدار زائرین و مجاوین حرم مطهر رضوی / ۱۳۷۰/۰۱/۲۹

جمهوری اسلامی به فضل الهی، به کوری چشم دشمنان و علی‌رغم وسوسه‌ی خناسان و اشکال‌تراشی اشکال‌تراشان بدپیله‌ی بی‌انصاف، تا امروز مراحل زیادی را پیش رفته و با قدرت نیز پیش خواهد رفت. این، وعده‌ی الهی است؛ «من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مومن فلنحییته حیاة طیبه»: هر جامعه‌ای، هر فردی، هر مرد و زنی که عمل صالح انجام دهد و مومن باشد، ما حیات طیبه به او خواهیم داد. این حیات طیبه، امروز در جامعه‌ی ما محسوس است.

بیانات در دیدار زائرین و مجاوین حرم مطهر رضوی / ۱۳۷۰/۰۱/۲۹

کار کنید، وحدت‌تان را حفظ کنید، یاد خدا را در دل‌ها نگهدارید، به هم برسید، دل‌هایتان را باهم صاف کنید، باهم مهربان باشید، از یکدیگر کینه به دل نگیرید، انگیزه‌های کوچک شما را از هم جدا نکنید، که بحمد الله نکرده است و نخواهد کرد؛ اگرچه دشمن این را می‌خواهد. اگر با این روحیه، با این ایمان، با این قدم صادق حرکت کنید، جمهوری اسلامی به اوج قله‌ی حیات طیبه که خدا وعده داده است، خواهد رسید.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۷۰/۰۲/۲۶

خدا را سپاس که حج را همچون ذخیره‌ای تمام‌نشدنی و چشمه‌ای همیشه‌جوشان و چون جویباری زلال و مستمر برای امت خالده قرارداد که در هر حال آنکه بشناسد و قدر داند، توان استفاده از آن را خواهد داشت و آن را داروی این بیماری‌های مهلک خواهد ساخت. و خدا را سپاس که بر ملت شایسته‌ی ایران رحمت آورد و شوق کعبه‌ی مقصود را پس از سرزنش خارهای مغیلات بیابان طلب، به جام‌وصلی که شیرینی عزت و کامیابی هر دو را داشت، برآورده ساخت؛ حقی را که سالی چند به ناروا از آنان باز داشته شده بود، کریمانه به آنان برگرداند و جای خالی ملتی را که حج ابراهیمی و محمدی (صلی الله علیهما و آلهما) را جایگزین حج بوجهلی کرده بود، به نیکووجهی پر کرد؛ دل تفتیده‌ی مشتاقان مهجور و مصدود و محصور را با جرعه‌ی وصال آرامش بخشید و جان میده‌ی انوار معرفت و لبریز از شوق زیارت را لبیک اجابت گفت؛ بندگان مخلص را به لطفی ویژه نواخت و وعده‌ی نصرت مومنان را انجام کرد و خانه‌ی خود را جایگاه طائفین و عاکفین قرار داد.

بیانات در دیدار جمعی از افسشار مختلف مردم و مسئولان جهاد سازندگی / ۱۳۷۰/۰۲/۲۸

امروز بحمد الله برنامه‌های مسئولان کشور و کارهای این دولت خدمتگزار، در همین جهت و در همین خط است. همه در خدمت هدفهای انقلاب و در راه سازندگی کشور، به دولت کمک کنند. نهادهای انقلابی و همین نهاد جهاد سازندگی، در فکر مسئولان کشور و بالاتر از همه در فکر امام بزرگوار ما (رضوان الله علیه) بوده است. این فکر، بازهم هست؛ تمام شدنی نیست. اگر شما همت کردید، خدای متعال هم کمک خواهد کرد. این، وعده‌ی الهی است و قطعاً خواهد شد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۰/۰۵/۲۳

اگرچه جنگ احد در مقیاس مسائل تاریخی و جهانی و مسائل جامعه، یک حادثه‌ی کوتاه‌مدت و کوچک است، اما درسی که قرآن در باب جنگ احد به ما داد، درس بزرگی است و متعلق به همیشه است. خلاصه‌ی مطلب هم این است که خدای متعال به مسلمانان وعده می‌کند که ما شما را کمک خواهیم کرد، و این وعده در جنگ احد عملی می‌شود؛ «و لقد صدقکم الله وعده». وعده‌ی کمک تحقق پیدا کرد و شما پیروز شدید و دشمن مجبور به عقب‌نشینی شد؛ تا اینکه مشکل به وسیله‌ی خود شما شروع گردید. طبق روایات، پیامبر فرموده بود: «لا تبحروا هذا المكان فانا لا نزال غالبین ما بئتم فی مکانکم». تا وقتی ایستاده‌اید، شما پیروزید. وقتی که مشکل پیدا شد و میل به مال دنیا و غفلت از وظیفه و چشم‌وهم‌چشمی در تکالب بر حطام دنیوی، بر احساس وظیفه و وجدان درونی و دینی فایق آمد، قضیه بعکس شد: «حتی اذا فشلتم»؛ اول سست شدید، «و تنازعتم فی الامر»؛ به درگیری میان خودتان پرداختید، «و عصیتم»؛ پستتان را ترک کردید و آنجایی که به شما گفته بودند باشید و نگهداری بدهید، محل را رها کردید؛ در نتیجه قضیه بعکس شد. «ذلک بان الله لم یک مغیرا نعمه انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم». این، یک قانون است؛ مثل قانون جاذبه، مثل قوانین دیگر طبیعی و تاریخی.

بیانات پس از بازدید از ستاد فرماندهی نیروی زمینی سپاه / ۱۳۷۰/۰۷/۲۴

سالها اسلام بود، اما نه در صحنه‌ی فعالیتهای اساسی عالم. یک دوران طولانی، اسلام در دستگاه حکومت‌های مسلمان‌نام و بی‌خبر از اسلام، منزوی بود. در طول سلطنت‌های مفصل ایران و عثمانی و هند که ظاهراً مسلمان بودند، اسلام به معنای حقیقی کلمه در دستگاهشان نبود؛ اسلام منزوی بود. بعد هم که از دو، سه قرن پیش به این طرف، دوران پیشرفت غرب و اروپا پیش آمد و ارزشهای مادی به شکلهای مختلف بر دنیا حاکم شد، اسلام و مسلمانی کاملاً در غربت و انزوا افتاد؛ حتی سعی می‌کردند که نام اسلام را هم به دست فراموشی بسپارند؛ سعی می‌کردند تا کشورهای مسلمان را هم با تفکرات لایبکی و غیر اسلامی حتی از صورت اسلام جدا کنند. «بسم الله» گفتن در اول حرف زدن‌ها ننگ بود. نماز خواندن ننگ بود. مسلمان زیستن به معنای واقعی محال بود. تظاهرات اسلامی، بیشتر تشریفاتی بود. از معنویت اسلام، از جهاد اسلام و از ارجحیت اسلام در مقابل رقیبهای مادی، خبری نبود. در آن شرایط، وعده‌ی «لیظهره علی الدین کله» (۱)، چگونه می‌توانست عملی بشود؟

برای این‌که وعده‌ی خدا - یعنی پیروزی اسلام بر همه‌ی کفر و الحاد، پیروزی ارزشهای الهی بر همه‌ی مادیگریهای کوتاه‌نظرانه - به تحقق بپیوندد، باید اسلام در عرصه‌ی زندگی خودش را مطرح می‌کرد. خدای متعال چنین مقدر کرد که این کار به دست یکی از شایسته‌ترین و برترین بندگان عملی شود، و شد. آن عبد صالح، آن جانشین بحق پیامبران و اولیای دین، آن انسان وارسته‌ی از مادیات در وجود و در زندگی و در اندیشه‌ی خود، آن انسان هم‌شده‌ی در اسلام و فانی در الله، این توفیق و این نعمت و این لطف بزرگ را از خدای متعال دریافت کرد که پیشقراول و مبشر این راه و دست توانای اسلام و قرآن در این دوران غربت و انزوا باشد.

بیانات پس از بازدید از ستاد فرماندهی نیروی زمینی سپاه / ۱۳۷۰/۰۷/۲۴

قرآن صریحاً وعده کرده است که «لیظهره علی الدین کله». قرآن با زبانهای مختلف گفته است که این حقیقت و این سلسله‌ی ارزش‌ها در تاریخ بشریت، بر همه‌ی شبه ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها فایق خواهد آمد. قرآن صریحاً گفته است که «العاقبه للمتقین»؛ فرجام کار، متعلق به مومنان و پرهیزکاران است. چگونه ممکن است اسلام درحالی‌که در کنج عزلت و انزواست، بر تفکرات پوشالی و تحمیلی و ارزشهای ضد ارزش و تحمیل‌شده‌ی بر بشریت مظلوم فایق بیاید؟

سالها اسلام بود، اما نه در صحنه‌ی فعالیتهای اساسی عالم. یک دوران طولانی، اسلام در دستگاه حکومت‌های مسلمان‌نام و بی‌خبر از اسلام، منزوی بود. در طول سلطنت‌های مفصل ایران و عثمانی و هند که ظاهراً مسلمان بودند، اسلام به معنای حقیقی کلمه در دستگاهشان نبود؛ اسلام منزوی بود. بعد هم که از دو، سه قرن پیش به این طرف، دوران پیشرفت غرب و اروپا پیش آمد و ارزشهای مادی به شکلهای مختلف بر دنیا حاکم شد، اسلام و مسلمانی کاملاً در غربت و انزوا افتاد؛ حتی سعی می‌کردند که نام اسلام را هم به دست فراموشی بسپارند؛ سعی می‌کردند تا کشورهای مسلمان را هم با تفکرات لایبکی و غیر اسلامی حتی از صورت اسلام جدا کنند. «بسم الله» گفتن در اول حرف زدن‌ها ننگ بود. نماز خواندن ننگ بود. مسلمان زیستن به معنای واقعی محال بود. تظاهرات اسلامی، بیشتر تشریفاتی بود. از معنویت اسلام، از جهاد اسلام و از ارجحیت اسلام در مقابل رقیب‌های مادی، خبری نبود. در آن شرایط، وعده‌ی «لیظهره علی الدین کله»، چگونه می‌توانست عملی بشود؟

برای اینکه وعده‌ی خدا یعنی پیروزی اسلام بر همه‌ی کفر و الحاد، پیروزی ارزشهای الهی بر همه‌ی مادی‌گریهای کوتاه‌نظرانه به تحقق بپیوندد، باید اسلام در عرصه‌ی زندگی خودش را مطرح می‌کرد. خدای متعال چنین مقدر کرد که این کار به دست یکی از شایسته‌ترین و برترین بندگان عملی شود، و شد. آن عبد صالح، آن جانشین بحق پیامبران و اولیای دین، آن انسان وارسته‌ی از مادیات در وجود و در زندگی و در اندیشه‌ی خود، آن انسان هضم‌شده‌ی در اسلام و فانی در الله، این توفیق و این نعمت و این لطف بزرگ را از خدای متعال دریافت کرد که پیش‌قراول و مبشر این راه و دست توانای اسلام و قرآن در این دوران غربت و انزوا باشد. اسلام به وسط صحنه آمد و در دنیا مطرح شد. اول آن را جدی نگرفتند؛ اما پس از آنکه خطر آن را درک کردند، توطئه‌ها را با شدت هرچه تمام‌تر آغاز کردند؛ که یکی از آن توطئه‌ها، جنگ هشت‌ساله بود. اما همت این ملت مومن، این شاگردان آموزش‌یافته‌ی در مکتب دین، این استفاده‌کنندگان از نفس گرم آن عبد صالح و بنده‌ی فانی فی الله، و همت شما جوانان مومن و عاشقان راه خدا، باعث شد تا بتوانید به سلامت از این تجربه‌ها بیرون بیایید و انقلاب و اسلامتان را درخشان‌تر کنید.

بیانات در دیدار مسئولان وزارت کشور / ۱۳۷۰/۰۹/۲۷

نفس تشکیل این اجتماع شما و بحث در باب مسائل مربوط به انتخابات و سایر مسائل مهم، یک عمل پرمعنا و حاکی از اهتمام شما به این مساله‌ی است که حقیقتاً هم نقشی اساسی در مجموعه‌ی کار نظام ما دارد. این ایام هم، ایام مهمی است. همه‌ی فضا و خاطرات و حوادث این روزها، ما را دعوت می‌کنند به اینکه در کارمان جدی، صمیمی، خستگی‌ناپذیر و پولادین باشیم. در این ایام، ملت ما یکی از وعده‌های الهی را به چشم خود دید. یکی از مصادیق آیات «ان تنصروا الله ینصرکم» و «و من ینق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه» در همین ایام که حقانیت این ملت مظلوم و شجاع مورد اعتراف سازمانهای رسمی قرار گرفت، آشکار شد. این حرکتی را که چنین پیروزی‌ای به دنبال آن بود، چه کسی کرد؟ این نصرت خدا بود، که ناشی از نصرت دین خدا توسط مردم است؛ و این وعده‌ی الهی است، و راست است.

بیانات در دیدار اعضای ستاد پیگیری قطعنامه‌ی ۵۹۸ / ۱۳۷۰/۰۹/۲۰

این وعده‌ی خدا که می‌فرماید «ان تنصروا الله ینصرکم»، دروغ که نیست. این وعده‌ی به این واضخی، نه آیه‌ی متشابه است، و نه گیری در مدلول هست؛ کاملاً پیداست. شما ممکن است منتظر باشید که «ان تنصروا الله ینصرکم» در همان لحظه محقق شود؛ نه دیگر، این توقع زیادی است؛ در آن لحظه نخواهد شد؛ اما به‌رحال سوخت و سوز ندارد. بلاشک، خدا شما را یاری می‌دهد «ینصرکم» این هم نمونه‌ی آن است. این باید برای ما درس باشد؛ کمالینکه بحمد الله هست.

بیانات در دیدار مردم استان بوشهر / ۱۳۷۰/۱۰/۱۱

امروز دشمنان اسلام به بیشترین امکانات مجهزند؛ اما آنچه که بالاتر از همه‌ی این‌هاست، وعده‌ی الهی است. وعده‌ی الهی می‌گوید که امکانات مادی دشمن و پول و سلاح و دانشی که در اختیار اوست و جنایت‌کارانه آن را مصرف می‌کند، هیچ‌کدام از این‌ها نمی‌توانند جلوی حرکت آگاهانه و شجاعانه‌ی ملتی را که در راه خدا دارد حرکت می‌کند، بگیرند؛ همچنان که تا امروز هم نتوانسته‌اند.

بیانات در دیدار جمعی از شیعیان پاکستان / ۱۳۷۰/۱۰/۱۶

همه‌ی شما باید از خدای متعال کمک بخواهید، تا ان شا الله این هدف و مقصود انجام بگیرد. یقیناً هم بعد از آنکه فهمیده بشود این یک حرکت منسجم است، دشمن مخالفت خودش را تشدید خواهد کرد. نیایستی از خصومت‌های دشمن ترسید؛ «و لما رای المومنون الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله». خدای متعال و پیامبر به ما وعده داده‌اند که اگر در راه خدا حرکت کنیم، شیاطین با ما دشمن خواهند شد؛ باید این دشمنی را تحمل کنیم. اگر ان شا الله تلاش کنیم، پیروزی با ماست. اگر ان شا الله تلاش و پیگیری کارها انجام بگیرد، پیروزی با جبهه‌ی حق است.

بیانات در دیدار مدیران شبکه‌ی دوم سیما / ۱۳۷۰/۱۱/۰۷

ان شا الله که خداوند کمکتان کند. البته کار خیلی سخت است. حرف زدن خیلی آسان است، اما عمل کردن بسیار بسیار مشکل‌تر است؛ منتها آنچه که هست، این است که خدای متعال وعده کرده که اگر شما همت کردید، در عمل هم شما را یاری بدهد. بله، حرف زدن ما با عمل شما قابل مقایسه نیست؛ فضیلت عمل شما چندین برابر است. ان شا الله همت کنید و از خدا هم کمک بخواهید؛ خدای متعال هم شما را هدایت و کمک خواهد کرد.

بیانات در دیدار مدیران شبکه‌ی دوم سیما / ۱۳۷۰/۱۱/۰۷

ان‌شاالله که خداوند کمکتان کند. البته کار خیلی سخت است. حرف زدن خیلی آسان است، اما عمل کردن بسیار بسیار مشکل‌تر است؛ منتها آنچه که هست، این است که خدای متعال وعده کرده که اگر شما همت کردید، در عمل هم شما را یاری بدهد (۱). بله، حرف زدن ما با عمل شما قابل مقایسه نیست؛ فضیلت عمل شما چندین برابر است. ان‌شاالله همت کنید و از خدا هم کمک بخواهید؛ خدای متعال هم شما را هدایت و کمک خواهد کرد.

پیام به کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی (۱) / ۱۳۷۰/۱۱/۱۵

مسلمانان باید آگاه باشند و بدانند؛ فریب دشمن و تبلیغات ترفندآمیز او را نخورند. وحدت و همدلی ما، نخستین آماج آن‌هاست. باید اجازه نداد که بهانه‌های فرقه‌بی و مذهبی و طایفه‌ی، بهانه‌های اختلاف شود. باید اجازه نداد که فشارهای توأم با وعده از سوی استکبار، اراده‌ها را ضعیف کند. باید اجازه نداد که بی‌خبران از اسلام و دشمنان خصلتی آن، در باره‌ی حلال و حرام خدا و تفسیر آیات خدا، به لاپائالات بپردازند و اسلام را به میل خود و در خلاف جهت پیام و رسالت اسلام و قرآن، تحریف و معنی کنند. اگر این کارها بشود که البته نیز خواهد شد اسلام پرچم نجات بشر را در بخش عظیمی از جهان خواهد گسترانید. به امید آن روز و با تکیه و اعتماد به وعده‌ی الهی، شما را به خدا می‌سپارم.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۷۰/۱۱/۲۰

امروز بحمدالله این استقلال، این شجاعت و این ایستادگی در مقابل زورگویی استکبار جهانی، مخصوص این ملت و این کشور است و همین است که استکبار را نسبت به این کشور و این ملت، دچار حقد و بغض کرده است. اما من این را عرض کنم؛ این هم ناشی از وعده‌ی الهی است که حقد و بغض استکبار، هیچ کاری نخواهد توانست بکند؛ «انتم الاعلون ان کنتم مومنین». قرآن کریم در دو جا می‌فرماید: «و لاتهنوا و لاتحزنوا» (۱)، «فلاتهنوا و تدعوا الی السلم» (۲) هرگز از مواضع خودتان پایین نیایید و در مقابل دشمن احساس ضعف نکنید. او که بنای کار را بر دروغ و فریب و زورگویی گذاشته، ضعیف است؛ اما شما که به خدا متکی هستید، قوی هستید.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۷۰/۱۱/۲۰

امروز بحمد الله این استقلال، این شجاعت و این ایستادگی در مقابل زورگویی استکبار جهانی، مخصوص این ملت و این کشور است و همین است که استکبار را نسبت به این کشور و این ملت، دچار حقد و بغض کرده است. اما من این را عرض کنم؛ این هم ناشی از وعده‌ی الهی است که حقد و بغض استکبار، هیچ کاری

نخواهد توانست بکند؛ «انتم الاعلون ان کنتم مومنین». قرآن کریم در دو جا می‌فرماید: «و لا تهنوا و لا تحزنوا»، «فلا تهنوا و تدعوا الی السلم». هرگز از مواضع خودتان پایین نیایید و در مقابل دشمن احساس ضعف نکنید. او که بنا کار را بر دروغ و فریب و زورگویی گذاشته، ضعیف است؛ اما شما که به خدا متکی هستید، قوی هستید.

امروز ممکن است در دنیا چیزهایی دور از دسترس به چشم بیاید. ما وقتی در باره‌ی آزادی فلسطین هم حرف می‌زنیم، بعضی به نظرشان دور و از دسترس خارج می‌آید. وقتی راجع به حاکمیت اسلام در کشورهای مسلمان سخن می‌گوییم، بعضی ممکن است این را دور از دسترس بدانند و به نظرشان بعید برسد؛ اما زمان و دوران ما، دوران کارهای بزرگ و استثنایی است. چه کسی باور می‌کرد که در دنیای قرن بیستم، با این همه تلاش ضد دین، در این نقطه‌ی حساس عالم، نظامی بر مبنای دین تشکیل بشود و رهبری امت اسلام به دست آن قائد عظیم‌النشان و روحانی بیفتد؟ هیچ‌کس گمان نمی‌کرد؛ اما شد. چه کسی باور می‌کرد که نظام اتحاد جماهیر شوروی که تقریباً بر یک سوم عالم در کشورهای مختلف و در پنج قاره حکم می‌راند، این‌طور از هم بپاشد و موجودیت خود را از دست بدهد و از نقشه‌ی جغرافیا حذف بشود؟ اگر پنج سال قبل کسی این حرف را می‌زد، هیچ‌کس از او قبول نمی‌کرد و باور نمی‌کرد؛ اما این چیز باورنکردنی انجام شد. چه کسی گمان می‌کرد که در کشورهای اسلامی، نهضت‌های اسلامی آن‌چنان پا بگیرند و بیداری ملت‌ها آن‌قدر بشود که در کشوری مثل الجزایر، مردم با رای خودشان در انتخابات، اسلام را انتخاب بکنند و اسلام پیروز بشود و منادیان دموکراسی غربی، با آن انتخابات، مخالفت و دشمنی بکنند؟ اما شد.

امروز هم وعدہ‌های الهی به ما می‌گوید که شما ملت مقاوم و شجاع؛ شمایی که این همه توطئه را از سر گذرانیده‌اید؛ شمایی که در کوره‌ی حوادث آبدیده شده‌اید؛ شما پدران و مادران شهدا، شما خانواده‌های شهیدپرور و رزمندہ‌پرور، شما دل‌های مومن در سرتاسر کشور، این جمعیت‌های میلیونی عظیم مردم مومن به خدا و قرآن، همچنان که ایستاده‌اید، همچنان که کارتان را بحمد الله تا امروز پیش برده‌اید، همچنان که کشورتان را از دست جهان‌خواران بیرون کشیده‌اید و دست گرگ‌ها و سگ‌های ولگرد را از این کشور کوتاه کرده‌اید که کشور متعلق به خودتان و در اختیار خودتان و وابسته به ابتکار و اداره‌ی خودتان است همچنان که جنگ تحمیلی را پشت سر گذاشته‌اید و محاصره‌ی اقتصادی را به زانو درآورده‌اید، همچنان که تا امروز بحمد الله این مشکلات را تحمل کرده‌اید و از خطرهای بزرگ گذشته‌اید، اگر همین اتحاد و ایمان و ایستادگی در میدان‌های انقلاب و همین وفاداری به خط امام عظیم‌النشان و همین ترسیدن از استکبار مسلط جهان‌خوار را ادامه بدهید، به فضل پروردگار همه‌ی هدف‌های دیگر شما هم برآورده خواهد شد؛ که یکی از این هدف‌ها، نابود شدن و از هم پاشیده شدن پیکره‌ی استکبار جهانی است؛ این وعدہ‌ی الهی است و وعدہ‌ی الهی بلاشک عمل خواهد کرد؛ اگرچه بسیاری در دنیا آن را نپسندند و نخواهند؛ این همان چشم‌اندازی است که به ما امید می‌دهد؛ و این همان امیدی است که در جریان انتظار فرج، آموزش‌های اسلامی به ما یاد داده است. ان شا الله افق‌های روشن، یکی پس از دیگری، در مقابل آن ملتی است که در حال راه رفتن و حرکت است.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۷۱/۰۱/۱۵

کسانی که صلاحیتشان رد شده است، شورای نگهبان برطبق ضوابط و قانون با آن‌ها رفتار کرده و معنایش این نیست که همه، آدم‌های نابابی هستند؛ نه، معنایش این نیست. کسی حق ندارد فردی را که صلاحیتش رد شده در هر جای کشور متهم کند، که «لا بد شما پرونده‌ی سنگینی دارید! لا بد شما جنایتی کرده‌اید! لا بد شما کار خلافی کرده‌اید! لا بد دزدی کرده‌اید!» نه، این‌ها نیست! قانون ضوابطی را معین کرده و شورای نگهبان، با امانت کامل، برطبق آن ضوابط قانونی، کسانی را در فهرست قبول‌شدگان می‌گذارد و کسانی را خارج می‌کند. آن‌هایی که خارج می‌مانند، یعنی با این ضوابط منطبق نبوده‌اند. چه‌بسا آدم‌های صالحی هم باشند. البته آدم ناباب هم میان‌شان هست؛ نه اینکه نیست؛ اما این‌طور نیست که هرکس صلاحیتش رد شده، بگوید «لا بد ایشان آدم خائن و نابابی است!»؛ ابدا! اگر این مسائل را رعایت کردید، جمهوری اسلامی مستحکم می‌ماند و روح امام شاد می‌شود. من به شما عرض می‌کنم: خدای متعال، وعدہ کرده است که «اگر در راه من حرکت کنید، شما را هدایت و کمک می‌کنم.»

دست‌خطی مبنی بر عدم تحریف قرآن کریم / ۱۳۷۱/۰۲/۰۱

از جمله‌ی مطالب مسلم و غیر قابل خدشه در نظر ما، آن است که قرآن مجید که امروزه در اختیار مسلمین عالم است عیناً همان است که بر نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل گشته و در صدر اول و همه‌ی دوران هزار و چهار صد ساله در میان مسلمانان، متداول و معروف بوده است، بدون کلمه‌ئی کم یا کلمه‌ئی زیاد.

این سخن همه‌ی فرق مسلمین و مورد اتفاق آنان است، و مخالفت عده‌ی معدودی از اهل تسنن و شیعه و در دوره‌های گذشته، که با استنباط قشری و غیر عالمانه از بعض منابع اسلامی، دچار خطای «قول به تحریف» شده‌اند، مورد اعتنای محققین قرار نگرفته و بکلی متروک گردیده است و امروزه نسبت چنین خطائی به هر یک از فرق اسلامی و شعب آنها جایز نیست.

این امتیاز بزرگ آئین مقدس اسلام است که در آن، وحی الهی با همان حروف و کلمات نازل‌شده‌ی بر قلب مقدس پیامبر عظیم‌النشان صلی‌الله‌علیه و آله تا امروز و تا ابد در دسترس همه‌ی آحادی که بخواهند از آن بیاموزند و هدایت یابند، بوده و خواهد بود، و این است انجام وعدہ‌ی الهی که فرمود: انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون. (۱)

پیام به سمنار در پاکستان / ۱۳۷۱/۰۲/۲۰

انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی قدس الله نفسه الزکیه احیاگر اسلام ناب محمدی (ص) و سرآغاز تحولات عمیق و سریع در جهان و مبشر سقوط و اضمحلال قدرتها و امپراتوری‌های بزرگ شد. بیداری و خودیابی و ایستادگی مسلمانان موجب شد که ما جلوه‌هایی از قدرت و حکمت الهی را شاهد باشیم و وعدہ‌ی حتمی خداوند در ظهور دین و مکتب مسلمین و وراثت صالحین و خلافت مستضعفین را در آئینه‌ی تجارب زمانه، به یقین دریابیم و قیام مهدی موعود ارواحنا فداه و استقرار دولت الهی جهانی آن حضرت را به حقیقت منتظر باشیم.

پیام به دبیرکل حزب‌الله لبنان / ۱۳۷۱/۰۲/۰۴

تهاجم سبانه‌ی صهیونیست‌های متجاوز به مردم غیر نظامی جنوب لبنان و قتل عام مردم بی‌گناه و بی‌پناه، نشان‌دهنده‌ی ناتوانی آنان در مقابله با نیروهای مومن و شجاع و فداکار حزب الله است. دشمن تا دندان مسلح و متکی به کمک‌های همه‌جانبه‌ی امریکا، به‌طور آشکار از ضربات کوبنده‌ی جوانان حزب الله، که بیش از هر چیز به سلاح ایمان و فداکاری مجهزند، به ستوه آمده و خشم دیوانه‌وار خود را بر سر زنان و کودکان فرومی‌ریزد. صهیونیست‌های غاصب، در برابر چشم مردم دنیا به قتل و جنایت دست می‌زنند؛ مرتکب ترور و آدم‌ربایی و بمباران مناطق مسکونی می‌شوند؛ روستاها را تخریب و مردم را بی‌خانمان می‌کنند و دولت‌ها و سازمان‌های مدعی طرف‌داری حقوق بشر، این همه را با خونسردی تماشا می‌کنند. این وضع، حقانیت موضع شما مجاهدان راه خدا را، بیش از پیش به اثبات می‌رساند. کسانی که می‌پندارند مذاکره با دشمن وقیح و خشن و زورگویی چون صهیونیست‌های غاصب، خواهد توانست به احیای حق مردم فلسطین و لبنان و نجات سرزمین‌های اسلامی منتهی شود، خود را می‌فریبند. راه درست، همان است که شما انتخاب کرده‌اید. و همین است که به فضل الهی، دشمن را به زانو در خواهد آورد. راه شما، راه خدا و راه اولیای خداست و با صبر و تداوم و نهراسیدن از دشمن خدا، نصرت الهی را در پی خواهد داشت. شما در دوران ده‌ساله‌ی اخیر در لبنان، بارها این را تجربه کرده و تحقق وعدہ‌ی الهی «و لینصر الله من ینصره»، را، به چشم دیده‌اید. گوارا باد بر شما ثواب مجاهدان فی سبیل الله!

بیانات در مراسم سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۷۱/۰۳/۱۴

شما با ایستادگی خودتان پیروز شدید و اگر این ایستادگی نبود، تا امروز بارها دشمن، اغراض پلید خود را در ایران عزیز و میهن اسلامی ما اعمال و اجرا می‌کرد. ملت‌های دیگر هم، راهی جز ایستادگی ندارند. اگر ملت‌ها ایستادگی کنند، خدا به آن‌ها کمک می‌کند. «و لینصرن الله من ینصره». وعده‌ی خدا این است که اگر شما خدا را نصرت کردید، خدا هم شما را نصرت می‌کند.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۷۱/۱۰/۱۹

ان شا الله آینده‌ی روشن و خوبی از لحاظ مادی و معنوی در انتظار ملت عظیم‌الشان ماست. نور امید را باید همیشه در دل‌ها زنده نگه داریم. با نور امید و با تلاش است که ان شا الله به سر منزل خواهید رسید. البته در این راه، توجه و توسل و دعا و ارتباط با خدا مخصوصا از طرف جوانان نباید فراموش شود. پیغمبر اکرم صلوات الله و سلامه علیه با آن قدرت ملکوتی، دائم با خدای متعال در حال راز و نیاز و توجه و توسل بود. توسل به ولی‌الله اعظم ارواحنا فداه و ارتباط قلبی با آن حضرت، جزو وظایف ماست. این ایام و لیالی متبرک را قدر بدانیم. الآن در ماه رجب هستیم؛ ماهی که روزهای متبرکی دارد. از این ایام استفاده بردن و معنویت را تقویت کردن و با خدا ارتباط برقرار کردن و ذکر و دعا و توسل را اهمیت دادن از وظایف است. تقویت ارتباط خود با خدا؛ تلاش در مسائل دنیایی اعم از فراگیری علم و دانش و کوشش در راه سازندگی آگاه بودن از مسائل سیاسی و اقتصادی و مهم‌تر از همه، حفظ آن امید، عوامل و ویژگی‌هایی است که ان شا الله در آینده آینده‌ای نه‌چندان دور همی روی زمین را به نور جمهوری اسلامی منور خواهد کرد و بشریت را از برکات اسلام برخوردار خواهد ساخت و ملت ایران را همچنان که خدای متعال به مسلمانان وعده فرموده است شاهد یکپارچگی و وحدت بشریت در روی زمین قرار خواهد داد. خداوند ان شا الله به شما توفیق دهد، شما را حفظ کند و زحمات شما مقبول درگاه مقدس ربوبی قرار گیرد.

بیانات در اولین روز ماه مبارک رمضان / ۱۳۷۱/۱۲/۰۴

اگر ما اخلاص ورزیدیم، بنده‌ی مخلص می‌شویم؛ اخلاص‌ورزنده برای خدا، در عمل و نیت. اما فراتر از بنده‌ی مخلص، بندگان مخلص‌اند. مرحوم سید بحر العلوم رضوان الله تعالی علیه، در رساله‌ای که در سیر و سلوک به ایشان منسوب است، بین مخلص و مخلص فرق می‌گذارد. می‌گوید مخلص کسی است که عملی را فقط برای خدا انجام می‌دهد و کاری به کار دیگران ندارد. اما مخلص آن است که همه‌ی وجود خود را خالصا و مخلصا برای خدا قرار می‌دهد. همه‌ی هستی او فقط برای خداست. این، مرتبه‌ی بسیار والایی است که واقعا دور از دسترس است. اما به نظر بنده، در این دوران، بخصوص جوانان و کسانی که در میدان‌های عمل و مبارزه و جهاد واردند، می‌توانند به این مرتبه هم برسند. البته برای امثال ما مشکل و خیلی دشوار است. ما خیلی دوریم! اما جوانان و بخصوص جوانان مومن و پاک و خالص، با آن دل‌های روشن و پاکی که دارند، می‌توانند به اینجا برسند. البته رساله‌ی مذکور، منسوب به مرحوم بحر العلوم است و قطعی نیست که مال ایشان باشد. بعد می‌فرماید: خدای متعال به این مخلصین سه وعده داده است؛ سه امتیاز بزرگ. یکی این است که فرموده است: «فانهم لمحضرون الا عباد الله المخلصین». یعنی در قیامت، همه‌ی مردم در محشر حاضر می‌شوند و مورد محاسبه‌ی الهی قرار می‌گیرند، مگر بندگان مخلص که آن‌ها معافند. آن‌ها چون ذره ذره‌ی اعمال و انقاس و حرکاتشان برای خدا بوده است، لذا از اینکه در این عرصه از عرصه‌ی حشر آفاقی وارد شوند و مورد سوال قرار گیرند، معافند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۱/۱۲/۰۷

دعا، وسیله‌ای در کنار وسایل دیگر است. به قول بزرگان از محققین و متفکرین ما، همچنان که در عالم وجود، خدای متعال ده‌ها وسیله و سبب و علت قرار داده است، دعا هم یکی از سبب‌هاست. در بسیاری از دعاها، حاجت و مقصود خواستن مطرح می‌شود. مثلا فرض بفرمایید در همین دعای سحر ماه مبارک رمضان که دعای بسیار عالی‌المضمونی هم هست، بعد از آنکه خدای متعال را به اسما و صفات سوگند می‌دهد، می‌گوید: دعا کن به آنچه که می‌خواهی و مقاصد خودت را از خدا بخواه. بعد از این همه قسم دادن خدای متعال، دعا مستجاب می‌شود. لذا در روایتی از امیر المومنین علیه الصلاه و السلام، نقل شده است که فرمود: «ادفعوا امواج البلاء علیکم بالادعا قبل ورود البلاء» پیش از آنکه بلا بر شما وارد شود، با دعا، بلا را دفع کنید. این‌ها واقعیت است. این، البته بدان معنا نیست که هرچه شما خواستید و هرطور آن را با خدای متعال در میان گذاشتید، برآورده خواهد شد؛ نه، شرایطی دارد، آدابی دارد؛ مثل همه‌ی اسباب عادی و مثل همه‌ی خواسته‌ها. اگر شما از دوستان هم چیزی بخواهید، آداب و تشریفات دارد. ادب مخصوص دعا را باید به کار گرفت و عمده‌ترین آداب، این است که انسان به خدای متعال توجه کند و با همه‌ی دل، از خدا بخواهد. هنگامی که قلب انسان رقیق می‌گردد و توجهی پیدا می‌شود، وقت دعاست. آن وقت اگر از خدا بخواهید، غالب این است که مقصود برآورده می‌شود. مگر مواردی که در علم الهی، مصالحی وجود دارد که آن مصالح را ما نمی‌دانیم و خدای متعال، به خاطر دعای من و شما مصالح عمومی آفرینش، یا مصالح یک ملت را به هم نمی‌ریزد. آنجا که سر راه خواسته‌ی ما، مصلحت بزرگی مانع نباشد و آنجا که توجه لازم را در حال داشته باشیم، دعا مستجاب خواهد شد؛ یا زود و یا دیر. در روایات دارد، وقتی برای حاجاتی دعا می‌کنید، دعا و خواسته‌ی خود را زیاد ندانید. یعنی هرچه مایل هستید و می‌خواهید، از خدا طلب کنید. نگویید «این زیاد است. کمتر بخواهم تا بشود». ما از استکثار دعا منع شده‌ایم. یعنی دعا و مطلوب را، در مقابل پروردگار، زیاد نشمارید. از خدا، خواسته‌های بزرگ بخواهید و خدای متعال برآورده می‌کند. در امید به دعا را به روی خودتان نیندید و این راه و وسیله‌ای را که خدای متعال بین خود و بندگانش قرار داده است، بر روی خودتان مسدود نکنید. البته باز در روایات دارد: «النهی من الاستعجال فی الدعاء» یعنی در دعا عجله نکنید. اگر چیزی را خواستید و در زمانی که شما خواستید برآورده نشد، نگویید که خدای متعال دعای مرا مستجاب نکرد؛ نه، «الامور مرهونه باوقاتها». در روایت دارد: بنی اسرائیل بعد از آنکه خدای متعال وعده داد آنان را نجات خواهد داد، چهل سال دعا کردند و بالاخره شد. کار بزرگی هم انجام شد. غرق فرعون و پیروزی موسی بر فرعون، امری نیست که چهل سال تلاش، برای آن زیاد باشد. عجله نکنید! با توجه، خدا را بخوانید و هرچه می‌خواهید از خدا بخواهید که در بعضی از دعاها، این معنا را دارد. در دعایی این‌گونه وارد است که «الهی تموه الآمال قد خابت الا لدیک و عواکف الهمم قد تعطلت الا علیک». یعنی آرزوهای زیاد در هر دری و نزد هرکسی که مطرح گردد، مردود می‌شود، مگر در پیشگاه تو. در پیشگاه تو، خواسته‌های زیاد هم برآورده می‌شود.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری / ۱۳۷۲/۰۵/۱۲

مسئله‌ی فلسطین را ما با معیارهای خودمان حل و بر اساس آن قضاوت می‌کنیم و نسبت به آن اقدام می‌نماییم و تابع هیچ قدرتی در دنیا نمی‌شویم. در مورد مسئله «بالکان»، همین‌طور عمل می‌کنیم. در مسئله «افغانستان» در طول هشت سال جنگ، با همه‌ی آن عسرت‌ها و سختی‌هایی که آن همه مسئله برای ما داشت، ایستادیم و همان‌گونه که مبنا و روش و دید اسلامی ما بود، نسبت به این مسئله، حرکت کردیم. وقتی که این سیاست‌ها مورد نظر باشد و آن مدیریت وجود داشته باشد، کشور خوب اداره می‌شود. اما شرط اول آن، وجود ملت بی‌همتایی است که مسئولین کشور می‌توانند به طور کامل به او اعتماد کنند. این ملت بزرگ، ملت خوبی است. امام عظیم‌الشان، این ملت را خوب شناخته بود و من هیچ‌کس را مثل آن بزرگوار ندیدم که با خصوصیات این ملت، این‌گونه آشنا باشد و به او این‌طور ایمان داشته باشد. همین‌طور که در قرآن راجع به پیغمبر علیه و علی آله السلام هست که فرمود: «یومن بالله و یومن للمومنین» (۱)، امام به این ملت ایمان داشت. امیدواریم که ان شا الله توجهات ولی‌عصر ارواحنا فداه، شامل حال دولت عزیز ما و رئیس‌جمهور عزیزمان و مسئولین زحمتکش گرامی‌مان و ملت عظیم‌الشان و بزرگوارمان باشد. ان شا الله، این ملت به همان جایی برسد که شایسته‌ی او و وعده‌ی الهی در حق اوست.

متن حکم تنفیذ ششمین دوره‌ی ریاست جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۷۲/۰۵/۱۲

خدای بزرگ را حمد و سپاس که در دوره‌ی چهارساله‌ی گذشته، عزت و اقتدار معنوی جمهوری اسلامی ایران را که ناشی از لطف و تایید الهی و موهون عنایات و توجهات حضرت ولی‌الله‌الاعظم (روحی فدا) و منقش به نام ماندگار و پرافتخار امام راحل است، استمرار بخشید و در دنیای طوفانی این چندساله که لبریز از حوادث بزرگ بود و شگفتیهایی چون دگرگونی نظام دوقطبی جهانی و آغاز فروپاشی ابرقدرت‌های افسانه‌ای و تغییرات عمده در جغرافیای سیاسی عالم و جنگها و فتنه‌ها و وقایع خونین به همراه داشت، ایران عزیز را در سایه‌ی امن و امان خویش از گزند حوادث مصون داشت و به حکمت و تدبیر الهی محفوف فرمود و خدای بزرگ را حمد و سپاس که ملت عزیز ایران را به لطف و رحمت خود مطمئن و دلگرم فرمود و توطئه‌های خناسان را که در قالب شبکه‌ی تبلیغاتی صهیونیستی و استکباری، سعی خود را بر شکستن روحیه و مقاومت ملت ایران متمرکز کرده‌اند همواره نقش بر آب ساخت و دلهای مومن و حق جوی این امت پیشرو را به صدق وعده‌ی الهی مستحکم نمود و ملت ایران در هرجا که حضور او و رای او برای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی لازم بود، با حضور و اعلام رای خود دشمن را ناکام ساخت و به ندای الهی لبیک گفت و در گزینش رئیس‌جمهور، با هشیاری و انگیزه و حساسیت به پای صندوق رای آمد و به وصیت امام و مرشد و معلم بزرگش عمل کرد و خدای بزرگ را سپاس که در این نوبت نیز رای مصیب ملت مسئولیت را به دستهای توانای مردی سپرد که در میدانهای دشوار، لیاقت و امانت و صلاح و کاردانی و برجستگی او را آزموده است. مردی بزرگ از سابقین اولین انقلاب و از حواریین و انصار دیرین امام. عالمی متفکر، سیاستمداری هوشمند، فقیهی زمان‌شناس، مجاهدی خستگی‌نشناس، برادر مهربانی برای ضعیفان و مدیر کاردانی برای کشور.

متن حکم تنفیذ ششمین دوره‌ی ریاست‌جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۷۲/۰۵/۱۲

خدای بزرگ را حمد و سپاس که ملت عزیز ایران را به لطف و رحمت خود، مطمئن و دلگرم فرمود؛ توطئه‌های خناسان را که در قالب شبکه‌ی تبلیغاتی صهیونیستی و استکباری، سعی خود را بر شکستن روحیه و مقاومت ملت ایران متمرکز کرده‌اند، همواره نقش بر آب ساخت و دلهای مومن و حق‌جوی این امت پیشرو را به صدق وعده‌ی خود مستحکم کرد، تا مردم ایران در هرجا که حضور و راییشان برای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی لازم بود، با حضور و اعلام رای خود، دشمن را ناکام سازند و به ندای الهی، لبیک گویند و در گزینش رئیس‌جمهور، با هشیاری و انگیزه و حساسیت به پای صندوق رای آیند و به وصیت امام و مرشد و معلم بزرگشان عمل کنند.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه / ۱۳۷۲/۰۶/۲۵

نسل تربیت شده‌ی اسلام، به برکت ایمان و توکل و اعتقاد به خدا؛ اعتقاد واقعی به ارزشهای الهی و اسلامی، توانست یکی از بزرگترین کارهای دنیا را بکند. شما امروز کدام کشور را در دنیا سراغ دارید (بروید سراغ قویترین کشورها) که اگر همه‌ی دنیا علیه او، با یکدیگر همدست شوند، بتواند سر پای خود بایستد و دچار تزلزل نشود؟ بروید این کشورهای قوی دنیا را یکی پس از دیگری ببینید. آیا چنین ظرفیتی در این کشورها هست؟ چه کسی می‌توانست آن‌طور بایستد، جز آن‌که دل او به خدای بزرگ و وعده‌ی نصرت الهی به معنای حقیقی کلمه باور داشت؟ «ولینصرن الله من ینصره». (۱) این‌که دیگر قابل تاویل نیست؛ و واقعیت جامعه‌ی ما و حوادث تاریخ ما هم این را ثابت کرد.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه / ۱۳۷۲/۰۶/۲۵

امروز دنیای اسلام بیش از همه چیز به این احتیاج دارد که جوانان مسلمان و آحاد ملت‌های مسلمان، به وعده‌های الهی اطمینان یابند و قرآن را باور کنند. اینکه ما بگوییم «ایمان داریم»، «مسلمانیم»، «مسلمان واقعی هستیم»، کافی نیست. با این حرف‌ها هم که بیایند جمهوری اسلامی و امتحان داده‌های ملت ما را این ملتی که ایمان خودش را در عمل ثابت کرده است تخطئه کنند و بگویند «آنکه شما می‌گویید، ایمان واقعی و اسلام واقعی نیست. اسلام واقعی این است که ما می‌گوییم» کار درست نمی‌شود و مطلبی ثابت نمی‌گردد.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه / ۱۳۷۲/۰۶/۲۵

شما امروز کدام کشور را در دنیا سراغ دارید (بروید سراغ قوی‌ترین کشورها) که اگر همه‌ی دنیا علیه او، با یکدیگر همدست شوند، بتواند سر پای خود بایستد و دچار تزلزل نشود؟ بروید این کشورهای قوی دنیا را یکی پس از دیگری ببینید. آیا چنین ظرفیتی در این کشورها هست؟ چه کسی می‌توانست آن‌طور بایستد، جز آنکه دل او به خدای بزرگ و وعده‌ی نصرت الهی به معنای حقیقی کلمه باور داشت؟ «ولینصرن الله من ینصره». (۱) اینکه دیگر قابل تاویل نیست؛ و واقعیت جامعه‌ی ما و حوادث تاریخ ما هم این را ثابت کرد. و شما آن جوانان هستید. قدر خودتان را، یعنی قدر آن گوهر گران‌قدری را که در وجودتان است، بدانید. تمام مشکلات بزرگ دنیای اسلام، می‌تواند با آن امانت الهی که در دلها و وجود شماست، حل شود. اینکه می‌بینید دنیای اسلام، بعد از چهل و پنج سال ضربه خوردن و خسارت کشیدن و قربانی دادن، ناگهان به وسیله‌ی عده‌ای عناصر ضعیف، حقیر و نالایق که ایمان به خدا در قلب آنها نیست و آن روح اسلامی به کلی با آنها بیگانه است، با یک خیانت فضیح از بین می‌رود و دشمنان توطئه‌ی خودشان را نسبت به قضیه‌ی فلسطین کامل می‌کنند، به این سبب است که این گوهر گران‌بهایی که در اینجا، به فضل الهی به وفور وجود دارد، متأسفانه در آنجاها که باید باشد، کم است. بعضی جاها هم که اصلاً نیست!

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۲/۱۱/۱۷

انسانی به کمال راه پیدا می‌کند که از بین همین چیزهای تکراری، حقایق را پیدا کند. علم مادی نیز همین‌طور است. همه در مدت عمرشان دیده‌اند که وقتی سیب از درخت جدا می‌شود، به طرف زمین می‌افتد. دیگر از این کار عادی‌تر، چیزی در دنیا هست؟! اما یک نفر متوجه شد که این یک پدیده است؛ چرا سیب پایین می‌آید؟ چرا از درخت که جدا می‌شود بالا نمی‌رود؟ آن‌وقت نیروی جاذبه کشف شد. یک باب جدید در دانش بشری باز شد. همه‌ی این چیزهای عادی زندگی ما از این قبیل است. قرآن را ملاحظه کنید: «فلا ینظرون الی الابل کیف خلقت». «برای عرب شترسوار چیزی عادی‌تر از شتر هست؟! انسان را به آن ابل متوجه می‌کند. ما باید به این پدیده‌های الهی که دور و بر ماست، توجه کنیم. یکی از آنها، همین ماه رمضان است. این ضیافت الله چیز کمی نیست. شنیده‌ایم «ضیافت الله» میهمانی است! آن هم میهمانی‌ای که میزبان آن، خدای عظیم علیم کریم قدیر است که سراسر آفرینش، در قبضه‌ی قدرت اوست. «فهی بمشیتک دون قولک موتمره». «این، ضیافت الهی است؛ این هم ما که دعوت شده‌ایم: «دعیتم فیه الی ضیافت الله» از این باید استفاده کرد. استفاده از این به چیست؟ به همین چیزهایی که در اختیار ما گذاشته‌اند: همین روزه، همین نماز، همین نوافل، همین دعا، همین ذکر، همین توجه، همین خشوع و همین تضرع. اگر وارد این میدان شویم و ما معممین سعی کنیم مخاطبان خودمان را هم وارد این میدان کنیم، این کشور تبدیل به یک منطقه بهشتی خواهد شد. دنیا و آخرت درست خواهد شد، که: «لو ان اهل القری آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض» این‌ها وعده‌ی الهی است. این‌ها مبالغه و اغراق‌گویی نیست. خدای متعال، برکات زمین و آسمان را بر مردم باتقوا مفتوح خواهد کرد. تقوا هم به همین است.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۲/۰۶/۰۴

همه‌ی سعی دولت محترم و خدمتگزار، این باشد که ارزشهای اسلامی را هرچه بیشتر در جامعه زنده کند. بالاترین ارزش هم، ارزش تقواست. تقوا عاملی است که ما را در راه اسلام حفظ می‌کند. تقوا یعنی اینکه مواظب خود باشیم. این امر به گروه خاصی اختصاص ندارد و هر فردی را در هرجا که هست و هر عضوی از اجزای دولت را- از اجزای عالی‌رتبه تا کارمندان معمولی- در برمی‌گیرد. هر فردی از آحاد مردم، در هرجا که کشور که زندگی می‌کند، مراقب باشد که از جاده‌ی اسلام تخطی نکند. اسلام وعده‌ی نصرت داده است. قرآن وعده‌ی پیشرفت و موفقیت در همه‌ی ابعاد زندگی داده است و دنیا و آخرت ملت را آباد می‌کند. همچنان که به

فضل پروردگار، در همین مدت کوتاه که اسلام در این کشور حاکم شده است، کارهایی برای زندگی مردم انجام شده که قابل مقایسه با دوران گذشته نیست. خدماتی که در این مدت به طبقات محروم شده است، با آنچه که قبل از پیروزی انقلاب انجام گرفته، قابل مقایسه نیست و این همه، با وجود همه مشکلاتی صورت گرفته است که علیه این کشور به وجود آورده‌اند. راه اسلام، راه سعادت است و ملاک پایبندی به اسلام، رعایت تقواست. این امر را هرکسی در عمل شخصی خود می‌تواند بفهمد و مواظب خود باشد. تقوا این است. برادران و خواهرانی که در گوشه و کنار این کشور هستید! مراقب باشید که از آنچه رضای خدا در آن است، تخطی نکنید. تابع شهوات نفس نشوید، تا راه خدا را گم نکنید. مسئولین کشور هم این مسئله را رعایت کنند. قوای محترم مقننه، قضائیه و مجریه که بحمد الله در این راه هستند، به رعایت تقوا بکوشند. شما در هیچ جای دنیا نمی‌توانید دولتمردان، رجال و مسئولینی با این تقوا و طهارت و پاکیزگی که در جمهوری اسلامی هستند، پیدا کنید. همه همین راه را بایستی ادامه دهند. این راه، راه پیروزی است. دشمن در همه آزمایشهای خود علیه اسلام و مسلمین، ناکام شده است و باز هم ناکام خواهد شد.

پاسخ به پیام تبریک ریاست سناد مشترک ارتش به مناسبت حلول سال نو / ۱۳۷۲/۱۲/۲۴

از شما و پرسنل عزیز ارتش جمهوری اسلامی ایران متشکرم و متقابلاً به همه شما و خانواده‌هایتان صمیمانه تبریک می‌گویم. سالی گذشت با همه تجربه‌ها و تلخ و شیرینی‌هایش و اینک سالی دیگر برابر ماست. همه بکوشیم در این سال اثر تلخ‌کامی‌ها را با کارهای نیک و تلاشهای ثمربخش بردانیم و میوه‌های شیرین تلاشهای گذشته را به کام هم‌میهن‌انمان و عزیزان این مرزوبوم شیرینتر کنیم. در همه حال به خدا توکل کنید و از او کمک بخواهید و مشعل امید را با اعتماد به خدا و وعده‌های الهی فروزانتر کنید.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۷۴/۰۱/۰۲

پیغمبر اکرم، حضرت محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله، در اول اسلام- که آن هم صحنه دیگری مثل همین صحنه امروز انقلاب ما بود- با همین قضایا مواجه بود؛ مبارزه می‌کرد و می‌جنگید. منتها پیغمبر، فقط یک دوره‌ی خاص را ملاحظه نمی‌کرد؛ بلکه با ملاحظه‌ی طول تاریخ، سخنی را می‌فرمود و مبارزه می‌کرد. در هر حادثه‌ای از این قبیل، وحی الهی نازل می‌شد؛ نفس ملکوتی پیغمبر هم بود. سپس نبی اکرم، مطلب را برای مردم بیان می‌کرد. لذا شما در قرآن می‌بینید: «... و لا تسرفوا». زیاده‌روی نکنید. در بین علما، این مطلب تقریباً مسلم است که هر گناهی که در قرآن برای آن وعده‌ی عذاب داده شده باشد، جزو گناهان کبیره است. اگر با این دید نگاه کنیم، می‌بینیم خیلی از این کارهایی که به چشم نمی‌آید، جزو گناهان کبیره است و ما توجه نداریم.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس / ۱۳۷۴/۰۳/۰۸

این، سنت خداست. مال زمان ما هم نیست. در هر زمانی که عده‌ای از مومنین به اقامه‌ی دین کمر ببندند، خدا به آنها توفیق خواهد داد. این، وعده‌ی صریح قرآن و سنت لایتغیر الهی است. امروز عده‌ای به اقامه‌ی این دین، برافراشتن پرچم دین و تحکیم احکام و قوانین آن کمر بسته‌اند؛ خدای متعال هم اراده‌اش بر این قرار گرفته است که این خواست را منجز و دست دشمن را کوتاه کند و کوتاه هم خواهد کرد. نگرانی ندارد که کسی در گوشه و کنار، نگران این مسائل باشد. بحمد الله، کشور در حال عزت کامل، در جهت اعتزاز بیشتر و به سمت اهداف الهی، در پیش است. هرکس مشغول انجام وظایف خود است. در این مجموعه، تلاش مقدس و مجاهدت‌آمیز است. مجلس هم، بحمد الله، مشغول است.

بیانات در دیدار مردم ساری / ۱۳۷۴/۰۷/۲۲

من به جوانان توصیه می‌کنم نماز جماعت را، حضور در مساجد، اقامه‌ی مجالس دعا و تضرع و فهمیدن مفاهیم این دعاها را- که بفهمید با خدا چه می‌گویید و چه صحبت می‌کنید- جدی بگیرید. از یک طرف بازوان فعال و گام استوار در راه سازندگی علمی و عملی؛ از یک طرف دل خاشع و خاضع در مقابل پروردگار و توجه و توسل به خدای متعال و استمداد از اولیای مطهر و معصومش؛ بخصوص حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فدا. این خواهد توانست همان حیات طیبه‌ای را که قرآن وعده کرده است و انقلاب برای آن است، ان شا الله برای شما مردم به ارمغان آورد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۴/۰۹/۲۹

نظامهای سرمایه‌داری در دنیا، دنبال آبادی، عمران و پیشرفت علم و صنعت در کشورهایشان رفتند؛ بدون اینکه به اصل عدالت اجتماعی، اهتمام قابل اعتنا‌یی داشته باشند. البته خیلی از آن هدفها را توانستند کسب کنند؛ مانند کسب علم، زندگی راحت، فناوری پیشرفته، زندگی لوکس و کسب قدرت نظامی. این‌ها به‌دست آمد و این هم وعده‌ی الهی است. خداوند متعال وعده فرموده است که هر ملتی، چنانچه به‌طور جدی به دنبال هر هدفی حرکت کند، به آن هدف خواهد رسید(۱). در این، شک نیست. آن‌هایی هم که به‌طور جدی حرکت کردند، به همان مقدار، به این ظواهر زندگی؛ یعنی به ثروت جامعه، قدرت نظامی و قدرت و پیشرفت علمی رسیدند؛ اما در زندگی‌شان، سعادت‌مند نشدند. در آن کشورها، دردهای بشریت، تمام نشده است. ثروتی که در آن جامعه هست، عده‌ای از افراد جامعه را برخوردار کرده است؛ اما نتوانسته‌اند تبعیض را برطرف و عدالت اجتماعی را برقرار کنند. حتی برای کسانی هم که از زندگی راحت برخوردارند، نتوانستند راحتی حقیقی، آرامش روحی و زندگی خوش به وجود آورند. آب خوش از گلویشان پایین نمی‌رود. انواع و اقسام گرفتاریها، گریبان آن‌ها را گرفته است. البته بعضی از گرفتاریها فوری ظاهر می‌شود و بعضی بعد از مدتی ظاهر می‌گردد، که اکنون وقت ظاهر شدن گرفتاریهای آنهاست. دنیای غرب، ممکن است بیست تا چهل سال پیش این‌طور نبوده است؛ اما اکنون گرفتاریهای زندگی مادی، گریبان آن را گرفته است. دلیل آن، این است که به معنویت و عدالت اجتماعی توجه نکرده است.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم / ۱۳۷۴/۱۰/۱۷

این ولادت بزرگ و این حقیقت عظیم، متعلق به یک ملت و یک زمان خاص نیست؛ بلکه متعلق به بشریت است. این «میثاق الله الذی اخذه و وکده»، میثاق خدا با انسان است. «وعد الله الذی ضمنه»؛ این، وعده‌ی خداست که تحقق آن را ضمانت کرده است. همه‌ی انسانهای طول تاریخ، نسبت به این پدیده‌ی عظیم و شگفت‌آور، احساس نیاز معنوی و قلبی کرده‌اند؛ چون تاریخ، از اول تا امروز و از امروز تا لحظه‌ی طلوع آن خورشید جهان‌تاب، با ظلم و بدی و پلیدی آمیخته بوده است. همه‌ی کسانی که از ظلمی رنج برده‌اند- چه آن‌هایی که به خودشان ظلم شده است و رنج برده‌اند و چه آن‌هایی که به ستم‌کنشی دیگران نگاه کرده‌اند و رنج برده‌اند- با یاد ولادت این منجی عظیم تاریخ و بشر، در دلشان امیدی به وجود می‌آید.

بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان / ۱۳۷۵/۰۲/۲۶

در عهد رسول الله، کسانی در خانه نشستند و گفتند: «خدای متعال وعده کرده است که «و من یتوکل علی الله فهو حسبه». خوب؛ ما توکل می‌کنیم و در خانه می‌نشینیم.» وقتی پیغمبر خبردار شد، به آن‌ها فرمود: «خدا یک دعای شما را هم مستجاب نخواهد کرد!» این برای چیست؟ برای این است که جامعه از لحاظ مادی رشد کند، به سازندگی بپردازد و توسعه یابد. تفاوت محیط زندگی اول اسلام که مردم در «صفه» زندگی می‌کردند، با پنجاه سال بعدش، که در همان کشور اسلامی، انواع و اقسام نعمتهای مادی همه جا را پر کرد، به‌خاطر این بعد بود.

بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) / ۱۳۷۵/۰۳/۲۰

خداوند متعال وعده داده است که اگر کسی او را نصرت کند، او هم نصرتش خواهد کرد، روبرگرد ندارد! اگر کسی برای خدا تلاش و حرکت کند، پیروزی نصیبش خواهد شد. نه اینکه به هریک نفر پیروزی می‌دهند! وقتی مجموعه‌ای حرکت می‌کند، البته، شهادتها هست، سختیها هست، رنجها هست؛ اما پیروزی هم هست؛ «و لینصرن الله من ينصره»، نمی‌فرماید که نصرت می‌دهیم؛ خون هم از دماغ کسی نمی‌آید. نه! «فیقتلون و یقتلون»؛ می‌کشند و کشته می‌شوند؛ اما پیروزی به دست می‌آورند. این، سنت الهی است. وقتی که از ریخته شدن خونمان ترسیدیم؛ از هدر شدن پول و آبرو ترسیدیم؛ به خاطر خانواده ترسیدیم؛ به خاطر دوستان ترسیدیم؛ به خاطر منقض شدن راحتی و عیش خودمان ترسیدیم؛ به خاطر حفظ کسب و کار و موقعیت حرکت نکردیم؛ به خاطر گسترش ضیاع و عقار حرکت نکردیم؛ معلوم است دیگر! ده تن امام حسین هم سر راه قرار بگیرند، همه شهید خواهند شد و از بین خواهند رفت؛ کما اینکه امیر المومنین علیه الصلاه و السلام شهید شد؛ کما اینکه امام حسین علیه‌السلام شهید شد.

پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا و ایثارگران / ۱۳۷۵/۰۷/۰۵

یاد شهیدان، یادبود ارزشهای انسانی است، و گرامیداشت آنان، تجلیل از برترین خصال بشری است. یاد شهیدان باید با تدبیر و عبرت‌گیری همراه باشد. آنان همان فرزانه‌گانی هستند که جان عاریت را که کالایی تمام شدنی و رو به زوال است، با نعیم پایدار الهی سودا کردند و خود را از خسرانی که هر انسانی خواه ناخواه دچار آن است- یعنی اضمحلال تدریجی سرمایه‌ی زندگی- به نیکوترین وجه رها ساختند. عمل صالح آنان که از ایمانی پایدار ریشه می‌گرفته است، برترین عملهای صالح است. این درس بزرگ را شهید با حضور خود، با کرامت خود، با اجر عظیمی که بدو وعده داده شده است، به طور پیوسته به ما که هنوز در پشت حصارهای مادیت و خودپرستی زندانی می‌باشیم، می‌دهد و ما را به جهاد، به هجرت الی الله، به تلاش مخلصانه در راه خدا- که همان انجام تکلیف هر زمان و پاسخ به نیاز هر لحظه است- فرا می‌خواند. رحمت خدا بر آنان و تفضل و اجر الهی شامل حال خانواده‌های صبور و سرافراز آنان باد. و سلام الله الزاکیات علی ولیه الاعظم و محبوب جمیع الامم (روحی فدا).

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۷۶/۰۱/۰۱

در آیات متعددی از قرآن کریم، خداوند متعال وعده فرموده است که دین خدا و دین حق را در مقابل کارشکنیها و دشمنیها و حسادتها و کین‌ورزیهای دشمنان در طول زمان، حفظ خواهد کرد. این آیات شریفه‌ای که مربوط به سوره‌ی «صف» است، یکی از آن آیات است: «یریدون لیطفنوا نور الله باقواهم». این آیه کریمه، راه خدا و دین خدا را به نور، آن هم نور خدا تشبیه فرموده است. نور خدا چون منتسب به حضرت باری تعالی است، طبعاً از همه‌ی انواری که در ذهن بشر می‌گنجد مثل نور خورشید و نور ستارگان و انوار قوی‌تر از آن به مراتب و به قدر بی‌نهایت قوی‌تر است. دشمنی دشمنان را هم به پف کردن با دهان تشبیه کرده است. همان‌گونه که کسی پف می‌کند و نور شمع یا چراغی را خاموش می‌کند، دشمنان می‌خواهند پف کنند و نور خدا را خاموش کنند! نور خدا طبعاً از همه‌ی آنچه که در ذهن بشر می‌گنجد، قوی‌تر است. اگر بگویند کسی نور خورشید را با هوای ضعیفی که از دهان خارج می‌کند، می‌خواهد خاموش کند، عقلاً بر این تصمیم احمقانه و کودکانه، خنده‌ی تمسخر می‌زنند؛ چه رسد به نور خدای متعال.

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا / ۱۳۷۶/۰۵/۲۹

من به شما و همه‌ی جوانان عرض می‌کنم که وعده‌ی خدا را باور کنید. وعده‌ی الهی این است که اگر اهل حق پای حق خودشان بایستند، حق پیروز خواهد شد. در همه‌ی مراحل این‌طور است. در دوران انقلاب این را تجربه کردید، در دوران جنگ تجربه کردید، در دوران اسارت تجربه کردید، در دوران بعد از پایان جنگ که ملت ایران در صدد بنای دوباره‌ی کشور خود برآمد این را تجربه کردید؛ در آینده هم باید این را یقین داشته باشید که عملی است.

بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۷۶/۰۸/۱۲

روز سیزدهم آبان، روز مبارزه با استکبار معین شده است؛ اما عزیزان من! شما بدانید که برای ملت ایران، هر روز، روز مبارزه با استکبار، و همه جا سنگر مبارزه با استکبار است. کلاس درس هم سنگر است، کارگاه هم سنگر است، مزرعه هم سنگر است. کار دولتی و علمی و تحقیقی هم سنگر است. هرکس هر کاری برای پیشرفت این کشور می‌کند، یک حرکت اساسی برای استقلال این کشور می‌کند، که مشتکی بر دهان آمریکا و همه‌ی زورگویان عالم است. خداوند به کسانی که در راه او حرکت می‌کنند، وعده‌ی کمک فرموده است و تا به حال بحمد الله به این وعده هم عمل کرده است، که همه‌ی ما آن را مشاهده کرده‌ایم و دیده‌ایم؛ بعد از این هم خواهد بود.

بیانات در دیدار جمعی از پاسداران / ۱۳۷۶/۰۹/۱۳

به قضیه‌ی عاشورا و کربلا برمی‌گردیم. می‌بینیم اینجا هم بالاینکه میدان حماسه و جنگ است، اما از لحظه‌ی اول تا لحظه‌ی آخری که نقل شده است که حضرت صورت مبارکش را روی خاکهای گرم کربلا گذاشت و عرض کرد: «الهی رضا بقضائک و تسلیما لامرک»، با ذکر و تضرع و یاد و توسل همراه است. از وقت خروج از مکه که فرمود: «من کان فینا باذلاً مهجته موطناً علی لقا لله نفسه فلیرحل معنا»، با دعا و توسل و وعده‌ی لقای الهی و همان روحیه‌ی دعای عرفه شروع می‌شود، تا گودال قتلگاه و «رضا بقضائک» لحظه‌ی آخر. یعنی خود ماجرای عاشورا هم یک ماجرای عرفانی است. جنگ است، کشتن و کشته شدن است، حماسه است و حماسه‌های عاشورا، فصل فوق‌العاده درخشانی است اما وقتی شما به بافت اصلی این حادثه‌ی حماسی نگاه می‌کنید، می‌بینید که عرفان هست، معنویت هست، تضرع و روح دعای عرفه هست. پس، آن وجه دیگر شخصیت امام حسین علیه‌السلام هم باید به عظمت این وجه جهاد و شهادت و با همان اوج و عروج، مورد توجه قرار گیرد.

بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل‌بیت (ع) / ۱۳۷۶/۱۱/۱۲

ملت ایران فقط به دنبال تکلیف و مسئولیت خود و در پی ادامه راه نورانی خود حرکت می‌کند و با شیاطین به مبارزه می‌پردازد و در مقابل خواست شیاطین می‌ایستد. بزرگترین مبارزه با استکبار و با شیاطین استکبار این است که انسان تسلیم خواست و تحمیل آنها نشود. امروز ملت ایران این مبارزه بزرگ را دارد و این راهی است که امام بزرگوار ما در مقابلمان باز کرد و ملت ایران از این راه پیش رفت و حرکت نمود و بحمد الله به عزت رسید؛ امروز هم همان راه را با قوت و شدت ادامه می‌دهد. شهادت بزرگی هم دادیم، جان‌های گرامی و عزیزی هم در این راه فدا شدند؛ اما ملت ایران سرافرازی خود را در این می‌داند که این راه را ادامه دهد و ان شا الله ادامه هم خواهد داد و پیروزی و نصرت هم بنا به وعده الهی با کسانی است که در راه خدا پیش می‌روند و حرکت و مجاهدت می‌کنند.

گفت و شنود صمیمانه رهبر انقلاب با جمعی از جوانان و نوجوانان / ۱۳۷۶/۱۱/۱۲

مفاهیم و معارفی که در صحیفه سجاده است، به قدری زیباست که! انسان گاهی اوقات حیرت می‌کند این چه ذهنی است، چه مغزی است که این‌ها را توانسته است کنار هم بنشاند و چنین تعبیراتی را درست کند! لذا من توصیه می‌کنم که ارتباطات بچه‌ها با خدا، ارتباطات با توجه و باحالی باشد؛ بخصوص نمازها را با حال بخوانند. دعا که می‌خوانند، با حال و با توجه بخوانند و بدانند با چه وجودی حرف می‌زنند و چه می‌خواهند و بدانند این خواست، پاسخ دارد. در قرآن، به ما گفته شده است: «ادعونی استجب لکم»؛ مرا بخوانید تا به شما پاسخ دهم. یکجا دارد: «و اسئلوا الله من فضله»؛ از فضل خدا طلب کنید و بخوانید. این‌ها وعده‌های الهی است و وعده‌های الهی، صادق‌ترین وعده‌هاست و حتماً چنانچه از خدا بخواهید، خدا به شما پاسخ خواهد داد. اگر انس پیدا کنید، خواهید دید که خیلی از

پاسخها همانی است که در همان لحظه به شما داده می‌شود؛ یعنی آدم نباید خیال کند که پاسخ دعا حتما همان پولی است که از خدا خواسته است و باید برسد! گاهی اوقات پاسخ، همانی است که در آن لحظه به شما می‌دهند. آنچنان نورانیتی در دل شما به وجود می‌آید که می‌بینید اصلا پاسختان را همان ساعت گرفته‌اید. آن حالتی را که انسان در دعا پیدا می‌کند، گاهی احساس می‌کند که دیگر غیر از آن، هیچ چیز نمی‌خواهد. وقتی یاد پروردگار در دل انسان، زنده باشد، این‌گونه است.

پیام تسلیت در پی کشتار مردم مزارشریف به دست طالبان / ۱۳۷۷/۰۶/۲۲

به جوانان و مظلومان سلحشور هزاره و دیگر اقوام مظلوم افغانی هم عرض می‌کنم: عزیزان! این‌جانب با دلی پر خون و چشمی اشک‌بار، حوادث تلخ و امتحانهای دشواری را که شما در این اوقات می‌گذرانید، با دقت دنبال می‌کنم و رنجهای شما را با همه‌ی وجود احساس می‌کنم. به خدای بزرگ توکل کنید، و از او مدد بجوید، و شجاعانه در برابر درنده‌خویان، ایستادگی نمایید و به وعده‌ی الهی امید داشته باشید که: سیجعل الله بعد عسر يسرا. ان شا الله به کمک الهی بر دشمنان عنود خود پیروز می‌گردید و با استقامت و دلاوری‌ای که همه شما را بدان می‌شناسند، بینی خصم از خدا بی‌خبر را به خاک خواهید مالید.

پیام به گردهمایی جمعی از پیروان اهل بیت (خوچه‌های هند) / ۱۳۷۷/۰۸/۰۵

در دو دهه‌ی اخیر میلیون‌ها انسان مشتاق در پنج قاره‌ی عالم، خود را به سرچشمه‌ی معارف اسلامی و به خصوص معارف ناب اهل بیت علیهم‌السلام رسانیده و از آن سیراب گشته و بدان ایمان آورده‌اند. بی‌شک پدید آمدن جمهوری اسلامی در ایران خود یکی از عوامل این شکوفائی و رشد ایمان اسلامی در جهان و درعین‌حال یکی از برجسته‌ترین نشانه‌ی گسترش تفکر اسلامی در امتداد تاریخ است و این همه، تحقق وعده‌ی الهی است که (انا اعطیناک الکوثر)

پیام به گردهمایی جمعی از پیروان اهل بیت (خوچه‌های هند) / ۱۳۷۷/۰۸/۰۵

امروز همه‌ی کسانی که به تدابیر قدرتهای ضد دینی در مقابله با اندیشه‌ی ناب اسلامی آگاهی دارند، همبستگی مجموعه‌های مومن و پایبند به حقیقت درخشان اسلام و قرآن و تشیع را قدر می‌دانند و مغتنم می‌شمارند. این حقیقت شیرینی است که علی‌رغم تلاش گسترده و پایان‌ناپذیر دشمنان اسلام برای خاموش کردن فروغ تعالیم اسلامی و علی‌رغم هزینه‌ی سنگینی که به منظور بسیج همه‌ی عوامل فرهنگی و تبلیغی در پیکاری همه‌جائی و همه‌جانبه بر ضد اندیشه‌ی ناب اسلامی صورت می‌گیرد، روز به روز خورشید تابان معارف اسلامی آشکارتر و مایه‌های ایمان و عشق به حقایق والای محمدی و علوی صلی الله علیه و آله ما انبوه‌تر و عمیق‌تر می‌گردد. در دو دهه‌ی اخیر میلیون‌ها انسان مشتاق در پنج قاره‌ی عالم، خود را به سرچشمه‌ی معارف اسلامی و به خصوص معارف ناب اهل بیت علیهم‌السلام رسانیده و از آن سیراب گشته و بدان ایمان آورده‌اند. بی‌شک پدید آمدن جمهوری اسلامی در ایران خود یکی از عوامل این شکوفائی و رشد ایمان اسلامی در جهان و درعین‌حال یکی از برجسته‌ترین نشانه‌ی گسترش تفکر اسلامی در امتداد تاریخ است و این همه، تحقق وعده‌ی الهی است که (انا اعطیناک الکوثر).

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۷/۰۹/۲۲

احساس اطمینان به وعده‌ی الهی، احساس سکینه‌ی این کشتی امن و امان و آرام را در دلها و جانهای مردم عمیق کنید. هرچه می‌توانید، همان سکینه‌ای را که خدای متعال در زمان پیامبر، در جنگ بدر و در جنگ حنین و در قضایای گوناگون، بر دلهای مومنین نازل کرد، با آیات الهی در دلهای مومنین مستقر کنید. دشمن می‌خواهد مردم را مضطرب کند. یکی از راههای سکینه و اطمینان، وحدت و الفت دلهاست. وحدت ملت، وحدت قشرهای مختلف، آشنایی دلها با یکدیگر و محبت انسانها به هم، درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که دشمن می‌خواهد القا کند. دشمن می‌خواهد بگوید که مردم، مسئولان، قشرها و جناحهای مختلف به خون هم تشنه‌اند. این واقعیت ندارد. هرکس امروز طوری عمل کند، طوری مشی کند و به گونه‌ای حرف بزند که معنایش این باشد که در بین قشرهای ملت اختلاف است و در بین جناحهای مختلف، اختلافهای عمیق و نفرت‌آور هست، یقیناً به دشمن کمک کرده است و یقیناً خدمت به دشمن است. بعضیها ساده‌لوحانه عملشان، حرف و اظهاراتشان این‌گونه است! البته اختلاف سلیقه، اختلاف مذاق همان‌طور که امام بارها می‌فرمودند مثل اختلاف دو هم‌مباحثه‌ای است که سر یک مسئله باهم اختلاف دارند. مباحثه است؛ باهم می‌گویند، بحث می‌کنند، دعوا می‌کنند؛ اما رفیقند و دلپاشان به هم نزدیک است. در مسائل گوناگون سیاسی و اجتماعی هم همین‌طور است و باید همین‌گونه باشد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۷/۱۰/۰۴

امروز در خطبه‌ی اول می‌خواهم صحبت کوتاهی درباره‌ی وعده‌ی الهی در استجابت دعا عرض کنم. یکی از وظایف ما در ماه رمضان، دعا کردن است. دعا انسان را به خدا نزدیک می‌کند؛ معارف را در دل انسان ماندگار و موثر می‌کند؛ ایمان را قوی می‌کند؛ علاوه بر این که مضمون دعا - که خواستن از خداست - ان‌شاءالله مستجاب می‌شود و خواسته‌ی انسان برآورده می‌گردد؛ یعنی دعا از چند سو دارای برکات بزرگ است. لذاست که در قرآن کریم، بارها در باب دعا و دعایی که بندگان صالح خدا کرده‌اند، سخن گفته شده است. همه اینها برای آن است که به ما درس داده شود. انبیای الهی در مواقع سختی دعا می‌کردند و از خدای متعال کمک می‌خواستند: «فدعا ربه انی مغلوب فانتصر» (۱) که از قول حضرت نوح علیه‌السلام نقل شده است. یا از قول حضرت موسی علیه‌السلام نقل شده است: «فدعا ربه ان هولاء قوم مجرمون» (۲). موسی به خدا شکایت کرد و به او پناه برد.

خدای متعال در چند آیه از آیات قرآن وعده کرده است که دعا را مستجاب خواهد کرد. یکی از آیات، همین آیه مبارکه‌ی «و قال ربکم ادعونی استجب لکم» (۳) است؛ یعنی پروردگار شما فرموده است که مرا دعا کنید، تا استجابت کنم. ممکن است استجابت به معنای برآورده شدن صددرصد آن خواسته هم نباشد. گاهی ممکن است قوانین خلقت، اقتضای این را نکند که خدا آن حاجت را حتما برآورده کند. در مواردی قوانینی وجود دارد که آن خواسته برآورده شدنی نیست، یا به زودی برآورده شدنی نیست. در غیر این موارد، قاعدتاً خدای متعال پاسخ این است که خواسته‌ی شما را برآورده می‌کند؛ همچنان که در دعای شریف ابی‌حمزه ثمالی - که در سحرهای ماه رمضان خوانده می‌شود - به همین معنا اشاره می‌کند. در قرآن فرموده است: «و سئلوا الله من فضله ان الله کان بکل شیء علیماً» (۴)؛ اگرچه خدا عالم است و نیازهای شما را می‌داند، اما شما از خدا بخواهید و به خدا عرض کنید. این آیه را در دعا ذکر می‌کند. البته در دعای شریف: «ان الله کان بکل شیء رحیماً» دارد؛ اما در قرآن «کان بکل شیء علیماً» است. بعد می‌فرماید: «و لیس من صفاتک یا سیدی ان تامر بالسوال و تمنع العطیه» (۵). امام سجاد علیه‌السلام عرض می‌کند: پروردگار! عادت تو این نیست که مردم را به خواستن امر کنی؛ اما آنچه که آنها خواستند به آنها ندهی. یعنی معنای کرم الهی و رحمت الهی و قدرت محیطه‌ی الهی این است که اگر می‌گویند بخواهید، اراده فرموده است که آن خواسته را اجابت کند. این همان وعده‌ی الهی است که در همین آیه‌ای که در اول خطبه تلاوت کردم، صریح این معنا را بیان می‌کند: «و اذا سالک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوه الداع اذا دعان» (۶)؛ هرگاه بندگان من درباره‌ی من از تو سوال کنند که کجاست، بگو ای پیامبر، من نزدیکم و پاسخ می‌گویم و دعوت و خواسته‌ی آن کسی را که از من می‌خواهد و مرا می‌خواند، اجابت می‌کنم. هر کس خدا را بخواند، پاسخی در مقابلش هست: «لکل مساله منک سمع حاضر و جواب عتیق» (۷)؛ هر سوالی از خدا، هر خواسته‌ای از خدا، یک پاسخ قطعی در مقابل دارد. این خیلی مهم است و باید بندگان مومن خدا آن را خیلی قدر بدانند. حالا کسی که ایمان ندارد، طبیعی است که از این موقعیت - مثل خیلی از موقعیتهای دیگر - استفاده نمی‌کند. این وعده‌ی قطعی الهی است؛ یعنی خدای متعال هر خواسته‌ای را جواب خواهد داد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۷/۱۰/۰۴

[آیاتی درباره‌ی وعده‌های الهی]: خداوند متعال، وعده‌های فراوانی به بندگان خود داده است. مثلا یکی از وعده‌های الهی این است: «من عمل صالحا فلنفسه و من اسا فعلیها» (۱)؛ هرکس کار بد بکند، این بدی به خود او بر می‌گردد و علیه خود اوست.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۷/۱۰/۰۴

[آیاتی درباره‌ی وعده‌های الهی]: یکی دیگر از وعده‌های الهی این است: «انا لانضیع اجر من احسن عملا» (۱)؛ کسی که کار خوب انجام دهد، خدای متعال پاداش او را ضایع نمی‌کند. فقط هم در آخرت نیست. شامل دنیا و آخرت است؛ یا در دنیا، یا در آخرت.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۷/۱۰/۰۴

[آیاتی درباره‌ی وعده‌های الهی]: وعده‌ی دیگر این است: «من کان یرید العاجله عجلنا له فیها ما نشا لمن نرید» (۱)؛ هر کس که خیر نزدیک - یعنی دنیا - را هدف گیرد و به آخرت کاری نداشته باشد، «عجلنا له»؛ ما کمک می‌کنیم آنچه را که او هدف گرفته است؛ یعنی او را به آن هدف می‌رسانیم: «ما نشا لمن نرید». البته قید و شرطهایی هم دارد: اگر تلاش کند، اگر زحمت بکشد و اگر بکوشد به آن هدفها می‌رسد. مثل این‌که می‌بینید بعضی از ملت‌ها تلاش کردند، کوشش کردند، زحمت کشیدند، قناعت کردند، آن جایی که باید صرفه‌جویی کرد، صرفه‌جویی کردند و توانستند به جاهای بزرگی برسند. در دنباله‌ی همین آیه می‌فرماید: «و من اراد الاخره و سعی لها سعیها و هو مومن فاولئک کان سعیهم مشکورا. کلا نمذ هولا و هولا» (۲)؛ هم کسانی که درصدد کسب دنیا هستند، ما کمکشان می‌کنیم، هم کسانی که درصدد کسب آخرت هستند. در این‌جا تلاش دنیوی را با رضای الهی تطبیق می‌کنند. می‌فرماید آنها را هم کمک می‌کنیم. این سنت آفرینش است، این سنت الهی در عالم است؛ یعنی اگر تلاش کردید و زحمت کشیدید، حتما به نتیجه خواهید رسید. خدای متعال هیچ تلاشی را بی‌نتیجه نمی‌گذارد؛ حتما نتیجه‌ی دنبالش هست. گاهی افراد انسان می‌توانند آن نتیجه را بشناسند، همان را هدف می‌گیرند و به آن هم می‌رسند؛ اما گاهی آن نتیجه‌ای که بر آن عمل مترتب است، آن را درست نمی‌شناسند و دنبال نتیجه‌ی دیگری می‌گردند؛ ولی آن عمل نتیجه‌ی خودش را می‌دهد و بالاخره به نتیجه می‌رسند. بنابراین، خدای متعال هیچ تلاشی را بدون پاداش نگذاشته است.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۷/۱۰/۰۴

[آیاتی درباره‌ی وعده‌های الهی]: وعده‌ی الهی دیگر این است: «وعده الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم». این هم یک وعده‌ی قطعی است. هر قومی، هر ملتی و هر جمعیتی که ایمان و عمل صالح داشته باشد، خلیفه‌ی خدا در زمین خواهد شد؛ یعنی قدرت را در زمین در دست خواهد گرفت. بربرگرد ندارد. آنهایی که ایمان داشتند، اگر عمل صالح را با آن همراه کردند، همین اتفاق افتاد؛ کما این‌که در ایران اسلامی اتفاق افتاد؛ کما این‌که در هر دوره‌ای از دوره‌های تاریخ خود ما که چنین چیزی پیش آمد، اتفاق افتاد؛ «لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمنکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم» (۱). اگر ایمان باشد، ولی عمل صالح نباشد، خلیفه‌ی خدا در زمین نخواهند شد. ایمان خشک و خالی و ایمان بی‌عمل، نتیجه‌ای ندارد؛ اما اگر ایمان با عمل همراه باشد، حتما محقق خواهد شد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۷/۱۰/۰۴

[آیاتی درباره‌ی وعده‌های الهی]: وعده‌ی الهی دیگر «والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبیلنا» (۱) است. هر کس که در راه خدا مجاهدت کند، خدا قطعا راه را به او نشان خواهد داد. اینها چیزهایی است که یک روز خودمان در دوره‌ی جوانی - اوایل که با معارف اسلامی و با این حرف‌ها آشنا می‌شدیم - می‌خواندیم، می‌گفتیم، اعتقاد هم داشتیم، ایمان هم داشتیم؛ اما برای ما به‌وضوح اتفاق نیفتاده بود. می‌دانستیم کلام خدا راست است؛ اما آن را تجربه نکرده بودیم. امروز تجربه شده است. همان اوقات در زمان مبارزات نهضت اسلامی در ایران - که شما جوانان هیچ یادتان نیست، میانسالان هم بعضی یادشان است، بعضی یادشان نیست - اگر کسی می‌خواست در این کشور، که امروز مهد اسلام و مآذنه‌ی اسلام است، یا در این تهران فقط خودش مسلمان زندگی کند، واقعا ممکن نبود؛ مشکل بود! یعنی اگر کسی می‌خواست منهای هدایت و تربیت دیگران، خودش به‌طور کامل مسلمان زندگی کند، نمی‌شد و انواع و اقسام موانع وجود داشت؛ اگر کسی می‌گفت این نهضتی که در قم آن‌ا شروع کرده است و عده‌ای طلبه هم دور و برش هستند و تا فریادی هم می‌کشند، فورا آنها را می‌گیرند و به زندان می‌برند و می‌زنند و می‌کوبند و شکنجه می‌کنند، یک روز بر اثر صبر و استقامت مردان خدا و مردان راه حق و آن رهبری راشده‌ی مهدیه، همه‌ی کشور را به خود متوجه خواهد کرد و همه‌ی دل‌ها را جذب خواهد نمود و آحاد ملت را به صحنه خواهد آورد، کسی باور نمی‌کرد! و اگر می‌گفتند یک روز به برکت ورود مردم در صحنه، حکومت، حکومت اسلامی خواهد شد، کسی باور نمی‌کرد؛ اما وعده‌ی الهی بود و محقق گردید؛ چون عمل شد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۷/۱۰/۰۴

آری؛ وقتی‌که قدرت الهی، قدرت اسلام، قدرت قرآن، قدرت معنویت، در یک جا علم برمی‌افزارد، کسانی که مخالف معنویتند، دشمنی می‌کنند؛ کسانی که اهل ظلمند، دشمنی می‌کنند؛ کسانی که اهل فسادند، دشمنی می‌کنند؛ کسانی که به هر جهتی معنویت و دین را بر نمی‌تابند، دشمنی می‌کنند. «و لما رای المومنون الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله و رسولہ و صدق الله و رسولہ» (۱). وقتی در جنگ احزاب، قریش از یک طرف، یهود از یک طرف، سقیف از یک طرف و انواع و اقسام دشمنان از اطراف حمله کردند و مدینه را محاصره نمودند، در آن‌جا مردم دو دسته شدند؛ مومنین یک‌طور، غیرمومنین و کسانی که «فی قلوبهم مرض» (۲) بود، یک‌طور دیگر. آنهایی که در دلشان مرض بود می‌گفتند: «ما وعدنا الله و رسولہ الا غرورا» (۳)؛ ما فریب خوردیم؛ اسلام نتوانست به ما عزت و امنیت دهد و ما را نجات بخشد. ببینید؛ اطراف مومنین را محاصره کرده بودند. این حزب‌ها و گروه‌های دشمن، شرقی‌اش، غربی‌اش، همسایه‌اش، دوردستش، همه دست به دست هم داده بودند، سر به هم آورده بودند و به دولت اسلامی حمله کرده بودند؛ اما مومنین می‌گفتند: «هذا ما وعدنا الله و رسولہ» (۴)؛ ما تعجب نمی‌کنیم. این همان چیزی است که خدا و پیامبر به ما وعده کرده بودند. وعده‌ی خدا و پیامبر این است که «الذین امنوا یقاتلون فی سبیل الله والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت». شما که مومنین، در راه خدا مبارزه می‌کنید. آنهایی که با خدا میانه‌ای ندارند، در راه طاغوت مبارزه می‌کنند. آری؛ آنها هم مبارزه می‌کنند؛ ولی «فقاتلوا اولیا الشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفا» (۵). اگر مبارزه کردید، اگر ایستادید، اگر صبر و ثبات خودتان را از دست ندادید، شما پیروزید؛ اما اگر رها کردید، احساس ضعف کردید، احساس نومیدی کردید، عقب‌گرد کردید، نه، پس، حضور دشمن و حمله‌ی دشمن، مایه تعجب نیست؛ «هذا ما وعدنا الله و رسولہ و صدق الله و رسولہ و ما زادهم الا ایمانا و تسلیما». بنابراین، وعده‌ی الهی مسلم است؛ یعنی هم در صورت مبارزه، در صورت صبر و در صورت ایستادگی، پیروزی به دست می‌آید و هم در صورتی که شما صادق باشید، دشمنیها به سمت شما توجه پیدا می‌کند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۷/۱۰/۰۴

امروز در خطبه‌ی اول می‌خواهم صحبت کوتاهی در باب وعده‌ی الهی در استجابت دعا عرض کنم. یکی از وظایف ما در ماه رمضان، دعا کردن است. دعا انسان را به خدا نزدیک می‌کند؛ معارف را در دل انسان ماندگار و موثر می‌کند؛ ایمان را قوی می‌کند؛ علاوه بر اینکه مضمون دعا که خواستن از خداست ان‌شا الله مستجاب می‌شود و خواسته‌ی انسان برآورده می‌گردد؛ یعنی دعا از چند سو دارای برکات بزرگ است. لذاست که در قرآن کریم، بارها در باب دعا و دعایی که بندگان صالح خدا کرده‌اند، سخن گفته شده است. همه این‌ها برای آن است که به ما درس داده شود. انبیای الهی در مواقع سختی دعا می‌کردند و از خدای متعال کمک می‌خواستند: «فدعا ربه انی مغلوب فانتصر» که از قول حضرت نوح علیه‌السلام نقل شده است. یا از قول حضرت موسی علیه‌السلام نقل شده است: «فدعا ربه ان

هولا قوم مجرمون». موسی به خدا شکایت کرد و به او پناه برد.

خدای متعال در چند آیه از آیات قرآن وعده کرده است که دعا را مستجاب خواهد کرد. یکی از آیات، همین آیه مبارکه‌ی «و قال ربکم ادعونی استجب لکم» است؛ یعنی پروردگار شما فرموده است که مرا دعا کنید، تا استجاب کنم. ممکن است استجاب به معنای برآورده شدن صدرد آن خواسته هم نباشد. گاهی ممکن است قوانین خلقت، اقتضای این را نکند که خدا آن حاجت را حتما برآورده کند. در مواردی قوانینی وجود دارد که آن خواسته برآورده شدنی نیست، یا به‌زودی برآورده شدنی نیست. در غیر این موارد، قاعدتا خدای متعال پاسخش این است که خواسته‌ی شما را برآورده می‌کند؛ همچنان که در دعای شریف ابی‌حمزه‌ی ثمالی که در سحرهای ماه رمضان خوانده می‌شود به همین معنا اشاره می‌کند.

در قرآن فرموده است: «و سنلوا الله من فضله ان الله کان بکل شیء علیما»؛ اگرچه خدا عالم است و نیازهای شما را می‌داند، اما شما از خدا بخواهید و به خدا عرض کنید. این آیه را در دعا ذکر می‌کند. البته در دعای شریف: «ان الله کان بکل شیء رحیما» دارد؛ اما در قرآن «کان بکل شیء علیما» است. بعد می‌فرماید: «و لیس من صفاتک یا سیدی ان تامر بالسؤال و تمنع العطیه». امام سجاد علیه‌السلام عرض می‌کند: پروردگارا! عادت تو این نیست که مردم را به خواستن امر کنی؛ اما آنچه که آن‌ها خواستند به آن‌ها ندهی. یعنی معنای کرم الهی و رحمت الهی و قدرت محیطی الهی این است که اگر می‌گویند بخواهید، اراده فرموده است که آن خواسته را اجابت کند. این همان وعده‌ی الهی است که در همین آیه‌ای که در اول خطبه تلاوت کردم، صریح این معنا را بیان می‌کند: «و ادا سالک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوہ الداع اذا دعان»؛ هرگاه بندگان من در باره‌ی من از تو سوال کنند که کجاست، بگو ای پیامبر، من نزدیکم و پاسخ می‌گویم و دعوت و خواسته‌ی آن کسی را که از من می‌خواهد و مرا می‌خواند، اجابت می‌کنم. هرکس خدا را بخواند، پاسخی در مقابلش هست: «لکل مساله منک سمع حاضر و جواب عتید»؛ هر سوالی از خدا، هر خواسته‌ای از خدا، یک پاسخ قطعی در مقابل دارد. این خیلی مهم است و باید بندگان مومن خدا آن را خیلی قدر بدانند. حالا کسی که ایمان ندارد، طبیعی است که از این موقعیت مثل خیلی از موقعیتهای دیگر استفاده نمی‌کند. این وعده‌ی قطعی الهی است؛ یعنی خدای متعال هر خواسته‌ای را جواب خواهد داد. این یک وعده است و البته هر وعده‌ای هم شرایطی دارد. من در اینجا آیاتی را در باره‌ی وعده‌های الهی جمع کرده‌ام که حالا نمی‌خواهم تفصیلا وارد بحث شوم؛ اما به‌طور مختصر نکاتی را یادآور می‌شوم:

خداوند متعال، وعده‌های فراوانی به بندگان خود داده است. مثلا یکی از وعده‌های الهی این است: «من عمل صالحا فلنفسه و من اسا فعليه»؛ هرکس کار بد بکند، این بدی به خود او برمی‌گردد و علیه خود اوست. یکی دیگر از وعده‌های الهی این است: «انا لا نضع اجر من احسن عملا»؛ کسی که کار خوب انجام دهد، خدای متعال پاداش او را ضایع نمی‌کند. فقط هم در آخرت نیست. شامل دنیا و آخرت است؛ یا در دنیا، یا در آخرت. وعده‌ی دیگر این است: «من کان یرید العاجله عجلنا له فیها ما نشا لمن نرید»؛ هرکس که خیر نزدیک یعنی دنیا را هدف گیرد و به آخرت کاری نداشته باشد، «عجلنا له»؛ ما کمک می‌کنیم آنچه را که او هدف گرفته است؛ یعنی او را به آن هدف می‌رسانیم: «ما نشا لمن نرید». البته قید و شرطهایی هم دارد: اگر تلاش کند، اگر زحمت بکشد و اگر بکوشد به آن هدفها می‌رسد. مثل اینکه می‌بینید بعضی از ملتها تلاش کردند، کوشش کردند، زحمت کشیدند، قناعت کردند، آن جایی که باید صرفه‌جویی کرد، صرفه‌جویی کردند و توانستند به جاهای بزرگی برسند. در دنباله‌ی همین آیه می‌فرماید: «و من اراد الآخرة و سعی لها سعیها و هو مومن فاولئک کان سعیمهم مشکورا. کلا نمد هولا و هولا»؛ هم کسانی که درصدد کسب دنیا هستند، ما کمکشان می‌کنیم، هم کسانی که درصدد کسب آخرت هستند. در اینجا تلاش دنیوی را با رضای الهی تطبیق می‌کنند. می‌فرماید آن‌ها را هم کمک می‌کنیم. این سنت آفرینش است، این سنت الهی در عالم است؛ یعنی اگر تلاش کردید و زحمت کشیدید، حتما به نتیجه خواهید رسید. خدای متعال هیچ تلاشی را بی‌نتیجه نمی‌گذارد؛ حتما نتیجه‌ای دنبالش هست. گاهی افراد انسان می‌توانند آن نتیجه را بشناسند، همان را هدف می‌گیرند و به آن هم می‌رسند؛ اما گاهی آن نتیجه‌ای که بر آن عمل مترتب است، آن را درست نمی‌شناسند و دنبال نتیجه‌ی دیگری می‌گردند؛ ولی آن عمل نتیجه‌ی خودش را می‌دهد و بالاخره به نتیجه می‌رسند. بنابراین، خدای متعال هیچ تلاشی را بدون پاداش نگذاشته است.

وعده‌ی الهی دیگر این است: «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم». این هم یک وعده‌ی قطعی است. هر قومی، هر ملتی و هر جمعیتی که ایمان و عمل صالح داشته باشد، خلیفه‌ی خدا در زمین خواهد شد؛ یعنی قدرت را در زمین در دست خواهد گرفت. بربرگرد ندارد. آن‌هایی که ایمان داشتند، اگر عمل صالح را با آن همراه کردند، همین اتفاق افتاد؛ کما اینکه در ایران اسلامی اتفاق افتاد؛ کما اینکه در هر دوره‌ای از دوره‌های تاریخ خود ما که چنین چیزی پیش آمد، اتفاق افتاد: «لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمنکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم» (۳۰۶). اگر ایمان باشد، ولی عمل صالح نباشد، خلیفه‌ی خدا در زمین نخواهند شد. ایمان خشک و خالی و ایمان بی‌عمل، نتیجه‌ای ندارد؛ اما اگر ایمان با عمل همراه باشد، حتما محقق خواهد شد.

وعده‌ی الهی دیگر «و الذین جاهدوا فینا لنهذبهم سبلنا» است. هرکس که در راه خدا مجاهدت کند، خدا قطعا راه را به او نشان خواهد داد. این‌ها چیزهایی است که یک روز خودمان در دوره‌ی جوانی اوایل که با معارف اسلامی و با این حرفها آشنا می‌شدیم می‌خواندیم، می‌گفتیم، اعتقاد هم داشتیم، ایمان هم داشتیم؛ اما برای ما به‌وضوح اتفاق نیفتاده بود. می‌دانستیم کلام خدا راست است؛ اما آن را تجربه نکرده بودیم. امروز تجربه شده است. همان اوقات در زمان مبارزات نهضت اسلامی در ایران که شما جوانان هیچ یادتان نیست، میان‌سالان هم بعضی یادشان است، بعضی یادشان نیست اگر کسی می‌خواست در این کشور، که امروز مهد اسلام و ماذنهی اسلام است، یا در این تهران فقط خودش مسلمان زندگی کند، واقعا ممکن نبود؛ مشکل بود؛ یعنی اگر کسی می‌خواست منهای هدایت و تربیت دیگران، خودش به‌طور کامل مسلمان زندگی کند، نمی‌شد و انواع و اقسام موانع وجود داشت؛ اگر کسی می‌گفت این نهضتی که در قم آن آقا شروع کرده است و عده‌ای طلبه هم دور و برش هستند و تا فریادی هم می‌کشند، فورا آن‌ها را می‌گیرند و به زندان می‌برند و می‌زنند و می‌کوبند و شکنجه می‌کنند، یک روز بر اثر صبر و استقامت مردان خدا و مردان راه حق و آن رهبری راشده‌ی مهدیه، همه‌ی کشور را به خود متوجه خواهد کرد و همه‌ی دلها را جذب خواهد نمود و آحاد ملت را به صحنه خواهد آورد، کسی باور نمی‌کرد! و اگر می‌گفتند یک روز به برکت ورود مردم در صحنه، حکومت، حکومت اسلامی خواهد شد، کسی باور نمی‌کرد؛ اما وعده‌ی الهی بود و محقق گردید؛ چون عمل شد.

لازم نیست دعا همیشه قوانین طبیعی را به هم بزند و برخلاف قوانین طبیعی عمل کند؛ نه. دعا در چارچوب قوانین طبیعی مستجاب می‌شود و خواسته‌ی شما برآورده می‌گردد. این قدرت خداست که قوانین را جور می‌آورد، کنار هم می‌گذارد و مقصود شما برآورده می‌شود. البته آنجایی که دعای شما با یک قانون الهی دیگری تضادم پیدا کند، مستجاب نمی‌شود. وعده‌ی الهی حق است؛ اما آن وعده هم درست است. آدم‌هایی که بی‌کار باشند و در راه اهداف خودشان تلاش نکنند، تضمینی نیست که به هدف و مقصد برسند. حالا شما دعا کن، معلوم است که این دعا خیلی اقبال استجاب ندارد. البته یک‌وقت هم دیدید مستجاب شد؛ اما تضمینی نیست. در جایی برخلاف یک قانون طبیعی مسلم، شما دعا کنید؛ معلوم نیست تضمینی داشته باشد. اگرچه در مواردی بلاشک دعا قوانین را هم خرق می‌کند؛ اما این‌طور نیست که وقتی می‌گوییم دعا مستجاب می‌شود، یعنی دعای شما اگر با قوانین دیگر الهی منافات داشته باشد و عملی همراهش نباشد و یا حتی خود دعا از روی توجه هم نباشد، باز مستجاب می‌شود؛ نه. در دعا، طلب کردن و خواستن از خدای متعال و حقیقتا مطالبه کردن لازم است. این دعا مستجاب می‌شود. اگر عمل و تلاش در راه اهداف بزرگ، همراه این دعا باشد، اقبال استجاب این دعا واقعا بیشتر است. آن وقتی که دعا استمرار پیدا کند، حتما اقبال استجاب در این دعا بیشتر است. اگر دیده شد که یک دعا چند بار تکرار گردید و مستجاب نشد، نباید مایوس شد؛ بخصوص در مسائل بزرگ، بخصوص در مسائل مربوط به سرنوشت انسان و سرنوشت کشور و سرنوشت ملتها؛ چون گاهی طبیعت کارهای بزرگ چنین است که تحققش زمان می‌طلبد.

من در پایان صحبت یک ماجرای قرآنی را برای شما عرض می‌کنم، تا هم شاهدی بر این گفته باشد و هم دل‌های شما در روز جمعه‌ی ماه رمضان، با ذکر این ماجرا نورانی شود. وقتی در آن حکومت استبدادی ظالمانه‌ی فرعون، مادر موسی، موسی را به دنیا آورد و مسلم بود که این بچه پسر را خواهند کشت، این مادر ماند که چه کند. اگر دختر بود، خیالش راحت بود. دل مادر مالمال از محبت بچه است، اما مانده است که چه کند. اینجا وحی الهی به این مادر رسید: «و اوحینا الی ام موسی ان ارضعیه»؛ شیرش بده، نترس. «فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم»؛ وقتی خطر زیاد شد و ترسیدی که بچه به دست دشمن بیفتد، نگذار او را از تو بگیرند؛ او را به دریا بینداز. در چند جای قرآن، این داستان را خدای متعال ذکر کرده است. در هر جایی با یک طرافتها و لطافت‌هایی آن را بیان کرده است. این مادر در شرایطی قرار گرفت که فهمید خطر تهدید می‌کند. به خانه‌ی این خانواده‌ی محترم بنی اسرائیلی ریختند، تا بچه را بگیرند. مادر موسی فهمید که بالاخره بچه از دست خواهد رفت؛ اینجا بود که بچه را به رود نیل انداخت. تعبیر قرآن «فی الیم» است؛ اما قرائن نشان می‌دهد که مراد همان رود نیل است. خیلی مهم است؛ مادر چطور طاق می‌آورد بچه‌ی خود را داخل صندوقی بگذارد و او را داخل رودخانه‌ی بیندازد که خروشان می‌رود؟ اما وحی الهی به مادر چنین گفت: «انا رادوه الیک و جاعلوه من المرسلین». خدای متعال در اینجا دو وعده به این مادر داد: اول اینکه این بچه را به تو برمی‌گردانیم، دوم اینکه او را از مرسلین قرار می‌دهیم. بعد که این بچه را در میان رود خروشان انداخت، به خواهر موسی گفت: «و قالت لاخته قصیه»؛ برو دنبالش ببین چه می‌شود و سرنوشت این بچه به کجا خواهد انجامید؟

نگرانند؛ بچه‌ی کوچک، شیرخوار، چند روزه! تا اینکه این بچه از طریق رود نیل به نزدیک خانه‌ی فرعون رسید. «فالتقطه آل فرعون»؛ خانواده‌ی فرعون او را گرفتند و خدا در دلشان انداخت که او را نگهدارند. زن فرعون گفت که این بچه را برای خودمان نگه‌داریم: «قره عین لی و لک». «و حرما علیه المراضع»؛ پستانها را نگیرد. هرچه دایه آوردند که به این بچه شیر بدهند، پستان آنها را نگیرد. گرسنه است و شیر می‌خواهد. در این بین، خواهر موسی آمد و گفت: «هل ادلکم علی اهل بیت یفکولونه لکم»؛ می‌خواهید من یک مرضعه پیدا کنم؟ ببینید وقتی خدای متعال می‌خواهد دعا را مستجاب کند و وعده را محقق نماید، این‌گونه شرایط را جور می‌آورد؛ به دل این دختر می‌اندازد و به او شجاعت می‌دهد که بیاید و به ماموران فرعون این‌چنین پیشنهادی بکند. آنها گفتند عیبی ندارد. او رفت مادر موسی را برداشت آورد و گفت که این زن، زن شیردهی است. موسی را به او دادند؛ بوی مادرش را شنید و بنا کرد به شیر خوردن! در اینجا سوظن فرعون‌ها تحریک نشد و به ذهنشان نرسید که شاید او مادر این بچه باشد. خدای متعال می‌خواهد وعده‌ی خود را عمل کند. «فرددناه الی امه»؛ این بچه را به مادرش برگردانیم. «کی تقر عینها و لا تحزن»؛ تا چشمش روشن شود و محزون نگردد. «و لتعلم ان وعد الله حق»؛ تا بداند وعده‌ی خدا درست است. این وعده را که خودش دید درست است؛ اما وعده‌ی بعدی: «و جاعلوه من المرسلین». در واقع پیام بعثت موسی پس از گذشت سالها همین‌جا داده شد: همگی بنی اسرائیل بدانند که این بچه، پیامبر خواهد شد و مبعوث خواهد گردید و شما را نجات خواهد داد، و شد. البته از آن روزی که خدای متعال به دل مادر موسی وحی کرد که «و جاعلوه من المرسلین». تا آن روزی که موسی در طور مقام نبوت و رسالت را گرفت و مامور شد که بیاید بنی اسرائیل را نجات دهد، شاید سی، چهل سال فاصله شد. البته در روایات چیزهایی هست، منتها آدم به سندهای این روایات خیلی مطمئن نیست؛ لیکن آنچه که از قرائن آیات به دست می‌آید، اقلا حدود سی سالی فاصله شد.

عزیزان من! این‌گونه است که وعده‌ی الهی تحقق پیدا می‌کند؛ منتها بعد از مدت زمانی. وعده‌ی الهی این است که ملت‌های مسلمان را عزیز کند. این یک‌شبه که ممکن نیست؛ بدون تلاش و عمل هم ممکن نیست. وعده‌ی الهی این بود که هر ملتی در راه خدا مبارزه کند و ایمان داشته باشد، پیروز شود. بسیار خوب؛ شما ملت ایران ایمان داشتید، مبارزه کردید، پیروز شدید. وعده‌ی الهی این است که شما بعد از این پیروزی، با دشمنان خدا درگیر خواهید شد و اگر پافشاری و صبر و ایستادگی کنید، بازهم پیروز خواهید شد؛ یعنی هم وعده‌ی پیروزی هست، هم وعده‌ی درگیری هست. آری؛ وقتی که قدرت الهی، قدرت اسلام، قدرت قرآن، قدرت معنویت، در یکجا علم برمی‌افزاید، کسانی که مخالف معنویتند، دشمنی می‌کنند؛ کسانی که اهل ظلمند، دشمنی می‌کنند؛ کسانی که اهل فسادند، دشمنی می‌کنند؛ کسانی که به هر جهتی معنویت و دین را برنمی‌تابند، دشمنی می‌کنند. «و لما رای المومنون الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله». وقتی در جنگ احزاب، قریش از یک طرف، یهود از یک طرف، ثقیف از یک طرف و انواع و اقسام دشمنان از اطراف حمله کردند و مدینه را محاصره نمودند، در آنجا مردم دو دسته شدند؛ مومنین یک طور، غیر مومنین و کسانی که «فی قلوبهم مرض» بود، یک طور دیگر. آنها‌هایی که در دلشان مرض بود می‌گفتند: «ما وعدنا الله و رسوله الا غرورا»؛ ما فریب خوردیم؛ اسلام نتوانست به ما عزت و امنیت دهد و ما را نجات بخشد. ببینید؛ اطراف مومنین را محاصره کرده بودند. این حزب‌ها و گروه‌های دشمن، شرقی‌اش، غربی‌اش، همسایه‌اش، دوردستش، همه دست به دست هم داده بودند، سر به هم آورده بودند و به دولت اسلامی حمله کرده بودند؛ اما مومنین می‌گفتند: «هذا ما وعدنا الله و رسوله»؛ ما تعجب نمی‌کنیم. این همان چیزی است که خدا و پیامبر به ما وعده کرده بودند. وعده‌ی خدا و پیامبر این است که «الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت». شما که مومنین، در راه خدا مبارزه می‌کنید. آنها‌هایی که با خدا میانه‌ای ندارند، در راه طاغوت مبارزه می‌کنند. آری؛ آنها هم مبارزه می‌کنند؛ ولی «فقاتلوا اولیا الشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفا». اگر مبارزه کردید، اگر ایستادید، اگر صبر و ثبات خودتان را از دست ندادید، شما پیروزید؛ اما اگر رها کردید، احساس ضعف کردید، احساس نومیدی کردید، عقب‌گرد کردید، نه. پس، حضور دشمن و حمله‌ی دشمن، مایه‌ی تعجب نیست؛ «هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله و ما زادهم الا ایمانا و تسلیما». بنابراین، وعده‌ی الهی مسلم است؛ یعنی هم در صورت مبارزه، در صورت صبر و در صورت ایستادگی، پیروزی به دست می‌آید و هم در صورتی که شما صادق باشید، دشمنیها به سمت شما توجه پیدا می‌کند.

شما ببینید چند کشور در دنیا هستند که این‌ها ادعای اسلامیت دارند؛ اما در رادیوهای بیگانه، در تبلیغات استکبار جهانی و امپراتور تبلیغی دنیا هیچ‌گاه شنیده نشده است که آن کشورها را به خاطر مسلمان بودنشان سرزنش کنند. ایران اسلامی از روز پیروزی انقلاب به این طرف، به خاطر مسلمان بودنش، در تمام بوق‌های تبلیغاتی، مورد حمله و سرزنش و تهمت و افترا و بدگویی قرار گرفت. اگر در راهتان صادق باشید، این صدق شما در راه خدا، حتما دشمنی دشمنان خدا را جلب خواهد کرد؛ اما اگر ایستادگی کردید، پیروزی شما بر آنها هم قطعا تحقق پیدا خواهد کرد. همه‌ی این‌ها وعده‌ی خداست.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۷/۱۰/۰۴

[بیان یک ماجرای قرآنی:] وقتی در آن حکومت استبدادی ظالمانه‌ی فرعون، مادر موسی، موسی را به دنیا آورد و مسلم بود که این بچه پسر را خواهند کشت، این مادر ماند که چه کند. اگر دختر بود، خیالش راحت بود. دل مادر مالمال از محبت بچه است، اما مانده است که چه کند. اینجا وحی الهی به این مادر رسید: «و اوحینا الی ام موسی ان ارضعیه»؛ شیرش بده، نترس. «فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم»؛ وقتی خطر زیاد شد و ترسیدی که بچه به دست دشمن بیفتد، نگذار او را از تو بگیرند؛ او را به دریا بینداز. در چند جای قرآن، این داستان را خدای متعال ذکر کرده است. در هر جایی با یک طرافتها و لطافت‌هایی آن را بیان کرده است. این مادر در شرایطی قرار گرفت که فهمید خطر تهدید می‌کند. به خانه‌ی این خانواده‌ی محترم بنی اسرائیلی ریختند، تا بچه را بگیرند. مادر موسی فهمید که بالاخره بچه از دست خواهد رفت؛ اینجا بود که بچه را به رود نیل انداخت. تعبیر قرآن «فی الیم» است؛ اما قرائن نشان می‌دهد که مراد همان رود نیل است. خیلی مهم است؛ مادر چطور طاق می‌آورد بچه‌ی خود را داخل صندوقی بگذارد و او را داخل رودخانه‌ی بیندازد که خروشان می‌رود؟ اما وحی الهی به مادر چنین گفت: «انا رادوه الیک و جاعلوه من المرسلین» (۱) خدای متعال در اینجا دو وعده به این مادر داد: اول اینکه این بچه را به تو برمی‌گردانیم، دوم اینکه او را از مرسلین قرار می‌دهیم. بعد که این بچه را در میان رود خروشان انداخت، به خواهر موسی گفت: «و قالت لاخته قصیه» (۲)؛ برو دنبالش ببین چه می‌شود و سرنوشت این بچه به کجا خواهد انجامید؟ نگرانند؛ بچه‌ی کوچک، شیرخوار، چند روزه! تا اینکه این بچه از طریق رود نیل به نزدیک خانه‌ی فرعون رسید. «فالتقطه آل فرعون» (۳)؛ خانواده‌ی فرعون او را گرفتند و خدا در دلشان انداخت که او را نگهدارند. زن فرعون گفت که این بچه را برای خودمان نگه‌داریم: «قره عین لی و لک» (۴). «و حرما علیه المراضع»؛ پستانها را نگیرد. هرچه دایه آوردند که به این بچه شیر بدهند، پستان آنها را نگیرد. گرسنه است و شیر می‌خواهد. در این بین، خواهر موسی آمد و گفت: «هل ادلکم

علی اهل بیت یکفلونه لکم» (۵) می‌خواهید من یک مرضعه پیدا کنم؟ ببینید وقتی خدای متعال می‌خواهد دعا را مستجاب کند و وعده را محقق نماید، این‌گونه شرایط را جور می‌آورد؛ به دل این دختر می‌اندازد و به او شجاعت می‌دهد که بیاید و به ماموران فرعون این‌چنین پیشنهادهای بکند. آنها گفتند عیبی ندارد. او رفت مادر موسی را برداشت آورد و گفت که این زن، زن شیردهی است. موسی را به او دادند؛ بوی مادرش را شنید و بنا کرد به شیرخوردن! در این‌جا سوظن فرعونیه تحریک نشد و به ذهنتان نرسید که شاید او مادر این بچه باشد. خدای متعال می‌خواهد وعده‌ی خود را عمل کند. «فردناه الی امه»؛ این بچه را به مادرش برگردانیدیم. «کی تفر عینها و لا تحزن»؛ تا چشمش روشن شود و محزون نگردد. «و لتعلم ان وعد الله حق» (۶)؛ تا بداند وعده‌ی خدا درست است. این وعده را که خودش دید درست است؛ اما وعده‌ی بعدی: «و جاعلوه من المرسلین» (۷). در واقع پیام بعثت موسی پس از گذشت سالها همین‌جا داده شد: همه‌ی بنی‌اسرائیل بدانند که این بچه، پیامبر خواهد شد و مبعوث خواهد گردید و شما را نجات خواهد داد، و شد. البته از آن روزی که خدای متعال به دل مادر موسی وحی کرد که «و جاعلوه من المرسلین»، تا آن روزی که موسی در طور مقام نبوت و رسالت را گرفت و مامور شد که بیاید بنی‌اسرائیل را نجات دهد، شاید سی، چهل سال فاصله شد. البته در روایات چیزهایی هست، منتها آدم به سندهای این روایات خیلی مطمئن نیست؛ لیکن آنچه که از قرائن آیات به دست می‌آید، اقلا حدود سی سالی فاصله شد.

عزیزان من! این‌گونه است که وعده‌ی الهی تحقق پیدا می‌کند؛ منتها بعد از مدت زمانی. وعده‌ی الهی این است که ملت‌های مسلمان را عزیز کند. این یکشبه که ممکن نیست؛ بدون تلاش و عمل هم ممکن نیست.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۸/۰۴/۱۰

آنچه مهم است، این است که ما امید و توکل و حسن ظن خودمان را به خدا، به این دین، به این معارف و به این احکام از دست ندهیم. اصل این است. آنچه که مایه پیشرفت است، رسوخ ایمان و امید و اطمینان است. دشمن می‌خواهد این را متزلزل کند. مراقب باشید؛ بخصوص شما خواص، شما مسؤولان، شما روشنفکران، شما گویندگان، شما علمای محترم و دانشگاهیان محترم. ببینید که دشمن می‌خواهد ایمان و امید و اطمینان را متزلزل کند. شما وظیفه‌تان این است که ایمان و امید و اطمینان را مستحکم کنید؛ بقیه کار را خود این دین با آن قدرت و این ایمان اسلامی با آن توانایی، انجام می‌دهد. ما دنباله جریان دین حرکت می‌کنیم؛ نه این‌که ما بخواهیم این جریان را راه ببریم؛ مگر ما چه کسی هستیم؟! دشمن خیال می‌کند که این جریان به اشخاص وابسته است. بنده و امثال بنده چه کسی هستیم که بخواهیم این جریان را راه ببریم؟! این جریان است که ما را هم با خود می‌برد. به فضل الهی، این جریان حادث شده و پیش آمده است؛ متوقف شدن هم نیست؛ دشمن هم بی‌خود خود را معطل می‌کند. فضل پروردگار از اول انقلاب شامل حال ما بوده است و ما به‌وضوح دست قدرت الهی را دیده‌ایم؛ به‌وضوح تفضلات حضرت بقیه‌الله‌الاعظم ارواح‌الغدا را دیده‌ایم و حس کرده‌ایم و در قضایای گوناگون، همان چیزی که به ما وعده داده شده است - «کز رع اخرج شطاه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوقه»؛ و مصداق آن، همین حرکت شما مردم مسلمان است - تحقق پیدا کرده است.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۷۸/۰۶/۰۲

در کشور ما، هفته دولت، هفته ولادت دولت نیست. جاهای دیگر، اگر بخواهند چنین روزی و چنین مناسبتی بگذارند، قاعدتا ولادت دولت یا مثلا کار برجسته‌ای را که دولت انجام داده، در نظر می‌گیرند و هفته دولت معین می‌کنند؛ اما ما آمدم و هفته دولتمان را یادبود شهادت قرار دادیم. این چیز خیلی پرمعنا و مهمی است؛ این معنایش آن است که راه ما، راه همین خصوصیات است. اینکه آیا ما شانس گرفتن پاداش شهادت را داشته باشیم یا نه، بحث دیگری است. بنده که به خودم امید چندانی ندارم. حالا شاید ان شا الله در بین شما کسانی باشند که پایان کارشان شهادت در راه خدا باشد که این افتخار بزرگی است. حالا این پاداش نصب ما بشود یا نشود، راهمان این است؛ راه کار برای خدا، با اخلاص و همراه با رشادت و شجاعت و دلیری و بی‌باکی در مواجهه با مشکلات. پس، سه خصوصیت شد: یکی این که کار و تلاش کنیم. دوم اینکه این کار را با رشادت و شجاعت انجام دهیم. سوم اینکه جهت‌گیری‌اش را خدا قرار دهیم. اگر این سه خصوصیت باشد، من مطمئنم این موفقیت‌هایی که شما در ظرف این دو سال به دست آورده‌اید، به مراتب بیشتر خواهد شد. بحمد الله موفقیت‌ها کم هم نیست. چون شما با مردم حرف کم می‌زنید، شاید خیلی از آن‌ها موفقیت‌هایتان را در بخش‌های مختلف ندانند؛ لیکن ما و کسانی که دستشان در کار است، می‌دانند که شما کارهای خوب و مفید فراوانی انجام داده‌اید. بنابراین، با وجود آن سه خصوصیت، موفقیت‌های شما روز به روز بیشتر خواهد شد و در قبال آن مجموعه انسانی که با این سه خصوصیت حرکت می‌کنند، یقینا هیچ مشکلی تاب مقاومت نخواهد داشت. همه تنگناها و مشکلات انسانی، مشکلات سیاسی و مشکلات مالی برطرف خواهد شد؛ این وعده الهی است.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۷۸/۰۶/۰۲

راه دین‌داری، راه توکل به خدا و راه اعتماد به وعده الهی است. «و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض»؛ ایمان و تقوا، راه‌های طبیعی را هم باز می‌کند، مشکلات طبیعی را هم برطرف می‌کند؛ مشکلات جهانی را هم برطرف می‌کند؛ خطرهای بزرگ را هم برطرف می‌کند و گشایش‌های فراوان به وجود می‌آورد. این یک طرف قضیه است؛ یک طرف هم مردم قرار دارند. ذخیره معنوی شما، یکی توکل به خداست؛ یکی اعتماد به این مردم مومن و صادق و فداکار و علاقه‌مند به مسئولان و علاقه‌مند به اسلام و علاقه‌مند و قدردان نظام جمهوری اسلامی؛ که هر جا از طرف مسئولان نظام از این مردم کمکی خواسته شد، آنچه در اختیارشان بود در اختیار ما قرار دادند و حجت را بر ما تمام کردند.

پیام تبریک به ملت، دولت و حزب‌الله لبنان به مناسبت پیروزی بر رژیم صهیونیستی / ۱۳۷۹/۰۳/۰۴

و مثل آنان در انجیل، چون کشتزاری است که جوانه‌ی خود را از خاک برآورد، پس آن را مایه دهد تا سبتر شود، و بر ساقه‌ی خود بایستد، و دهقانان را به شگفت آورد، تا خدا از بالندگی آنان کافران را به خشم افکند. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگ وعده کرده است. (قرآن مجید)

پیام تبریک به ملت، دولت و حزب‌الله لبنان به مناسبت پیروزی بر رژیم صهیونیستی / ۱۳۷۹/۰۳/۰۴

انکون همه‌ی معادلات سیاسی و محاسبات مادی، مقهور فداکاری جوانان مومن و مخلصی شد، که آرایش‌های فریبنده‌ی ارتش غاصب صهیونیست و قواوت‌های عجولانه درباره شکست‌ناپذیری آن را به چیزی نگرفته و نیروی فداکاری و ایثاری را که آیات باهره‌ی اسلام و قرآن در ذهن و دل آنان پدید آورده بود، به درستی ارج نهادند. به وعده‌ی الهی، اطمینان یافتند و جانهای پاک خود را به میدان بردند.

بیانات در مراسم یازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۷۹/۰۳/۱۴

پروردگارا! این ملت بزرگ به تو ایمان آورد و در راه تو مجاهدت کرد. تو فرموده‌ای: «ان الله يدافع عن الذين آمنوا». تو وعده کرده‌ای که از مومنان، از مجاهدان راه خودت و از پاک‌بازان دفاع خواهی کرد. پروردگارا! از این ملت بزرگ، در راه آرمان بزرگش، در راه مقاصد افتخارآمیزش، در مقابل دشمنان خطرناکش دفاع کن و به این ملت نصرت و پیروزی عنایت فرما. پروردگارا! نام امام، راه امام، یاد امام، درس‌های ماندگار امام را در ذهن و دل و عمل ما همیشه زنده بدار. پروردگارا! روح مطهر نبی اکرم و اولیایش، روح مطهر شهیدان و روح مطهر امام بزرگوار را از ما راضی کن. پروردگارا! چشمه‌ی امید را در دل‌های ما بجوشان. پروردگارا! دشمنان ما را مغلوب و منکوب و

منهدم بگردان. پروردگارا! وحدت کلمه‌ی ما، ایمان ما، اراده‌ی ما و باورهای ما را روز به روز رساتر و روشن‌تر و مستحکم‌تر بگردان. پروردگارا! ما را به فضل خود، به کمک خود، به لطف خود، به وعده‌ی خود، به آنچه که به مومنان و محسنان و صالحان وعده فرموده‌ای، روز به روز نزدیک‌تر بگردان. پروردگارا! ما را بندگان صالح خودت قرار بده؛ مرگ ما و زندگی ما را در راه خودت قرار بده. پروردگارا! ما را از جمله کسانی که به آنها سرباز دین و اسلام گفته می‌شود، قرار بده. پروردگارا! به همه‌ی ملتهای مسلمان نصرت عطا کن؛ به ملت لبنان و فلسطین نصرت کامل عنایت فرما.

پاسخ به پیام تبریک دکتر رمضان عبدالله دبیر کل حرکت جهاد اسلامی فلسطین / ۱۳۷۹/۰۳/۱۹

فلسطین متعلق به ملت فلسطین است و سلطه‌ی غاصب، دیر یا زود ناچار به تسلیم در برابر این حقیقت خواهد شد. امروز جوانان مسلمان و مبارز فلسطین حامل وظیفه‌های بزرگ و تاریخی‌اند و باید به نصرت الهی و وعده‌ی قطعی او دل بسپارند و آینده را با امید و ایمان و مجاهدتی که امروز می‌ورزند به ملت و کشور خود هدیه کنند. و ان الله علی نصرهم لقدیر.

بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی / ۱۳۷۹/۰۳/۲۹

برادران و خواهران عزیز! نمایندگان و منتخبان محترم و همکاران جدید و عزیز ما در اداره‌ی این کشور بزرگ و این انقلاب عظیم و رسیدن به هدفها و آرمان‌هایی که خدای متعال برای ملت مسلمان و مجاهدان راه خودش وعده فرموده؛ خیلی خوش آمدید.

بیانات در جمع بسیجیان حاضر در اردوی فرهنگی رزمی یاران امام علی(ع) / ۱۳۷۹/۰۷/۲۹

من به برادران و خواهران فلسطینی عرض می‌کنم: جهادتان را ادامه دهید. ایستادگی‌تان را ادامه دهید. بدانید هیچ ملتی جز به وسیله‌ی ایستادگی و مبارزه نمی‌تواند شرف خود و هویت خود و استقلال خود را به دست آورد. به هیچ ملتی، دشمن با التماس چیزی نخواهد داد. هیچ ملتی به خاطر ضعیف بودن و گردن کج کردن در مقابل دشمن، به چیزی نمی‌رسد. هر ملتی که در دنیا به جایی رسیده است، به خاطر عزم و اراده و ایستادگی و سینه سپر کردن و سر را بالا نگه داشتن رسیده است. بعضی از ملتها این توان را ندارند؛ اما آن ملتی که به اسلام معتقد است، آن ملتی که به قرآن معتقد است، آن ملتی که به وعده‌ی خدا معتقد است، آن ملتی که معتقد است «لینصرن الله من ینصره» هرکه خدا و دین خدا را یاری کند، خدا با تاکید او را یاری خواهد کرد این توانایی را دارد.

بیانات در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین / ۱۳۸۰/۰۳/۰۳

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی، مردی فرزانه از تبار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، نقش اساسی در بیداری اسلامی در همه‌ی جهان، به‌ویژه در کشورهای منطقه داشت. پیروزی مسلمانان در رویارویی به ظاهر نابرابر با دشمنان اسلام در جنوب لبنان، نشان دیگری از اصالت و حقانیت مبارزات اسلامی و تاکید است بر اینکه اگر مسلمانان به وعده‌ی خداوند اعتماد کنند و برای خدا مجاهده نمایند، پیروزی آنها حتمی است.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان / ۱۳۸۰/۰۶/۱۵

خدای متعال وعده داده که ما را نصرت خواهد کرد. وعده‌ی الهی راست است و با تاکید و قسم همراه است. او تخلف نخواهد کرد. اگر ما خدا را نصرت کنیم- که همه‌ی ما بر این کار عزم داریم- جدی و بی‌رودریاستی باشیم؛ ملاحظات غیر لازم نداشته باشیم و وارد شویم، بدون شک خدای متعال نصرت و حمایت خواهد کرد. به فضل پروردگار، آینده بسیار روشن و زمینه هم آماده است.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۱/۰۱/۱۶

خداوند متعال وعده می‌دهد که اگر تقوا پیشه کنید؛ یعنی مراقب رفتار خود، گفتار خود و مواظب حرکات خود در زندگی باشید و از امر و نهی الهی تخطی نکنید، خداوند هدایت، نور، فرج و رزق خود را و سعادت دنیوی و اخروی را به شما عطا خواهد کرد. اولین و آخرین حرف ما رعایت تقواست. بخصوص شما جوانان عزیز که دلهای نورانی و پاکتان، آماده‌ی پذیرش حق و آماده‌ی رابطه با خدای متعال است؛ این آمادگی و این صفا را قدر بدانید و رابطه‌ی خود را با خدا مستحکم‌تر کنید.

پیام به کنفرانس بین‌المللی امام خمینی (ره) و حمایت از فلسطین / ۱۳۸۱/۰۳/۱۳

صحنه‌ی امروز فلسطین مزده دهنده‌ی آینده‌ی محتومی است که خداوند به مجاهدان صادق و ثابت قدم وعده داده است و این وعده تخلف‌ناپذیر است. رژیم ظالم و قساوت پیشه‌ی صهیونیست و پشت سر آن، سیاست آمریکا و صهیونیسم جهانی و صلیبی‌های مرتجع می‌پندارند، که با رفتار جنایت بار و فاجعه‌آمیز خود، خواهند توانست بر ملت فلسطین پیروز شوند. و آن را وادار به تسلیم کنند و این خطایی فاحش است که مرتکبان آن در آینده گوشمالی سخت خواهند دید. جلدان تل‌آویو در رفتارهای خود فقط توانسته‌اند بی‌گناهی را به قتل برسانند و شهرهائی را ویران کنند، اما نتوانسته‌اند در عزم استوار مجاهدان فلسطینی خلل وارد سازند. انتفاضه مسجد الاقصی یکی از آیات الهی است و جنایت‌کاران روسیاه را به شدت مجازات خواهد کرد.

پیام تسلیت در پی درگذشت امام‌جمعه زنجان / ۱۳۸۱/۰۹/۲۸

درگذشت فقیه پرهیزکار و پارسا مرحوم آیت‌الله آقای حاج سید اسماعیل موسوی زنجانی امام‌جمعه محترم زنجان موجب تاسف و تأثر این‌جانب گردید. این عالم وارسته و بزرگوار، از جمله‌ی چهره‌های برجسته‌ی روحانی و از خدمتگزاران حقیقی اسلام و نظام اسلامی بودند. فرزند عزیز ایشان از جمله‌ی شهدای سرافراز و خود ایشان در سلک مومنان صادق و صوری بودند که وعده‌ی صلوات و رحمت الهی به آنان در قرآن کریم داده شده است. سالها تحقیق و مطالعه در علوم اسلامی در حوزه علمی قم و شرکت در مبارزات جامعه‌ی مدرسین و سپس سالها اشتغال در مسند امامت جمعه‌ی زنجان و حضور موثر در فعالیتهای انقلابی و اسلامی و خدمت به مردم، سابقه‌ی افتخارآمیز این مرد الهی است.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۸۱/۱۰/۱۹

همچنان که اسلام ۱۴۰۰ سال پیش ظهور کرد؛ اما حقایق اسلام در تمام دورانهای تاریخ دلهایی را مجذوب خود نمود، جسمها و فکرها و نیروهایی را به حرکت درآورد و تحولات عظیمی را در همه‌ی عرصه‌های زندگی بشریت ایجاد کرد. انقلاب یکی از همان تحولات است و نام و حقیقت و روح اسلام عنصر اصلی این انقلاب است؛ لذا همیشه زنده است. البته انقلاب زنده است و به همین دلیل دشمن هم دارد. همچنان که پیروزی انقلاب و ولادت آن با مقاومت دشمنان روبه‌رو شد، تداوم انقلاب، برپا ماندن و اثربخش شدن آن هم با دشمن و دشمنیها مواجه است. دشمن هم فقط دشمن بیرونی نیست. ما دو دشمن داریم: دشمن اول در درون خود ماست. شاید این دشمن درونی از دشمن بیرونی خطرناک‌تر هم هست. آلوده شدن به شهوات، حرص به دنیا، دل‌بسته شدن به منافع فردی، مرعوب دشمنان بیرونی شدن، مایوس شدن از وعده‌ی الهی و تحقق آرمان‌های الهی، دشمنان درونی ما هستند. همه‌ی کسانی که در جبهه‌های عظیم مثل جبهه‌ی انقلاب اسلامی به دشمن پشت کرده و فرار می‌کنند، اول در جبهه‌ی دل خود شکست می‌خورند. یا مرعوب می‌شوند یا مجذوب جلوه‌های دنیا یا آلوده به شهوات می‌گردند یا پول و مقام آنها را فریب می‌دهد و یا چهره‌ی چالپوس دشمن دچار گمراهیشان می‌کند. انسان اول در دل خود شکست می‌خورد و هزیمت می‌کند، بعد هزیمت او در جبهه‌ی بیرونی آشکار می‌شود.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس / ۱۳۸۲/۰۲/۰۷

«سکینه» ناشی از اعتماد و حسن ظن به خداست. وقتی شما هدف درستی را انتخاب می‌کنید و در راه آن هدف به تلاش می‌پردازید، خدای متعال در اینجا وعده‌ی نصرت داده است؛ بربرگرد هم ندارد. یک‌وقت هست شما هدف و آرمان را غلط انتخاب کرده‌اید؛ یک‌وقت هست هدف و آرمان را درست انتخاب کرده‌اید؛ اما تحرکی ندارید و تلاش و مجاهدتی نمی‌کنید. اینجا انتظار کمک الهی بی‌مورد است. مسلمانان اهداف و آرمان‌هایشان اهداف و آرمان‌های خوبی بود؛ اما قرن‌ها به‌خاطر اینکه تحرکی در آن‌ها وجود نداشت، توسری خوردند. الان هم هرجایی که می‌بینید مسلمانان دچار تحقیر و تذلیل می‌شوند، به‌خاطر همین عدم تحرک و عدم مجاهدت است، و الا آن جایی که هدف درست باشد، مجاهدت هم باشد، نصرت الهی هم قطعاً هست. البته نصرت الهی به معنای این نیست که آزمایش‌های دشوار و سخت نیست؛ چرا: «و لنبلونکم بشی من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات»؛ این‌ها هست و همه‌ی این‌ها در سر راه مبارزه وجود دارد؛ اما «و بشر الصابین». صبر یعنی ایستادگی؛ تداوم راه؛ این مورد بشارت الهی است؛ یعنی پیروزی نصیب خواهد شد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۲/۰۵/۱۵

آنچه من احساس می‌کنم، این است که وعده‌ی الهی به ما تاکنون در تجربه‌ی شخصی و کوتاه‌بینانه‌ی ما هم وعده‌ی صادق و عملی بوده است؛ «انه من یتق و یصبر فان الله لا یضیع اجر المحسنین». هرجا ما تقوا پیشه کردیم، صبر کردیم و ایستادگی نشان دادیم، خدای متعال اجر ما را ضایع نکرد؛ اما هرجا وادادگی نشان دادیم، ضربه خوردیم و آنجا اختلال به وجود آمد؛ الان هم همین‌طور است. خدای متعال به پیغمبرش فرمود: «فاستقم کما امرت». استقامت، یعنی در همین خط مستقیم پایداری کردن و پافشاری کردن و زاویه‌ای ایجاد نکردن؛ علاج مشکلات کشور ایران همین است و من و شما باید به این نکته توجه کنیم.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۲/۰۸/۲۳

مردم وقتی صدای امیر المومنین را شنیدند، «ثار الیه کل من کان فی المسجد»؛ همه به طرف محراب مسجد ریختند، اما نمی‌دانستند چه اتفاقی افتاده است و باید چه کار کنند. «ثم احاطوا بامیر المومنین»؛ بعد آمدند اطراف امیر المومنین جمع شدند. «و هو یشید راسه بمتزره و الدم یجری علی وجهه و لحيته»؛ وقتی مردم جمع شدند، دیدند حضرت در همان حال ضعف و درحالی‌که فرقیش شکافته، با دست‌مالی زخم خود را می‌بندد و خون بر صورت و محاسن آن بزرگوار جاری است. «و قد خضبت بدمائه»؛ محاسن آن حضرت که سفید بود، با خون پاکش رنگین شده بود. «و هو یقول هذا ما وعد الله و رسوله و صدق الله و رسوله»؛ این همان وعده‌ی خدای متعال و پیغمبر اوست، و خدای متعال و پیغمبرش راست گفتند و وعده‌ی آن‌ها تحقق پیدا کرد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۲/۰۸/۲۳

همه‌ی برادران و خواهران عزیز نمازگزار را به رعایت تقوا و مراقبت از امر و نهی و اراده‌ی الهی در رفتار و گفتار و حتی در خطورات ذهنی و احساساتی که بر انسان غالب می‌شود، دعوت و توصیه می‌کنم. امروز روز نوزدهم ماه رمضان است و دیشب یکی از شبهای بود که احتمال لیل‌ه القدر در آن وجود دارد. به‌طور کلی ایام بسیار عزیز و مبارکی است و دو شب طرف احتمال لیل‌ه القدر پیش روی ماست. مردم عزیز و مومن تهران در این اجتماع معنوی و روحانی دل‌های خود را برای اتصال و ارتباط با حضرت حق (جلت عظمت‌ه و عظم شأنه) آماده کنند و در شبهای قدری که باقی مانده است، آنچه را که خدای متعال از رحمت الهی در این ایام و شبها برای مومنان وعده فرموده است، برای خود تامین کنند. پروردگارا! توفیق درک لیل‌ه القدر و استفاده از برکات آن را به همه‌ی ما عنایت کن.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۲/۰۹/۰۵

آنچه ما را در مقابل توطئه‌ی دشمن، پایدار می‌کند، ایمان به خدا و اعتماد به وعده‌ی الهی است. وعده‌ی الهی این است که: «ولینصرن الله من ینصره»؛ (۱) آن کسی که دین خدا را نصرت کند؛ آن کسی که طبق دستور الهی نیروهای خود را در راه نجات و فلاح و صلاح به میدان بیاورد، خدای متعال او را تنها نخواهد گذاشت و او را موفق و پیروز خواهد کرد. تجربه‌ی ما هم همین را نشان می‌دهد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۲/۰۹/۰۵

آنچه ما را در مقابل توطئه‌ی دشمن، پایدار می‌کند، ایمان به خدا و اعتماد به وعده‌ی الهی است. وعده‌ی الهی این است که: «و لینصرن الله من ینصره»؛ آن کسی که دین خدا را نصرت کند؛ آن کسی که طبق دستور الهی نیروهای خود را در راه نجات و فلاح و صلاح به میدان بیاورد، خدای متعال او را تنها نخواهد گذاشت و او را موفق و پیروز خواهد کرد. تجربه‌ی ما هم همین را نشان می‌دهد.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۸۲/۱۱/۰۸

ملت و دولت ایران که در این روزها بیست و پنج سالگی نظام جمهوری اسلامی را جشن می‌گیرند، در این راه پرافتخار تجربه‌ی های گرانبهای اندوخته و الگوی شایسته‌ای در برابر همگان قرار داده‌اند، ما با انکال به خدای بزرگ و مقتدر و با بهره‌گیری از نیروی ملتی که به ایمان و معرفت، مجهز است، هدف‌های بزرگ خود را تعقیب کرده و با گام‌های مستحکم به سوی آن پیش رفته‌ایم. دانش و فناوری را آمیخته با ارزش‌های معنوی و استقلال و آزادی را همراه با تقید به حدود دینی و مردم‌سالاری را برخاسته از آموزش‌های قرآنی فراگرفته و بکار بسته‌ایم.

کشور ما در این مدت بیشترین تهدید و عناد و خیانت را از استکبار دریافت کرده و ملت ما در این مدت، بیشترین ایمان و ایستادگی و افتخار را کسب کرده است. ما سخن قرآن را در عمل تجربه کردیم که می‌فرماید: «ان کید الشیطان کان ضعیفا» (۱) و می‌فرماید: «ان الله مع الذین اتقوا و الذین هم محسنون» (۲) و می‌فرماید: «و ان الله علی نصرهم لقدیر» (۳).

ما افق آینده را در برابر ملت خود و جهان اسلام، روشن می‌بینیم و با اعتماد روزافزون به وعده الهی، راهی را که امام خمینی عظیم ترسیم کرده است، با عزم راسخ ادامه می‌دهیم. و العاقبه للمتقین (۴).

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۸۲/۱۱/۰۸

شک نیست که در مضاف حق و باطل، پیروزی از آن حق و شکست و زوال، سرنوشت باطل است، مشروط بر آنکه جبهه حق از نیروی مادی و معنوی خویش به گونه‌ای درست بهره بگیرد و با خردمندی و تلاش شایسته و با استقامت و امید و با توکل به خدا و اعتماد به نفس، راه درست را بجوید و ببیماید. در این صورت امداد و نصرت الهی، حق مسلمی است که وعده قرآنی برای او مقرر فرموده است: «ان تنصروا الله ینصرکم و ینتہ اقدامکم» و: «لینصرن الله من ینصره» و: «ان الارض یرثها عباد الصالحون».

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۸۲/۱۱/۰۸

ما افق آینده را در برابر ملت خود و جهان اسلام، روشن می‌بینیم و با اعتماد روزافزون به وعده الهی، راهی را که امام خمینی عظیم ترسیم کرده است، با عزم

راسخ ادامه می‌دهیم. و العاقبه للمتقین.

پیام تبریک به حزب الله لبنان / ۱۳۸۲/۱۱/۰۹

پیروزی درخشان حزب الله قهرمان لبنان را در آزادسازی صدها نفر از فرزندان دلاور اسلام، از بند رژیم ظالم و غاصب صهیونیست به جناب‌عالی و همه مجاهدان سرافراز حزب الله و به خانواده‌های آن آزادگان عزیز و به ملت فلسطین و لبنان تبریک و تهنیت می‌گویم و به یکایک این برادران که مرارت‌های اسارت و فشارهای دشمن نتوانست در پایداری آنان رخنه ایجاد کند، سلام و درود می‌فرستم. این آزمایش بزرگ دیگری است که شکست‌پذیری دولت شریر و خبیث صهیونیست را در برابر اراده‌های مستحکم و ایمان‌های استوار مجاهدان فی سبیل الله در برابر چشم امت اسلامی قرار می‌دهد و امید و عزم جوانانی را که با اتکال به وعده تخلف‌ناپذیری الهی قدم در میدان مبارزه با شر مجسم نهاده‌اند، مضاعف می‌سازد. از خداوند قادر متعال پیروزی ملت مبارز و مقاوم فلسطین و لبنان و آزادی دیگر گرفتاران مظلوم در اسارت و توفیقات روزافزون حزب الله و دوام عمر و عزت شما عزیز گرامی را مستثنت می‌کنم.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۲/۱۱/۲۴

این ملت تلاش بزرگ و مجاهدت عظیمی کرده است؛ خدای متعال هم طبق وعده‌ی خود به این ملت پاداش داده است؛ استقلال و نظام اسلامی. خداوند عاقبت خوشی برای شما مقرر کرده است و ان شا الله به این عاقبت خواهید رسید.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۲/۰۱/۰۲

نظام اسلامی به وعده‌ی قرآن کریم، مردم را به سمت حیات طیبیه حرکت می‌دهد. آیه‌ی قرآن می‌فرماید: «من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مومن فلنجینه حیاة طیبیه». حیات طیبیه یعنی زندگی گوارا. یک ملت آن وقتی زندگی گوارا دارد که احساس کند و ببیند که دنیا و آخرت او برطبق مصلحت او به پیش می‌رود و به سمت هدفهای او حرکت می‌کند؛ این زندگی گواراست؛ فقط «دنیا» نیست، فقط هم «آخرت» نیست. آن ملت‌هایی که به زندگی دنیا چسبیده‌اند و موفق شده‌اند که زندگی دنیوی را به مراتب پیشرفته‌ای از کمال برسانند، لزوماً زندگی گوارا ندارند. زندگی گوارا وقتی است که رفاه مادی با عدالت، معنویت و اخلاق همراه شود. و این را فقط ادیان الهی می‌توانند برای بشر تأمین کنند. از طرف دیگر، حیات طیبیه و زندگی گوارا فقط آخرت هم نیست. اسلام نمی‌گوید من می‌خواهم زندگی اخروی بعد از مرگ مردم را آباد کنم، دنیاى آن‌ها هر جور شد، شد؛ این منطق اسلام نیست. منطق اسلام این است که زندگی جامعه‌ی اسلامی باید از مواهب الهی سرشار شود و بشر با بهره‌مندی‌های مادی در زندگی خود، راه معنویت را گم نکند و درست حرکت کند. اگر آن زندگی به وجود آمد، آن وقت در جامعه ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض ریشه‌کن می‌شود؛ تجاوز به حقوق انسانها ریشه‌کن می‌شود؛ جنگها و برادرکشی‌ها از بین می‌رود؛ ناامنی‌ها در زندگی بشر به صفر می‌رسد. انبیا برای این کار و مجاهدت کردند؛ بزرگان برگزیده‌ی خداوند در تاریخ بشر، برای این جان دادند.

ما قلعه بلند و رفیعی را در نظر گرفته‌ایم که عبارت است از همین زندگی مطلوب انبیا و اولیای الهی. همه‌ی تلاش و همت و همه‌ی فکر و ذکر ما این است که خودمان را به این قلعه نزدیک کنیم. البته فاصله زیاد است و راه دشوار، اما رسیدن به دامنه‌های بالا و بالاتر مغتنم و لذت‌بخش است؛ ما دنبال این هدف هستیم. کلید موفقیت این کار در نظام اسلامی چیست؟ کلید موفقیت این است که مسئولان نظام اسلامی - همچنان که در آیه‌ی قرآن ذکر شده است - از ایمان و عمل صالح برخوردار باشند. ایمان و عمل صالح فقط اعتقاد به خدا و خواندن نماز و گرفتن روزه نیست، بلکه ایمان یعنی ایمان به خدا؛ ایمان به وعده‌ی الهی؛ ایمان به آنچه که خدای متعال برای بشر در دستورات تشریعی خود به‌وسیله‌ی انبیا فرستاده است؛ ایمان به درستی راه خود. «آمن الرسول بما انزل الیه من ربه و المومنون»؛ خود پیغمبر به راه خود ایمان داشت، مومنین هم به دنبال سر پیغمبر به راه خودشان ایمان داشتند. خدای متعال به ما وعده‌هایی داده است؛ باید به این وعده‌ها ایمان داشته باشیم. خدای متعال به ما به‌طور قاطع فرموده است که: «اوفوا بعهدی اوف بعهدکم»؛ به عهد من وفا کنید، تا من هم به عهد خود وفا کنم؛ معاهده‌پی که با خدا بسته‌اید، به آن معاهده عمل کنید تا خدا هم به وعده‌ای که به شما داده است عمل کند. خاصیت ایمان در وجود یک انسان مسئول این است که راه او را هموار و دشواری‌ها را در نظرش کوچک می‌کند؛ همت او را بالا می‌برد؛ او را از آلوده شدن به خواسته‌های حقیر اهل دنیا باز می‌دارد؛ او را عاشق، خادم و دوستدار مردم قرار می‌دهد و در مقابل تهدید دشمنان آسیب‌ناپذیر و در مقابل مشکلات کار و مسئولیت مقاوم می‌سازد. عمل صالحی که در اسلام از یک مسئول نظام سیاسی خواسته شده است، رفتار دینی است. رفتار دینی یعنی گسترش عدالت در جامعه و خدمت به آحاد مردم. در اسلام خدمت به انسانها، حتی انسانهای غیر مومن هم مورد نظر است؛ افق دید اسلام خیلی وسیع است.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۲/۰۱/۰۲

ما قلعه بلند و رفیعی را در نظر گرفته‌ایم که عبارت است از همین زندگی مطلوب انبیا و اولیای الهی. همه‌ی تلاش و همت و همه‌ی فکر و ذکر ما این است که خودمان را به این قلعه نزدیک کنیم. البته فاصله زیاد است و راه دشوار، اما رسیدن به دامنه‌های بالا و بالاتر مغتنم و لذت‌بخش است؛ ما دنبال این هدف هستیم. کلید موفقیت این کار در نظام اسلامی چیست؟ کلید موفقیت این است که مسئولان نظام اسلامی - همچنان که در آیه‌ی قرآن ذکر شده است - از ایمان و عمل صالح برخوردار باشند. ایمان و عمل صالح فقط اعتقاد به خدا و خواندن نماز و گرفتن روزه نیست، بلکه ایمان یعنی ایمان به خدا؛ ایمان به وعده‌ی الهی؛ ایمان به آنچه که خدای متعال برای بشر در دستورات تشریعی خود به‌وسیله‌ی انبیا فرستاده است؛ ایمان به درستی راه خود. «آمن الرسول بما انزل الیه من ربه و المومنون»؛ (۱) خود پیغمبر به راه خود ایمان داشت، مومنین هم به دنبال سر پیغمبر به راه خودشان ایمان داشتند.

خدای متعال به ما وعده‌هایی داده است؛ باید به این وعده‌ها ایمان داشته باشیم. خدای متعال به ما به‌طور قاطع فرموده است که: «اوفوا بعهدی اوف بعهدکم»؛ (۲) به عهد من وفا کنید، تا من هم به عهد خود وفا کنم؛ معاهده‌پی که با خدا بسته‌اید، به آن معاهده عمل کنید تا خدا هم به وعده‌ی که به شما داده است عمل کند. خاصیت ایمان در وجود یک انسان مسوول این است که راه او را هموار و دشواری‌ها را در نظرش کوچک می‌کند؛ همت او را بالا می‌برد؛ او را از آلوده شدن به خواسته‌های حقیر اهل دنیا باز می‌دارد؛ او را عاشق، خادم و دوستدار مردم قرار می‌دهد و در مقابل تهدید دشمنان آسیب‌ناپذیر و در مقابل مشکلات کار و مسوولیت مقاوم می‌سازد. عمل صالحی که در اسلام از یک مسوول نظام سیاسی خواسته شده است، رفتار دینی است. رفتار دینی یعنی گسترش عدالت در جامعه و خدمت به آحاد مردم. در اسلام خدمت به انسانها، حتی انسانهای غیرمومن هم موردنظر است؛ افق دید اسلام خیلی وسیع است.

بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۲/۰۲/۱۴

اگرچه در باره‌ی امام، گویندگان گفته‌اند، نویسندگان نوشته‌اند و سراینندگان سروده‌اند؛ لکن من امروز در ذهنم، مضمون دو آیه‌ی مبارکه‌ی سوره‌ی «طه» را که قرائت شد، باشخصیت امام بزرگوار، تطبیق کردم. در امام عزیز، سه خصوصیت درخشان وجود داشت که همان سه خصوصیت، در این دو آیه‌ی شریفه هم مطرح شده است. در آیه‌ی اول می‌فرماید: «و من یاته مومنا قد عمل الصالحات». ایمان، خصوصیت اول و عمل صالح، خصوصیت دوم است. در پایان آیه‌ی دوم، خصوصیت سومی هم در عبارت: «و ذلک جزا من ترکی» ذکر شده است که خصوصیت تزکیه و تهذیب نفس است. قرآن کریم برای کسی که دارای این خصوصیات است، وعده‌ی درجات «علی» داده است: «فالولک لهم الدرجات العلی».

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۸۲/۱۰/۱۹

ملت ایران از فشار دیکتاتوری رژیم دست‌نشانده از یک طرف، فشار زندگی از یک طرف، فشار تحمیل فرهنگ فساد از یک طرف، و سلطه‌ی خارجی و به‌طور مشخص عوامل و عناصر امریکایی از یک طرف، به ستوه آمده بود. این خشم عمومی و این انگیزه‌ی عمومی از ایمان مذهبی ملت ایران به‌طور کامل سیراب شد و معنا پیدا کرد. این خشم عمومی، خشم کور نبود؛ انگیزه‌ی تعریف نشده نبود؛ مردم می‌فهمیدند که چه می‌خواهند و چه کار می‌خواهند بکنند؛ و این بر اثر تعلیمات اسلامی بود. حرکت طلاب جوان و فضلاء وزین به دنبال رهبری بی‌نظیر امام بزرگوار در طول سالهای متمادی این خودآگاهی را در ملت ایران به وجود آورده بود که این وضعیت برای یک ملت و یک کشور مایه‌ی سرافکندگی است؛ و این وضعیت قابل تغییر یافتن است؛ و فقط هم به دست خود مردم ممکن است تغییر پیدا کند. این را مردم به‌درستی فهمیده بودند. خشم عمومی در همه جای ایران گسترده بود؛ منتها مثل همه‌ی حوادث دیگر لازم بود نقطه‌ی آغازینی به وجود بیاید؛ قهرمانی یا وسط میدان بگذارد و شروع کند. این شروع‌کننده، مردم قم و حوزه‌ی علمیه‌ی قم بودند؛ اهمیت قضیه اینجاست. انگیزه، اسلام، هدفها، تعریف‌شده‌ی به وسیله‌ی معرفت ایمانی و اسلامی؛ امید به حمایت الهی و تکیه به نیروی مجاهدت ملی؛ این مجموعه‌ی آن چیزی بود که ملت ایران، چه در نوزده دی، چه در حوادثی که پس از آن به برکت نوزده دی پیش آمد، آن را در خود جمع کرده بود. این حادثه، طوفان را آغاز کرد؛ طوفانی که هلاک در آن، برای نیروهای ضد حق، نیروهای طغیان و نیروهای شر قطعی شده بود. «و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون»؛ این وعده‌ی الهی است. حق تا وقتی از مردم پشتیبانی نداشته باشد، یک واقعیت ذهنی و یک حقیقت معنوی است؛ نمی‌شود توقع داشت در جایی تحقق و استقرار پیدا کند. اما وقتی به دنبال حق، نیروی ایمان انسانها بسیج شد و به راه افتاد، حق طبق طبیعت نظام هستی است؛ لذا تحقق پیدا می‌کند، و تحقق پیدا کرد. اگر در طول تاریخ طولانی امت اسلامی، از قرون اولیه تا امروز، از وقتی ضعف مسلمانها شروع شد، می‌بینیم حق مظلوم و مقهور واقع شد، به‌خاطر همین کمبود بود؛ چون نیروی مومن انسانی‌شانه‌ی خودش را زیر بار حق نداده بود تا حق را در جامعه علم کند؛ پرچم حق را برافراشته کند؛ ستون حق را در زمین حیات و زندگی مردم استقرار ببخشد؛ لذا همین چیزی شد که می‌بینید: زندگی امت اسلامی به این روز فلاکت‌بار افتاد که در بسیاری از نقاط جهان ما شاهدش هستیم. ولی ملت ایران قانون الهی را عمل کردند؛ یعنی حق را متحمل شدند؛ شانه زیر بار تحقق حقیقت الهی دادند؛ وارد میدان شدند؛ خدای متعال هم نصرت را- همچنان که در قرآن مکرر وعده کرده است- برای این‌ها ارزانی داشت. این کار از قم شروع شد. این روز را مهم بدانید؛ این روز یک مقطع تاریخی است. برای نگهداری آن و گسترش دادن مفاهیمی که در این حادثه وجود دارد، باید تلاش و مجاهدت کرد.

ملت ایران وارد میدان شدند؛ سلطه‌ی دیکتاتوری وابسته را از سر خودشان راندند؛ حضور دشمن غارتگر را از کشورشان نفی کردند؛ دشمن را بیرون راندند؛ نظام فرهنگی غلط و سلطه‌ی تحمیلی فرهنگ بیگانه را تا آنجایی که توانستند، زدودند و جریان حق را حاکم کردند. طاغوت رفت و نیروی متکی به مردم و برخاسته‌ی از ایمان دینی سرکار آمد و همچنان که خدا وعده داده، برکات الهی نازل شد؛ «و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض». خدای متعال وعده کرده است که اگر ایمان و تقوا به میدان بیاید، باب رحمت و برکت را هم باز می‌کند؛ و این کار صورت گرفت.

بیانات در دیدار مردم پاکدشت / ۱۳۸۲/۱۱/۱۰

مردم باید دنبال رئیس‌جمهوری باشند که این توانایی، این شادابی، این قدرت، این احساس مسئولیت و این آمادگی به کار در او وجود داشته باشد. مردم تحت تأثیر حرف این و آن هم قرار نمی‌گیرند؛ تشخیص می‌دهند؛ این را مردم ما نشان داده‌اند. فرصت وجود دارد؛ مردم تشخیص بدهند و انتخاب کنند. البته در انتخاباتی که چند ماه دیگر در پیش است، آنچه در درجه‌ی اول مهم است، عزم عمومی مردم است. ملت ایران نشان بدهد که به مسأله‌ی انتخابات بی‌تفاوت نیستند؛ به این مسئله اهمیت بدهند؛ این اساس کار است. بعد هم ان شا الله خدای متعال توفیق بدهد و هدایت کند تا دل و ذهن مردم به سمت کسی برود که دارای چنین خصوصیتی باشد. آنوقت حرکت عمومی ملت ایران روز به روز شتاب بیشتری خواهد گرفت و خدای متعال هم وعده کرده است که هر ملتی تلاش و کار کند، به او اجر خواهد داد و نتایج را به او عطا خواهد کرد. برکات و رحمت الهی، تضادفی و شانسی نیست که بخوابیم و این برکات بدون دلیل بر ما نازل شود؛ نه، خدای متعال خودش در قرآن، و اولیا ما در کلماتشان، برای ما روشن کرده‌اند؛ باید تلاش کرد، باید کار کرد، باید مجاهدت کرد تا ان شا الله به نتایج رسید.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۲/۰۲/۰۶

شک نداریم وعده‌ی الهی که فرمود: «وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم» (۱) وعده‌ی عملی است و تحقق پیدا خواهد کرد. شرط آن، ایستادگی، استقامت، راه را گم نکردن، هدف را گم نکردن، وحدت را حفظ کردن و به خدای متعال توکل کردن است.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۲/۰۲/۰۶

دل مسلمانها را گرم کنید؛ آن‌ها را به نیروی خودشان مطمئن کنید؛ آن‌ها را با علم و عقل و تدبیر به تقویت درونی خودشان وادار کنید؛ آن‌ها را به ایستادگی در مقابل زورگویی قدرتمندان عالم تشویق کنید. خدای متعال وعده کرده است: «من کان لله کان الله له»؛ «و الذین جاهدوا فینا لنهذبهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین»؛ خداوند کمک خواهد کرد، خداوند راهنمایی خواهد کرد. امام بزرگوار ما، هم قولا و هم عملا این درس را به ملت ایران داد و ملت ما نتیجه‌ی آن را در مقابل چشم خود دید، و دنیا شاهد این معنا بود. شک نداریم وعده‌ی الهی که فرمود: «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم» وعده‌ی عملی است و تحقق پیدا خواهد کرد. شرط آن، ایستادگی، استقامت، راه را گم نکردن، هدف را گم نکردن، وحدت را حفظ کردن و به خدای متعال توکل کردن است.

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدای استان کرمان / ۱۳۸۲/۰۲/۱۲

شهادت، نعمت و هدیه‌ی خداست؛ این هدیه را آسان به کسی نمی‌دهند. چرا هدیه‌ی خداست؟ چون مرگ ناگزیر همگانی همه‌ی انسان‌ها را به یک پدیده‌ی افتخارآمیز در دنیا و آخرت تبدیل می‌کند؛ این هدیه نیست؟ آیا ممکن است کسی از مرگ بگریزد؟ وقتی انسان به لحظه‌ی مرگ رسید، آیا فرق می‌کند که پشت سر خودش ۹۰ سال را گذرانده باشد یا ۲۰ سال؟ آیا بزرگترین دغدغه‌ی هر انسانی از مرگ به خاطر این نیست که از بعد از آغاز سفر مرگ بی‌خبر است و نمی‌داند چه بر سر او خواهد آمد؟ این‌ها را در کنار هم بگذارید و ببینید انسانی همین مرگ و همین حادثه‌ی قطعی و ناگزیر و همین آینده‌ی مبهم و نگرانی‌آور را تبدیل کند به یک حادثه‌ی پرافتخار، به یک واقعه‌ی نامدار در دنیا و آخرت، به یک وسیله‌ی عزت پیش خدا و پیش کربویان ملا اعلی، به یک اطمینان و یک سکینه‌ی قلبی و یک آرامش؛ «و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم و لا هم یحزنون»؛ هیچ خوف و اندوهی برای آن‌ها نیست. آیا این هدیه‌ی الهی نیست؟ اینکه آدم روغن ریخته‌ی جان خودش را نذر امامزاده کند و قبول شود، نعمت خدا نیست؟ این روغن که ریخته شده است، این عمر که از دست رفته است، این مرگ که ناگزیر است؛ آنگاه انسان باید همین مرگ ناگزیر را به خدا بفروشد، به قیمت بهشت و سعادت ابدی؛ «ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون»؛ این، وعده‌ی الهی است. این جان رفتنی را- که انسان به‌ناچار باید از دست بدهد- خدا از شما می‌خرد و در مقابلش به شما بهشت می‌دهد. این فقط مخصوص ما مسلمان‌ها نیست؛ در ادیان قبل از اسلام هم بوده؛ «وعدا علیه حقا فی التوراه و الانجیل و القرآن»؛ این وعده را خدا در تورات و انجیل و قرآن هم داده است. پس شهادت یک هدیه‌ی الهی است.

بیانات در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه / ۱۳۸۲/۰۲/۱۸

امروز ورق برگشته است؛ نظام اسلامی میدان رشد را برای همه باز کرده است. ماییم و همتان، ماییم و تلاشمان، ماییم و ابتکار و خلاقیتان که بتوانیم. اگر تلاش کردیم، به نتیجه خواهیم رسید؛ این وعده‌ی لایستخلف الهی است. اگر تلاش نکنیم، اگر کوتاهی کنیم، اگر خطوط معنوی و اخلاقی را در پیشرفت مادی به دست فراموشی بسپاریم، البته رحمت الهی از ما سلب خواهد شد. ما باید رحمت الهی را برای خود جلب کنیم.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان / ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

جمهوری اسلامی- یعنی نظام مردمی، نظام مستقل، نظام مبتنی بر ارزش‌های اصیل، نظام مبتنی بر آزادی فکر و عدالت اجتماعی- یک هدیه‌ی الهی به ملت ایران است. خدای متعال این هدیه را مفت و مجانی به ملت ایران نداده است. نسل‌هایی تلاش کردند، نسل قبل از شما مجاهدت سخت و دشواری را متحمل شدند؛ خدای متعال هم وعده کرده است که برای مجاهدت پاداش قائل است. پاداش نه فقط پاداش اخروی است، بلکه در همین نشانه‌ی زندگی هم پاداش داده می‌شود؛ «کلا نمد هولاً و هولاً من عطا ربک»؛ هرکس تلاش کند، به نتیجه‌ی آن تلاش خواهد رسید. ملت ایران تلاش کردند؛ خدای متعال هم این هدیه را به آن‌ها داد؛ یعنی یک نظام مردمی که پایه‌های آن بر ضدیت با فساد و انحراف و کج‌روی و وابستگی نهاده شده است. این هدیه را باید نگه داشت. این‌طور نیست که اگر خدا به قومی نعمت داد، آن قوم خاطر جمع باشند که این نعمت برای آن‌ها خواهد ماند. شما در سوره‌ی حمد می‌خوانید: «صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین»؛ یعنی «مغضوب علیهم» و «ضالین» هم جزو «انعمت علیهم» اند. نباید تصور شود که خدا به عده‌یی نعمت می‌دهد و عده‌یی را گمراه می‌کند و مورد غضب قرار می‌دهد؛ نه، «غیر المغضوب علیهم» به حسب ترکیب نحوی عربی، صفت «انعمت علیهم» است. خدا به انسان‌های زیادی نعمت داده است. نعمت داده‌شدگان دو نوع‌اند؛ یک عده کسانی هستند که با عمل خود، با سو رفتار خود، با تنبلی خود، با انحراف خود و با دل سپردن و تن سپردن به هوس‌های زودگذر منحرف‌کننده، نعمت را بر باد دادند؛ یک عده هم کسانی هستند که نعمت را با کوشش و تلاش و شکرانه‌ی خود نگه داشتند. کسانی که نعمت را بر باد دادند، «مغضوب علیهم» و «ضالین‌اند؛ آن‌هایی که نعمت را نگه داشتند، «غیر المغضوب علیهم و لا الضالین» اند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۴/۰۵/۲۸

ما ملت مسلمانی هستیم. این ملت، با اراده‌ی راسخ عمومی توانسته است یک نظام مطابق با ایمان و اعتقاد خود را در این کشور سر کار بیاورد. هدف این نظام چیست؟ هدف این ملت چه بود؟ هدف این بود که این کشور با این نظام بتواند از همه‌ی خوبی‌ها و پیشرفت‌ها و خیرات و برکاتی که خدای متعال به ملت‌های مومن وعده داده است، برخوردار شود؛ یعنی یک کشور اسلامی بشود. کشور اسلامی یعنی کشوری که اسلام حیات‌بخش، اسلام نشاط‌آور، اسلام تحرک‌آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت‌بخش به انسان‌ها، و اسلام هدایت‌کننده‌ی انسان‌ها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است؛ اسلامی که با همان شکلی که در قرن اول اسلامی به آن عمل شد، توانست یک مجموعه‌ی پراکنده را به اوج تمدن تاریخی و جهانی برساند و تمدن و دانش او بر دنیا سیطره پیدا کند. سیطره و تسلط علمی به دنبال خود عزت سیاسی هم می‌آورد؛ رفاه اقتصادی هم می‌آورد؛ فضایل اخلاقی هم می‌آورد؛ اگر کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی شود.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۴/۰۷/۲۹

امیر المومنین- مظهر عدالت- به‌خاطر مبارزه‌ی در راه عدل و داد و انصاف و حکم الهی، در محراب عبادت در خون خود غلتید و محاسن مبارکش به خون سرش رنگین شد. من یک عبارت واردشده‌ی در روایت را می‌خوانم و برای شما معنا می‌کنم تا توسلی پیدا کرده باشیم. این‌طور وارد شده است که «فلما احس الامام بالضرب لم یناوه»؛ وقتی ضربت شمشیر بر فرق مبارک امیر المومنین فرود آمد، هیچ آه و ناله‌یی از آن حضرت سر نزد. «و صبر و احتسب»؛ حضرت صبر کردند. «و وقع علی وجهه»؛ امیر المومنین با صورت روی زمین افتادند. «قائلاً بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله»؛ درست مثل حضرت ابا عبد الله که وقتی در گودال قتلگاه روی زمین افتادند، نقل شده است که عرض کردند: «بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله». مردم شتابان دنبال قاتل بودند تا او را دستگیر کنند. «و لا یدرون این یدهیون من شده الصدمه و الدھشه»؛ از بس این حادثه دهشت‌آفرین بود، مردم را سراسیمه کرد. همین‌طور می‌دویدند تا بتوانند قاتل را پیدا کنند. «ثم احاطوا بامیر المومنین علیه السلام»؛ بعد آمدند اطراف حضرت را گرفتند. «و هو یشد راسه بمزهره و الدم یجری علی وجهه و لجنه»؛ خون بر صورت و محاسن حضرت جاری بود. خود آن بزرگوار مشغول بستن زخم سرش بود. «و قد خضبت بدمائه و هو یقول هذا ما وعد الله و رسوله و صدق الله و رسوله»؛ حضرت زخم سرشان را می‌بستند و می‌فرمودند این همان چیزی است که خدا و پیغمبر به من وعده کرده بودند.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۸۴/۱۰/۱۹

تضمین‌کننده‌ی همه‌ی هدف‌های بزرگ امت اسلامی، توکل به خداوند و اعتماد به وعده‌ی حتمی قرآن و تحکیم اتحاد اسلامی است، و فریضه‌ی حج با ماهی غنی و کارساز «ذکر الله» و با اجتماع متراکم و عظیم مسلمانان در مناسک آن، می‌تواند نقطه‌ی آغاز و سکوی پرش این نهضت فراگیر باشد. و برائت در قول و عمل از سردمداران کفر و استکبار در این فریضه، الگوی عمل و نخستین گام در این راه گردد.

بیانات در سومین کنفرانس حمایت از حقوق مردم فلسطین / ۱۳۸۵/۰۱/۲۵

شما برای همفکری و چاره‌جویی در باره‌ی بزرگترین مصیبتی که در تاریخ معاصر با دسیسه‌های استعمار بر امت اسلامی وارد شده؛ یعنی اشغال فلسطین و قدس شریف، گرد هم آمده‌اید. همزمانی این اجلاس با سالروز ولادت رسول اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) در سالی که ملت ایران آن را به نام مبارک آن حضرت مزین کرده است، باید برای همه‌ی ما الهام‌بخش مجاهدت و اتحاد و عزم راسخ و اعتماد به وعده‌ی الهی باشد و زمینه‌ساز رحمت و نصرت خداوند گردد؛ ان شا الله.

بیانات در سومین کنفرانس حمایت از حقوق مردم فلسطین / ۱۳۸۵/۰۱/۲۵

فلسطین باید به ملت فلسطین برگردد و دولت واحد فلسطینی به انتخاب همه‌ی فلسطینیان سراسر کشور خود را اداره کند. کوشش پنجاه‌ساله‌ی انگلیس و امریکا و صهیونیست‌ها برای حذف نام فلسطین از نقشه‌ی جهان و هضم ملت فلسطین در ملت‌های دیگر به جایی نرسید و فشار و ستم و قساوت به‌عکس نتیجه داد. امروز ملت فلسطین از اسلاف شصت سال قبل خود، زنده‌تر و شجاعت‌تر و کارآمدتر است. این روند که در سایه‌ی ایمان و جهاد و انتفاضه‌ی افتخارآفرین پدید آمده، باید ادامه یابد و وعده‌ی خداوند تحقق یابد که فرمود: «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدون لی لا یشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون».

بیانات در سومین کنفرانس حمایت از حقوق مردم فلسطین / ۱۳۸۵/۰۱/۲۵

امت بزرگ اسلامی نمی‌تواند همچون غرب مزور در برابر ظلمی که بر شما می‌رود، بی‌تفاوت و ساکت بماند و با دشمن شما دست دوستی بدهد. هرکه چنین کند، با شما دشمنی کرده است و مطمئناً ملت‌های مسلمان از این گناه بزرگ میرابند. امت اسلامی موظف است به هرگونه‌ی ممکن به شما یاری برساند و شما را در ادامه‌ی این راه مبارک کمک کند. به وعده‌ی الهی اعتماد کنید؛ رنج‌ها و دردهای جان‌کاه خود را که خون‌های به‌ناحق ریخته و سخی‌های هر روزه بر شما وارد می‌سازد، به حساب خدا بنویسید و همچون سرور شهیدان عالم، حسین بن علی (علیهما السلام) در لحظه‌ای که کودک شیرخوارش را در آغوشش با تیر زهرآلود شهید کردند، بگویید: «انما یهون الخطب علی انه بعین الله». و بدانید که خداوند پیروزی نهایی مومنان و مجاهدان صابر را تضمین کرده است. «و تمت کلمه ربک

صدقا و عدلا، لا مبدل لکلماته و هو السميع العليم».

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی / ۱۳۸۵/۰۲/۲۹

خود شکر، یک نعمت است. اولاً، وقتی شکر کردید، این شکر موجب ذکر می‌شود؛ متوجه خدا می‌شوید؛ خود شکر انسان را ذاکر می‌کند. ثانیاً، شکر به ما صبر می‌دهد. شکر نعمت یکی از خواصش، دادن صبر و پایداری است. در دعا می‌خوانیم: «اللهم انی اسالک صبر الشاکرین لک». وقتی شما شکر می‌کنید، نعمت را می‌شناسید و موقعیت را درک می‌کنید؛ امکانی را که خدا در اختیار شما گذاشته است، به یاد می‌آورید و امیدوار می‌شوید. این امید، پایداری شما را زیاد می‌کند. لذا لازمه‌ی شکر، صبر است. یکی از دستاوردهای شکر، قدرت پایداری و ایستادگی در میدانهای دشوار است. یکی از خواص شکر، مغرور نشدن است. بعد هم خدای متعال وعده کرده است افزایش نعمت را؛ «لازیدنکم». وعده‌ی الهی صدق است و سازوکار روشنی هم دارد. همین که عرض کردیم، نشان‌دهنده‌ی این است که خود شکر، نعمت را زیاد می‌کند. شکر پله‌ی اول، انسان را به پشت‌بام می‌رساند. شکر، وظیفه‌ی ماست.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۸۵/۰۵/۳۰

از خواندن متعال می‌خواهیم که همه‌ی ما را بر آنچه که رضای اوست، موفق بدارد و کمک کند تا ان شا الله بتوانیم تکلیفمان را انجام بدهیم. ما در جمهوری اسلامی از انجام وعده‌های الهی، با همه‌ی وجود خوشحال هستیم و پی‌درپی انجام وعده‌های الهی را می‌بینیم. البته ماها را تهدید می‌کنند و دائماً تهدید هست؛ هیچ‌چیز تازه‌ای وجود ندارد- از اول انقلاب، جمهوری اسلامی را تهدید کردند؛ اما جمهوری اسلامی با ایستادگی خود، توانسته این تهدیدها را خنثی کند، بعد از این هم همین‌جور خواهد بود؛ بعد از این هم تهدیدها خنثی خواهد شد- و هریک از کشورهای مسلمان که در مقابل تهدیدهای استکبار بایستند و خود را نیازند، این تجربه موفق را دارند که پیروزی را به چشم ببینند؛ انجام وعده‌های الهی را به چشم خودشان مشاهده کنند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی در سالروز عید میث / ۱۳۸۵/۰۵/۳۱

ما دست تضرع به سوی پروردگار دراز می‌کنیم و عرض می‌کنیم: پروردگارا! ما در این راه به خاطر امر تو، به خاطر اطاعت فرمان تو قدم گذاشته‌ایم؛ ما در این راه برای دنیا وارد نشده‌ایم؛ برای پول، برای زخارف، برای قدرت وارد نشده‌ایم. امام بزرگوار ما پاک آمد و پاک رفت. مسئولان کشور مقتدای خودشان را این‌طور دیدند و در همین راه حرکت می‌کنند و ملت ما از ما باخلاص‌تر و باصفا‌تر و دارای عزم راسخ‌تری است. ما در این راه وارد شده‌ایم. وعده‌ی الهی این است که: «ان الله یدافع عن الذین آمنوا». وعده‌ی الهی راست است. «و تمت کلمه ربک صدقا و عدلا». فرمایش پروردگار متعال و ذات اقدس الهی در کمال راستی است. خدای متعال از مومنین دفاع می‌کند؛ البته مومنی که در میدان قرار بگیرد؛ و الا مومنی که در پستوخانه‌اش دراز کشیده، از چه دفاع کند؟ مومنی که وارد میدان شود، مومنی که هستی خود، موجودی خود، اراده‌ی خود، دست توانای خود، ذهن فعال خود را در راه خدا به میدان می‌آورد- چه در میدان علم، چه در میدان اقتصاد، چه در میدان سیاست، چه آن روزی که لازم باشد، در میدان جهاد- خدا از این مومن و از این مومنین دفاع می‌کند، و خدای متعال از ملت ایران، تا امروز دفاع کرده است. استکبار بیست و هفت سال است که همه‌ی توانش را به کار برده که این درخت را از ریشه بکند؛ اما آن روزی که این درخت ریشه‌اش گسترده نشده بود، نتوانست و امروز بحمد الله ریشه‌ی این درخت در آفاق زمین گسترده است و آن کسی که با اراده‌ی الهی مقابله بکند، یقیناً ضربه‌ی سنت الهی بر او فرود خواهد آمد.

پیام به اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان / ۱۳۸۵/۰۶/۲۳

هرچه زمان می‌گذرد و نظام نوحاسته و پرتوان جمهوری اسلامی، با تجربه‌های انبوه زندگی بشر، تماس بیشتری می‌یابد، حقانیت صدق وعده‌های الهی و تخلف‌ناپذیری سنتهای قرآنی آشکارتر می‌گردد. در معادلات به‌شدت پیچیده و درهم‌تنیده روابط انسانها و جامعه‌ها و پدیده‌ها و اقدامها، بارزترین و کارآمدترین نقش، از آن: ایمان، عزم، و جهاد است. در هر نقطه از جهان و برای هر هدف و آرمان، این سه رانش‌گر در کنار یکدیگر گرد آمده‌اند. آن هدف، به دست آمده و راه تا سر منزل مقصود، طی شده است. جامعه‌ای که عدالت، معنویت، عزت و استغنا را سرلوحه‌ی هدفهای خود می‌داند، از آراسته شدن به ایمان و عزم و جهاد، ناگزیر است. این همان سه درس جاودانه‌ی اسلام به پیروان خود و به همه‌ی بشریت است و همین است که یک روز مسلمانان را بر قله‌ی افتخارات تاریخی نشانید و امروز آنان را از اسارت هوسهای خوارکننده و هوس‌رانی‌های بر کرسی تحکم نشسته، نجات خواهد داد.

دل پاک و امیدوار، و ذهن بی‌شائبه و روشن، و جسم سالم و توانمند شما جوانان، دارای شایسته‌ترین ظرفیت برای آن سه عنصر محوری است. نگذارید بی‌ایمانی و تردید و بی‌عملی در این طرف گرانها جای بگیرد، و نگذارید دشمنان عدالت و نابینایان معنویت و به زنجیرکشاندگان ملت‌ها و غاصبان بین‌المللی حقوق انسانها، در جنگ شرارت‌آمیزشان برای حفظ زر و زور ناحق خود، پیروز شوند. به وعده‌های الهی که تحقق آن را در روزگار بیداری ملت‌ها شاهدید، اعتماد کنید و توانائیهای خود در عرصه‌ی علم و عمل را قدر بشناسید. آینده از آن شما است و لله الامر من قبل و من بعد.

بیانات در دیدار قاریان شرکت‌کننده در بیست و سومین مسابقات بین‌المللی قرآن / ۱۳۸۵/۰۷/۰۴

ه اگر ما معتقدیم- که معتقدیم- که عمل به قرآن، اساس و محور احیا قرآن است و مسئله به تلاوت و خواندن و این‌ها ختم نمی‌شود- که به آن اعتقاد داریم؛ معتقدیم باید به قرآن عمل کنیم، باید جامعه‌مان را قرآنی کنیم، باید فرمان را قرآنی کنیم، باید عملمان را قرآنی کنیم، باید قرآن را باور کنیم؛ قرآن را باور کنیم و وعده‌ی قرآن را وعده‌ی صدق و حق بدانیم، همین‌طور که خود قرآن می‌فرماید: «و تمت کلمه ربک صدقا و عدلا لا مبدل لکلماته»؛ همچنانی که باید تعاملمان با شخص خودمان، با افراد خانواده‌مان، با افراد محیط کارمان، با افراد اجتماعمان، با مسلمین کشورهای دیگر، با قدرتها، با ملت‌ها و همه‌ی این‌ها باید با نفس و روح قرآنی تنظیم بشود؛ این‌ها همه‌اش درست است و به آن اعتقاد داریم؛ احیا قرآن، عمل به قرآن و گرامی‌داشت قرآن این است؛ این‌ها درست- اما این‌ها معنایش این نیست که ما تلاوت قرآن را دست کم بگیریم. من می‌خواهم به شما «قرآنی‌ها» که اهل تلاوت، اهل تجوید و اهل لحن و آهنگ و صوت و خواندن قرآنید- این را تاکید کنم، گاهی شنیده می‌شود که بعضی می‌گویند آقا به قرآن باید عمل کرد؛ خوب، این حرف درستی است؛ اما مقصودشان این است که تلاوت قرآن و آراهه‌های قرآنی را دست کم بگیرند! من با این مخالفم. تلاوت قرآن هم جزو یک مجموعه و منظومه‌ای است که این‌ها همه به هم متصل است؛ این هم بایستی مورد توجه قرار بگیرد و گرامی داشته شود. هم باید تلاوت بکنید و هم باید معانی قرآن را بفهمید؛ اگر معنای قرآن را نفهمیدید، می‌توانید بهتر تلاوت کنید.

بیانات در دیدار قاریان شرکت‌کننده در بیست و سومین مسابقات بین‌المللی قرآن / ۱۳۸۵/۰۷/۰۴

چرا همین حزب الله لبنان- یک‌مشت جوان، بدون سازوبرگهای معمولی سیاسی و نظامی و اقتصادی متداول دنیا- بر یک ارتش کاملاً مجهز و مورد توجه و اعتماد قدرتهای بزرگ جهانی، پیروز شد؟ چون به برکت اسلام، اتکا به نفس داشت. این که می‌گویم عمل به اسلام، این است که ما حرف و وعده‌ی قرآن را قبول داشته باشیم، معنایش این است که وقتی قرآن می‌گوید «و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز»، این را باور کنیم. اگر نصرت خدا کردید، «لینصرن الله»، خدا شما را نصرت می‌کند. «ان الله غالب علی امره»، این را باور کنیم. این معرفت قرآنی به ما یک چنین باوری را می‌دهد؛ آن وقت ثمره و نتیجه‌اش در بیداری ملت‌ها، در ضعف روزافزون قدرتهای متجاوز و در به هم خوردن برنامه‌ی متجاوزان و مستکبران برای کشورهای مسلمان، اینهاها ظاهر می‌شود.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۵/۰۷/۲۱

سحر امروز، از مسجد کوفه حادثه‌ای شروع شد که فجایع دنباله‌ی آن حادثه، تا مدتهای طولانی و شاید بتوان گفت تا قرن‌ها ادامه داشت. لذا جبرئیل امین یا منادی

آسمانی بین زمین و آسمان، فریاد برآورد: «تهدمت و الله ارکان الهدی»؛ پایه‌های هدایت منهدم شد. «قتل علی المرتضی»؛ علی در محراب عبادت کشته شد. و بعدها همه شهادت دادند که: «قتل فی محراب عبادته لشده عدله»؛ جرم امیر المومنین، «عدالت» او بود و همین عدالت بود که او را به این مقام والا و به شهادت رساند. شهادت هم برای امیر المومنین یک درجه است. آن روزی که پیکر خونین آن حضرت را از مسجد بیرون می‌بردند، بعضی گریه می‌کردند؛ همه متأثر بودند و دلها از غم و غصه داشت می‌ترکید، امیر المومنین آن روز فرمود: «هذا ما وعدنا الله و رسولہ و صدق الله و رسولہ»؛ این، همان چیزی است که خدا و پیغمبر وعده داده بودند و راست گفتند. طبق روایت به امام حسن فرمود که: فرزندم، چرا گریه می‌کنی؟ «هذا جدک رسول الله و هذا خدیجه و هذا امک فاطمه»؛ این‌ها همه منتظرند که علی به آن‌ها ملحق بشود.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۵/۰۷/۲۱

ایستادگی وسیله‌ی پیروزی است، منتها کسانی که مقاومت می‌کنند، باید از خطرات مقاومت ترسند. اگر ترسیدند، در مقاومتشان اختلال پیدا خواهد شد و پیروزی به دست نخواهد آمد و این، آفت اغلب ملت‌ها و جماعات است، که وسط راه دچار ترس می‌شوند. اگر آن گروه، ملت و جماعتی که می‌خواهد مقاومت کند، از فقدان لذایذ زندگی، از فقدان حیات و از فقدان راحتی ترسد و ناراحت و آشفتہ نشود و پیش برود، بدون تردید مقاومت با پیروزی همراه است. این مقاومت وقتی با ایمان باشد، ادامه پیدا خواهد کرد. لذا می‌گوییم و همیشه گفتیم که ایمان همراه با مقاومت، به دنبالش پیروزی است. مراد ما فقط ایمان دینی هم نیست؛ ایمان به هر اصلی. البته اگر ایمان دینی باشد، آن وقت خدای متعال وعده کرده است که همه‌ی قوانین طبیعت و تاریخ در خدمت این مقاومتان قرار خواهد گرفت: «من کان یرید العاجله عجلنا له فیها و نشأ لمن یرید»؛ این مربوط به کسانی است که دنیا را می‌خواهند، نیت‌شان دنیایی است؛ اما اراده دارند، می‌خواهند و خدا می‌دهد؛ و کسی که اراده‌ی دین دارد، همین‌طور است. «کلا نمد هولاً و هولاً». این سنت الهی است.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر / ۱۳۸۵/۰۸/۰۲

اگر امت اسلامی به هویت اسلامی خود توجه می‌داشت، معضلی به نام اسرائیل در منطقه به وجود نمی‌آمد. امت اسلامی را از عرصه‌ی تحولات منطقه- یعنی خانه‌ی خودش- کنار گذاشتند و در غیابش، بر علیه او تصمیم‌گیری کردند. امت اسلامی در طول سال‌های متمادی به وظایفی که بر عهده‌ی او بود، عمل نکرده است؛ در این هیچ تردیدی نباید کرد. ما باید تقصیر خودمان را بفهمیم و بدانیم. اگر ما به تبلی و راحت‌طلبی و ذلت تن نمی‌دادیم، دشمن نمی‌توانست بر ما مسلط شود. ما عقب ماندیم و در این عقب‌ماندگی، مقصریم. لیکن امروز ورق برگشته است. امروز دنیای اسلام به هویت خود واقف شده است. این امت از همه‌ی عناصر عزت- که در متن دین شریف اسلام و قرآن کریم وجود دارد- باید استفاده کند. اول توجه به خدا و تمسک به قانون الهی است؛ توکل به خداست؛ اعتماد به خداست. خداوند متعال آن کسانی را که «الظالمین بالله ظن السوء»؛ سوظن به خدا دارند، ملامت می‌کند؛ می‌فرماید: «علیهم دائرة السوء و غضب الله علیهم»؛ آن کسانی که نصرت الهی را در صورت حضور در میدان عمل انکار می‌کنند، خودشان را باید ملامت کنند. اگر ما در میدان عمل وارد شویم، خدای متعال به ما کمک خواهد کرد؛ هم قول قطعی قرآن و وعده‌ی حتمی الهی است، هم مشاهدات دوران زندگی خود ماست. تاریخ اسلام هم برای مسلمین سرشار از تجربه است؛ که هرچا همت گماشتند، وارد شدند و متمسک به قدرت الهی شدند، خدای متعال آن‌ها را کمک کرد. کمک و نصرت الهی حتمی است؛ منتها شرط این نصرت، حضور در میدان عمل است: «و لینصرن الله من ینصره»؛ آن کسی که خدا را نصرت کند، خدا او را نصرت خواهد کرد. با نشستن، با تبلی کردن، با توهّمات دلخوش کردن، با مصالح امت اسلامی بازی کردن و هواک نفس را بر مصالح امت اسلامی ترجیح دادن، نصرت الهی خود را نشان نخواهد داد.

بیانات در دیدار مردم گرمسار / ۱۳۸۵/۰۸/۲۱

خدای متعال وعده‌ی قطعی کرده است که: «ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه الا تخافوا و لا تحزنوا»؛ استقامت در راه درست نتیجه‌اش این است که خدای متعال اندوه و ترس را از یک انسان و یک جامعه سلب می‌کند و موفقیت را نصیب آن‌ها می‌کند. ما راهی که انتخاب کردیم، راه خداست. راه خدا فقط به معنای عبادت کردن و در کنج نشستن نیست؛ راه خدا یعنی به سعادت رساندن جامعه‌ی انسانی. ملت ما این راه را انتخاب کرد؛ یعنی راه عدالت، راه انصاف، راه عبودیت الهی، راه برابری انسان‌ها، راه برادری انسان‌ها با یکدیگر و راه اخلاق نیکو و پسندیده و فضیلت‌های انسانی؛ و در این راه پافشاری هم کرده است؛ با سختی‌هایی که در این راه هست، مقابله کرده و از آن‌ها نهراسیده است. ان شا الله میوه‌های شیرین و دلنشین این ایستادگی را خدای متعال به او خواهد چشاند.

پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره مجلس خبرگان / ۱۳۸۵/۱۲/۰۱

خدا را سیاس بی‌پایان می‌گوییم که کشور و ملت ما و مسئولان دلسوز در مدت نزدیک به سه دهه راه‌های دشواری را پیموده و از گردنه‌های خطرناکی به سلامت گذشته‌اند. ادامه این مسیر نیز با همان ایمان و توکل و عزم راسخ پیمودنی است. شرط مهم موفقیت‌های آینده، وحدت کلمه و تلاش پرحوصله و اعتماد به وعده‌ی الهی است و در این صورت تحقق آرمان‌های نظام اسلامی قطعی است، ان شا الله.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۶/۰۱/۱۷

امروز دنیای اسلامی باید برای عزت خود تلاش کند؛ برای استقلال خود تلاش کند؛ برای پیشرفت علمی و قدرت معنوی خود، یعنی تمسک به دین و توکل به خدا و یقین به کمک خدا تلاش کند. و «عدالتک لعبادک منجزه». این وعده‌ی الهی است؛ وعده‌ی منجز الهی است که «و لینصرن الله من ینصره». با اعتماد به این وعده، وارد میدان تحرک و عمل بشوند. این عمل، فقط تفنگ دست گرفتن نیست؛ این عمل، عمل فکری است، عمل عقلانی است، عمل علمی است، عمل اجتماعی است، عمل سیاسی است؛ همه برای خدا و همه در راه اتحاد دنیای اسلام. از این، هم ملت‌ها منتفع می‌شوند، هم دولتهای اسلامی. دولتهای اسلامی اگر متصل به دریای بیکران امت اسلامی باشند، قوی‌تر خواهند شد، تا متکی باشند به سفیر امریکا و فلان سیاستمدار امریکایی؛ این، برای آن‌ها قدرت نمی‌آورد. اما اگر دولتهای اسلامی به دنیای اسلام، به امت اسلامی و به این دریای عظیم و خروشان متصل شوند؛ به هم نزدیک شوند، چرا استیکار بتواند یک دولت اسلامی را هدف قرار بدهد و او را از دیگران جدا کند؛ به حساب او برسد، بعد برود سراغ یک دولت دیگر؟ همه باید به این مسئله توجه کنند. دولتهای اسلامی، متحد و منسجم باشند و بدانند که می‌توانند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۶/۰۶/۲۳

ما باید از گناهانمان استغفار کنیم. فایده‌ی بزرگ استغفار این است که ما را از غفلت نسبت به خود خارج می‌کند. ما گاهی در مورد خودمان دچار اشتباه می‌شویم. وقتی به فکر استغفار می‌افتیم، گناهان، خطاها، خیره‌سری‌ها، پیروی از هواک نفس که کردیم، تجاوز از حدود که انجام دادیم، ظلمی که به نفس خودمان کردیم، ظلمی که به دیگران کردیم، جلوک چشم ما زنده می‌شود و به پادمان می‌آید که چه کرده‌ایم؛ آن وقت دچار غرور، دچار نخوت، دچار غفلت نسبت به خود نمی‌شویم. اولین فایده‌ی استغفار این است. بعد هم خدای متعال وعده فرموده است که آن کسی که استغفار کند، یعنی به عنوان یک دعای حقیقی از خدای متعال حقیقتاً آموزش بطلید و از گناه پشیمان باشد، «لوجد الله تواباً رحیماً»؛ خدای متعال توبه‌پذیر است. این استغفار، بازگشت به سوی پروردگار است؛ پشت کردن به خطاها و گناهان است و خداوند می‌پذیرد؛ اگر استغفار، استغفار حقیقی باشد.

بیانات در دیدار روسای قضائی کشورهای اسلامی / ۱۳۸۶/۰۹/۱۲

هر جا حق عمل را ادا کردیم، خدای متعال به ما کمک کرده، و این وعده‌ی الهی است؛ «وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم» (۱). و آیات فراوان دیگر قرآن.

بیانات در دیدار روسای قضائی کشورهای اسلامی / ۱۳۸۶/۰۹/۱۴

ما باید اعتماد به نفس پیدا کنیم و توکل به خدا کنیم و بدانیم که اگر برطبق عقیده‌ی خودمان، با فکر، با تدبیر، با نقشه، با اتحاد حرکت بکنیم، خدای متعال به ما پیروزی خواهد داد. ما باید به خدای متعال حسن ظن داشته باشیم. خدای متعال مذمت می‌کند کسانی را که به او سوظن دارند؛ «و یعذب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الظانین بالله ظن السوء علیهم دائرة السوء و غضب الله علیهم و لعنهم و اعد لهم جهنم و سات مصیرا». ما باید به خدای متعال حسن ظن داشته باشیم، سوظن به خدا نداشته باشیم. ما کجا، کی عمل کردیم و اقدام کردیم و خدا به ما کمک نکرده؟ آنجایی که ما دچار مشکل شدیم، دچار ضعف و شکست شدیم، آنجایی است که عمل نکردیم، حق عمل را ادا نکردیم. هر جا حق عمل را ادا کردیم، خدای متعال به ما کمک کرده، و این وعده‌ی الهی است؛ «وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم». و آیات فراوان دیگر قرآن.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۸۶/۰۹/۲۷

امروز دشمن غدار امت اسلامی، گردانندگان مراکز استکباری و قدرتهای فزونی طلب و متجاوز می‌باشند که بیداری اسلامی را تهدیدی بزرگ برای منافع نامشروع و سلطه‌ی ظالمانه‌ی خود بر دنیای اسلام می‌دانند. همه‌ی ملت‌های مسلمان و پیشاپیش آنان، سیاستمداران و علمای دین و روشن‌فکران و رهبران ملی کشورها، باید در برابر این دشمن متجاوز، صف متحد اسلامی را با استحکام هرچه بیشتر تشکیل دهند. باید همه‌ی عناصر قدرت را در خود گرد آورند و امت اسلامی را به درستی مقتدر سازند. دانش و معرفت، تدبیر و هشیاری، احساس مسئولیت و تعهد، توکل و امید به وعده‌ی الهی، چشم‌پوشیدن از خواسته‌های حقیر و کم‌بها در برابر کسب رضای خدا و عمل به وظیفه .. این‌ها عناصر اصلی اقتدار امت اسلامی است که او را به عزت و استقلال و پیشرفت مادی و معنوی می‌رساند و دشمن را در زیاده‌خواهی و دست‌اندازی به کشورهای اسلامی ناکام می‌سازد.

بیانات در دیدار مردم تبریز / ۱۳۸۶/۱۱/۲۸

ایمانی مثل ایمان علی بن ابی طالب، آنقدر مرگ را تحقیر می‌کند و کوچک می‌کند که می‌گوید من از مرگ نه فقط وحشت ندارم، بلکه با او انس دارم. «انس للموت من الطفل بئدی امه»؛ انس دارم، علاقه دارم، اصلاً نه اینکه نمی‌ترسم، استقبال می‌کنم؛ این ناشی از ایمان است. وقتی ایمان هست، مرگ پایان زندگی نیست.

وقت مردن آمد و جستن ز جو
کل شی هالک الا وجهه

از جو انسان می‌پرد. یک خط فاصلی است بین این نشاه و آن نشاه؛ بعضی‌ها را با زنجیر از این خط فاصل عبور می‌دهند؛ آن‌هایی که چسبیده‌اند به زندگی دنیا، بعضی خودشان جست می‌زنند، خودشان را پرتاب می‌کنند؛ چرا؟ چون می‌بینند آنجا چه خبر است. وعده‌ی الهی را مشاهده می‌کنند. لذا شهدای عزیری که نام این‌ها را شنیده‌اید، بسیاری از این‌ها را می‌شناسید، بعضی از شماها با آن‌ها همراه بوده‌اند، زندگی کرده‌اید، این شهدا از مرگ نمی‌ترسیدند، این‌ها عاشق زندگی بوده‌اند. وصیت‌نامه‌ها را که انسان نگاه می‌کند، این را می‌فهمد. راه یک ملت این است. ملت ما این راه را شروع کرد.

پیام تسلیت در پی حادثه انفجار در کانون رهیویان وصال شیراز / ۱۳۸۷/۰۱/۲۶

حادثه غم‌انگیز و تأسف‌بار در کانون رهیویان وصال که به پرواز شهادت‌گونه‌ی جمعی از شیفتگان وصال دوست و زخمی شدن جمعی بیشتر انجامید، این جانب را مصیبت‌زده کرد. تسلائی من به عزاداران این حادثه تلخ و نیز به آسیب‌دیدگان وعده پاداش الهی به صابران است که فرمود: اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمہ.

بیانات در دیدار کارگران و کارآفرینان / ۱۳۸۷/۰۲/۰۴

ملت ما نشان داده است که از مجاهدت خسته نمی‌شود؛ و همین، دشمنان را مایوس می‌کند. امروز طمع و امید دشمنان ملت ایران- یعنی همین مستکبرین آمریکائی و شبکه‌ی شیطانی و خطرناک صهیونیسم در دنیا- نسبت به غلبه پیدا کردن بر ملت ایران، از بیست سال پیش بمراتب کمتر است؛ چون می‌بینند ملت ایران با چه نشاطی مشغول حرکت کردن است. البته تبلیغات دست آن‌هاست. خودشان با آن فجایع و جنایاتی که انجام دادند؛ چه در عراق، چه در افغانستان، چه در فلسطین، با همین جنایاتی که این روزها در عراق دارند انجام می‌دهند- کشتار مردم، زندانهای پنهان- این همه کارهای ننگ‌آلودی که آمریکا امروز دارد انجام می‌دهد- شکنجه، چه، چه- با همه‌ی این‌ها با کمال وقاحت، دم از حقوق بشر می‌زنند، دم از دموکراسی می‌زنند و جمهوری اسلامی را به حرف‌های موهوم متهم می‌کنند. خوب، این‌ها تبلیغات است. وقتی در میدان عمل تیغشان برندگی ندارد، دهانشان را باز می‌کنند؛ حرف می‌زنند، تبلیغات می‌کنند؛ این به خاطر پیشرفت ملت ایران است. باز هم باید شما پیش بروید، باز هم این ملت باید به جلو حرکت کند. این دهانشا هم بسته خواهد شد؛ بعون الله تعالی. خدای متعال وعده کرده است که ملتی را که درصدد دستیابی به آرمان‌هاست و تلاش می‌کند، به موفقیت برساند.

بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید فطر / ۱۳۸۷/۰۷/۱۰

امروز دنیای اسلام افق روشنی در مقابل خود مشاهده میکند. دشمنان بزرگ و مستکبران گردن‌کلفت عالم که همه‌ی دنیا در اختیار آنها هست، امروز در مقابل خیزش امت‌های مسلمان و بیداری ملت‌های مسلمان احساس ناتوانی میکنند؛ راه بر روی آنها بسته است و این نشان‌دهنده‌ی وعده‌ی الهی است که فرمود: «و لیصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز». (۱) و فرمود: «و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین». (۲) اینها وعده‌ی الهی است. و فرمود: «و الله غالب علی امره». (۳) این وعده‌های الهی به برکت بیداری و حرکت مسلمانها بتدریج خود را نشان میدهد.

بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید فطر / ۱۳۸۷/۰۷/۱۰

این عید بزرگ اسلامی را به همه‌ی امت بزرگ اسلامی، همه‌ی مسلمانان عالم در هر نقطه و به ملت عزیز و مومن و بزرگوار ایران و به شما حضار محترم و میهمانان عزیز تبریک عرض می‌کنم و از خداوند متعال مسئلت می‌کنیم که عید فطر را برای امت اسلامی حقیقتاً یک عید قرار بدهد و امت اسلامی را به آینده‌ی درخشانی که به حق در انتظار آن است، و وعده‌ی الهی است، هرچه نزدیک‌تر بفرماید.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۸۷/۰۸/۰۸

جوان‌های عزیز! آینده مال شماست؛ آینده متعلق به ملت ایران است. آینده‌ی ملت ایران، رسیدن به قله‌های والای علم، اقتدار، رفاه و شرف است. این آینده‌ی حتمی شماست. و این وعده‌ی الهی است. قرآن به ما وعده داده است، اسلام به ما وعده داده است که اگر ملت‌ها حرکت کنند، ایمان نشان بدهند، غیرت نشان

بدهند، خسته نشوند، صبر پیشه کنند، استقامت کنند، حتماً به هدف‌های خودشان خواهند رسید. ما تا حالا امتحان کرده‌ایم، ایستاده‌ایم، به هدف‌های میان‌مدت رسیده‌ایم. یک جاهائی هم ناپسامانی داریم، چون ناپستادیم؛ تقصیر خود ماست. این طور نیست که من ناپسامانی‌های کشور را ندانم؛ نخیر، می‌دانم. هرجائی که ما مشکل و ناپسامانی داریم- اگر بی‌عدالتی است، اگر فقر است- برای خاطر این است که ما مسئولین و آحاد مردم، درست برای پیشبرد این هدف‌ها ناپستادیم. اگر می‌پستادیم، این‌ها هم درست می‌شد. تقصیر خود ماست. باید بایستیم.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۸۷/۰۹/۱۷

کسانی که در گذشته‌ئی نه‌چندان دور آیهی یاس می‌خواندند و نه تنها اسلام و مسلمین بلکه اساس معنویت و دین‌داری را در برابر هجوم تمدن غرب، از دست‌رفته می‌پنداشتند، امروز سر بر افراشتن اسلام و تجدید حیات قرآن و اسلام، و متقابلاً ضعف و زوال تدریجی آن مهاجمان را به چشم می‌بینند. و با زبان و دل تصدیق می‌کنند.

من با اطمینان کامل می‌گویم: این هنوز آغاز کار است، و تحقق کامل وعدهی الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است: «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمكن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون»

نشانهی این وعدهی تخلف‌ناپذیر در اولین و مهم‌ترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوازه‌ی نظام اسلامی بود که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشهی حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد. سر بر آوردن این پدیدهی معجز‌آسا، درست در اوج هیاهوی مادی‌گری و اسلام‌ستیزی چپ و راست فکری و سیاسی، و آنگاه مقاومت و استحکام آن در برابر ضربات سیاسی و نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی که از همه سو نواخته می‌شد، در دنیاکی اسلام‌امیدی تازه برانگیخت و شوری در دل‌ها پدید آورد. هرچه زمان گذشته، این استحکام- به حول و قوهی الهی- بیشتر و آن امید ریشه‌دارتر شده است. در طول سه دهه‌ای که بر این ماجرا می‌گذرد، خاورمیانه و کشورهای مسلمان آسیا و آفریقا، صحنه‌ی این هم‌آوردی پیروزمندانه است.

فلسطین و انتفاضه‌ی اسلامی و قیام دولت فلسطینی و مسلمانان، لبنان و پیروزی تاریخی حزب الله و مقاومت اسلامی بر رژیم مستکبر و خونخوار صهیونیست؛ عراق و تشکیل دولت مسلمان و مردمی بر ویرانه‌های رژیم ملحد و دیکتاتور صدام؛ افغانستان و هزیمت خفت‌بار اشغالگران کمونیست و رژیم دست‌نشاندهی آن؛ شکست و ناکامی همه‌ی طرح‌های استکباری امریکا برای سیطره بر خاورمیانه؛ گرفتاری و آشفتگی علاج‌ناپذیر در درون رژیم غاصب صهیونیست؛ فراگیر شدن موج اسلام‌خواهی در بیشتر یا همه‌ی کشورهای منطقه و به‌ویژه در میان جوانان و روشن‌فکران؛ پیشرفت شگفت‌آور علمی و فناوری در ایران اسلامی به رغم تحریم و محاصره‌ی اقتصادی؛ شکست جنگ‌افروزان در امریکا در عرصه‌ی سیاسی و اقتصادی؛ احساس هویت و تشخص در اقلیت‌های مسلمان در بیشتر کشورهای غربی؛ همه و همه نشانه‌های آشکار پیروزی و پیشروی اسلام در هم‌آوردی با دشمنان در این قرن یعنی قرن پانزدهم هجری است.

برادران و خواهران! این پیروزی‌ها یکسره محصول جهاد و اخلاص است. آنگاه که صدای خدا از حلقوم بندگان خدا به گوش رسید؛ آنگاه که همت و نیروی مجاهدان راه حق به میدان آمد؛ و آنگاه که مسلمان به عهد و قرار خود با خدا عمل کرد، خدای علی‌قدیر نیز وعده‌ی خود را محقق ساخت و مسیر تاریخ عوض شد: «اوفوا بعهدی اوف بعهدکم» «ان تصروا الله ینصرکم و ینتہ اقدامکم» «و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز» «انا لننصر رسلنا و الذین آمنوا فی الحیاه الدنیا و یوم یقوم الاشهاد»

این هنوز آغاز راه است. ملت‌های مسلمان هنوز گردنه‌های دشواری بر سر راه دارند. عبور از این گردنه‌ها نیز جز با ایمان و اخلاص، جز با امید و جهاد، جز با بصیرت و صبر، میسر نخواهد گشت. با یاس و منفی‌بافی، با بی‌تفاوتی و بی‌همتی، با بی‌صبری و شتابزدگی، با بدگمانی به صدق وعده‌ی الهی، این راه طی نخواهد شد.

پیام به اسماعیل هنیه نخست وزیر دولت قانونی حماس / ۱۳۸۷/۱۰/۲۷

ارتشی که قدرت فداکاری و شهادت‌طلبی شما، آن را بیست روز است پای در گل در پشت دروازه‌های غزه به خفت افکنده همان است که طرف شش روز بخش‌های عظیمی از سه کشور عربی را زیر سیطره‌ی خود در آورد، به ایمان و توکل خود، به حسن ظن خود به وعده‌ی الهی، به صبر و شجاعت و فداکاری خود بی‌البد که امروز همه‌ی مسلمانان به آن می‌بالند. جهاد شما تا امروز امریکا و رژیم صهیونیست و حامیان آنان و سازمان ملل و منافقان امت اسلامی را رسوا کرده است. امروز نه فقط ملت‌های مسلمان، که بسیاری از ملت‌های اروپا و آمریکا حقانیت شما را از بن دندان پذیرفته‌اند. شما همین امروز هم پیروزید و با ادامه‌ی این ایستادگی شرافتمندانه دشمن زبون و ضد بشر را بازهم بیشتر به ذلت و شکست خواهید کشاند. ان شا الله، بدانید که "ما ودعک ربک و ما قلی" و بدانید که "و لسوف یعطیک ربک فترضی" ان شا الله باین‌حال حوادث خونین و فاجعه‌بار غیر نظامیان فلسطینی بخصوص کودکان مظلوم و معصوم، دل‌های ما را غرق خون کرده است. حوادث ناشی از جنایت‌های غاصبان فلسطین که هر روز چندین بار از همه‌ی کانال‌های تلویزیونی ما پخش می‌شود ملت ما را ماتمزده و عزادار ساخته است. اعظم الله لکم الجزا و عجل لکم النصر، بدانید که وعده‌ی خدا راست است که فرمود: "و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز" و فرمود: "و من جاهد فانما یجاهد لنفسه ..."

بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی / ۱۳۸۷/۱۱/۲۸

همه بدانند که امروز دشمنان نظام جمهوری اسلامی از برکندن این بنیان مستحکم، احساس عجز می‌کنند؛ سعی‌شان این است که به وسائل گوناگون، به دست خود کسانی که تو این انقلاب بودند و هستند، از این محتوا ذره ذره بکنند. جمهوری اسلامی، اسمش جمهوری اسلامی باشد، اسمش نظام انقلابی باشد، اما از محتوای اسلام، از محتوای انقلاب در آن خبری نباشد. اسم چه ارزشی دارد؟ محتوا لازم است؛ محتوا مهم است. وظیفه‌ی من، وظیفه‌ی شما این است که از محتوای انقلابی، از اصول باارزش انقلاب دفاع کنیم و نگذاریم این مبانی باارزش و این ارزش‌های والا نادیده گرفته بشود؛ این وظیفه‌ی ماست.

و بدانیم که خدای متعال پشتیبان مردمی است با ایمان به او حرکت می‌کنند و اقدام و اعمال قدرت انسانی و نیروی خود را در یک هدفی به کار می‌اندازند. خدای متعال یقیناً آن کسانی را که در راه اهداف الهی اقدام کنند، کمک می‌کند. ما آن‌جاهائی که شکست خوردیم، آنجایی که خدا به ما کمک نکرده است، به خاطر این بوده است که کار درست را انجام ندادیم؛ سهم خودمان را نیاوردیم. اگر سهم خودمان را به میدان بیاوریم، خدای متعال هم کمک خواهد کرد. می‌فرماید: «اوفوا بعهدی اوف بعهدکم»؛ شما به پیمانی که با من دارید، عمل و وفا کنید، من هم به آن پیمان عمل می‌کنم؛ طرفینی است. خدای متعال که مالک جان و واهب همه‌ی مواهب به ماست، با ما قرارداد دوجانبه بسته است. شما عمل کنید، ما هم عمل می‌کنیم؛ یعنی خدای متعال این وعده را داده است. ما اگر به وظیفه‌ی خودمان عمل نکردیم، نمی‌توانیم کمک الهی را انتظار داشته باشیم.

بیانات در چهارمین کنفرانس حمایت از ملت فلسطین / ۱۳۸۷/۱۲/۱۲

این درس بزرگی است، هم برای دشمنان امت اسلامی که خواسته‌اند با زور و سرکوب، دولتی و ملتی جعلی و فرمایشی بسازند و با مرور زمان، آن را به واقعیتی انکارناپذیر تبدیل کرده و چنین تحمیل ظالمانه‌ئی را در جهان اسلام، عادی‌سازی کنند. و هم برای امت اسلامی و به‌ویژه جوانان غیور و وجدان‌های بیدار آن، تا بدانند که مجاهدت در راه بازگرداندن حق، پایمال‌شده، هرگز ضایع نمی‌شود و وعده‌ی خداوند راست است که فرمود:

اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله على نصرهم لقدير. الذین اخرجوا من ديارهم بغير حق الا ان یقولوا ربنا الله و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بيع و صلوات و مساجد یدکر فیها اسم الله کثیرا و لینصرن الله من ینصره ان الله لفوق عزیز.

و قال تعالی: ان الله لا یخلف المیعاد، و قال عز و جل: و لن یخلف الله وعده، و قال: وعد الله لا یخلف الله وعده و لكن اکثر الناس لا یعلمون، و قال عز من قائل: فلا تحسبن الله مخلف وعده رسله ان الله عزیز ذو انتقام و کدام وعده از این وعده الهی صریح‌تر که فرمود: وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لا یشرکون بی شیئا و من کفر بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون.

بیانات در مراسم بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۸/۰۳/۱۴

اگر امروز شما می‌بینید که لحن دنیای غرب در برابر شما نرم‌تر شده است، این در نتیجه‌ی همین بیداری عمومی و ایستادگی در دنیای اسلام است. وعده‌ی بی‌تخلف خداوند که پیروزی مومنان را وعده کرده است، تحقق پیدا نمی‌کند، مگر در صورتی که مومنان ایستادگی کنند، پافشاری کنند، جان‌فشانی کنند. همان مقداری که این ایستادگی دیده شد، ورق برگشت؛ دنیای اسلام در مقابل غرب از آن حالت تحقیرشدگی خارج شد.

بیانات در دیدار جمعی از قاریان / ۱۳۸۸/۰۵/۰۳

ما در جمهوری اسلامی ایران سعی کردیم به تعالیم قرآن عمل کنیم؛ قدری موفق شدیم. به همان اندازه خدای متعال بالمعاینه به ما اثر این عمل کردن را نشان داد. در کار خدای متعال خلف وعده نیست: «و من اصدق من الله قیلا». اگر خدای متعال به مومنین وعده‌ی نصرت می‌دهد، وعده‌ی استخلاف در ارض می‌دهد، وعده‌ی عزت می‌دهد، این وعده‌ها راست است. علت اینکه ما این وعده‌ها را در عرصه‌ی زندگی خودمان نمی‌بینیم، این است که ما به شرائط الهی عمل نمی‌کنیم؛ «و اوفوا بعهده‌ی اوف بعهده‌کم»؛ شما با پیمان من، به امر من عمل نکنید، من هم به آن پیمان عمل می‌کنم؛ خدای متعال این‌جوری گفته دیگر. این درس بزرگ ماست.

بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر / ۱۳۸۸/۰۵/۰۵

ما به یک قول متعارف معمولی از سوی آدمی که کار بدی از او ندیده‌ایم، اعتماد می‌کنیم؛ قرضی از او می‌خواهیم، کاری دست او داریم، او به ما وعده می‌کند که بسیار خوب، من این کار را برای شما انجام می‌دهم. ما معمولاً اعتماد می‌کنیم، راه می‌افتیم مقدمات کار را فراهم می‌کنیم، در حالی که او یک انسانی بیش نیست؛ ممکن است پشیمان بشود، ممکن است کسی بیاید رای او را بزند، ممکن است فراموش کند، ممکن است آن امکانی که به وسیله‌ی او می‌خواست به ما کمک بکند، از دستش برود؛ ده جور یا ده‌ها جور احتمال تخلف این وعده هست، لیکن ما اعتماد می‌کنیم. خوب، خدای متعال چقدر وعده کرده است به مومنین؛ وعده‌ی نصرت، وعده‌ی هدایت، وعده‌ی تعلیم؛ «و اتقوا الله و یعلمکم الله»، وعده‌ی حفظ و صیانت، وعده‌ی کمک در امور دنیا؛ این همه خدای متعال به ما وعده کرده. البته این وعده‌ها مطلق نیست؛ شروطی دارد، شروطش هم خیلی شروط دشواری نیست، از دست ماها برمی‌آید. دلیلش هم این است که جاهانی که به این شروط عمل کردیم، خدای متعال به ما کمک کرد؛ نمونه‌اش جنگ تحمیلی. شما جوانهائی که دوران جنگ تحمیلی را درک نکردید، بدانید؛ آن روزی که جنگ تحمیلی شروع شد، همه‌ی صاحبزنان، همه‌ی تحلیلگران، همه‌ی نخبانان به طور قاطع می‌گفتند صدام در این جنگ پیروز است و ایران شکست‌خورده است؛ جز یک عده‌ی معبودی، آن کسانی که به نگاه اسلامی و ایمانی اعتقاد داشتند- نگاه امام به حوادث- آنها نه، آنها در دلشان امیدی بود؛ حالا کم یا زیاد؛ بعضی کورسوی امیدی بود، بعضی نه، دلشان روشن بود.

بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر / ۱۳۸۸/۰۵/۰۵

همان هواپیماهای اف ۵ و اف ۴ و اف ۱۴ و این‌هائی که قرار بود بعد از پنج شش روز بکلی از کار بیفتد، هنوز دارد تو نیرو هوائی ما کار می‌کند! بیست و نه سال از سال ۵۹ می‌گذرد، هنوز دارند کار می‌کنند! البته تعدادی از آنها توی جنگ آسیب دیدند، ساقط شدند، تیر خوردند، بعضیشان از رده خارج شدند، اما از این طرف هم در قبال این ریزش، رویشی وجود داشت؛ مهندسین ما در دستگاه‌های ذی‌ربط توانستند قطعات درست کنند، خلاها را پر کنند و بعضی از قطعات را علی‌رغم تحریم، به کوری چشم آن تحریم‌کننده‌ها، از راه‌هائی وارد کنند و هواپیماها را سرپا نگه دارند. علاوه بر این‌ها، از آنها یاد بگیرند و دو نوع هواپیمای جنگی خودشان بسازند. الان شما می‌دانید که در نیروی هوائی ما، دو نوع هواپیمای جنگی- البته عین آن هواپیماهای قبلی خود ما نیست، اما بالاخره از آنها استفاده کردند. مهندس است دیگر، نگاه می‌کند به کاری، تجربه می‌اندوزد، خودش طراحی می‌کند- هواپیمای دو کابینه‌ی برای آموزش و یک کابینه‌ی برای تهاجم نظامی، ساخته شده است. علاوه بر اینکه همانهائی هم که داشتیم، هنوز داریم و توی دستگاه‌های ما هست. این، توکل به خداست؛ این، صدق وعده‌ی خداست. وقتی خدای متعال با تاکید فراوان و چندجانبه می‌فرماید: «و لینصرن الله من ینصره»؛ بی‌گمان، بی‌تردید، حتما و یقیناً خدای متعال نصرت می‌کند، یاری می‌کند کسانی را که او را، یعنی دین او را یاری کنند- وقتی خدا این را می‌گوید- من و شما هم می‌دانیم که داریم از دین خدا حمایت می‌کنیم، یاری دین خدا می‌کنیم. بنابراین، خاطرجمع باشید که خدا نصرت خواهد کرد.

بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر / ۱۳۸۸/۰۵/۰۵

وقتی خدای متعال با تاکید فراوان و چندجانبه می‌فرماید: «و لینصرن الله من ینصره»؛ (۱) بی‌گمان، بی‌تردید، حتما و یقیناً خدای متعال نصرت می‌کند، یاری می‌کند کسانی را که او را، یعنی دین او را یاری کنند - وقتی خدا این را می‌گوید - من و شما هم میدانیم که داریم از دین خدا حمایت می‌کنیم، یاری دین خدا می‌کنیم. بنابراین، خاطرجمع باشید که خدا نصرت خواهد کرد.

بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر / ۱۳۸۸/۰۵/۰۵

ما به یک قول متعارف معمولی از سوی آدمی که کار بدی از او ندیده‌ایم، اعتماد می‌کنیم؛ قرضی از او می‌خواهیم، کاری دست او داریم، او به ما وعده می‌کند که بسیار خوب، من این کار را برای شما انجام می‌دهم. ما معمولاً اعتماد می‌کنیم، راه می‌افتیم مقدمات کار را فراهم می‌کنیم، در حالی که او یک انسانی بیش نیست؛ ممکن است پشیمان بشود، ممکن است کسی بیاید رای او را بزند، ممکن است فراموش کند، ممکن است آن امکانی که به وسیله‌ی او می‌خواست به ما کمک بکند، از دستش برود؛ ده جور یا ده‌ها جور احتمال تخلف این وعده هست، لیکن ما اعتماد می‌کنیم. خوب، خدای متعال چقدر وعده کرده است به مومنین؛ وعده‌ی نصرت، (۱) وعده‌ی هدایت، (۲) وعده‌ی تعلیم؛ «و اتقوا الله و یعلمکم الله»، (۳) وعده‌ی حفظ و صیانت، وعده‌ی کمک در امور دنیا؛ این همه خدای متعال به ما وعده کرده. البته این وعده‌ها مطلق نیست؛ شروطی دارد، شروطش هم خیلی شروط دشواری نیست، از دست ماها بر می‌آید. دلیلش هم این است که جاهانی که به این شروط عمل کردیم، خدای متعال به ما کمک کرد؛ نمونه‌اش جنگ تحمیلی.

بیانات در دیدار عمومی مردم جالوس و نوشهر / ۱۳۸۸/۰۷/۱۵

به خدای متعال باید توکل کرد، به خدا باید اعتماد کرد، به خدای متعال باید حسن ظن داشت. خدای متعال وعده کرده است: «و لینصرن الله من ینصره»؛ آن کسانی

که در راه نصرت دین خدا حرکت می‌کنند، وقتی حرکت کنند، خدا آن‌ها را نصرت می‌دهد. بله، طرفدار دین خدا باشیم، کاری هم انجام ندهیم، گوشه‌ی خانه بخواهیم، نصرتی وجود ندارد؛ اما وقتی که حرکت می‌کنیم برای نصرت دین خدا، ممکن است هزینه هم داشته باشد، اما نصرت قطعی است؛ همچنانی که از اول انقلاب تا امروز، در چالش‌های گوناگون، ملت ایران پیروز شده است؛ این نصرت الهی است. در جنگ تحمیلی، هشت سال، تقریباً همه‌ی دنیای مطرح آن روز، پشت سر دشمن ما قرار گرفتند و با ما جنگیدند؛ آمریکا به آن‌ها کمک کرد، شوروی به آن‌ها کمک کرد، ناتو به آن‌ها کمک کرد، همسایگان بی‌انصاف به آن‌ها کمک کردند؛ پول دادند، امکانات دادند و همه‌ی این‌ها در مقابل جمهوری اسلامی قرار گرفتند و قصدشان تجزیه‌ی ایران بود، قصدشان جدا کردن خوزستان بود، قصدشان تصرف سرزمین بود، که بتوانند جمهوری اسلامی را به بی‌کفایتی متهم کنند و ساقط کنند؛ اما خدای متعال تو دهن آن‌ها زد و ملت ایران با صبر خود، با ایستادگی خود، با بصیرت خود، به دشمنان آن‌چنان ضربه‌ای وارد کرد که عقب‌نشینی کردند. این امکان همیشه در اختیار شماست.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان و خانواده‌های شهدا / ۱۳۸۸/۰۸/۱۲

جوانها باید به علم بپردازند. بارها من گفته‌ام، بازهم تکرار می‌کنم: اقتدار حقیقی یک ملت در گرو علم است. علم است که بقیه‌ی منابع و مایه‌های اقتدار را به کشور ارزانی می‌دارد. از علم غفلت نکنید؛ چه دانش‌آموزان، چه دانشجویان؛ در هر رتبه‌ای که هستید. مسئولی علم، مسئولی تحقیق، مسئولی مهمی است در کنار انگیزه‌ی دینی. دین خیلی بارزتر است. دین فقط برای آباد کردن آخرت نیست، دین دنیای شما را هم آباد می‌کند. دین به شما شور و نشاط و طراوت و تازگی می‌بخشد. دین به شما این روحیه را می‌دهد که در مقابل چشمتان همه‌ی این قدرتهای مادی کوچک بشوند، حقیر بشوند، تهدید آن‌ها اثر نکند، کار آن‌ها اثر نکند. بدانید پیروزی با شماست، نصرت الهی با شماست. همین ابرقدرت‌های تهدیدکننده - حالا دنیاهای داخلی‌شان که جای خود دارند - و مراکز قدرت استکباری و تهدیدها، چاره‌ای جز عقب‌نشینی در مقابل یک ملت مقتدر و باایمان ندارند. به خدای متعال اعتماد داشته باشید، حسن ظن داشته باشید. اینی که خدا با تاکید می‌فرماید: «و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز»؛ بی‌شک، بدون تردید خدای متعال آن کسانی را که دین او را و اهداف او را یاری کنند، یاری خواهد کرد، این سخن راستی است، این وعده‌ی صادقی است. به این اعتماد کنید. با اقتدار، با عزم کافی، با تهذیب نفس، با خودسازی - هم خودسازی علمی و هم خودسازی اخلاقی - پیش بروید. ان شا الله روزی را خواهد دید که کشورتان به برکت مجاهدتهای شما در اوج افتخار و در قله‌ی اقتدار باشد.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه‌ی همایش غزه / ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

ما آنچه که در قضیه‌ی فلسطین از پیشرفت مشاهده می‌کنیم - که این پیشرفت قابل انکار نیست - اقتدار روزافزون جبهه‌ی مقاومت در مقابل جبهه‌ی استکبار و کفر است که امر مشهود و واضحی است. آنچه در این زمینه ملاحظه می‌شود، ناشی از ایمان به خدا و توکل به خدا و وارد کردن عنصر معنویت در مبارزه است. اگر یک مبارزه با عنصر ایمان همراه نباشد، آسیب‌پذیر می‌شود. آن وقتی مبارزه موفق خواهد شد که در او ایمان به خدا و توکل به خدا وجود داشته باشد. روحیه‌ی دین را و ایمان حقیقی به وعده‌ی الهی و توکل به خدای متعال را باید در مردم تقویت کنید؛ حسن ظن به خدای متعال و به وعده‌ی الهی را باید در مردم تقویت کنید. خود ما هم بایستی به خدای متعال حسن ظن داشته باشیم. خدای متعال اصدق القائلین است؛ او به ما می‌گوید: «لینصرن الله من ینصره»؛ او به ما می‌فرماید که: «من کان لله کان الله له»؛ او می‌گوید که: از دشمن نهراسید، «ان کید الشیطان کان ضعیفا». او به ما این را تلقین می‌کند؛ بیان می‌کند. خداوند متعال صادق است. ما اگر به وظیفه‌ی خودمان در این راه عمل نکنیم، برای خدا حرکت کنیم، برای خدا مبارزه کنیم، هدف را رضای خدا قرار بدهیم، بدون شک پیروزی نصیب خواهد شد.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در افتتاحیه‌ی همایش غزه / ۱۳۸۸/۱۲/۰۸

ما آنچه که در قضیه‌ی فلسطین از پیشرفت مشاهده می‌کنیم - که این پیشرفت قابل انکار نیست - اقتدار روزافزون جبهه‌ی مقاومت در مقابل جبهه‌ی استکبار و کفر است که امر مشهود و واضحی است. آنچه در این زمینه ملاحظه می‌شود، ناشی از ایمان به خدا و توکل به خدا و وارد کردن عنصر معنویت در مبارزه است. اگر یک مبارزه با عنصر ایمان همراه نباشد، آسیب‌پذیر می‌شود. آن وقتی مبارزه موفق خواهد شد که در او ایمان به خدا و توکل به خدا وجود داشته باشد. روحیه‌ی دین را و ایمان حقیقی به وعده‌ی الهی و توکل به خدای متعال را باید در مردم تقویت کنید؛ حسن ظن به خدای متعال و به وعده‌ی الهی را باید در مردم تقویت کنید. خود ما هم بایستی به خدای متعال حسن ظن داشته باشیم. خدای متعال اصدق القائلین است؛ او به ما می‌گوید: «لینصرن الله من ینصره»؛ او به ما می‌فرماید که: «من کان لله کان الله له» (۲)؛ او می‌گوید که: از دشمن نهراسید، «ان کید الشیطان کان ضعیفا» (۳). او به ما این را تلقین می‌کند؛ بیان می‌کند. خداوند متعال صادق است. ما اگر به وظیفه‌ی خودمان در این راه عمل نکنیم، برای خدا حرکت کنیم، برای خدا مبارزه کنیم، هدف را رضای خدا قرار بدهیم، بدون شک پیروزی نصیب خواهد شد.

بیانات در دیدار کارگران نمونه سراسر کشور / ۱۳۸۹/۰۲/۰۸

پشت‌گرمی ما به الطاف الهی است، به توفیقات الهی است. پشت‌گرمی ما به همان ایمانی است که اول اشاره کردم که در دل‌های شما و دل‌های یکایک ملت ایران رسوخ پیدا کرده است و ریشه‌دار است. وقتی این پشت‌گرمی وجود دارد و انسان تلاش خود و نیروی خود را هم به عرصه‌ی عمل می‌آورد، می‌شود «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات»؛ آن ایمان‌تان، این هم عمل صالح. اینکه در قرآن به مومن دارای عمل صالح، این همه وعده‌ی نیک داده شده است - پیروزی در دنیا، فلاح و نجات در عالم معنویت و عالم آخرت، تقرب به خدای متعال، سربلندی و عزت و فیروزمندی در دنیا و آخرت - این‌ها دیگر نتایج همان ایمان و عمل صالح است. باید در همین راه پیش برویم.

خطبه‌های نمازجمعه در بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۹/۰۲/۱۲

یک شاخص دیگر در مشی امام و خط امام که خیلی مهم است، مسئولی محاسبات معنوی و الهی است. امام در تصمیم‌گیری‌های خود، در تدابیر خود، محاسبات معنوی را در درجه‌ی اول قرار می‌داد. یعنی چه؟ یعنی انسان برای هر کاری که می‌خواهد بکند، در درجه‌ی اول هدفش کسب رضای الهی باشد؛ کسب پیروزی نباشد، به دست گرفتن قدرت نباشد، کسب و جاهت پیش زید و عمرو نباشد. هدف اول، رضای الهی باشد. این یک. بعد هم به وعده‌ی الهی اطمینان و اعتماد داشته باشد. وقتی انسان هدفش رضای خدا بود، به وعده‌ی الهی هم اعتماد و اطمینان داشت، آن وقت دیگر یاس معنا ندارد، ترس معنا ندارد، غفلت معنا ندارد، غرور معنا ندارد.

امام آن وقتی که تنها بود، مبتلای به ترس نشد، مبتلای به یاس نشد؛ آن وقتی هم که همه‌ی ملت ایران یک‌صدا نام او را فریاد زدند، بلکه ملت‌های دیگر هم به او عشق ورزیدند و این را ابراز کردند، دچار غرور نشد، آن وقتی که خرمشهر به وسیله‌ی متجاوزین عراقی از دست رفت، امام مایوس نشد؛ آن وقتی هم که خرمشهر را رزمندگان ما با دلاوری و فداکاری خود گرفتند، امام مغرور نشد؛ فرمود «خرمشهر را خدا آزاد کرد»؛ یعنی ما هیچ‌کاره‌ایم. در همه‌ی حوادث گوناگون دوران زعامت آن بزرگوار، امام همین‌جور بود. آن وقتی که تنها بود، وحشت نکرد؛ آن وقتی که غلبه و قدرت با او بود، مغرور نشد؛ غفلت هم نکرد. این اعتماد به خداست. وقتی رضای خدا بود، قضیه این است.

به وعده‌ی الهی باید اعتماد کرد. خدای متعال در سوره‌ی «انا فتحنا» می‌فرماید: «و یعذب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الطائین بالله ظن السوء»؛ خصوصیت منافق و مشرک از جمله این است که به خدا سوظن دارند، وعده‌ی الهی را قبول ندارند، باور ندارند. اینکه خدا می‌گوید: «و لینصرن الله من ینصره»، این را آدم مومن با همه‌ی وجود قبول دارد؛ منافق این را قبول ندارد. خداوند می‌فرماید: «علیهم دائرة السوء و غضب الله علیهم و لعنهم و اعد لهم جهنم و سات مصیرا». کسانی که به خدا سوظن دارند، وضعیتشان این‌جور است.

امام به وعده‌ی الهی اطمینان داشت. ما برای خدا مجاهدت می‌کنیم، قدم برای خدا برمی‌داریم، همه‌ی تلاش خودمان را به میدان می‌آوریم؛ نتیجه را خدای متعال -

آن‌چنان که وعده فرموده است- تحقق خواهد داد. ما برای تکلیف کار می‌کنیم؛ اما خدای متعال بر همین عمل برای تکلیف، بهترین نتیجه را به ما خواهد داد. این یکی از خصوصیات مشی امام و خط امام است. راه انقلاب، صراط مستقیم انقلاب این است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث / ۱۳۸۹/۰۴/۱۹

انسانها برای زندگی، برای پرورش فکر، برای پیشرفت عمل، برای آسایش روان، احتیاج دارند به آرامش، به محیط و فضای امن و آرام؛ چه در درون خودشان، چه در محیط خانواده، چه در محیط جامعه، چه در محیط بین‌الملل. آرامش و امنیت و سلامت و صلح، یکی از خواسته‌های اساسی بشر است. اسلام پیام‌آور امنیت و صلح و سلامت است. اینکه ما به تبع قرآن و با تعلیم قرآن می‌گوئیم اسلام دین فطرت است، یعنی این. آن راهی را که اسلام در مقابل بشر می‌گذارد، راه فطرت است؛ راه برآوردن نیازهای فطری انسان است. با این جامعیت، با این دقت، با این اهتمام، بعثت پیغمبر اکرم از سوی پروردگار عالم به وجود آمد و فلاح بشریت را به او وعده و مژده داد؛ «بشیرا و نذیرا». بشارت، در درجهی اول، بشارت به همین زندگی آرام، زندگی همراه با عدالت، زندگی متناسب با ساخت بشر است. البته دنبال این هم، بشارت ثواب الهی است که مربوط به زندگی دائم انسان است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث / ۱۳۸۹/۰۴/۱۹

وضع دنیا عوض شده است؛ ملتها بیدار شده‌اند؛ خوشبختانه این بیداری در ملتهای مسلمان بیشتر است؛ ملتهای مسلمان، حکومت‌های مسلمان، اهمیت اسلام و عظمت اسلام و عظمت این تکیه‌گاه مورد اعتماد و قابل اطمینان را دارند درک می‌کنند. امروز بیداری اسلامی در دنیای اسلام موجب شده است که قدرتها دیگر آن توانائی گذشته را نداشته باشند. وضع آمریکا امروز با گذشته فرق کرده است. قدرتها بعد از آمریکا هم وضعیتشان همین‌جور است؛ معلوم است. ملتهای مسلمان باید راه توحید را مغتنم بشمرند و وعدهی الهی را صادق بدانند. امروز سعادت مسلمانها در این است که بر محور اسلام با یکدیگر متحد شوند.

البته دشمنی هست و خواهد بود. هرجا بیداری بیشتر باشد، دشمنان بشریت احساس خطر بیشتری می‌کنند؛ لذا دشمنی بیشتری می‌کنند. ما معنای دشمنی‌هایی را که امروز با جمهوری اسلامی می‌شود، خوب می‌دانیم، خوب می‌شناسیم و علت این دشمنی‌ها را می‌دانیم؛ چون جمهوری اسلامی پرچم بیداری ملتهای مسلمان را در دست گرفته است. چون جمهوری اسلامی ملتها و دولتها را به اتحاد و عزت دعوت می‌کند و می‌گوید ملتها و دولتها در سایهی اسلام عزت خودشان را قدر بدانند. دشمنی به خاطر این است؛ این را ما می‌دانیم. ما می‌دانیم که این دشمنی‌ها ناکام خواهد شد؛ همچنان که تا امروز ناکام بوده است. سی و یک سال است که علیه جمهوری اسلامی تلاش می‌کنند، و سی و یک سال است که به فصل پروردگار جمهوری اسلامی روز به روز ریشه‌دارتر و قوی‌تر می‌شود. این روند همچنان ادامه خواهد داشت. دشمنی هرچه ادامه پیدا کند، مردم ما، مردم مسلمان، عقبه‌های مردمی در دنیای اسلام، بیشتر خود را باز خواهند یافت؛ بیشتر قدر خود را خواهند شناخت.

بیانات در دیدار قاریان قرآن / ۱۳۸۹/۰۴/۲۴

قرآن حیات طیبه را به ما وعده داده است: «فلنحیینه حیاه طیبه». حیات طیبه یعنی چه؟ زندگی پاکیزه یعنی چه؟ یعنی زندگی‌ای که در آن، هم روح انسان، هم جسم انسان، هم دنیای انسان، هم آخرت انسان تامین است؛ زندگی فردی در آن تامین است، آرامش روحی در آن هست، سکینه و اطمینان در آن هست، آسایش جسمانی در آن وجود دارد؛ فوائد اجتماعی، سعادت اجتماعی، عزت اجتماعی، استقلال و آزادی عمومی هم در آن تامین است. قرآن این‌ها را به ما وعده داده است. وقتی قرآن می‌گوید: «فلنحیینه حیاه طیبه»، یعنی همه‌ی این‌ها؛ یعنی آن زندگی‌ای که در آن عزت هست، امنیت هست، رفاه هست، استقلال هست، علم هست، پیشرفت هست، اخلاق هست، حلم هست، گذشت هست. ما با این‌ها فاصله داریم؛ باید به این‌ها برسیم.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۸۹/۰۶/۲۵

این فشارهایی که در دنیا انجام می‌گیرد، اینها محکوم به شکست است؛ اینها شکست خواهد خورد. این چیزی است که تجربه به ما نشان داده، غیر از وعدهی الهی که: «و لینصرن الله من بنصره» و آیات زیادی که در این جهت هست. فشارها غالبا محکوم به شکست است. یک مدتی فشار می‌آوردند، وقتی که ایستادگی مشاهده شد از این طرف، آن فشار تمام می‌شود. جنگ، جنگ اراده‌هاست؛ جنگ عزم‌های راسخ است؛ هر که عزمش بیشتر بود، او برنده است. بنابراین، اینها شکست می‌خورند. اگر قرار بود نظام اسلامی با این فشارها شکست بخورد، باید همان دهه‌ی اول شکست می‌خورد. آن وقت- گفتیم- دشمن قوی‌تر بود، ما ضعیف‌تر بودیم، توانائی‌هامان کمتر بود، امکاناتمان کمتر بود، دنیاشناسی‌مان کمتر بود، تجربه‌مان کمتر بود؛ امروز بحمدالله این کمبودها و کمی‌های آن وقتها جبران شده و خیلی از اشکالاتی که آن وقت وجود داشت، وجود ندارد. مردم روحیه‌هاشان هم خوب است. امروز انگیزه‌ها خیلی بالاست. اگر خدای نکرده یک وقتی یک جنگی اتفاق بیفتد که حضور در جبهه برای مردم و جوانها ایجاب کند، آن وقت خواهید دید که جوان امروز ما که نسل سوم انقلاب است، همتش و فداکاری‌اش از جوان آن روز کمتر نیست؛ شاید بیشتر هم هست. یک چنین حالتی وجود دارد. بنابراین، این فشارها محکوم به شکست است؛ لکن مهم این است که ما بیدار باشیم. به شرط اینکه ما بیدار باشیم؛ به شرط اینکه خوابمان نبرد، غفلت نکنیم. این زنگ‌های هشداردهنده و بیدارباش، ما را بیدار نگه دارد؛ این شرطش است.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم / ۱۳۸۹/۰۷/۲۷

درس بزرگ امام عزیز ما به ما و به همه‌ی ملت همین بود؛ به نیروی خودتان ایمان داشته باشید، در افزایش این نیرو به صورت روزافزون تلاش کنید و به خدای متعال و وعدهی الهی اطمینان داشته باشید؛ اگر ایستادگی کردید و با تدبیر حرکت کردید، مطمئن باشید که نصرت الهی با شما همراه است. این، خصوصیت دیندار بودن مردم و دینی بودن این انقلاب و نظام اسلامی است.

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و جانبازان قم / ۱۳۸۹/۰۷/۲۸

آن روزی که شهید حیدریان از شهر قم با یک عده‌ی معدودی بلند شد رفت کردستان و در مقابل دشمن جنگیدند، آن روز ملت ایران در غربت کامل بود؛ در مقابل ما همه‌ی اردوگاه غرب ایستاده بود؛ همه‌ی امکانات جهانی علیه ما مجهز شده بود. چند تا جوان از قم، چند تا جوان از فلان شهر دیگر، از سراسر روستاها، از سراسر شهرها، اعتقاد به معامله‌ی با خدا را در عمل نشان دادند؛ «ان الله اشترى من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون و عدا علیه حقا فی التوریه و الانجیل و القرآن». وعدهی الهی وعدهی درستی است. صف اول، شهیدان ما قرار دارند؛ صف اول، ایثارگران ما قرار دارند- همین جانبازها- اینها پیشوایان ما شدند؛ اینها طلایه‌داران این جبهه‌ی حق شدند؛ رفتند باور به شهادت را، باور به معامله‌ی با خدا را در میدان عمل نشان دادند.

بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه حوزه علمیه قم / ۱۳۸۹/۰۸/۰۲

بعضی از مسائلی که آقایان [اساتید و فضلا حوزه] فرمودند، مسائل عملی بالفعل نیست؛ آرزوهاست. خوب است که ما تفکیک کنیم بین آرزوها و بین آن چیزهایی که در برنامه می‌تواند قرار بگیرد. امروز حوزه نیاز دارد به برنامه ریزی. البته چشم انداز بایستی حتما تنظیم شود؛ این درست است. یک سند چشم‌انداز، یا به تعبیر بعضی از آقایان، بیانیه‌ی ماموریت روحانیت یا ماموریت حوزه‌ی علمیه لازم است؛ این باید تدوین شود؛ منتها تهیه‌ی یک چنین چشم‌اندازی یا چنین بیانیه‌ای، خود

یک کار مهم است؛ یک پروژه اساسی است. اینکه حالا پنج نفر آدم متفکر و آدم باهوش بنشینند یک بیانیه‌ی مأموریت تنظیم کنند یا یک سند چشم‌انداز بنویسند، خیلی آسان نیست؛ مقدمات دارد تا بشود یک سند چشم‌انداز نوشت. البته اگر چنین سند چشم‌اندازی تهیه شد، آن وقت میتوان برنامه‌های زمانبندی شده را بر اساس آن تهیه کرد و تدوین کرد؛ میشود هدفهای مقطعی را مشخص کرد؛ هدف ده ساله، هدف بیست ساله، هدف پنجاه ساله. البته این کارها ممکن است؛ منتها الان برنامه‌ریزی که ما نیاز داریم، باید ناظر به واقعیات و اقدامات عملی و قابل تحقق در حوزه باشد. نمیشود در خلا برنامه‌ریزی کرد؛ باید برنامه‌ریزی انجام بگیرد. پس باید به چیزهای عملی نگاه کرد؛ یعنی آرزوهایی که حق است و یک روزی بلاشک این آرزوها تحقق پیدا خواهد کرد. بنده از این آدمهای مایوس بن‌بست‌نگر نیستم. من یقین دارم که این آرزوها تحقق پیدا خواهد کرد، منتها بستگی دارد به اینکه شرایط و واقعیات چگونه پیش برود. عوامل موثر در حوادث، غالباً متنوع است؛ اغلب این حوادث هم از ذهن انسان خارج است، از محاسبات دور است. تنها چیزی که قابل محاسبه است، اینهاست: «ان تصرالله یصرکم» (۱): «من كان لله كان الله له» (۲)، «ولیصرن الله من ینصره» (۳)؛ چون غیبی است و خدای متعال فرموده و «هو اصدق القائلین» است. غیر از این، همه این مطالعات و برنامه‌ریزی‌ها قابل خدشه است، به خاطر اینکه عوامل موثر در حوادث از محاسبه خارج است. قدرتهای جهانی هم امروز در محاسباتشان همین را میدانند و ملاحظه هم می‌کنند؛ لذا شما میبینید یک چیزهایی را برنامه‌ریزی می‌کنند یا اعلان میکنند، بعد تحقق پیدا نمیکند؛ نه به خاطر این است که پشیمان شده‌اند، برای این است که میبینند نمیشود. حوادثی پیش می‌آید که محاسبه نشده است. بنابراین آن چیزهایی را که عملی است، باید به طور جدی مطرح کرد و دنبال کرد.

بانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۸۹/۱۲/۰۱

ملاحظه کنید؛ دو جور آدم در مقابله‌ی با دشمن وجود دارد: «و اذ يقول المنافقون والذين فى قلوبهم مرض ما وعدنا الله ورسوله الا غرورا، و اذ قالت طائفة منهم يا اهل يثرب لا مقام لكم فارجعوا» (۱) این یک نگاه است، یک دید است در مقابله‌ی با این حوادث؛ یک دید دیگر این است که میگوید: «و لما رأى المؤمنون الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله و صدق الله و ما زاهدنا الا ايمانا و تسليما» (۲) این هم یک دید است. هر دو مال یک حادثه است. هر دو مال حادثه‌ی احزاب است. یک عده وقتى احزاب را مى‌بينند، ميگويند: «ما وعدنا الله ورسوله الا غرورا»؛ عده‌اى ديگر وقتى احزاب را مى‌بينند، ميگويند: «هذا ما وعدنا الله ورسوله و صدق الله ورسوله و ما زاهدنا الا ايمانا و تسليما». اين مهم است. اين دارد وضع فعلى ما را به ما نشان ميدهد.

ما دو جور انسان داریم: یک عده هستند که وقتی هیمنه آمریکا را می بینند، قدرت نظامی او را می بینند، قدرت دیپلماسی او را می بینند، قدرت تبلیغاتی او را می بینند، پول فراوان او را می بینند، مرعوب میشوند؛ میگویند ما که نمیتوانیم کاری بکنیم، چرا بیخودی نیروهایمان را هدر بدهیم؟ اینجور افراد الان هستند، در زمان انقلاب ما هم بودند. ما مواجه بودیم با افرادی از این قبیل که میگفتند آقا بیخود چرا خودتان را رحمت میدهید؛ به یک حداقلی قانع شوید و قضیه را تمام کنید. یک عده اینجور بودند.

یک عده‌ی دیگر هستند که نه، قدرت دشمن را با قدرت خدای متعال مقایسه میکنند، عظمت دشمن را در مقابل عظمت پروردگار قرار میدهند؛ آن وقت می‌بینند که اینها حقیر محضند، اینها چیزی نیستند. وعده‌ی الهی را هم راست می‌شمردند، حسن ظن به وعده‌ی الهی دارند؛ این مهم است. خدای متعال به ما وعده کرده است: «و لیبصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز» (۳) این وعده‌ی قطعی است، وعده‌ی موکد است. اگر چنانچه ما به وعده‌ی الهی حسن‌ظن داشته باشیم، یک جور عمل میکنیم، اگر به وعده‌ی الهی سوظن داشته باشیم، جور دیگری عمل میکنیم. خدای متعال افرادی را که سوظن دارند، مشخص کرده است: «و یعذب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الطائین بالله ظن السو علیهم دائره السو و غضب الله علیهم و لعنهم و اعد لهم جهنم و ساءت مصیرا»؛ (۴) این «الطائین بالله ظن السو» امروز هم هستند. چند آیه بعد میگوید: «بل ظننتم ان لن ینقلب الرسول و المومنون الی اهلیم ایدا و زین ذلک فی قلوبکم و ظننتم ظن السو و کنتم قوما بورا» (۵) سوظن به خدا موجب میشود که انسان بنشیند و از حرکت و از کار و تلاش باز بماند. اگر حسن‌ظن به خدا داشتیم، آن وقت میتوانیم

بانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۸۹/۱۲/۰۱

یک عده‌ی دیگر هستند که نه، قدرت دشمن را با قدرت خدای متعال مقایسه میکنند، عظمت دشمن را در مقابل عظمت پروردگار قرار میدهند؛ آن وقت می‌بینند که اینها حقیر محضند، اینها چیزی نیستند. وعده‌ی الهی را هم راست می‌شمرند، حسن ظن به وعده‌ی الهی دارند؛ این مهم است. خدای متعال به ما وعده کرده است: «و لیצרن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز»؛ این وعده‌ی قطعی است، وعده‌ی موکد است. اگر چنانچه ما به وعده‌ی الهی حسن‌ظن داشته باشیم، یک جور عمل میکنیم، اگر به وعده‌ی الهی سوظن داشته باشیم، جور دیگری عمل میکنیم. خدای متعال افرادی را که سوظن دارند، مشخص کرده است: «و یعذب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الظانین بالله ظن السوء علیهم دائره السوء و غضب الله علیهم و لعنهم و اعد لهم جهنم و ساءت مصیرا»؛ این «الظانین بالله ظن السوء» امروز هم هستند. چند آیه بعد میگوید: «بل ظننتم ان لن ینقلب الرسول و المومنون الی اهلیم ایدا و زین ذلک فی قلوبکم و ظننتم ظن السوء و کنتم قوما یوروا». سوظن به خدا موجب میشود که انسان نبیند و از حرکت و از کار و تلاش باز بماند. اگر حسن‌ظن به خدا داشتیم، آن وقت میتوانیم پیش برویم.

بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۰ / ۱۳۹۰/۰۱/۰۱

آنچه که من به طور قاطع عرض میکنم، این است که به توفیق پروردگار یک حرکت جدیدی در این منطقه آغاز شده است. این حرکت، حرکت ملت‌هاست؛ حرکت امت اسلامی است؛ حرکت با شعار اسلام است؛ حرکت به سمت اهداف اسلامی است؛ نشان‌دهنده‌ی بیداری عمومی ملت‌هاست و طبق وعده‌ی الهی، این حرکت قطعاً و یقیناً به پیروزی خواهد رسید. ملت ایران سرفراز است، مفتخر است و خرسند است که آغازکننده‌ی این راه بوده است و ایستادگی و استقامت کرده است. نسل جهان امروز که روی کار آمدند، انقلاب را ندیدند؛ اما از انقلابیون آن روز اگر محکم‌تر نباشند، کمتر نیستند.

بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه / ۱۳۹۰/۰۱/۰۸

آنچه در ایران اتفاق افتاده است، درست نقطه‌ی مقابل هدفها و اطماع استکبار جهانی است. در اینجا نظامی متکی به مردم، متکی به دلها، به ایمانها، به عاطفه‌ها شکل گرفته است؛ با اهداف اسلامی، با اهداف قرآنی، با اهداف «و لله العزه و لرسوله و للمومنین»، با این اعتقاد و باوری که هیچگونه فشار و تحمیلی نمیتواند آن را متزلزل کند؛ یک نظام اینچینی؛ نظام اسلامی. خود این ایستادگی، خود این مقاومت در مقابل طمع‌ورزی بیگانگان، مراکز قدرت جهانی را به خشم می‌آورد. سی سال است اینها دارند خشم خودشان را به نحوی ابراز میکنند، اما با اراده‌ی ملت ایران - که متکی به اراده‌ی پروردگار متعال است و با اطمینان به وعده‌ی الهی است - دشمنان ناکام مانده‌اند و ملت ایران روز به روز عرصه‌های پیشرفت و تکامل و تعالی را پیموده است.

سایات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه / ۱۳۹۰/۰۱/۰۸

من از همه‌ی کارکنان، متخصصان و فعالان این عرصه - ضمن تشکر - بجد می‌خواهم که کار خودتان را به جہاد فی سبیل اللہ بدانید؛ احساس خستگی نکنید و بدانید جہاد فی سبیل اللہ وعده‌ی الهی بر پیروزی آن است. وقتی برای خدا و در راه خدا حرکت میکنید، به پیروزی خواهید رسید. امسال همه‌ی اجزای گوناگون ملت ما، مسئولین کشوری، مسئولین بخشهای گوناگون استانی در گوشه و کنار کشور و آحاد مردم، همه باید این تلاش را برای خدا در پیش بگیرند. خدای متعال هم برکت خواهد داد. خدای متعال به آن تلاشی، به آن کاری، به آن نیت و عزمی که در این جهت باشد، حتما برکت میدهد و کمک میکند؛ کمالینکه در طول این سی و دو سال تا امروز خدای متعال به ما کمک کرده. بدون اراده‌ی الهی، امکان نداشت یک ملت‌ی بتواند در مقابل استکبار جهانی بایستد.

بیانات در دانشگاه افسری امام حسین (ع) / ۱۳۹۰/۰۳/۱۰

خدای متعال در مقابل این ملت به وعده‌ی خود وفا کرد. خدای متعال وعده کرده است که اگر با ایمان، در میدان سعی و مجاهدت قدم بردارید، به شما کمک خواهد کرد و به شما نصرت خواهد داد: «ان ینصرکم الله فلا غالب لکم»؛ وقتی خدا به شما کمک برساند و شما را نصرت کند، هیچ قدرتی نمیتواند بر شما غلبه کند. این وعده‌ی الهی است؛ این وعده را ملت ما و جوانان امروز ما در مقابل چشم دارند می‌بینند.

بیانات در دانشگاه افسری امام حسین (ع) / ۱۳۹۰/۰۳/۱۰

وقتی مادر حضرت موسی، موسی را به آب می‌انداخت، خداوند متعال دو وعده به او داد. فرمود: «انا رادوه الیک و جاعلوه من المرسلین»؛ او را به تو برمیگردانیم و او را پیامبر مرسل خودمان قرار میدهم. به فاصله‌ی کوتاهی بچه به مادر برگشت. خداوند میفرماید: «فرددناه الی امه کی تقر عینها و لا تحزن و لتعلم ان وعد الله حق»؛ بچه را به مادر برگردانیم تا مادر یقین کند که وعده‌ی ما وعده‌ی درستی است. ما دو وعده داده بودیم، این اولی‌اش؛ پس ای مادر موسی! بدان که وعده‌ی دومی هم حق است؛ او پیغمبر مرسلی است که خواهد آمد و بساط فرعون را به هم خواهد ریخت. خدای متعال بخشی از وعده را نقد در اختیار مادر موسی گذاشت تا به آن وعده‌ی نسیه یقین کند.

بخشی که خدای متعال به صورت نقد در اختیار ملت ایران قرار داده، خیلی بیشتر از اینهاست. کی تصور میکرد جوانان فلسطینی جرات کنند به نام اسلام متشکل شوند، به نام اسلام شعار بدهند، به نام اسلام به نیروهای غاصب ظالم بی‌رحم صهیونیست حمله کنند؟ این اتفاق افتاده. در دو هفته‌ی گذشته، در «یوم‌النکبه» جوانها مرزهای اسرائیل را برای اولین بار بعد از گذشت شصت سال شکستند. اینها همان «و لتعلم ان وعد الله حق» است. این دارد نشان میدهد که بدانید وعده‌ی الهی که فرمود: «لیظهره علی الدین کله»- خدای متعال این دین را، این رسالت را بر همه‌ی فرآورده‌های فکری و دینی عالم پیروز خواهد کرد - درست است. خدا دارد این وعده‌های نقد را تحقق میبخشد؛ فقط شرطش این است که من و شما که در این راه سربازان پیشرو این حرکت در دوران معاصر بودیم، قدممان را سست نکنیم، حواسمان جای دیگر نرود.

بیانات در دانشگاه افسری امام حسین (ع) / ۱۳۹۰/۰۳/۱۰

خدای متعال در مقابل این ملت به وعده‌ی خود وفا کرد. خدای متعال وعده کرده است که اگر با ایمان، در میدان سعی و مجاهدت قدم بردارید، به شما کمک خواهد کرد و به شما نصرت خواهد داد: «ان ینصرکم الله فلا غالب لکم»؛ (۱) وقتی خدا به شما کمک برساند و شما را نصرت کند، هیچ قدرتی نمیتواند بر شما غلبه کند. این وعده‌ی الهی است؛ این وعده را ملت ما و جوانان امروز ما در مقابل چشم دارند می‌بینند.

امپراتوری نظامی و مالی و تبلیغاتی و سیاسی مسلط بر دنیا - یعنی شیطان بزرگ، آمریکا - با همه‌ی توان، با همه‌ی آنچه که در چنته داشت، به میدان نظام جمهوری اسلامی آمد، به میدان انقلاب آمد و خاطر جمع بود که انقلاب را به زانو در می‌آورد. امروز بعد از سی سال، شما نگاه کنید ببینید چه اتفاقی در دنیا افتاده؛ آنها به زانو درآمدند. سیاست بسیار حساس تعیین‌کننده‌ی خاورمیانه‌ای آمریکا بکلی شکست خورده است؛ این را همه دارند می‌بینند و همه به آن اعتراف میکنند. در فلسطین شکست خوردند. مزدوران و یاران و همپیمانان نزدیک خود را از دست دادند. یک روز فقط رژیم طاغوت فاسد پهلوی از دست آنها رفته بود؛ امروز رژیمهای دیگری از دست آنها رفتند یا در شرف از دست رفتند؛ بنابراین متزلزلند.

بیانات در دانشگاه افسری امام حسین (ع) / ۱۳۹۰/۰۳/۱۰

امروز آمریکا در منطقه‌ی غربی آسیا - یعنی همین منطقه‌ی شمال آفریقا و منطقه‌ای که اسم آن را «خاورمیانه» گذاشتند - منزوی است. امروز اسلام در این منطقه زنده است. امروز جوانان با شعار اسلامی وارد میدان میشوند. یک روزی در سی سال پیش، چهل سال پیش، در همین کشورهای شمال آفریقا، اگر کسی میخواست از انگیزه‌های ملی و انقلابی حرفی بزند، به شعارهای چپ متوسل میشد؛ امروز این حرفها دور افتاده است، این حرفها به زباله‌دان تحویل داده شده است. امروز در این منطقه، حرف رائج، سکه‌ی رائج، سخن قاطع، اسلام است و قرآن. این، کم دستاوردی است؟ این همان چیزی است که وقتی انقلاب اسلامی پیروز شد، جمهوری اسلامی به نام اسلام و قرآن در این منطقه پرچم برافراشت، آنها به خودشان لرزیدند. گفتند ممکن است چنین چیزی پیش بیاید، لذا تلاش کردند که نگذارند؛ اما علی‌رغم آنها، امروز پیش آمده. جوان امروز ما دارد این را در مقابل خودش می‌بیند.

وقتی مادر حضرت موسی، موسی را به آب می‌انداخت، خداوند متعال دو وعده به او داد. فرمود: «انا رادوه الیک و جاعلوه من المرسلین»؛ (۱) او را به تو برمیگردانیم و او را پیامبر مرسل خودمان قرار میدهم. به فاصله‌ی کوتاهی بچه به مادر برگشت. خداوند میفرماید: «فرددناه الی امه کی تقر عینها و لا تحزن و لتعلم ان وعد الله حق»؛ (۲) بچه را به مادر برگردانیم تا مادر یقین کند که وعده‌ی ما وعده‌ی درستی است. ما دو وعده داده بودیم، این اولی‌اش؛ پس ای مادر موسی! بدان که وعده‌ی دومی هم حق است؛ او پیغمبر مرسلی است که خواهد آمد و بساط فرعون را به هم خواهد ریخت. خدای متعال بخشی از وعده را نقد در اختیار مادر موسی گذاشت تا به آن وعده‌ی نسیه یقین کند.

بخشی که خدای متعال به صورت نقد در اختیار ملت ایران قرار داده، خیلی بیشتر از اینهاست. کی تصور میکرد جوانان فلسطینی جرات کنند به نام اسلام متشکل شوند، به نام اسلام شعار بدهند، به نام اسلام به نیروهای غاصب ظالم بی‌رحم صهیونیست حمله کنند؟ این اتفاق افتاده. در دو هفته‌ی گذشته، در «یوم‌النکبه» جوانها مرزهای اسرائیل را برای اولین بار بعد از گذشت شصت سال شکستند. اینها همان «و لتعلم ان وعد الله حق» است. این دارد نشان میدهد که بدانید وعده‌ی الهی که فرمود: «لیظهره علی الدین کله» (۳) - خدای متعال این دین را، این رسالت را بر همه‌ی فرآورده‌های فکری و دینی عالم پیروز خواهد کرد - درست است. خدا دارد این وعده‌های نقد را تحقق میبخشد؛ فقط شرطش این است که من و شما که در این راه سربازان پیشرو این حرکت در دوران معاصر بودیم، قدممان را سست نکنیم، حواسمان جای دیگر نرود.

بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۰/۰۳/۱۲

آنچه که در منطقه‌ی شمال آفریقا و منطقه‌ی ما اتفاق افتاده است، حوادث بسیار مهم و تاریخ‌سازی است. آنچه در مصر اتفاق افتاد، آنچه در تونس اتفاق افتاد، این بیداری عظیمی که در کشورهای اسلامی اتفاق افتاده است، از آن حوادثی است که گاهی دو قرن، سه قرن میگذرد تا یک چنین حادثه‌ای به وجود بیاید؛ از آن حوادث بسیار مهم و تاثیرگذار و تاریخ‌ساز است. البته ملت مصر موفق شد، ملت تونس موفق شد؛ بخصوص پیروزی انقلاب مصر، پیروزی بسیار درخشانی است؛ بسیار کار عظیمی است. در برخی کشورهای دیگر، مثل لیبی، مثل یمن، مثل مردم مظلوم بحرین، مبارزاتی دارد انجام میگیرد؛ هر کدام هم حکم خودش را دارد. آنجا هم حرکات مردم محکوم به پیروزی است؛ دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد. وقتی مردم بیدار شدند، وقتی یک ملت احساس قوت و قدرت و توانایی کرد، هیچ چیزی نمیتواند راه او را سد کند. البته دشمنان ملت‌های مسلمان - یعنی نظام سلطه، آمریکای شیطان بزرگ، صهیونیست‌های غدار و حیوان‌صفت - مشغول فعالیتند و دارند تلاش میکنند؛ میخواهند نگذارند این پیروزی‌ها به کام مردم شیرین بیاید و به معنای واقعی کلمه به پیروزی نهائی برسد؛ اما اگر ما ملت‌های مسلمان بیدار باشیم، به ندای قرآن - که ما را به صبر و استقامت و ثبات امر میکند، به ما امید میدهد - گوش کنیم، به خدای متعال سو‌طن نداشته باشیم، به وعده‌ی الهی امیدوار باشیم و برای آن تلاش و کار کنیم، بدون شک این ملتها به پیروزی میرسند. البته در لیبی سیاست دولتهای غربی این است که کشور لیبی را ضعیف کنند،

کم‌خون کنند؛ سیاستشان این است که جنگ داخلی ادامه پیدا کند تا کشور از رمق بیفتد، بعد با خودشان مستقیم یا غیرمستقیم بایند امور آن کشور حساس را به دست بگیرند. کشور لیبی اولاً دارای منابع سرشار نفت است، ثانیاً یک قدمی اروپاست؛ بنابراین برای مستکبرین جهانی، برای آمریکا، برای کشورهای مستکبر در اروپای غربی بسیار مهم است؛ نمی‌خواهند آسان از او دست بردارند، می‌خواهند ضعیف کنند. اگر آن کشور را وا می‌گذاشتند، مردم می‌توانستند غلبه کنند، حکومت مردمی و اسلامی بر سر کار می‌آمد، برای آنها خطری بود؛ لذا می‌خواهند نگذارند این اتفاق بیفتد.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات قرآن / ۱۳۹۰/۰۴/۱۴

ما دو غفلت داریم: یکی غفلت از این که قرآن وسیله‌ی اجتماع ما مسلمانان است. دوم، غفلت از باور به مفاهیم قرآنی و اعتراف به آنچه که خدای متعال به ما در قرآن کریم وعده کرده است. وعده‌های الهی را هم باید باور کنیم. اگر وعده‌های الهی را باور کردیم، آن وقت راه به سوی عزت، به سوی وحدت، به سوی اقتدار در مقابل امت اسلامی باز خواهد شد، امت اسلام از عقب‌ماندگی نجات پیدا خواهد کرد. همین آیاتی که الان این استاد محترم مصری تلاوت کردند: «ان ینصرکم الله فلا غالب لکم»؛ اگر خدا شما را نصرت بکند، هیچ قدرتی بر شما غلبه نخواهد کرد. «و ان یخذلکم فمن ذالذی ینصرکم من بعده»؛ اگر خدا شما را نصرت نکند، کمک نکند، کی به شما کمک خواهد کرد؟ یک سطر درخشان است. این را ملتها بنویسند، پرچم کنند، بزنند جلو چشمشان، بالای سرشان. «ان ینصرکم الله فلا غالب لکم»؛ اگر خدا شما را یاری کند، هیچ قدرتی بر شما غلبه نمی‌کند. چه کار کنیم که خدا ما را یاری کند؟ این یک مسئله است. چه کار کنیم که نصرت خدا شامل حال ما بشود؟ این را هم خود قرآن به ما گفته: «ان تنصروا الله ینصرکم»، «و لینصرن الله من ینصره»؛ شما خدا را نصرت کنید، دین خدا را نصرت کنید، برای خدا قیام کنید، خدا شما را نصرت خواهد کرد. هر جا ملتها برای دین خدا قیام کردند، نیروشان را آوردند وسط صحنه، خدای متعال آنها را نصرت کرد. و وقتی خدا آنها را نصرت کرد، دیگر هیچ کس نتوانست بر آنها غلبه پیدا کند. ما نمونه‌اش را در خودمان دیدیم. ما آزمودیم، تجربه کردیم که «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم». این را ما ملت ایران آزمایش کردیم؛ این را در عمل آزمودیم. در خودمان تغییر ایجاد کردیم، خدای متعال هم اوضاع ما را تغییر داد. عجیب هم این است که اگر یک قدم ما برداریم، خدا ده قدم برمی‌دارد. ما اندکی خودمان را تغییر دادیم، خدا مبالغی به ما کمک کرد، اوضاع ما را تغییر داد.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات قرآن / ۱۳۹۰/۰۴/۱۴

خب، با قرآن بایستی آشنا شد. به قرآن باید با همه‌ی وجود، با همه‌ی دل ایمان آورد، ایمان ظاهری کافی نیست. با همه‌ی دل بایستی قرآن را و وعده‌ی الهی را باور کرد. امروز هم باورش آسانتر از دیروز است. امروز، یعنی در این دوره‌ای که ما داریم، من و شما داریم زندگی می‌کنیم، این قدر آیات و بشائر الهی وجود دارد که دل انسان را آسان میکند؛ چون دارد می‌بیند همانی که حضرت ابراهیم عرض کرد: «و لکن لیطمئن قلبی»، این اطمینان برای انسان پیدا میشود. دارد می‌بیند دیگر؛ در مقابل چشم ماست. چه بود ایران؟ ایران طاغوت، ایران آمریکا، ایران پیوسته‌ی با صهیونیست‌های غاصب؛ او چه بود، حالا. چیست: قطب قدرتمند مقابله‌ی با استکبار و صهیونیسم، سند محکم ملت‌های مسلمان؛ اینها را داریم جلوی چشممان مشاهده می‌کنیم. این معجزه‌ی دعوت قرآن و خبر قرآن و آگاهی‌هایی است که قرآن به ما میدهد. این را باید حفظ کنیم.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات قرآن / ۱۳۹۰/۰۴/۱۴

ما دو غفلت داریم: یکی غفلت از این که قرآن وسیله‌ی اجتماع ما مسلمانان است. دوم، غفلت از باور به مفاهیم قرآنی و اعتراف به آنچه که خدای متعال به ما در قرآن کریم وعده کرده است. وعده‌های الهی را هم باید باور کنیم. اگر وعده‌های الهی را باور کردیم، آن وقت راه به سوی عزت، به سوی وحدت، به سوی اقتدار در مقابل امت اسلامی باز خواهد شد، امت اسلام از عقب‌ماندگی نجات پیدا خواهد کرد. همین آیاتی که الان این استاد محترم مصری تلاوت کردند: «ان ینصرکم الله فلا غالب لکم»؛ (۱) اگر خدا شما را نصرت بکند، هیچ قدرتی بر شما غلبه نخواهد کرد. «و ان یخذلکم فمن ذالذی ینصرکم من بعده»؛ (۲) اگر خدا شما را نصرت نکند، کمک نکند، کی به شما کمک خواهد کرد؟ یک سطر درخشان است. اینرا ملتها بنویسند، پرچم کنند، بزنند جلو چشمشان، بالای سرشان. «ان ینصرکم الله فلا غالب لکم»؛ (۳) اگر خدا شما را یاری کند، هیچ قدرتی بر شما غلبه نمی‌کند. چه کار کنیم که خدا ما را یاری کند؟ این یک مسئله است. چه کار کنیم که نصرت خدا شامل حال ما بشود؟ این را هم خود قرآن به ما گفته: «ان تنصروا الله ینصرکم»؛ (۴) «و لینصرن الله من ینصره»؛ (۵)؛ شما خدا را نصرت کنید، دین خدا را نصرت کنید، برای خدا قیام کنید، خدا شما را نصرت خواهد کرد. هر جا ملتها برای دین خدا قیام کردند، نیروشان را آوردند وسط صحنه، خدای متعال آنها را نصرت کرد. و وقتی خدا آنها را نصرت کرد، دیگر هیچ کس نتوانست بر آنها غلبه پیدا کند. ما نمونه‌اش را در خودمان دیدیم. ما آزمودیم، تجربه کردیم که «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»؛ (۶). این را ما ملت ایران آزمایش کردیم؛ این را در عمل آزمودیم. در خودمان تغییر ایجاد کردیم، خدای متعال هم اوضاع ما را تغییر داد. عجیب هم این است که اگر یک قدم ما برداریم، خدا ده قدم برمی‌دارد. ما اندکی خودمان را تغییر دادیم، خدا مبالغی به ما کمک کرد، اوضاع ما را تغییر داد.

امروز هم داریم در دنیایم‌بینیم. الان ملت مصر را نگاه کنید. همان الله‌اکبر است و همان نماز جماعت استو همان شعارهای اسلامی است؛ آمدند توی میدان، خدای متعال نصرت داد. مگر آمریکامی‌خواست که این اتفاقات در مصر بیفتد؟ مگر جبهه‌ی خبیث صهیونیستی که در همه‌ی قدرتهای غربی نفوذ دارد، می‌خواستند این اتفاق بیفتد؟ مگر وابستگان سیاسی‌شان در منطقه به خودشان حاضر بودند این فکر را راه بدهند که یک چنین اتفاقی خواهد افتاد؟ اما افتاد. چرا؟ چون «ینصرکم الله فلا غالب لکم»؛ (۷) خدا که نصرت کرد، دیگر همه‌ی قدرتها پوچند. اینجوری ملتها باید عزتشان را به دست بیاورند. «و لله العزه و لرسوله و للمؤمنین»؛ (۸) عزت مال خداست. «تغز من تشا و تذل من تشا»؛ (۹) او عزت‌میدهد. از خدا عزت را بخواهید.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات قرآن / ۱۳۹۰/۰۴/۱۴

خب، با قرآن بایستی آشنا شد. به قرآن باید با همه‌ی وجود، با همه‌ی دل ایمان آورد، ایمان ظاهری کافی نیست. با همه‌ی دل بایستی قرآن را و وعده‌ی الهی را باور کرد. امروز هم باورش آسانتر از دیروز است. امروز، یعنی در این دوره‌ای که ما داریم، من و شما داریم زندگی می‌کنیم، این قدر آیات و بشائر الهی وجود دارد که دل انسان را آسان میکند؛ چون دارد می‌بیند همانی که حضرت ابراهیم عرض کرد: «و لکن لیطمئن قلبی»، (۱) این اطمینان برای انسان پیدا میشود. دارد می‌بیند دیگر؛ در مقابل چشم ماست. چه بود ایران؟ ایران طاغوت، ایران آمریکا، ایران پیوسته‌ی با صهیونیست‌های غاصب؛ او چه بود، حالا چیست: قطب قدرتمند مقابله‌ی با استکبار و صهیونیسم، سند محکم ملت‌های مسلمان؛ اینها را داریم جلوی چشممان مشاهده می‌کنیم. این معجزه‌ی دعوت قرآن و خبر قرآن و آگاهی‌هایی است که قرآن به ما میدهد. این را باید حفظ کنیم.

بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۹۰/۰۵/۱۶

اما نقاط ضعف هم داریم. اگر نقاط منفی را نبینیم، ضعف‌های خودمان را شناسیم، یقیناً ضربه خواهیم خورد. نقاط ضعف ما، هم در زمینه‌های اقتصادی است، هم در زمینه‌های فرهنگی است. ما خطاها داشتیم، ضعف‌ها داشتیم، بر بعضی از چالش‌ها نتوانستیم غلبه کنیم؛ این واقعیتی است. حتی در همان تهدیدهایی که مستقیماً از طرف دشمن هست، اگر ما ضربه‌ای خوردیم، تقصیر خود ماست، کوتاهی‌های خود ماست. قرآن کریم در قضیه‌ی جنگ احد می‌فرماید: «ا و لما اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلها قلتم انی هذا قل هو من عند انفسکم» در قضیه‌ی احد، آن حادثه‌ی تلخ اتفاق افتاد: مسلمانان اول پیروز شدند، بعد یک عده‌ای ماموریت‌ها را فراموش کردند، تنگه را رها کردند، رفتند سراغ غنیمت جمع کردن؛ دشمن هم نتوانست نیروهای اسلام را دور بزند، بیفتد به جانشان، تعدادی از آنها را بکشد، آنها را منهدم کند؛ به طوری که مسلمانان از ترسشان مجبور شدند به کوه پناه ببرند. جان مبارک پیغمبر به خطر افتاد، به پیغمبر ضربه وارد آمد. بعد مسلمانان گفتند: خب، چرا اینجوری شد؟ خدا به ما وعده‌ی پیروزی داده بود. خدای متعال می‌فرماید که ما شما را پیروز کردیم، وعده‌ی خدا عملی شد، اما شما خودتان هستید که کار را

خراب کردید. اولاً اگر دشمن به شما ضربه زد، شما هم متقابلاً به دشمن ضربه‌ها زدید - «قد اصیتم مثلیها» - تعجب نکنید؛ بالاخره در میدان جنگ، زدن و خوردن، هر دو هست. در عرصه جنگ بزرگ میدان سیاست و اقتصاد جهانی، آدم، هم میزند، هم میخورد؛ نباید خلاف انتظار باشد. اما «فلتم انی هذا»؛ میگویند ما از کجا این ضربه را خوردیم. بعد قرآن میفرماید: «قل هو من عند انفسکم»؛ از خود شما بود، خودتان خطا کردید. ما یک جاهانی خطا کردیم - «ان الله علی کل شیء قدیر» (۱) - یک جاهانی طبق وظیفه عمل نکردیم؛ یک جاهانی مراقبتهایی که باید انجام بدهیم، انجام ندادیم؛ یک جاهانی دلبستگی‌های خودمان را زیر پا نگذاشتیم؛ اینها منجر شده به اشکالاتی - این را هم باید در نظر داشته باشیم - به چیزهایی که باید از آن پرهیز کرد و برحذر بود، سرگرم شدیم؛ به منازعات سیاسی، به مشاجرات سرگرم شدیم؛ به رفاه‌طلبی سرگرم شدیم، به منشهای اشرافی سرگرم شدیم؛ اینها نقاط ضعف است. وقتی من و شما زندگی‌مان را زندگی رفاه‌طلبانه و اشرافی قرار بدهیم، مردم از ما یاد میگیرند. یک عده‌ای منتظر بهانه‌اند؛ به ما نگاه میکنند، میگویند آقا ببینید اینها چه جوری زندگی میکنند، ما هم می‌خواهیم همین جور زندگی کنیم. اینها کسانی هستند که دستشان میرسد. یک عده‌ای معتقدند که باید در زندگی مقتصد بود، نباید اسراف کرد، نباید افراط کرد؛ اینها وقتی نگاه میکنند می‌بینند من و شما اسراف میکنیم، میگویند خب، ما از اینها که بالاتر نیستیم؛ اینها که روسای ما هستند. این کارها خطر دارد. روش انقلاب و انقلابیون به تبع آموزش اسلام، اعراض از زندگی رفاه‌طلبانه برای خود بود. برای مردم هرچه میتوانید، رفاه ایجاد کنید؛ هرچه میتوانید، درآمد ملی را زیاد کنید؛ هرچه میتوانید، در کشور ثروت تولید کنید؛ اما خودتان نه. مسئولین لاف‌ها تا وقتی مسئولند، به زندگی رفاه‌طلبی رو نکنند. غفلت از روحیه جهادی و ایثار، غفلت از تهاجم فرهنگی دشمن، غفلت از در کمین بودن دشمن، غفلت از نفوذ دشمن در فضای رسانه‌ای کشور، بی‌مبالایی نسبت به حفظ بیت‌المال؛ اینها گناهان ماست، اینها نقاط ضعف ماست.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۰

پروردگارا! آنچنان که به بندگان خالص خود وعده فرموده‌ای که به آنها نصرت خواهی داد، به ملت ایران نصرت کامل عنایت کن.

بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۲

البته ما در حال حاضر مسئولین آمریکائی را برحذر میداریم از این که حرکت ناشایست و شیطانی‌ای - چه در زمینه‌های سیاسی، چه در زمینه‌های امنیتی - از آنها سر بزنند. بدانند جمهوری اسلامی زنده است، بیدار است. آنها اگر چنانچه پشت به مردم خودشان دارند، ما رو به مردم خودمان داریم. آنها اگر چنانچه منفور مردم خودشان هستند، منفور اکثریتشان هستند - که قضیه اینجور است - در جمهوری اسلامی قضیه بعکس است. این اجتماعات عظیم مردم، امروز و در همه موارد دیگر، نشان‌دهنده عزم راسخ مردم است. ما همه در صحنه هستیم، همه جزو ملتیم، همه سربازان انقلاب و نظام اسلامی هستیم. بدانند اینجا یک پیکر یکپارچه متحد مستحکمی است، در مقابل هر توطئه‌ای خواهد ایستاد و باج هم به کسی نمیدهیم. خطاست اگر خیال کنند فشار می‌آورند، بعد باج میگیرند. البته این، کار معمول قدرتهاست. از کارهای رائج قدرتهای مستکبر بین‌المللی همین است؛ یک دولتی را پیدا میکنند، آدمهای ضعیف و غیر متکی به مردم در راس این دولتهایند؛ به آنها یک فشار می‌آورند، یک شایعه‌ای درست میکنند، سپس از آنها باج میگیرند. جمهوری اسلامی در این سی و دو سال نشان داده که به کسی باج نخواهد داد، این فشارها هم روی او اثر نمیکند؛ «و لما را المومنون الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله و رسوله و ما زادهم الا ایمانا و تسلیماً» (۱)؛ ما وقتی این فشارها را ملاحظه میکنیم، این شیطنتها و توطئه‌ها را از طرف خبیث‌ترین شیاطین عالم نسبت به خودمان مشاهده میکنیم، میفهمیم وعده‌ی الهی راست است؛ میگوئیم «هذا ما وعدنا الله و رسوله». خدا وعده فرموده بود که وقتی در راه مستقیم حرکت کنید، شیطانها و کجروان با شما مقابله میکنند؛ بسم‌الله، این نمونه‌اش است. این را خدا قبلاً به ما فرموده بود، آیات قرآن به ما گفته بود. «و صدق الله و رسوله»؛ سخن خدا راست است. «و ما زادهم الا ایمانا و تسلیماً»؛ این، ایمان ما را به وعده‌ی الهی بیشتر میکند. خداوند فرموده است: «لینصرن الله من ینصره» (۲). هر کس خدا را نصرت کند، دین خدا را نصرت کند، راه خدا را نصرت کند، آرمانهای الهی را نصرت کند، خدا یقیناً او را نصرت و پیروز خواهد کرد. و بدانید این در انتظار ملت عزیز ایران است.

بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه / ۱۳۹۰/۰۷/۲۲

ما در حال حاضر مسئولین آمریکائی را برحذر میداریم از این که حرکت ناشایست و شیطانی‌ای - چه در زمینه‌های سیاسی، چه در زمینه‌های امنیتی - از آنها سر بزنند. بدانند جمهوری اسلامی زنده است، بیدار است. آنها اگر چنانچه پشت به مردم خودشان دارند، ما رو به مردم خودمان داریم. آنها اگر چنانچه منفور مردم خودشان هستند، منفور اکثریتشان هستند - که قضیه اینجور است - در جمهوری اسلامی قضیه بعکس است. این اجتماعات عظیم مردم، امروز و در همه موارد دیگر، نشان‌دهنده عزم راسخ مردم است. ما همه در صحنه هستیم، همه جزو ملتیم، همه سربازان انقلاب و نظام اسلامی هستیم. بدانند اینجا یک پیکر یکپارچه متحد مستحکمی است، در مقابل هر توطئه‌ای خواهد ایستاد و باج هم به کسی نمیدهیم. خطاست اگر خیال کنند فشار می‌آورند، بعد باج میگیرند. البته این، کار معمول قدرتهاست. از کارهای رائج قدرتهای مستکبر بین‌المللی همین است؛ یک دولتی را پیدا میکنند، آدمهای ضعیف و غیر متکی به مردم در راس این دولتهایند؛ به آنها یک فشار می‌آورند، یک شایعه‌ای درست میکنند، سپس از آنها باج میگیرند. جمهوری اسلامی در این سی و دو سال نشان داده که به کسی باج نخواهد داد، این فشارها هم روی او اثر نمیکند؛ «و لما را المومنون الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله و رسوله و ما زادهم الا ایمانا و تسلیماً» (۱)؛ ما وقتی این فشارها را ملاحظه میکنیم، این شیطنتها و توطئه‌ها را از طرف خبیث‌ترین شیاطین عالم نسبت به خودمان مشاهده میکنیم، میفهمیم وعده‌ی الهی راست است؛ میگوئیم «هذا ما وعدنا الله و رسوله». خدا وعده فرموده بود که وقتی در راه مستقیم حرکت کنید، شیطانها و کجروان با شما مقابله میکنند؛ بسم‌الله، این نمونه‌اش است. این را خدا قبلاً به ما فرموده بود، آیات قرآن به ما گفته بود. «و صدق الله و رسوله»؛ سخن خدا راست است. «و ما زادهم الا ایمانا و تسلیماً»؛ این، ایمان ما را به وعده‌ی الهی بیشتر میکند. خداوند فرموده است: «لینصرن الله من ینصره» (۲). هر کس خدا را نصرت کند، دین خدا را نصرت کند، راه خدا را نصرت کند، آرمانهای الهی را نصرت کند، خدا یقیناً او را نصرت و پیروز خواهد کرد. و بدانید این در انتظار ملت عزیز ایران است.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۹۰/۰۸/۱۲

غرب و آمریکا و صهیونیسم، امروز از همیشه ضعیف‌ترند. گرفتاریهای اقتصادی، ناکامی‌های پی‌درپی در افغانستان و عراق، اعتراضهای عمیق مردمی در آمریکا و دیگر کشورهای غربی - که دامنه‌ی آن روزبه‌روز گسترده‌تر شده است - مبارزات و جانفشانی‌های مردم فلسطین و لبنان، قیامهای دلیرانه‌ی مردم در یمن و بحرین و برخی دیگر از کشورهای زیر نفوذ آمریکا، همه و همه حامل بشارتهای بزرگی برای امت اسلامی و بویژه کشورهای انقلابی جدید است. مردان و زنان مومن در سراسر جهان اسلام و بویژه در مصر و تونس و لیبی، از این فرصت برای تشکیل قدرت بین‌الملل اسلامی، بیشترین بهره را ببرند. خواص و پیشروان نهضت‌ها به خدای بزرگ توکل و به وعده‌ی نصرت او اعتماد کنند و صفحه‌ی تازه‌گشوده‌ی تاریخ امت اسلامی را با افتخارات ماندگار خود، که ماهی رضای الهی و زمینه‌ساز نصرت اوست، مزین سازند.

بیانات در دیدار سفرا و روسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور / ۱۳۹۰/۱۰/۰۷

به خدای متعال باید حسن‌ظن داشته باشیم. خداوند متعال ملامت میکند آن کسانی را که به او حسن‌ظن ندارند؛ سوطن به خدا دارند. سوطن به خدا چیست؟ سوطن به خدا این است که انسان خیال کند این که فرموده است: «و لینصرن الله من ینصره»، خلاف واقع است؛ یا این که فرموده است: «الذین جاهدوا فینا لنهینهم سلبنا»، وعده‌ی تخلف‌پذیری است. آن وقت خدای متعال در سوره‌ی فتح میفرماید: «و یعذب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الظانین بالله ظن السوء»؛ خصوصیت مشرکین و مشرکات و منافقین و منافقات این است که به خدا سوطن دارند. بعد میفرماید: «علیهم دائره السوء و غضب الله علیهم و لعنهم و طعنهم»؛ لعن و طعن و غضب الهی بر آنهاست.

اعد لهم جهنم و سائن مصیرا». نباید به خدا سوظن داشت. خدای متعال گفته است: اگر برای من، برای پیشبرد دین من، برای احیای ارزشهای مورد قبول من حرکت کنید، اقدام کنید، من به شما کمک می‌کنم. این راست است، این وعده‌ی الهی است. فرموده است: «ان الله يدافع عن الذين امنوا»؛ هر کسی که مومن به خداست، خدا از او دفاع میکند. خب، خیلی از مومنین در دنیا هستند، خدا از آنها دفاع نکرده - مومنینی که زیر لگد مستکبرین دارند له میشوند - چرا؟ این به خاطر این است که به سنتهای دیگر الهی عمل نشده است؛ به خاطر این است که حرکت نشده، قیام نشده، اقدام نشده. بنابراین مجاهدت لازم است، تلاش لازم است. یک ملتی اگر مومن به خدا بود، اما تلاش نکرد، مجاهدت نکرد، البته لگدمال میشود؛ آن «يدافع عن الذين امنوا» دیگر اینجا را نمیکرد. این ایمان باید با مجاهدت همراه باشد، آن وقت خدای متعال آن وعده را عملی خواهد کرد. معنای «و الذين هاجروا و جاهدوا في سبيل الله» این است که باید حرکت کرد، باید اقدام کرد، باید تصمیم گرفت. این همان مبارزه‌ی مقدسی است که یک مومن عمر خود را وقف آن میکند.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» / ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

امروز در کشورهای اسلامی علیه دیکتاتورهای وابسته قیام شده است؛ این مقدمه‌ای است برای قیام علیه دیکتاتوری جهانی و دیکتاتوری بین‌المللی، که عبارت است از دیکتاتوری شبکه‌ی فاسد و خبیث صهیونیستی و قدرتهای استکباری. امروز استبداد بین‌المللی و دیکتاتوری بین‌المللی متجسم است در دیکتاتوری آمریکا و پیروان آمریکا و شبکه‌ی شیطانی و خطرناک صهیونیستی. امروز اینها با روشهای مختلف و با ابزارهای گوناگون در همه‌ی دنیا دارند دیکتاتوری میکنند. آنچه شما در مصر انجام دادید، در تونس انجام دادید، در لیبی انجام دادید، در یمن دارید انجام میدهید، در بحرین دارید انجام میدهید، در کشورهای دیگر انگیزه‌ی آن بشدت به وجود آمده است، جزئی از مبارزه‌ی با این دیکتاتوری خطرناک و مضر است که دو قرن است دارد بشریت را فشار میدهد. این پیچ تاریخی‌ای که گفتم، عبارت است از تحول از سیطره‌ی چنین دیکتاتوری‌ای به آزادی ملتها و حاکمیت ارزشهای معنوی و الهی؛ این پیش خواهد آمد؛ استبعاد نکنید. این وعده‌ی الهی است که: «و لينصرن الله من ينصره» (۱) خدای متعال تاکید میکند که اگر او را نصرت کردید، شما را نصرت خواهد کرد. ممکن است در نگاه عادی و مبتنی بر محاسبات مادی، بعید به نظر بیاید؛ اما خیلی از چیزها بعید به نظر می‌آید و اتفاق افتاد. شما در یک سال و دو سه ماه قبل از این آیا فکر میکردید که طاغوت مصر اینجور ذلیل شود و از بین برود؟ اگر آن روز به کسانی گفته میشد که رژیم وابسته‌ی فاسد مبارک ساقط خواهد شد، بسیاری استبعاد میکردند؛ اما اتفاق افتاد. اگر کسی دو سال قبل از این ادعا میکرد که در شمال آفریقا این حوادث عجیب به وقوع خواهد پیوست، اکثر باور نمیکردند. اگر کسی میگفت که در کشوری مثل لبنان، یک گروه جوان مومن خواهند توانست رژیم صهیونیستی و ارتش مجهز صهیونیستی را شکست بدهند، کسی باور نمیکرد؛ اما اینها اتفاق افتاد. اگر کسی میگفت که نظام جمهوری اسلامی با این همه دشمنی که از شرق و غرب علیه او اعمال میشد، خواهد توانست سی و دو سال مقاومت کند و روزه‌روز قوی‌تر شود و جلوتر برود، کسی باور نمیکرد؛ اما اتفاق افتاد. «وعدكم الله مغانم كثيره تآخذونها ففعل لكم هذه و كف ایدی الناس عنكم و لتكون ایه للمومنین و يهدیکم صراطا مستقیما» (۲) این پیروزی‌ها آیت الهی است؛ اینها نشانه‌هایی از قدرت فائقه‌ی حق است که خدای متعال دارد به ما نشان میدهد. آن وقتی که مردم به میدان بیایند، آن وقتی که ما موجودی خودمان را وارد میدان کنیم، نصرت الهی قطعی است. خدای متعال راه را هم به ما نشان میدهد؛ «والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبیلنا» (۳) خدا، هم هدایت میکند، هم کمک میکند، هم به اهداف عالی میرساند؛ شرطش این است که ما در میدان باشیم.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» / ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

ما در این سی و دو سال تجربیات زیادی داریم. سی و دو سال است که ما با دشمنی‌ها معارضه کرده‌ایم، ایستادگی کرده‌ایم و بر دشمنی‌ها فائق آمده‌ایم. هیچ توطئه‌ای نبوده است که غرب و آمریکا بتوانند علیه جمهوری اسلامی انجام بدهند و انجام نداده باشند. هر کاری نکردند، چون نمیتوانستند. هر کاری توانستند، کردند و در همه‌ی مراحل توی دهنشان خورده است و شکست خورده‌اند. بعد از این هم همین جور خواهد بود. بعد از این هم در همه‌ی توطئه‌ها علیه جمهوری اسلامی شکست خواهند خورد؛ این وعده‌ی الهی است به ما، و ما شک نداریم.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» / ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

این وعده‌ی الهی است که: «و لينصرن الله من ينصره». خدای متعال تاکید میکند که اگر او را نصرت کردید، شما را نصرت خواهد کرد. ممکن است در نگاه عادی و مبتنی بر محاسبات مادی، بعید به نظر بیاید؛ اما خیلی از چیزها بعید به نظر می‌آید و اتفاق افتاد. شما در یک سال و دو سه ماه قبل از این آیا فکر میکردید که طاغوت مصر اینجور ذلیل شود و از بین برود؟ اگر آن روز به کسانی گفته میشد که رژیم وابسته‌ی فاسد مبارک ساقط خواهد شد، بسیاری استبعاد میکردند؛ اما اتفاق افتاد. اگر کسی دو سال قبل از این ادعا میکرد که در شمال آفریقا این حوادث عجیب به وقوع خواهد پیوست، اکثر باور نمیکردند. اگر کسی میگفت که در کشوری مثل لبنان، یک گروه جوان مومن خواهند توانست رژیم صهیونیستی و ارتش مجهز صهیونیستی را شکست بدهند، کسی باور نمیکرد؛ اما اینها اتفاق افتاد. اگر کسی میگفت که نظام جمهوری اسلامی با این همه دشمنی که از شرق و غرب علیه او اعمال میشد، خواهد توانست سی و دو سال مقاومت کند و روزه‌روز قوی‌تر شود و جلوتر برود، کسی باور نمیکرد؛ اما اتفاق افتاد. «وعدكم الله مغانم كثيره تآخذونها ففعل لكم هذه و كف ایدی الناس عنكم و لتكون ایه للمومنین و يهدیکم صراطا مستقیما» این پیروزی‌ها آیت الهی است؛ اینها نشانه‌هایی از قدرت فائقه‌ی حق است که خدای متعال دارد به ما نشان میدهد. آن وقتی که مردم به میدان بیایند، آن وقتی که ما موجودی خودمان را وارد میدان کنیم، نصرت الهی قطعی است. خدای متعال راه را هم به ما نشان میدهد؛ «والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبیلنا» خدا، هم هدایت میکند، هم کمک میکند، هم به اهداف عالی میرساند؛ شرطش این است که ما در میدان باشیم.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» / ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

ما در این سی و دو سال تجربیات زیادی داریم. سی و دو سال است که ما با دشمنی‌ها معارضه کرده‌ایم، ایستادگی کرده‌ایم و بر دشمنی‌ها فائق آمده‌ایم. هیچ توطئه‌ای نبوده است که غرب و آمریکا بتوانند علیه جمهوری اسلامی انجام بدهند و انجام نداده باشند. هر کاری نکردند، چون نمیتوانستند. هر کاری توانستند، کردند و در همه‌ی مراحل توی دهنشان خورده است و شکست خورده‌اند. بعد از این هم همین جور خواهد بود. بعد از این هم در همه‌ی توطئه‌ها علیه جمهوری اسلامی شکست خواهند خورد؛ این وعده‌ی الهی است به ما، و ما شک نداریم.

ما در صدق وعده‌ی الهی تردید نمیکنیم. ما به خدای متعال سوظن نداریم. خدای متعال ملامت میکند کسانی را که به او سوظن دارند؛ «و يعذب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الطائین بالله ظن السو علیهم دائره السو و غضب الله علیهم و لعنهم و اعد لهم جهنم و سائن مصیرا». وعده‌ی خدای متعال، وعده‌ی صادق است. ما چون وارد میدانیم، داخل عرصه‌ی مبارزه هستیم - ملت ایران همه‌ی امکانات خود را وارد عرصه کرده است - بنابراین نصرت الهی قطعی است. در همه‌ی کشورهای دیگر هم همین جور است. منتها باید هوشیار باشیم. همه‌ی ما باید هوشیار باشیم. همه‌ی ما بایستی متوجه مکائد دشمنان باشیم. دشمن سعی میکند حرکتها را خنثی کند، اختلاف ایجاد کند.

بیانات در دیدار دیدار مسئولان نظام و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در بیست و پنجمین کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۹۰/۱۱/۳۱

امروز ما مسلمانها بر روی شخصیت پیغمبر اکرم اگر تمرکز کنیم، دقت کنیم، بخواهیم درس بگیریم، برای دین و دنیای ما کافی است. برای بازگشت عزت ما نگاه کردن به این وجود و یاد گرفتن از او و درس گرفتن از او کافی است.

(...)

امت اسلامی امروز به پیشرفت علمی نیاز دارد، به ثقه و اطمینان به خدای متعال نیاز دارد، به روابط سالم و اخلاق حسنه در میان خودمان احتیاج داریم، باید با هم برادرانه رفتار کنیم، باید با هم با گذشت رفتار کنیم، باید نسبت به یکدیگر حلم داشته باشیم، باید با اغماض برخورد کنیم. مظهر همه‌ی این خصوصیات پیغمبر اکرم است. علم او، حلم او، اغماض او، رحمت او و تودد او با ضعفا، عدالت او نسبت به همه‌ی آحاد جامعه، مظهر اینها پیغمبر است. درس بگیریم از پیغمبر؛ به اینها احتیاج داریم ما. امروز ما احتیاج داریم به اطمینان به خدای متعال، وثوق به خدا، اطمینان به وعده‌های الهی. خدای متعال به ما وعده کرده است؛ فرموده است اگر مجاهدت کنید، اگر تلاش کنید، خدای متعال شما را به مقصود میرساند (۱) و شما در سایه‌ی ایستادگی، به اهداف خود دست پیدا میکنید. در مقابل شهوات دنیائی احساس ضعف و زبونی نکنیم؛ در مقابل مال، در مقابل مقام، در مقابل وسوسه‌های گوناگون نفسانی احساس ضعف نکنیم؛ ایستادگی کنیم. اینهاست آن چیزی که بشریت را به اوج کمال میرساند، یک ملت را عزت میبخشد، یک جامعه را به خوشبختی و سعادت واقعی میرساند. به اینها ما احتیاج داریم؛ مظهر همه‌ی اینها پیغمبر ماست.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در بیست و پنجمین کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۹۰/۱۱/۲۱

امت اسلامی امروز به پیشرفت علمی نیاز دارد، به ثقه و اطمینان به خدای متعال نیاز دارد، به روابط سالم و اخلاق حسنه در میان خودمان احتیاج داریم، باید با هم برادرانه رفتار کنیم، باید با هم با گذشت رفتار کنیم، باید نسبت به یکدیگر حلم داشته باشیم، باید با اغماض برخورد کنیم. مظهر همه‌ی این خصوصیات پیغمبر اکرم است. علم او، حلم او، اغماض او، رحمت او و تودد او با ضعفا، عدالت او نسبت به همه‌ی آحاد جامعه، مظهر اینها پیغمبر است. درس بگیریم از پیغمبر؛ به اینها احتیاج داریم ما. امروز ما احتیاج داریم به اطمینان به خدای متعال، وثوق به خدا، اطمینان به وعده‌های الهی. خدای متعال به ما وعده کرده است؛ فرموده است اگر مجاهدت کنید، اگر تلاش کنید، خدای متعال شما را به مقصود میرساند و شما در سایه‌ی ایستادگی، به اهداف خود دست پیدا میکنید. در مقابل شهوات دنیائی احساس ضعف و زبونی نکنیم؛ در مقابل مال، در مقابل مقام، در مقابل وسوسه‌های گوناگون نفسانی احساس ضعف نکنیم؛ ایستادگی کنیم. اینهاست آن چیزی که بشریت را به اوج کمال میرساند، یک ملت را عزت میبخشد، یک جامعه را به خوشبختی و سعادت واقعی میرساند. به اینها ما احتیاج داریم؛ مظهر همه‌ی اینها پیغمبر ماست.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در بیست و پنجمین کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۹۰/۱۱/۲۱

خدای متعال به ما وعده کرده است؛ فرموده است اگر مجاهدت کنید، اگر تلاش کنید، خدای متعال شما را به مقصود میرساند و شما در سایه‌ی ایستادگی، به اهداف خود دست پیدا میکنید. در مقابل شهوات دنیائی احساس ضعف و زبونی نکنیم؛ در مقابل مال، در مقابل مقام، در مقابل وسوسه‌های گوناگون نفسانی احساس ضعف نکنیم؛ ایستادگی کنیم. اینهاست آن چیزی که بشریت را به اوج کمال میرساند، یک ملت را عزت میبخشد، یک جامعه را به خوشبختی و سعادت واقعی میرساند. به اینها ما احتیاج داریم؛ مظهر همه‌ی اینها پیغمبر ماست.

دیدار اسماعیل هنیه نخست‌وزیر فلسطین با رهبر انقلاب / ۱۳۹۰/۱۱/۲۲

پیروزی‌های سال‌های اخیر در فلسطین و حتی بخشی از علل بیداری اسلامی در منطقه، نتیجه ایستادگی مردم و گروه‌های مقاومت فلسطینی بوده است و پیروزی‌های آینده و تحقق وعده الهی نیز در گرو همین ایستادگی و مقاومت است.

بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۱/۰۲/۱۲

امام در طول حیات، چه در حوزه علم و تدریس، چه در دوران مبارزه‌ی دشوار، و چه در حوزه‌ی مدیریت و حاکمیت - آن وقتی که در راس کشور قرار گرفت و مدیریت جامعه را در قبضه گرفت - در همه‌ی اینها مصادق «و توکل علی العزیز الرحیم» بود. برای همین بود که کارهای بزرگی که همه میگفتند نشدنی است، با طلوع امام، این کارها شدنی شد؛ همه‌ی سدهائی که گفته میشد شکستنی نیست، با حضور امام، این سدها شکستنی شد. او علاوه بر اینکه خود، مظهر عزت نفس و اقتدار معنوی بود، روح عزت را در ملت هم زنده کرد. این، کار بزرگ امام بزرگوار بود؛ که من دوباره برمیگردم، درباره‌ی این نکته توضیح خواهم داد. ملت ما با احساس عزتی که از درسهای انقلاب و امام آموخت، توانست خود را کشف کند. ملت، خود را کشف کرد، توانائی‌های خود را کشف کرد؛ و چنین شد که ما در این چند دهه، بسیاری از تحقق وعده‌های الهی را با چشم خود دیدیم؛ چیزهائی را که در تاریخ میخواندیم، در کتابها میدیدیم، در مقابل چشم خودمان مشاهده کردیم؛ غلبه‌ی مستضعفین را بر مستکبرین، بی‌بنیادی قصرهای بظاهر باشکوه مستکبران و بسیاری از حوادث دیگر را در این سالها دیدیم.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی / ۱۳۹۱/۰۲/۲۹

البته پیروزی، بدون مجاهدت، بدون حرکت، بدون خطرپذیری، امکان ندارد. خدای متعال وعده‌ی پیروزی بدون حرکت به هیچ کس نداده است. صرف مومن بودن هم کافی نیست؛ مجاهدت لازم است، صبر لازم است؛ «و لنصبرن علی ما اذیتمون» (۱) - این حرف پیغمبران است به مخالفانشان - ما ایستادگی میکنیم. پیغمبران ایستادگی کردند. امروز منطق پیغمبران با آن همه سرکوبی که علیه آنها انجام گرفته است، منطق همه‌گیر دنیاست. حرف پیغمبران پیش رفت، منطق فرعونیان پیش نرفت. این حرکت و این جهنگیری، روزبه‌روز هم بیشتر خواهد شد. صبر لازم است، ایستادگی لازم است. ملت ما این ایستادگی را از خود نشان داد.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی / ۱۳۹۱/۰۲/۲۹

تبریک عرض میکنیم این عید بزرگ را به شما حضار محترم این جلسه‌ی باشکوه؛ بخصوص به میهمانانی که از کشورهای دیگر در این جلسه حضور دارند، و به سفرای محترم کشورهای اسلامی. همچنین تبریک عرض میکنیم به ملت بزرگ ایران، که بعثت را، حرکت را، وجهه‌ی کار خودشان قرار دادند و در پی تحقق اهداف بزرگ بعثت خاتم‌الانبیا، مجاهدت کردند و زحمات را به جان خریدند و بحمدالله مشمول وعده‌ی الهی هم شدند؛ که خدای متعال وعده‌ی فتح و پیشرفت و سعادت را به ملت‌هائی که در این راه حرکت کنند، داده است؛ و وعده‌ی خدای متعال غیرقابل تخلف است. همچنین تبریک عرض میکنیم این عید بزرگ را به امت اسلام؛ که امروز بعد از ده‌ها سال تجربه، رویکرد امت اسلام به دین محمدی (صلی‌الله علیه و اله) است. بعد از آنکه روشنفکران و نجبان و پیشروان ملت‌های مسلمان در طول سال‌های متمادی، مکتبها و داعیه‌ها و ایسم‌های شرقی و غربی را تجربه کردند و ناکامی و غم‌خوار بودن آن تجربه‌ها را دریافتند، امروز توجه و اقبال امت اسلامی به مضمون بعثت و اهداف بعثت پیغمبر است. امروز برای آنها روز مبارکی است و امیدواریم که همه‌ی بشریت از برکات این بعثت برخوردار شوند.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم / ۱۳۹۱/۰۴/۰۴

حرف این است که قرآن به ما آموخته است که اگر شما صبر کنید، ایستادگی کنید، جای خودتان را تغییر ندهید، جهت خودتان را تغییر ندهید؛ شما پیروزید؛ این درس قرآن است. قرآن به ما میگوید اگر به این راه و به این هدف‌ها ایمان داشته باشید و در راه این ایمان حرکت کنید، بدون شک شما پیروز هستید؛ این درس قرآن است؛ این را باید ملت‌های مسلمان یاد بگیرند، این را باید ملت‌های مسلمان باور کنند؛ اگر باور کردند، بر پیچیده‌ترین تجهیزات نظامی و اطلاعاتی دشمن پیروز خواهند شد؛ اگر سستی کنند، اگر احساس ضعف کنند، اگر توکلشان به خدای متعال ضعیف شود، اگر به لیخنه دشمن، به ترغیب دشمن اعتماد کردند، یقیناً شکست خواهند خورد.

امروز دنیای اسلام به این درس‌ها نیاز دارد. برای گسترش این درس‌ها، بهترین وسیله، بهترین کتاب، خود قرآن کریم است. لذا هرچه ما بتوانیم در میان ملت‌ها، در

میان ملت خودمان، در میان ملت‌های مسلمان، انس با قرآن را که با تدبیر همراه باشد، با قبول و باور وعده‌ی الهی همراه باشد، منتشر کنیم و گسترش بدهیم، به بیداری ملت‌ها کمک کرده‌ایم؛ این یک وظیفه است.

بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه / ۱۳۹۱/۰۴/۰۷

امیدواریم که ان‌شاءالله تعالی به شما، به ما، به همه‌ی آحاد مسئولین توفیق بدهد که حق بزرگ این ملت را ان‌شاءالله! کنند و حق بزرگ اسلام را ادا کنند. مطمئن باشید که موفق هم خواهید شد. خدای متعال وعده فرموده است و وعده‌ی الهی هیچ تخلفی ندارد و مسلماً وعده‌ی الهی تحقق پیدا خواهد کرد. وعده‌ی الهی، نصرت حق و اهل حق است. کسانی که در راه حق تلاش میکنند، خدای متعال، هم به اینها کمک میکند، هم هدایتشان میکند، هم آنها را دستگیری میکند و هم ضامن شده است که آنها را به هدف برساند. امروز هم کار ملت ایران، مسئولین، این سواد عظیم کارکنان و مسئولان دستگاه نظام در بخش‌های مختلف این است. انصافاً نیت‌های بسیار خوب، و تلاش‌هایشان تلاش‌های صادقانه است؛ امیدواریم خدای متعال هم برکت ببخشد.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» / ۱۳۹۱/۰۴/۲۱

پیشرفت‌های ملت ایران به خاطر ایستادگی است. اگر یک ملتی ایستادگی کند برای خدا و در راه خدا، خدا به او کمک خواهد کرد؛ این وعده‌ی الهی است و وعده‌ی الهی تخلف‌ناپذیر است.

بیانات در دیدار جمعی از آزادگان / ۱۳۹۱/۰۵/۲۵

بعد دیگر قضیه [اسارت]، مسئله‌ی عبرت و سنت الهی است. بالاخره ما در دوران زندگی کوتاه دنیویمان، این چند ده سالی که در دنیا زندگی میکنیم، دائم مواجه با چالشیم. همیشه چالش با استکبار و آمریکا نیست. چالش‌های گوناگونی هست؛ لیکن در وضع انقلاب اسلامی، چالش‌های درونی، چالش با شیطان، چالش با نفس اماره، و چالش با سلطه‌گران و انحصارطلبان و زیاده‌خواهان و استکبار هم هست. ما به عبرت و تامل و تعمق در این سنت الهی احتیاج داریم. شاید آن روزی که اسیر جنگ تحمیلی ایرانی، جوان مسلمان در آن اردوگاه با آن وضعیت، یا در آن سلول با آن شکنجه‌ها زندگی میکرد، به حسب ظاهر دریچه‌ی امیدی به روی او باز نبود؛ شاید تصور میکرد که این وضعیت ممکن است سال‌های بیشتری طول بکشد یا سرانجامی جز مرگ و کشته شدن نداشته باشد. امروز واقعیت را نگاه کنید، ببینید چه اتفاقی افتاده است؛ آنها کجایند، شما کجائید؟ این یک عبرت است؛ این نشانه‌ی درستی و راستی و صدق وعده‌ی الهی است.

به وعده‌ی الهی ایمان بیاوریم؛ به راست بودن وعده‌های الهی باور و اعتقاد عمیق پیدا کنیم؛ اگر میفرماید: «و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز»، (۱) معنای این را درک کنیم. آن روز شما در مقابل مأمور شکنجه یا رئیس زندان یا مأمور بعضی مواجه بودید با آن فشار، امروز ملت ایران در مقابل آمریکا مواجه است با چالش‌های؛ همان قضیه است. «و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز». وعده‌ی خدا راست است. آن کسانی که وعده‌ی خدا را باور ندارند، خداوند متعال آنها را مطرود میداند، آنها را ملعون و دورافتاده‌ی از ساحت رحمت خود به حساب می‌آورد. (۲) وعده‌ی خدا حق است. امروز هم همین مسئله برای ملت ایران هست. اگر ما به شرایط آنچه که خدای متعال گفته، عمل کنیم - همچنان که شما در دوران اسارت به این شرایط عمل کردید - قطعاً پیروزی با ملت ایران است؛ این یک عبرت است.

آنهایی که به شما میگفتند تا ابد باید در این زندان بمانید، یا میگفتند شما را اعدام خواهیم کرد، خودشان به زباله‌دان تاریخ افتادند، خودشان اعدام شدند، خودشان نابود شدند؛ شما امروز بحمدالله در جمهوری اسلامی، سرافراز و با عزت دارید زندگی میکنید؛ این درس است. یک بار دیگر هم ما در گذشته این درس را داشتیم. بعضی‌ها ما را باور نمیکردیم. در دوران اختناق، در دوران طاغوت، فشارها زیاد بود؛ کسانی میگفتند آقا، «منست است و درفش»، بخود ایستادگی میکنید، بخود مقاومت میکنید؛ یک عده‌ای هم میگفتند نه، «صدقوا ما عاهدوا الله علیه فممنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر». (۳) خدای متعال حادثه‌ای را پیش آورد که در دنیا هیچ کس باور نمیکرد؛ نه اینکه در ایران کسی باور نمیکرد، در دنیا هم کسی باور نمیکرد. کسی باور نمیکرد که آنچه آمریکائی‌ها آن را جزیره‌ی ثبات میدانند، اینجور دستخوش طوفانی بشود که در نهایت به انزوای آمریکا، به انزوای استکبار، به انزوای انگلیس و عمال و مزدوران‌شان منتهی شود.

بیانات در دیدار جمعی از آزادگان / ۱۳۹۱/۰۵/۲۵

بالاخره ما در دوران زندگی کوتاه دنیویمان، این چند ده سالی که در دنیا زندگی میکنیم، دائم مواجه با چالشیم. همیشه چالش با استکبار و آمریکا نیست. چالش‌های گوناگونی هست؛ لیکن در وضع انقلاب اسلامی، چالش‌های درونی، چالش با شیطان، چالش با نفس اماره، و چالش با سلطه‌گران و انحصارطلبان و زیاده‌خواهان و استکبار هم هست. ما به عبرت و تامل و تعمق در این سنت الهی احتیاج داریم. شاید آن روزی که اسیر جنگ تحمیلی ایرانی، جوان مسلمان در آن اردوگاه با آن وضعیت، یا در آن سلول با آن شکنجه‌ها زندگی میکرد، به حسب ظاهر دریچه‌ی امیدی به روی او باز نبود؛ شاید تصور میکرد که این وضعیت ممکن است سال‌های بیشتری طول بکشد یا سرانجامی جز مرگ و کشته شدن نداشته باشد. امروز واقعیت را نگاه کنید، ببینید چه اتفاقی افتاده است؛ آنها کجایند، شما کجائید؟ این یک عبرت است؛ این نشانه‌ی درستی و راستی و صدق وعده‌ی الهی است.

به وعده‌ی الهی ایمان بیاوریم؛ به راست بودن وعده‌های الهی باور و اعتقاد عمیق پیدا کنیم؛ اگر میفرماید: «و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز»، معنای این را درک کنیم. آن روز شما در مقابل مأمور شکنجه یا رئیس زندان یا مأمور بعضی مواجه بودید با آن فشار، امروز ملت ایران در مقابل آمریکا مواجه است با چالش‌های؛ همان قضیه است. «و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز». وعده‌ی خدا راست است. آن کسانی که وعده‌ی خدا را باور ندارند، خداوند متعال آنها را مطرود میداند، آنها را ملعون و دورافتاده‌ی از ساحت رحمت خود به حساب می‌آورد. وعده‌ی خدا حق است. امروز هم همین مسئله برای ملت ایران هست. اگر ما به شرایط آنچه که خدای متعال گفته، عمل کنیم - همچنان که شما در دوران اسارت به این شرایط عمل کردید - قطعاً پیروزی با ملت ایران است؛ این یک عبرت است.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی / ۱۳۹۱/۰۹/۲۱

البته دشمنان از کلمه‌ی «بیداری اسلامی» میترسند؛ سعی میکنند عنوان «بیداری اسلامی» برای این حرکت عظیم به کار نرود. چرا؟ چون وقتی اسلام در هیئت حقیقی خود، در قوای واقعی خود بروز و ظهور پیدا میکند، تن اینها می‌لرزد. اینها از اسلام برده‌ی دلار نمیترسند؛ از اسلام غرق در فساد و اشراف‌گری نمیترسند؛ از اسم اسلامی که امتداد و انتهائی در عمل و در توده‌ی مردم نداشته باشد، نمیترسند؛ اما از اسلام عمل، اسلام اقدام، اسلام توده‌ی مردم، اسلام توکل به خدا، اسلام حسن ظن به وعد الهی که فرمود: «و لینصرن الله من ینصره»، میترسند. وقتی اسم این اسلام می‌آید، نشانی از این اسلام پیدا میشود، مستکبرین عالم به خودشان می‌لرزند - «کانهم حمر مستنفره. فرت من قسوره» - لذا نمیخواهند عنوان بیداری اسلامی باشد. ولی ما معتقدیم نخب، این یک بیداری اسلامی است، بیداری حقیقی است، و رسوخ پیدا کرده است، امتداد پیدا کرده است، به این آسانی‌ها هم دشمنان نمیتوانند آن را از راه خودش منحرف کنند.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

خدای متعال برای اینکه دل‌ها را به تحقق وعده‌های آینده قرص کند، برخی از این وعده‌ها را در کوتاه‌مدت اجرا میکند. خدای متعال به مادر حضرت موسی وحی کرد: «فالقیه فی الیم». بعد فرمود: «انا رادوه الیک و جاعلوه من المرسلین». (۱) دو تا وعده داد؛ بچه را در دریا بینداز - نگران نباش - هم به تو برمیگردانیم، هم او را به

مقام نبوت و ارسال میرسانیم. آن نبوت هم همان نبوتی بود که سالهای متمادی - شاید چند قرن - بنی‌اسرائیل در انتظارش بودند. بعد که حضرت موسی در قصر فرعون به آغوش مادر برگشت، خدای متعال میفرماید: «فردنانه الی امه کی تقر عینها و لا تحزن و لتعلم ان وعد الله حق»؛ (۲) این وعده‌ی اولی را برایش تحقق دادیم، برگردانیم تا بداند وعده‌ی خدا درست است؛ آن وعده‌ی دوم هم محقق خواهد شد. خدای متعال با ملت ایران اینجوری رفتار کرده است؛ وعده‌های بسیاری را محقق کرده است، کارهای بزرگی انجام گرفته است. جوانهای عزیز! بدانید آن روز هیچ کس باور نمیکرد بشود نظام طاغوتی سلطنتی را تکان داد، چه برسد به این که انسان بخواهد آن را از بین ببرد.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

خدای متعال برای اینکه دلها را به تحقق وعده‌های آینده قرص کند، برخی از این وعده‌ها را در کوتاه‌مدت اجرا میکند. خدای متعال به مادر حضرت موسی وحی کرد: «فالقیه فی الیم». بعد فرمود: «انا رادوه الیک و جاعلوه من المرسلین». دو تا وعده داد: بچه را در دریا بینداز - نگران نباش - هم به تو برمیگردانیم، هم او را به مقام نبوت و ارسال میرسانیم. آن نبوت هم همان نبوتی بود که سالهای متمادی - شاید چند قرن - بنی‌اسرائیل در انتظارش بودند. بعد که حضرت موسی در قصر فرعون به آغوش مادر برگشت، خدای متعال میفرماید: «فردنانه الی امه کی تقر عینها و لا تحزن و لتعلم ان وعد الله حق»؛ این وعده‌ی اولی را برایش تحقق دادیم، برگردانیم تا بداند وعده‌ی خدا درست است؛ آن وعده‌ی دوم هم محقق خواهد شد. خدای متعال با ملت ایران اینجوری رفتار کرده است؛ وعده‌های بسیاری را محقق کرده است، کارهای بزرگی انجام گرفته است. جوانهای عزیز! بدانید آن روز هیچ کس باور نمیکرد بشود نظام طاغوتی سلطنتی را تکان داد، چه برسد به این که انسان بخواهد آن را از بین ببرد. امروز شما می‌بینید که نظام طاغوتی منفورترین نظامها در دنیای اسلام است؛ از ایران که بکلی ازاله شد و - به قول معروف - به زباله‌دانی تاریخ انداخته شد. آن روز اگر میگفتند که ممکن است ایران از زیر چنبره‌ی سلطه‌ی آمریکا خارج شود، آنهایی که مسائل کشور را میدانستند، به طور قطع و یقین میگفتند چنین چیزی ممکن نیست. همه‌ی امور کشور، همه‌ی سیاستهای کلان کشور در اختیار آمریکائی‌ها بود؛ گاهی حتی در جزئیات دخالت میکردند: چه کسی وزیر فلان وزارتخانه باشد، چه کسی نباشد؛ قیمت نفت این مقدار بالا برود یا نرود. با این تسلطی که آمریکائی‌ها و در حاشیه‌ی آمریکائی‌ها بقیه‌ی اراد و اوباش جهانی بر کشور ما، بر ملت ما، بر منابع ما، بر آبروی ما داشتند، چه کسی باور میکرد که این از بین برود؟ امروز شما می‌بینید در دنیا اگر یک ملت را بخواهند نام بیاورند که مستقل از سیاستهای استکباری آمریکا و امثال آمریکاست، اسم ایران را می‌آورند. ملت‌های دیگر به ایران نگاه میکنند، هیجان پیدا میکنند از این ایستادگی، از این صراحت، از این شجاعت، از این استقامتی که ملت ایران به خرج دادند.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

من به شما عرض میکنم؛ با اعتمادی که ما به وعده‌ی الهی داریم - و وعده‌ی الهی حق است و صدق است - بدون تردید خدای متعال این ملت را، هم در این مرحله، هم در همه‌ی مراحل آینده، بر دشمنانش پیروز خواهد کرد. خدا را شکر میکنیم که ما را دچار سوظن به خودش نکرد؛ «الظانین بالله ظن السوء»؛ ما را از اینها قرار نداد. ما به وعده‌ی الهی حسن ظن داریم، به وعده‌ی الهی اعتماد داریم. از طرفی می‌بینیم که خدای متعال وعده‌ی نصرت داده است، از طرفی هم انسان این مردم را مشاهده میکند؛ حضورشان، علاقه‌شان، همتشان، اخلاص این جوانها، پاک‌ی این جوانها، پدر و مادرهای مومن و علاقه‌مند در سطح کشور، در همه‌ی قشرها، با همه‌ی شکلهای و ظواهر. انسان مشاهده میکند که این ملت، ملتی است که بحمدالله در صحنه است.

دیدار مسئولان و کارکنان حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح با رهبر انقلاب / ۱۳۹۱/۱۰/۲۷

مصادق عینی تحقق وعده‌ی الهی، نظام جمهوری اسلامی است که به‌رغم همه‌ی فشارها و طراحی‌های دشمن، بعد از گذشت ۳۴ سال، اکنون یک نظام محترم، مقتدر، اثرگذار در مسائل منطقه‌ای و جهانی، دارای ملتی بزرگ، فهیم، دشمن‌شناس و لحظه‌شناس و دارای پیشرفت‌های بزرگ علمی است.

دیدار مسئولان و کارکنان حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح با رهبر انقلاب / ۱۳۹۱/۱۰/۲۷

همان‌گونه که پیروزی انقلاب اسلامی در شرایط ناباورانه‌ی سال ۵۷، مصادق تحقق وعده‌ی الهی بود، ادامه‌ی انقلاب اسلامی و توانمندی و قدرتمندی و پیشرفت افزایش‌یابنده‌ی آن نیز به‌رغم همه‌ی تندبادهای و فشارهای سنگین و دشمنی عمیق دنیای استکبار، مصادق عملی‌شدن وعده‌ی الهی است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۹۱/۱۱/۱۰

امروز ملت‌های اسلامی بیدار شده‌اند؛ احساس میکنند میتوانند به برکت اسلام، در مقابل دشمنان دنیای اسلام، در مقابل شبکه‌ی فاسد صهیونیستی که بر سیاستهای دول غربی مسلط است، حرف خود را به کرسی بنشانند. این پیروزی‌ها خیلی ارزش دارد. «وعدکم الله مغانم کثیره تاحذونها فوجل لکم هذه» - این بخشی از وعده‌ی الهی است که تحقق پیدا کرد - «و کف ایدی الناس عنکم و لتکون ایه للمومنین و یهدیکم صراطا مستقیما» (۱). هر پیروزی‌ای که یک ملت در مقابله‌ی با دشمنان و تبلیغات و روشها و شیوه‌های خباثت‌آلود آنها پیدا میکند، یک بشارت الهی است، یک آیت الهی است، یک نشانه‌ی الهی است - «و لتکون آیه» - که اگر حرکت کردید، به نتیجه خواهید رسید.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۹۱/۱۱/۱۰

امروز ملت‌های اسلامی بیدار شده‌اند؛ احساس میکنند میتوانند به برکت اسلام، در مقابل دشمنان دنیای اسلام، در مقابل شبکه‌ی فاسد صهیونیستی که بر سیاستهای دول غربی مسلط است، حرف خود را به کرسی بنشانند. این پیروزی‌ها خیلی ارزش دارد. «وعدکم الله مغانم کثیره تاحذونها فوجل لکم هذه» - این بخشی از وعده‌ی الهی است که تحقق پیدا کرد - «و کف ایدی الناس عنکم و لتکون ایه للمومنین و یهدیکم صراطا مستقیما». هر پیروزی‌ای که یک ملت در مقابله‌ی با دشمنان و تبلیغات و روشها و شیوه‌های خباثت‌آلود آنها پیدا میکند، یک بشارت الهی است، یک آیت الهی است، یک نشانه‌ی الهی است - «و لتکون آیه» - که اگر حرکت کردید، به نتیجه خواهید رسید.

بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی / ۱۳۹۲/۰۲/۰۹

همواره تحقق معجزگون وعده‌های الهی، نشانه‌ی امیدبخشی است که تحقق وعده‌های بزرگتر را نوید میدهد. حکایت قرآن از دو وعده‌ای که خداوند به مادر موسی داد، نمونه‌ای از این تاکتیک ربوبی است. در آن هنگامی دشوار که فرمان به آب افکندن صندوق حامل نوزاد داده شد، خطاب الهی وعده فرمود که: «انا رادوه الیک و جاعلوه من المرسلین» (۱). تحقق وعده‌ی اول که وعده‌ی کوچکتر و مایه دلخوشی مادر بود، نشانه‌ی تحقق وعده‌ی رسالت شد، که بسی بزرگتر و البته مستلزم رنج و مجاهدت و صبر بلندمدت بود: «فردنانه الی امه کی تقر عینها و لا تحزن و لتعلم ان وعد الله حق» (۲). این وعده‌ی حق، همان رسالت بزرگ است که پس از چند سال تحقق یافت و مسیر تاریخ را تغییر داد. نمونه‌ی دیگر، یادآوری قدرت فائقه‌ی الهی در سرکوب مهاجمان به بیت شریف است، که خداوند به وسیله‌ی پیامبر اعظم، برای تشویق مخاطبان، به امتثال امر: «فلیعبدوا رب هذا البیت» (۳) به کار میبرد و میفرماید: «! لم یجعل کیدهم فی تضلیل» (۴).

یا برای تقویت روحی پیامبر محبوبش و باور وعده‌ی: «ما ودعک ربک و ما قلی»، (۵) از یادآوری نعمت معجزگون: «ا لم یجداک یتیمای فاوی. و وجدک ضالا فهدی» (۶) بهره میگیرد. و چنین نمونه‌هایی در قرآن بسیار است.

آن روز که اسلام در ایران پیروز شد و توانست دژ آمریکا و صهیونیسم را در یکی از حساسترین کشورهای این منطقه‌ی بسیار حساس فتح کند، اهل عبرت و حکمت دانستند که اگر صبر و بصیرت را به کار گیرند، فتوحات دیگر پی‌درپی فرا خواهد رسید؛ و فرا رسید.

واقعیت‌های درخشان در جمهوری اسلامی که دشمنان ما بدان اعتراف میکنند، همه در سایه‌ی اعتماد به وعده‌ی الهی و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند به دست آمده است. مردم ما همواره در برابر وسوسه‌ی ضعفانی که در مقاطع اضطراب‌انگیز، ندای: «انا لمدركون» (۷) سر میدادند، نهیب زده‌اند که: «کلا ان معی ربی سیه‌دین» (۸).

امروز این تجربه‌ی گرانبها در دسترس ملت‌هایی است که در برابر استکبار و استبداد قد علم کرده و توانسته‌اند حکومت‌های فاسد و گوش‌به‌فرمان و وابسته به آمریکا را سرنگون ساخته یا متزلزل کنند.

ایستادگی و صبر و بصر و اعتماد به وعده‌ی: «و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز» (۹) خواهد توانست این مسیر افتخار را تا رسیدن به قله‌ی تمدن اسلامی، در برابر امت اسلامی هموار کند.

بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی / ۱۳۹۲/۰۲/۰۹

انواع توطئه‌ها و ترفندها را در این سی‌وچند سال از آنان دیده‌ایم. چیزی که مکر آنان را نقش بر آب کرده است، در اصل دو عامل اساسی است: ایستادگی بر سر اصول اسلامی، و حضور مردم در صحنه. این دو عامل در همه جا کلید فتح و فرج است. عامل اول به وسیله‌ی ایمان صادقانه به وعده‌ی الهی، و عامل دوم به برکت تلاش مخلصانه و تبیین صادقانه تضمین میشود. ملتی که صدق و صمیمیت پیشوایان را باور کند، صحنه را از حضور پر برکت خود رونق میبخشد؛ و هر جا که ملت با عزم راسخ در صحنه بماند، هیچ قدرتی توان شکست دادن آن را نخواهد داشت.

بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی / ۱۳۹۲/۰۲/۰۹

همواره تحقق معجزگون وعده‌های الهی، نشانه‌ی امیدبخشی است که تحقق وعده‌های بزرگتر را نوید میدهد. حکایت قرآن از دو وعده‌ای که خداوند به مادر موسی داد، نمونه‌ای از این تاکتیک ربوبی است.

در آن هنگامی دشوار که فرمان به آب افکندن صندوق حامل نوزاد داده شد، خطاب الهی وعده فرمود که: «انا رادوه الیک و جاعلوه من المرسلین». تحقق وعده‌ی اول که وعده‌ی کوچکتر و مایه دلخوشی مادر بود، نشانه‌ی تحقق وعده‌ی رسالت شد، که بسی بزرگتر و البته مستلزم رنج و مجاهدت و صبر بلندمدت بود: «فردناه الی امه کی تفر عینها و لا تحزن و لتعلم ان وعد الله حق». این وعده‌ی حق، همان رسالت بزرگ است که پس از چند سال تحقق یافت و مسیر تاریخ را تغییر داد.

نمونه‌ی دیگر، یادآوری قدرت فائقی الهی در سرکوب مهاجمان به بیت شریف است، که خداوند به وسیله‌ی پیامبر اعظم، برای تشویق مخاطبان، به امتثال امر: «فلیعبدوا رب هذا البیت» به کار میرد و میفرماید: «ا لم یجعل کیدهم فی تضلیل».

یا برای تقویت روحی پیامبر محبوبش و باور وعده‌ی: «ما ودعک ربک و ما قلی»، از یادآوری نعمت معجزگون: «ا لم یجداک یتیمای فاوی. و وجدک ضالا فهدی» بهره میگیرد. و چنین نمونه‌هایی در قرآن بسیار است.

آن روز که اسلام در ایران پیروز شد و توانست دژ آمریکا و صهیونیسم را در یکی از حساسترین کشورهای این منطقه‌ی بسیار حساس فتح کند، اهل عبرت و حکمت دانستند که اگر صبر و بصیرت را به کار گیرند، فتوحات دیگر پی‌درپی فرا خواهد رسید؛ و فرا رسید.

واقعیت‌های درخشان در جمهوری اسلامی که دشمنان ما بدان اعتراف میکنند، همه در سایه‌ی اعتماد به وعده‌ی الهی و صبر و مقاومت و استمداد از خداوند به دست آمده است. مردم ما همواره در برابر وسوسه‌ی ضعفانی که در مقاطع اضطراب‌انگیز، ندای: «انا لمدركون» سر میدادند، نهیب زده‌اند که: «کلا ان معی ربی سیه‌دین».

امروز این تجربه‌ی گرانبها در دسترس ملت‌هایی است که در برابر استکبار و استبداد قد علم کرده و توانسته‌اند حکومت‌های فاسد و گوش‌به‌فرمان و وابسته به آمریکا را سرنگون ساخته یا متزلزل کنند.

ایستادگی و صبر و بصر و اعتماد به وعده‌ی: «و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز» خواهد توانست این مسیر افتخار را تا رسیدن به قله‌ی تمدن اسلامی، در برابر امت اسلامی هموار کند.

بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله) / ۱۳۹۲/۰۲/۱۲

سه باور در امام بزرگوار ما وجود داشت، که همین سه باور به او قاطعیت میداد، شجاعت میداد و استقامت میداد: باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود. این سه باور، در وجود امام، در تصمیم امام، در همه‌ی حرکت‌های امام، خود را به معنای واقعی کلمه نشان داد.

(...)

در باور به خدا، امام مصداق این آیه شریفه بود: «الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل». «حسبنا الله و نعم الوکیل» را امام با همه‌ی وجود ادا میکرد و از بن دندان به آن معتقد بود. امام به خدای متعال اعتماد داشت، به وعده‌ی الهی یقین داشت، برای خدا حرکت کرد و کار کرد و حرف زد و اقدام کرد و میدانست که «ان تنصروا الله ینصرکم» وعده‌ی الهی است و حتمی و تخلف‌ناپذیر است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی / ۱۳۹۲/۰۵/۱۸

بسیاری بودند که در مقطعی، از آینده‌ی کشور مایوس میشدند. ما در این سی و چند سال، تجربه‌های متعددی داریم: بودند افرادی که یا نزدیک‌بین بودند، یا دچار ضعف باور به کمک الهی بودند، یا حسن ظن به وعده‌ی الهی نداشتند؛ در یک موافقی، «و زلزلوا حتی یقول الرسول و الذین امنوا معه متی نصر الله»؛ در طول تاریخ هم پیش آمده است؛ در همان مواقع، خدای متعال کمک کرده است. و شما امروز ملاحظه کنید ملت ما، کشور ما، نسبت به همه‌ی دوره‌های گذشته، در نقطه‌ی مقدم قرار دارد؛ پیشرفت جزو ذات حرکت ملت ایران شده است؛ روزبه‌روز بحمدالله ملت پیشرفت کرده است، باز هم پیشرفت خواهد کرد؛ مهم این است که رابطه‌ی خودمان را با خدای متعال محکم کنیم.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۹۲/۰۶/۰۶

اولین شاخص [دولت اسلامی]، شاخص اعتقادی و اخلاقی است - بخصوص در مسئولان رده‌های بالا - سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی میشود. این شاخص اول است. (...)

یکی از چیزهایی که من بر روی آن تکیه میکنم در این زمینه اعتقاد و نگاه قلبی و گرایش قلبی، مسئله‌ی اعتماد به خدای متعال است، اعتماد به وعده‌های الهی است؛ این از جمله‌ی مطالبی است که بنده اصرار دارم ما روی این کوتاهی نکنیم. وقتی خدای متعال صریحا به ما وعده میدهد که «ان تنصروا الله ینصرکم» (۱) «و لینصرن الله من ینصره» (۲) وقتی اینجور خدای متعال با صراحت، با تاکید به ما وعده میدهد که اگر شما از دین او حمایت کردید، از راه خدا پیروی کردید و آن را نصرت

کردید، خدا شما را نصرت خواهد داد، ما باید به این وعده اعتماد داشته باشیم، باید همین‌جور عمل بکنیم. حالا این برای کسی که تجربه نکرده، ممکن است از ذهن دور باشد و مورد استبعاد باشد، اما من و شما که تجربه کردیم، ما که دیدیم چطور یک امر نشدنی شد؛ نشدنی‌تر از این وجود نداشت که انسان خیال کند با دست خالی، با حضور در خیابانها میشود یک رژیم مستبد مستکبر متکی به همه‌ی قدرتهای جهانی را سرنگون کرد و به جای او یک نظام اسلامی آورد؛ آن هم نه یک نظامی منطبق بر معیارها و استانداردهای غربی؛ نظامی اسلامی، نظام فقهاتی. چه کسی باور میکرد چنین چیزی عملی بشود؟ اما شد؛ همین چیز نشدنی اتفاق افتاد.

قضیه‌ی شورشیهای اول انقلاب، قبل از شروع دفاع مقدس، یک مسئله‌ی دیگر است؛ شورشیایی که از خارج هم حمایت میشد - پادگان است دیگر - در شرق کشور، در غرب کشور، در شمال کشور، در جنوب کشور؛ کجا بود که این شورشیهای قومی و طائفی و امثال اینها وجود نداشته باشد؟ کدام کشور و کدام دولت تازه‌پا که نه یک ارتشی دارد، نه یک نیروی مسلحی دارد، نه نیروی امنیتی درست و حسابی‌ای دارد، میتواند با یک چنین چیزی در بیفتد و بر آن فائق بیاید؟ جمهوری اسلامی فائق آمد.

جنگ تحمیلی و قضیه‌ی دفاع مقدس، نمونه‌ی دیگر است؛ خب اینها حرفهای هزار بار یا هزاران بار گفته‌شده است؛ لکن باید به یاد بیاوریم اینها را. جنگ تحمیلی، فقط جنگ یک دولت همسایه با ما نبود؛ یک جنگ بین‌المللی علیه ما بود با همه‌ی ابزارها. همه‌ی تلاششان را کردند، نتوانستند بعد از هشت سال یک وجب از خاک کشور را تصرف بکنند؛ این چیز کمی است؟ و همین‌طور مسائل گوناگون دیگر. خب، اینها وعده‌هایی است که محقق شد. «ان تنصروا الله ینصرکم» را دیگران اگر در قرآن فقط خوانده‌اند، ما در زندگی آن را تجربه کرده‌ایم. بنابراین باید اعتماد به خدا داشته باشید، برای خدا کار کنید آقایان، هدفان را هدف خدایی قرار بدهید، مطمئن باشید خدای متعال راه باز میکند.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۹۳/۰۶/۰۶

یکی از چیزهایی که من بر روی آن تکیه میکنم در این زمینه اعتقاد و نگاه قلبی و گرایش قلبی، مسئله‌ی اعتماد به خدای متعال است، اعتماد به وعده‌های الهی است؛ این از جمله‌ی مطالبی است که بنده اصرار دارم ما روی این کوتاهی نکنیم. وقتی خدای متعال صریحا به ما وعده میدهد که «ان تنصروا الله ینصرکم»، «و لینصرن الله من ینصره»، وقتی اینجور خدای متعال با صراحت، با تاکید به ما وعده میدهد که اگر شما از دین او حمایت کردید، از راه خدا پیروی کردید و آن را نصرت کردید، خدا شما را نصرت خواهد داد، ما باید به این وعده اعتماد داشته باشیم، باید همین‌جور عمل بکنیم. حالا این برای کسی که تجربه نکرده، ممکن است از ذهن دور باشد و مورد استبعاد باشد، اما من و شما که تجربه کردیم، ما که دیدیم چطور یک امر نشدنی شد؛ نشدنی‌تر از این وجود نداشت که انسان خیال کند با دست خالی، با حضور در خیابانها میشود یک رژیم مستبد مستکبر متکی به همه‌ی قدرتهای جهانی را سرنگون کرد و به جای او یک نظام اسلامی آورد؛ آن هم نه یک نظامی منطبق بر معیارها و استانداردهای غربی؛ نظامی اسلامی، نظام فقهاتی. چه کسی باور میکرد چنین چیزی عملی بشود؟ اما شد؛ همین چیز نشدنی اتفاق افتاد.

قضیه‌ی شورشیهای اول انقلاب، قبل از شروع دفاع مقدس، یک مسئله‌ی دیگر است؛ شورشیایی که از خارج هم حمایت میشد - پادگان است دیگر - در شرق کشور، در غرب کشور، در شمال کشور، در جنوب کشور؛ کجا بود که این شورشیهای قومی و طائفی و امثال اینها وجود نداشته باشد؟ کدام کشور و کدام دولت تازه‌پا که نه یک ارتشی دارد، نه یک نیروی مسلحی دارد، نه نیروی امنیتی درست و حسابی‌ای دارد، میتواند با یک چنین چیزی در بیفتد و بر آن فائق بیاید؟ جمهوری اسلامی فائق آمد.

جنگ تحمیلی و قضیه‌ی دفاع مقدس، نمونه‌ی دیگر است؛ خب اینها حرفهای هزار بار یا هزاران بار گفته‌شده است؛ لکن باید به یاد بیاوریم اینها را. جنگ تحمیلی، فقط جنگ یک دولت همسایه با ما نبود؛ یک جنگ بین‌المللی علیه ما بود با همه‌ی ابزارها. همه‌ی تلاششان را کردند، نتوانستند بعد از هشت سال یک وجب از خاک کشور را تصرف بکنند؛ این چیز کمی است؟ و همین‌طور مسائل گوناگون دیگر. خب، اینها وعده‌هایی است که محقق شد. «ان تنصروا الله ینصرکم» را دیگران اگر در قرآن فقط خوانده‌اند، ما در زندگی آن را تجربه کرده‌ایم. بنابراین باید اعتماد به خدا داشته باشید، برای خدا کار کنید آقایان، هدفان را هدف خدایی قرار بدهید، مطمئن باشید خدای متعال راه باز میکند. همین معادله‌ی چند مجهولی که آقای دکتر روحانی بیان کردند - که آدم وقتی نگاه میکند از همه طرف، تعارض و تناقض دارد - این را گاهی اوقات می‌بینید خدای متعال با یک حرکت کوچک حل کرد. اتفاق افتاده؛ یک جسمی را روی جسم دیگری می‌خواهید سوار کنید، ده جا مانع وجود دارد، بلد نیست آدم؛ یک آدم ماهر می‌آید، یک تکان مختصر میدهد، جا می‌افتد. یعنی همه‌ی این مسائل را میتوان فرض کرد که با یک نگاه درست عالمانه‌ی بخردانه‌ی - که البته متکی باشد به توسل به پروردگار و عنایت الهی و امید و اعتماد به خدای متعال - پیش برد و حل کرد و من اعتقادم این است. به هر حال این یکی از شاخصها است؛ اعتماد [به خدا] و انس با معنویات.

بیانات در دیدار کارگزاران حج / ۱۳۹۳/۰۶/۲۰

یک نقطه‌ی مهم و اساسی دیگر در حج، همان چیزی است که اشاره شد؛ تقویت معنویت در وجود خود ما، عزیزان من! ما در میدانهای جهاد در راه خدا در صورتی میتوانیم مقاومت کنیم که دلمان لیبالب باشد از ایمان به خدا و سرشار از توکل به خدای متعال؛ بدون معنویت نمیشود حرکت کرد، بدون ایمان قوی نمیشود گردنه‌های دشوار را پیمود، بدون توکل به خدای متعال نمیشود چشم بر هیمنه‌ی ظاهری قدرتها بست و قدرت حقیقی را دید؛ توکل لازم است، ایمان لازم است، حسن‌ظن به وعده‌ی الهی لازم است؛ اینها در حج تامین میشود. آنجا انسان می‌رود «لینشهووا منافع لهم»؛ این منافع فقط منافع دنیوی نیست؛ منافع دنیوی است، منافع اخروی است، منافع معنوی است، منافع روحی است؛ این حج است.

پیام شفاهی به تشکلهای دانشجویی انقلابی / ۱۳۹۳/۱۱/۲۳

نظام سلطه را با تمام ابعاد و لایه‌هایش بشناسید و اهداف و راهبردهای واقعی آن را تحلیل کنید و برای رویارویی با آن، تمام ظرفیتهای خودتان را به‌کار گیرید و در این مسیر به وعده‌های خداوند اطمینان داشته باشید.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی / ۱۳۹۳/۱۱/۲۸

۲۵ سال از انقلاب گذشته است؛ آن کسانی که سال اول انقلاب متولد شدند، امروز مردان و زنان ۲۵ ساله‌اند - از دوره‌ی جوانی هم تقریباً عبور کرده‌اند - درعین‌حال سالگرد انقلاب، همه‌سال با انگیزه، با احساس استقامت، با وفاداری نسبت به آرمانهای انقلاب، با قدرت و شوکت تکرار میشود؛ این عجیب نیست؟ بگذارید رسانه‌های دشمن در زبان، هر کار می‌خواهند بکنند بکنند، [اما] اتفاقی فکرشان می‌فهمد در اینجا چه خبر است. آنهایی که نشست‌اند و مطالعه میکنند، می‌فهمند که با این ملت، با این انقلاب، با این انگیزه، با این ایمان نمیشود مقابله کرد.

شعارهایی که مردم میدهند، چه‌جور شعارهایی است؟ شعارهای ایستادگی در خط مستقیم و صراط مستقیم انقلاب - همه‌جا همین است دیگر - در سراسر کشور، شعارها شعارهای ایستادگی است؛ یعنی مردم با راهپیمایی بیست‌ودوم بهمن، این حقیقت را نشان میدهند که خدای متعال به وعده‌ی خود عمل کرده است که فرمود: ان تنصروا الله ینصرکم و ینتھ اعداکم؛ خدای متعال قدمهای شما را ثابت میدارد؛ گامهای شما را استوار میدارد؛ نمیگذارد شما مجبور به عقب‌نشینی بشوید. این وعده‌ی الهی است؛ این وعده‌ی الهی در مورد ملت ایران تحقق پیدا کرده است؛ دین خدا را نصرت کردید، خدای متعال ثبات قدم به شما داد. این جشن ۲۵ سالگی امسال، ثبات قدم را میگوید.

بیانات در بادمیان شهدای شرق کارون / ۱۳۹۳/۰۱/۰۶

دشمنان میخواستند کاری کنند که جمهوری اسلامی را به عنوان یک مجموعه ضعیف و ناتوان معرفی کنند. خدای متعال دست قدرت خود را نشان داد و دهان دشمنان جمهوری اسلامی و دشمنان پرچم برافراشته اسلام را با مشت پولادین سنت الهی خرد کرد و بینی آنها را به خاک مالید و نشان داد که نظام اسلامی، چون متکی به ایمانهای مردم و به عواطف مردم است، در مقابل همه قدرتهای مادی جهان، هم میتواند از خود دفاع کند، هم میتواند طرف مقابل را وادار به اعتراف به عجز کند. به عجز خودشان اعتراف کردند؛ قبول کردند که در مقابل مشت قاطع گروندگان به اسلام و مومنان به وعده‌های الهی، نمیتوانند ایستادگی کنند؛ تبلیغاتشان خنثی شد. سعی میکردند به ما مردم ایران - ما مومنین به آیات کریمه الهی - بیاوراند که شما نمیتوانید در مقابل قدرتهای مادی دنیا بایستید؛ میخواستند این را به ما بیاورند. و به شما برادران عزیز و به همه ملت ایران عرض کنم: شکست یک ملت آنوقتی اتفاق می افتد که معتقد بشود که نمیتواند کاری انجام بدهد؛ این اول شکست هر ملتی است. آنها خواستند این احساس را در دوران جنگ تحمیلی در دل ایرانیان به وجود بیاورند، اما قضیه به عکس شد. جنگ تحمیلی - یعنی دفاع مقدس ملت ایران - نشان داد که یک ملت در سایه اتحاد، در سایه ایمان به خدا، در سایه حسن ظن به خدای متعال و اعتقاد به صدق وعده الهی، میتواند از همه گذرگاه‌های دشوار عبور کند و میتواند در مقابل دشمنان بایستد و میتواند دشمن را وادار به هزیمت و عقب‌نشینی کند؛ جنگ تحمیلی این را به همه ما نشان داد.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی / ۱۳۹۳/۰۳/۰۶

ملت ایران با اعتقاد به قرآن، با اعتقاد به پیام بعثت، با اتحاد درونی در میان خود، با احساس دلیری در مقابل دشمن و ترسیدن از دشمن، با احساس امید به وعده الهی نصرت، که وعده صریح الهی است و فرمود: ان تنصروا الله ينصركم و یثبت اقدامکم؛ (۱) و با این ذخیره‌های ارزشمند، به پیش میروید. بحمدالله ما یکی پس از دیگری، سنگرهای را که برای ادامه مبارزه با ظلم و جهل و بی‌عدالتی لازم است داشته باشیم، ان‌شاءالله فتح میکنیم و پیش میرویم. بحمدالله ملت ایران از توفیق الهی و کمک الهی برخوردار بوده است؛ قدم به قدم پیش رفتیم، مشکلات را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشتیم و پشت سر خواهیم گذاشت؛ به فضل و حول و قوه الهی.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی / ۱۳۹۳/۰۳/۰۶

به نظر ما بیداری اسلامی به وجود آمده است؛ سعی شد از سوی دشمنان اسلام که این بیداری را سرکوب کنند - و یک جاهایی هم سرکوب کردند - اما بیداری اسلامی سرکوب شدنی نیست. پرچم اعتزاز به اسلام بلند شده است، برافراشته شده است؛ احساس هویت اسلامی امروز در مسلمانان، در هر نقطه عالم، نیرومند شده است و نیرومند خواهد شد. ملت ایران در این زمینه مسئولیتهای بزرگی داشته است که انجام داده است، بعد از این هم انجام خواهد داد. ملت ایران با اعتقاد به قرآن، با اعتقاد به پیام بعثت، با اتحاد درونی در میان خود، با احساس دلیری در مقابل دشمن و ترسیدن از دشمن، با احساس امید به وعده الهی نصرت، که وعده صریح الهی است و فرمود: ان تنصروا الله ينصركم و یثبت اقدامکم؛ و با این ذخیره‌های ارزشمند، به پیش میروید. بحمدالله ما یکی پس از دیگری، سنگرهای را که برای ادامه مبارزه با ظلم و جهل و بی‌عدالتی لازم است داشته باشیم، ان‌شاءالله فتح میکنیم و پیش میرویم. بحمدالله ملت ایران از توفیق الهی و کمک الهی برخوردار بوده است؛ قدم به قدم پیش رفتیم، مشکلات را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشتیم و پشت سر خواهیم گذاشت؛ به فضل و حول و قوه الهی.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی / ۱۳۹۳/۰۳/۰۶

بحمدالله نظام جمهوری اسلامی از آغاز تا امروز در مواجهه با دشمنان به این وعده الهی مستظهر بوده است، اعتماد کرده است؛ به قول الهی و وعده الهی ما اعتماد کردیم، حسن ظن نشان دادیم؛ مثل پی‌ایمانان و کفار، سو ظن به وعده الهی نشان ندادیم؛ لذا پیروز شدیم. در انقلاب پیروز شدیم، در دفاع مقدس پیروز شدیم، در مبارزات گوناگون اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و بین‌المللی بحمدالله تا امروز پیروز شدیم، بعد از این هم همین خواهد بود؛ این راه ملت ایران است.

بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان موسسه «دارالحديث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث» / ۱۳۹۳/۰۳/۳۱

یک نکته‌ای در این آیات - آنجا که حضرت موسی را در آغاز ولادت، مادرش در آب می‌اندازد - وجود دارد؛ و اوحیناً الی ام موسی ان ارضیه فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم ... انا رادوه الیک و جاعلوه من المرسلین؛ (۱) [اینجا] دو وعده است: یک وعده وعده برگرداندن موسی به مادرش است؛ یک وعده وعده «جاعلوه من المرسلین» است؛ یعنی آن وعده عمومی‌ای که به بنی‌اسرائیل داده شده بود که بنی‌اسرائیل منتظر بودند که منجی بیاید؛ و این منجی از طرف خدا است و خواهد آمد و بنی‌اسرائیل را از دست فرعون نجات خواهد داد. خدای متعال در وحی به مادر موسی این وعده دوم را هم داد - جاعلوه من المرسلین - یعنی این را ما از طرف خودمان میفرستیم، و او را همان مرسلی قرار میدهم که بنا است آن وعده بزرگ را و آن آرزوی بزرگ را انجام بدهد؛ این دو وعده را خدای متعال داد. یک وعده، وعده نقد و نزدیک بود و آن، «انا رادوه الیک» بود. در آیات بعدی میفرماید: فردنه الی امه کی تفر عینها و لا تحزن و لتعلم ان وعد الله حق؛ (۲) اینکه ما بچه را به مادر برگردانیم، خب بله، «تفر عینها» دارد، «و لا تحزن» دارد - دلش خوش شد، دلش آرام گرفت، چشمش روشن شد - اما اثر دیگر این برگرداندن، این بود که «و لتعلم ان وعد الله حق»؛ بداند که این وعده‌ای که ما دادیم - و گفتیم منجی را میفرستیم و کسی را خواهیم فرستاد که بنا است جامعه بنی‌اسرائیل را در مصر از استضعاف خارج کند - وعده درستی است؛ دلش مطمئن بشود، و خاطر جمع بشود. یعنی یک وعده کوچک از سوی پروردگار تحقق می‌یابد، برای اینکه هر انسان اهل تدبیر از تحقق این وعده کوچک، اطمینان پیدا کند که آن وعده بزرگ تحقق پیدا خواهد کرد. آنچه از موفقیتها در طول تاریخ برای بشریت از طریق دین حاصل شده، همان وعده‌های کوچک است؛ از جمله جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی هم یکی از همین وعده‌ها است؛ خدای متعال وعده داده بود که اگر مبارزه کنید، اگر صبر کنید، اگر به خدای متعال توکل کنید، در جایی که گمان آن را نمیرید و امید آن را ندارید، به شما قدرت خواهیم داد؛ همین اتفاق افتاد: ملت ایران مبارزه کرد، صبر کرد، ایستاد، فداکاری کرد، از دادن جان دریغ نکرد و اتفاقی افتاد که هیچ‌کس تصور آن را نمیکرد؛ چه کسی خیال میکرد در این منطقه بسیار حساس، در این کشور بسیار مهم، در مقابله با آن رژیم بشدت حمایت‌شونده از سوی قدرتهای بین‌المللی، یک حکومتی به وجود بیاید و یک انقلابی به پیروزی برسد، آن هم براساس دین، براساس فقه، براساس شریعت؟ چه کسی چنین تصویری میکرد؟ هیچ‌کس. اگر کسی بگوید من میدانستم این‌جوری میشود، مگر از طرق غیبی فهمیده باشد؛ محاسبات، مطلقاً این را نشان نمیداد، اما این اتفاق افتاد. بدانیم آن وعده اصلی، آن کار بزرگ هم اتفاق خواهد افتاد. این یک نمونه‌ای از آن چیزی بود که اتفاق خواهد افتاد.

بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان موسسه «دارالحديث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث» / ۱۳۹۳/۰۳/۳۱

باید منتظر بود. این نگاه ادیان به پایان راه کاروان بشری، نگاه بسیار امیدبخشی است؛ حقیقتاً روحیه انتظار و روحیه ارتباط با ولی عصر (ارواحنا فداه) و منتظر ظهور بودن و منتظر آن روز بودن، یکی از بزرگ‌ترین دریچه‌های فرج برای جامعه اسلامی است. منتظر فرج هستیم؛ خود این انتظار، فرج است؛ خود این انتظار، دریچه فرج است، امیدبخش است، نیروبخش است؛ از احساس یبودگی، از احساس ضایع شدن، از نومیدی، از گنج و گمی نسبت به آینده جلوگیری میکند؛ امید میدهد، خط میدهد. مسئله‌ای امام زمان (سلام الله علیه) این است و امیدواریم که خدای متعال ما را به معنای واقعی کلمه از منتظران قرار بدهد و چشم ما را به تحقق این وعده الهی روشن کند.

بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان موسسه «دارالحديث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث» / ۱۳۹۳/۰۳/۲۱

این‌جور نیست که در آن دوران [ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام]، بشریت یکپارچه تبدیل بشود به فرشته؛ نه، آنجا هم طبعاً این درگیری هست، طبعاً خوب و بد هم در آن وقت وجود دارد؛ منتها راه و جاده، جاده‌ای است که مساعد خوب شدن و خوب حرکت کردن و درست راه را پیمودن و به سمت مقصود واقعی راه رفتن است؛ این خصوصیت آن راه است که همان معنای حقیقی و واقعی «عدل» است. و این قطعی است. و توفیقاتی که بشر در اثنا راه پیدا کرده است، موید این معنا برای ذهن انسان شکاک است که آنچه وعده داده شده، تحقق پیدا خواهد کرد. این آیاتی که تلاوت کردند، به‌نظر من آیات جالب و مهمی است. یک نکته‌ای در این آیات - آنجا که حضرت موسی را در آغاز ولادت، مادرش در آب می‌اندازد - وجود دارد؛ و اوجیناً الی ام موسی ان ارضعیه فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم ... انا رأوه الیک و جاعلوه من المرسلین؛ [اینجا] دو وعده است: یک وعده وعده‌ی برگرداندن موسی به مادرش است؛ یک وعده وعده‌ی «جاعلوه من المرسلین» است؛ یعنی آن وعده‌ی عمومی‌ای که به بنی‌اسرائیل داده شده بود که بنی‌اسرائیل منتظر بودند که منجی بیاید؛ و این منجی از طرف خدا است و خواهد آمد و بنی‌اسرائیل را از دست فرعون نجات خواهد داد. خدای متعال در وحی به مادر موسی این وعده‌ی دوم را هم داد - جاعلوه من المرسلین - یعنی این را ما از طرف خودمان می‌فرستیم، و او را همان مرسلی قرار می‌دهیم که بنا است آن وعده‌ی بزرگ را و آن آرزوی بزرگ را انجام بدهد؛ این دو وعده را خدای متعال داد. یک وعده، وعده‌ی نقد و نزدیک بود و آن، «انا رأوه الیک» بود. در آیات بعدی - که حالا آن آیات را آقای سبزه‌علی متأسفانه نتواند - می‌فرماید: فردنه الی امه کی تفر عینها و لا تحزن و لتعلم ان وعد الله حق؛ اینکه ما بچه را به مادر برگردانیم، خوب به، «تفر عینها» دارد، «و لا تحزن» دارد - دلش خوش شد، دلش آرام گرفت، چشمش روشن شد - اما اثر دیگر این برگرداندن، این بود که «و لتعلم ان وعد الله حق»؛ بدانند که این وعده‌ای که ما دادیم - و گفتیم منجی را می‌فرستیم و کسی را خواهیم فرستاد که بنا است جامعه بنی‌اسرائیل را در مصر از استضعاف خارج کند - وعده‌ی درستی است؛ دلش مطمئن بشود، و خاطر جمع بشود. یعنی یک وعده‌ی کوچک از سوی پروردگار تحقق می‌یابد، برای اینکه هر انسان اهل تدبیر از تحقق این وعده‌ی کوچک، اطمینان پیدا کند که آن وعده‌ی بزرگ تحقق پیدا خواهد کرد. آنچه از موفقیتها در طول تاریخ برای بشریت از طریق دین حاصل شده، همان وعده‌های کوچک است؛ از جمله جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی هم یکی از همین وعده‌ها است؛ خدای متعال وعده داده بود که اگر مبارزه کنید، اگر صبر کنید، اگر به خدای متعال توکل کنید، در جایی که گمان آن را نمیبیرد و امید آن را ندارید، به شما قدرت خواهیم داد؛ همین اتفاق افتاد: ملت ایران مبارزه کرد، صبر کرد، ایستاد، فداکاری کرد، از دادن جان دریغ نکرد و اتفاقی افتاد که هیچ‌کس تصور آن را نمیکرد! چه کسی خیال میکرد در این منطقه‌ی بسیار حساس، در این کشور بسیار مهم، در مقابله‌ی با آن رژیم بشدت حمایت‌شونده‌ی از سوی قدرتهای بین‌المللی، یک حکومتی به‌وجود بیاید و یک انقلابی به پیروزی برسد، آن هم براساس دین، براساس فقه، براساس شریعت؟ چه کسی چنین تصویری میکرد؟ هیچ‌کس. اگر کسی بگوید من میدانستم این‌جوری میشود، مگر از طرق غیبی فهمیده باشد؛ محاسبات، مطلقاً این را نشان نمیداد، اما این اتفاق افتاد. بدانیم آن وعده‌ی اصلی، آن کار بزرگ هم اتفاق خواهد افتاد. این یک نمونه‌ای از آن چیزی بود که اتفاق خواهد افتاد.

بیانات در محفل انس با قرآن / ۱۳۹۳/۰۳/۰۸

نظام اسلامی و جامعه‌ی اسلامی با انس روزافزون با قرآن استحکام درونی پیدا میکند؛ و استحکام درونی آن چیزی است که جوامع را در راه‌های مطلوب خودشان و به‌سوی مطلوبهای خودشان قادر می‌سازد و قدرت برخورد با چالشها به جوامع میدهد. باید در درون مستحکم بود؛ این استحکام درونی به برکت انس با قرآن حاصل میشود. انس با قرآن ایمان را تقویت میکند، توکل به خدا را زیاد میکند، اعتماد به وعده‌ی الهی را زیاد میکند، ترس و خوف از مشکلات مادی را در انسان کم میکند، انسانها را تقویت روحی میکند، اعتماد به نفس میدهد، راه‌های تقرب به خدا را برای انسان روشن میکند. فواید و منافع انس با قرآن در این بخش اینها است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۹۳/۰۳/۱۶

یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چهارچوب عوامل محسوس و صرفاً مادی محدود بماند؛ یعنی عوامل معنوی را، سنتهای الهی را، سنتهایی که خدا از آنها خبر داده است، آن چیزهایی را که با چشم دیده نمیشود، ندیده بگیرد؛ این یکی از خطاهای بزرگ محاسباتی است. خداوند فرموده است: ان تنصروا الله ینصرکم و ینتھب اعدائکم، دیگر از این واضح‌تر؟ اگر شما در راه خدا حرکت کنید، دین خدا را نصرت کنید، خدا شما را نصرت خواهد داد؛ این سنت الهی است، این غیر قابل تغییر است؛ و لن تجد لسنة الله تبدیلاً؛ اگر در راه احیای دین الهی حرکت کردید و این جهت را رعایت کردید، خدا شما را نصرت خواهد داد. این را قرآن گفته است، با این صراحت که وعده‌ی الهی است؛ ما هم در عمل آن را تجربه کرده‌ایم. بدانید این قطعه‌ی تاریخ انقلاب در تاریخ ممتدی که در طول نسلهای آینده، مورد بحث قرار خواهد گرفت، یکی از برجسته‌ترین مقاطع تاریخی است. در دنیای مادی، در دنیای تسلط ابرقدرتها، در دنیای ستیزه‌گری همه‌جانبه‌ی با اسلام و معارف اسلامی و ارزشهای اسلامی، یک نظامی به‌وجود بیاید برپایه‌ی اسلام، آن هم درست در نقطه‌ای که بیش از همه‌جای دنیا تاثیر عوامل آن قدرتهای منحرف‌کننده نفوذ داشتند و حضور داشتند. [این] چیز عجیبی است؛ من و شما عادت کردیم. این همان «ان تنصروا الله ینصرکم» است. و ینتھب اعدائکم؛ دچار تزلزل هم نمیشوید، کما اینکه نشدید. ملت ایران دچار تزلزل نشد؛ این همه فشار، این همه توطئه، این همه آزار، این همه ناجوانمردی، ملت ایران منصرف نشد. این یکی از سنتهای الهی است.

بیانات در دیدار دانشجویان / ۱۳۹۳/۰۵/۰۱

انگیزه برای ازدواج، باید تبدیل بشود به یک اقدام عملی؛ یعنی ازدواج باید تحقق پیدا بکند. اینکه خدای متعال می‌فرماید: ان یكونوا فقراً ینهم الله من فضله، این یک وعده‌ی الهی است؛ ما باید به این وعده، مثل بقیه وعده‌های الهی که به آن وعده‌ها اطمینان میکنیم، اطمینان کنیم. ازدواج و تشکیل خانواده، موجب نشده است و موجب نمیشود که وضع معیشتی افراد دچار تنگی و سختی بشود؛ یعنی از ناحیه‌ی ازدواج کسی دچار سختی معیشت نمیشود؛ بلکه ازدواج ممکن است گشایش هم ایجاد کند.

پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام / ۱۳۹۳/۰۷/۰۸

اسلام آمریکایی، پوشاندن لباس اسلام بر نوکری اجانب و دشمنی با امت اسلامی است. اسلامی که آتش تفرقه میان مسلمین را دامن بزند، به جای اعتماد به وعده‌ی الهی، به دشمنان خدا اعتماد کند، به جای مبارزه با صهیونیسم و استکبار با برادر مسلمان بجنگد، با آمریکای مستکبر علیه ملت خود یا ملتهای دیگر متحد شود، اسلام نیست؛ نفاق خطرناک و مهلکی است که هر مسلمان صادقی باید با آن مبارزه کند.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی / ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

باید اتکا بودجه‌ی کشور به نفت قطع بشود؛ باید به اینجا برسیم. البته این حرفهایی که من امروز به شما عرض میکنم و مکرر گفته‌ایم، در مقام حرف آسان است، در مقام عمل کارهای مشکلی است. خود من دستم سالها در اجرا بوده است؛ بنده میدانم اجرا کار سختی است اما معتقدم این کار سخت را میتوان انجام داد. اجرا کردن سخت‌تر از حرف زدن است؛ اما همین کار سخت را با همت، با اعتماد به این مردم، با اعتماد به این جوانها، با اعتماد به سرمایه‌های داخلی کشور، با اعتماد به خدای متعال که وعده‌ی نصرت داده است، میشود انجام داد.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

نصرت الهی قطعاً و یقیناً و بدون هیچ تردیدی متوقف به این است که ما دین خدا را نصرت کنیم. ان تنصروا الله بنصرکم؛ (۲۰) دیگر صریح‌تر از این و واضح‌تر از این، حرفی وجود ندارد؛ «ان تنصروا الله» یعنی دین خدا را نصرت کنید؛ ان تنصروا الله بنصرکم و یثبت اقدامکم؛ (۲۱) و لینصرن الله من ینصره؛ (۲۲) اینها دیگر چیزهای موکدی است که وعده‌های الهی است؛ نباید به این وعده‌های الهی بی‌توجه بود؛ الظانین بالله ظن السوء؛ (۲۳) اینکه واقعاً انسان وعده‌ی خدا را غیر قابل تحقق بداند، بدترین سوظن به خدای متعال است که خدای متعال در سوره‌ی مبارکه‌ی انفاحتنا، آن کسانی را که این‌جور حرکت میکنند مورد غضب خود دانسته است. (۲۴)

بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام / ۱۳۹۴/۰۲/۳۰

امروز دشمنان مشغول چالش هستند و هر روزی یک‌جور چالشی را در مقابل جمهوری اسلامی ایران قرار میدهند؛ ما ابائی نداریم، ما بیمی نداریم. اگر ما جسم بی‌جان و بی‌تحریکی بودیم، علیه ما چالشی وجود نداشت؛ ما متحرکیم، ما زنده‌ایم، ما روبه‌رشدیم، ما فعالیم، بنابراین باید انتظار داشته باشیم که در مقابل ما چالش به‌وجود بیاید و با قدرت، با توکل به خدای متعال، با اعتماد به وعده‌ی الهی و با تکیه به نفس و اعتماد به نفس از این چالش‌ها عبور خواهیم کرد.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ها / ۱۳۹۴/۰۴/۱۳

همین‌طور که بعضی از دوستان در سخنرانی‌های خودشان اشاره کردند، هدف دشمنان ملت ایران این است که نگذارند این کشور و این ملت به جایگاه شایسته‌ی خودش، آن جایگاه تمدنی، برسد؛ [چون] احساس کرده‌اند که این حرکت در کشور آغاز شده؛ تحریم‌ها به‌خاطر این است. بله، بنده هم عقیده‌ام این است که هدف تحریم‌ها مسئله‌ی هسته‌ای فقط نیست، مسئله‌ی حقوق بشر هم نیست، مسئله‌ی تروریسم هم نیست. گفتند چرا فلانی برای روضه‌ی علی‌اصغر که روضه‌خوان خواند، گریه نکرد؟ گفت آن بنده خدا خودش صد علی‌اصغر سر بریده؛ این برای روضه‌ی علی‌اصغر گریه میکند؟ اینها خودشان تروریست‌پرورند، اینها خودشان ضد حقوق بشرند؛ اینها دنبال این هستند که برای حقوق بشر به یک کشوری فشار بیاورند؟ مسئله این نیست؛ مسئله یک محاسبه‌ی بسیار بالاتر و فراتر از این حرف‌ها است؛ یعنی یک ملتی، یک حرکتی، یک هویتی به‌وجود آمده است مبتنی بر منابعی و مبادی‌ای درست نقطه‌ی مقابل مبادی نظام استکبار و نظام ظلم و انظلام؛ نمی‌خواهند این به جایی برسد؛ ما در یک‌چنین موقعیتی هستیم؛ ما در یک‌چنین جایگاهی هستیم. بایست حرکت بکنیم، باید تلاش کنیم. تحریم‌ها هم البته زحمتهایی ایجاد میکند اما میتواند مانع پیشرفت نشود؛ [باید از] ظرفیتهایمان استفاده کنیم. و شما اساتید در این زمینه نقش دارید؛ و وزارت علوم و وزارت‌های مربوط به مسئله‌ی دانش، نقش‌های اساسی و مهمی دارند؛ این نقش‌ها را قدر بدانید و دنبال کنید و ان‌شاءالله از خدای متعال هم کمک بخواهید. این آیه‌ی شریفه را هم که دوستان خواندند -ان تنصروا الله بنصرکم و یثبت اقدامکم- (۷) این وعده‌ی بی‌تخلف الهی است.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان / ۱۳۹۴/۰۷/۱۵

بدانید که خدای متعال پشتیبان شما است؛ در این هیچ تردید نکنید که «ان تنصروا الله بنصرکم» (۴) همت ما باید این باشد که ان تنصروا الله را تامین کنیم؛ خدا را نصرت کنیم. اگر نیت ما، عمل ما، حرکت ما تطبیق کند با ان تنصروا الله، دنبالش بنصرکم حتماً وجود دارد؛ وعده‌ی الهی تخلف‌ناپذیر است. این حرکت را دنبال کنید، این کار را دنبال کنید؛ این جدیت‌ها را دنبال کنید؛ آینده مال شما است. دشمنان اسلام و مسلمین، هم در منطقه‌ی غرب آسیا شکست خواهند خورد، هم در مناطق دیگر؛ هم در زمینه‌ی امنیتی و نظامی شکست خواهند خورد، هم به توفیق الهی در زمینه‌های اقتصادی و در زمینه‌های فرهنگی؛ به شرط اینکه ما کار کنیم. اگر ما پایه‌رکاب باشیم، اگر ما بدرستی و به معنای واقعی کلمه حضور داشته باشیم، پای کار باشیم، قطعاً دشمن شکست خواهد خورد؛ در این هیچ تردیدی وجود ندارد.

نامه رهبر انقلاب به رئیس‌جمهور درباره الزامات اجرای برجام / ۱۳۹۴/۰۷/۲۹

پیش از هر چیز لازم میدانم از همه‌ی دست‌اندرکاران این فرایند پرچالش، در همه‌ی دوره‌ها از جمله هیئت مذاکره‌کننده‌ی اخیر که در توضیح نقاط مثبت و در اصل تثبیت آن نقاط همه‌ی سعی ممکن خود را به کار بردند، و نیز از منتقدانی که با ریزبینی قابل تحسین، نقاط ضعف آن را به همه‌ی ما یادآور شدند و مخصوصاً از رئیس و اعضای کمیسیون ویژه‌ی مجلس و نیز از اعضای عالی‌مقام شورای عالی امنیت ملی که با درج ملاحظات مهم خود، برخی از نقاط خلا را پوشش دادند، و سرانجام از رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی که با تصویب طرحی محتاطانه، راه درست اجرا را به دولت ارائه کردند، و نیز از رسانه‌ی ملی و نویسندگان مطبوعات کشور که با همه‌ی اختلاف‌نظرها، در مجموع تصویر کاملی از این موافقت‌نامه در برابر افکار عمومی نهادند، قدردانی خود را اعلام دارم. این مجموعه‌ی پر حجم کار و تلاش و فکر در مسئله‌ای که گمان میرود از جمله‌ی مسائل به یاد ماندنی و عبرت‌آموز جمهوری اسلامی باشد، در خور تقدیر و مایه‌ی خرسندی است. به همین دلیل با اطمینان میتوان گفت که پاداش الهی برای این نقش آفرینی‌های مسئولانه، مشتمل بر نصرت و رحمت و هدایت ذات حضرت حق خواهد بود، ان‌شاءالله؛ زیرا وعده‌ی نصرت الهی در برابر نصرت دین او، تخلف‌ناپذیر است.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۹۴/۰۸/۱۳

ملت ایران راه را درست رفت، حرکت را درست انجام داد؛ رهبری مقتدر، آگاه، مصمم و دارای توکل به خدا، اتکا به خدا، اتکا به وعده‌ی الهی که «ان تنصروا الله بنصرکم»؛ (۴) موجب شد که این ملت بتواند به پیروزی برسد و حکومت تحمیلی وابسته‌ی سپاه خاندان پهلوی و حکومت پادشاهی مشنوم و ننگ‌آلود -که برای هر کشوری حکومت پادشاهی مایه‌ی ننگ است در منطق صحیح انسانی- در ایران از بین رفت و تمام شد؛ مردم شدند صاحب اختیار.

دیدار دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین با رهبر انقلاب / ۱۳۹۵/۰۲/۱۳

ما براساس وعده‌ی الهی معتقدیم که در این رویارویی گسترده، پیروز خواهیم شد و تا به امروز هم پیروز بوده‌ایم؛ زیرا دشمنان به‌دنبال نابودی جمهوری اسلامی بودند اما اکنون نظام اسلامی نه‌تنها وجود دارد بلکه روبه‌روز در ابعاد مختلف پیشرفت کرده و در عمق، گسترش یافته است.

پیام به مناسبت آغاز به کار پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۵/۰۲/۰۴

آغاز به کار پنجمین دوره‌ی مجلس خبرگان در ایام ولادت حضرت ولی‌الله‌الاعظم (ارواح‌افزاده) تقارن مبارکی است که باید به فال نیک گرفت و اطمینان به تسدید و تأیید الهی و رعایت و رضایت ولوی را در دل مومن به صدق وعده‌های الهی، افزون و پایدار ساخت.

پیام به مناسبت آغاز به کار دهمین دوره مجلس شورای اسلامی / ۱۳۹۵/۰۲/۰۸

نمایندگان محترم را به توکل و حسن ظن به وعده‌های خداوند قادر و استقامت در صراط مستقیم الهی توصیه میکنم و از سرگرم شدن به زنده‌های جناحی و غالب ساختن انگیزه‌های شخصی بر مصالح عمومی برحذرمدارم.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم / ۱۳۹۵/۰۵/۱۱

این تجربه [برجام] به ما نشان داد که ما در هیچ مسئله‌ای نمیتوانیم [با آمریکا] مثل یک طرف مورد اعتماد بنشینیم صحبت کنیم. انسان گاهی با دشمن هم حرف

میزند اما دشمنی که به حرف خودش پایبند باشد و انسان بتواند اعتماد کند که او به هر دلیلی زیر قول خود و زیر تعهدات خود نخواهد زد. با این دشمن میباید حرف هم زد، بله؛ اما وقتی ثابت شد که دشمن، دشمن نابکار است، دشمنی است که در عمل، از نقض عهد هیچ ابائی ندارد و نقض عهد میکند، بعد هم وقتی میگویم آقا چرا [نقض عهد] کردی، باز لبخند میزند، باز زبان چرب و نرم را باز میکند و یک جوری توجیه میکند، با این [دشمن] نمیشود وارد مذاکره شد. اینکه بنده سالها است دائم تکرار میکنم که با آمریکا مذاکره نمیکنیم علتش این است. این نشان‌دهنده‌ی این است که [مشکلات] ما در این مسئله، در مسائل مربوط به منطقه، در مسائل گوناگونی که داریم، در مشکلاتی که با آمریکا و امثال آمریکا داریم، با مذاکره حل نمیشود؛ ما یک راهی باید خودمان انتخاب کنیم، آن راهمان را برویم؛ بگذارید دشمن دنبال شما بدود، بگذارید دشمن دنبال شما بدود. مسئولین سیاسی و دیپلماتی ما صریحا میگویند که آمریکایی‌ها میخواهند همه چیز را بگیرند، [اما] هیچ چیز ندهند! [اگر] یک قدم شما عقب رفتی، یک قدم جلو می‌آیند. اینکه ما مدام میگویم مذاکره نمیکنیم، [ولی] بعضی‌ها میگویند آقا مذاکره که اشکالی ندارد، اشکال مذاکره این است: شما را از راه صحیح خودت منحرف میکند، امتیاز را از شما میگیرد - وقتی مذاکره کردید یعنی یک امتیازی بدهید، یک امتیاز بگیرید دیگر؛ معنای مذاکره این است دیگر؛ مذاکره، نشست و گدغه کردن و حرف زدن و گفت و شنود و خنده و شوخی که نیست، مذاکره یعنی یک چیزی بده، یک چیزی بگیر - و آنچه را باید بدهی از شما میگیرد، [اما] آنچه را باید بدهد، به شما نمیدهد؛ زورگویی میکند؛ خب مستکبر یعنی همین، استکبار جهانی یعنی همین، یعنی زورگویی کردن، خودش را برتر دانستن، پایبند به حرف خود نبودن، خود را متعهد ندانستن؛ این معنای استکبار است، وعده‌هایش را تخلف میکند. خب امام بزرگوار ما فرمود: آمریکا شیطان بزرگ است؛ واقعا این تعبیر، تعبیر فوق‌العاده‌ای است. خدای متعال از قول شیطان نقل میکند که شیطان در قیامت به کسانی که از او متابعت کرده‌اند میگوید: ان الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم فاخلعنکم؛ (۴) شیطان به پیروان خودش میگوید خدا وعده‌ی روراست درست به شما داده بود، شماها از وعده‌ی خدا پیروی نکردید، پایبند نماندید؛ من وعده‌ی دروغی به شما دادم، شما دنبال من راه افتادید! من تخلف وعده کردم، من وعده دادم به شما و تخلف کردم؛ شیطان پیروان خودش را این‌جور در قیامت ملامت میکند. بعد هم خدای متعال میفرماید از قول شیطان که به آنها میگوید که «فلا تلومونی ولوموا انفسکم»، من را ملامت نکنید، خودتان را ملامت کنید. این عینا امروز منطبق است با آمریکا. حالا شیطان در قیامت این حرف را میزند، آمریکایی‌ها امروز در دنیا این حرف را میزنند؛ وعده میدهند، عمل نمیکنند، تخلف میکنند. امتیاز نقد را میگیرند، امتیاز نسبه را نمیدهند؛ وضع آمریکا این است. خب، پس به دیگران نباید اعتماد کرد.

این حرفهایی که زده میشود در مورد مسائل کلان کشور و سیاستهای کلان کشور را جوانهای عزیز ما بنشینند رویش فکر کنند؛ اینها ناشی از تجربه است، ناشی از شناختن دشمن و شناختن وضع است. این حرف همین‌جوری نیست که انسان یک چیزی بگوید تا یکی هم بیاید آن طرف یک جوابی بدهد «که نخیر این‌جوری نیست»؛ نه، اینها را جوانهای عزیز [دقت کنند]. خوشبختانه ما جوانهای باهوش و بااستعداد در کشور خیلی داریم؛ بنشینند تحلیل کنند، آنوقت راه مشخص خواهد شد.

بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهارهزار شهید استان گلستان / ۱۳۹۵/۰۹/۱۵

این کسانی که در راه خدا مجاهدت میکنند و جان خودشان را در کف دست میگیرند، هم دشمن کشتنشان، هم کشته‌شدنشان ارزش دارد؛ پیش خدای متعال وعده‌ی الهی بر رحمت به اینها است. حالا آن که جانش را در این راه از دست میدهد، در روایات داریم که هنوز از این نشئه خارج نشده، علائم رحمت الهی را مشاهده میکند؛ یعنی در روایات دارد بمجرد اینکه شهید از اسب می‌افتد - آنوقت با اسب می‌جنگند - هنوز به زمین نرسیده، وعده‌ی الهی را دریافت میکند؛ یعنی حتی در این نشئه چشمش باز میشود و حقیقت را میبیند و رحمت الهی را، فضل الهی را به‌طور ملموس درک میکند و دریافت میکند؛ این ارزش شهدا است.

بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام) / ۱۳۹۶/۰۲/۲۰

انسانها گاهی که امواج متراکم ظلمت و ظلم را مشاهده میکنند، مایوس میشوند. یاد امام زمان نشان‌دهنده‌ی این است که خورشید طلوع خواهد کرد، روز خواهد آمد؛ بله، ظلمات هست، ظالمان و تاریکی‌آفرینان هستند در دنیا، و قرنهای متمادی بوده‌اند اما پایان این شب سیاه و ظلمانی، قطعا طلوع خورشید است؛ این آن چیزی است که اعتقاد به امام زمان به ما می‌آموزد؛ این وعده‌ی تضمین‌شده‌ی پروردگار است: السلام علیک ایها العلم المنصوب و العلم المصوب و الفوت و الرحمة الواسعة وعدا غیر مکذوب؛ وعده‌ی تخلف‌ناپذیر الهی است. در اول زیارت [هم دارد]: السلام علیک یا وعد الله الذی ضمنه؛ وعده‌ای که تضمین‌شده است از طرف پروردگار، ظهور این بزرگوار است. بنابراین این هم نکته‌ی دوم است. معتقدین به ظهور ولی‌عصر و وجود ولی‌عصر (ارواحنا فداه) هیچ‌گاه دچار ناامیدی و یاس نمیشوند، و میدانند که قطعا این خورشید طلوع خواهد کرد و این تاریکی‌ها و این سیاهی‌ها را برطرف خواهد کرد.

بیانات در محفل انس با قرآن کریم / ۱۳۹۶/۰۳/۰۶

آنچه آینده دارد، آن اسلام است، آن قرآن است، آن شما جوانهای مومن هستید؛ آنکه آینده دارد شما جوانان مومن هستید. الان میخوانند که «و من اصدق من الله قیلا»؛ چه کسی از خدا راستگوتر است؟ چه کسی از خدا به آینده عالم‌تر است؟ و خدای متعال این را فرموده است که آینده متعلق است به مومنین، متعلق است به صالحین، متعلق است به مجاهدین فی‌سبیل‌الله؛ در این هیچ تردیدی نیست؛ این یک وعده‌ی الهی است. اما اگر کسی دچار وسوسه و تردید هم بشود، وعده‌ی الهی هم دل او را آرام نکند، تجربه‌ها باید دل او را آرام کند. بنده مکرر این را عرض میکنم و با همه‌ی وجود اعتقاد به این معنا دارم. اگرچنانچه هیچ وعده‌ای هم به ما داده نشده بود، با این تجربه‌هایی که ملت ایران از سی و چهار سال پیش به این طرف دارد، باید یقین میکرد که آینده متعلق به او است؛ باید یقین میکرد که پیروزی متعلق به او است.

پیام به رئیس اتحادیه جهانی علمای مقاومت / ۱۳۹۶/۰۸/۱۰

عالم جلیل جناب آقای شیخ ماهر حمود
رئیس محترم اتحادیه‌ی جهانی علمای مقاومت
سلام بر شما و همه‌ی حضار محترم این کنفرانس، مسئولیت سنگین و فراموش‌نشدنی فلسطین بر دوش همه‌ی دنیای اسلام است. بی‌شک نخبگان علمی و روحانی و سیاسی و مسئولان کشورهای اسلامی بخش مهم‌تر این مسئولیت را بر دوش دارند؛ این، مبارزهای مقدس و خوش‌عاقبت است؛ وعده‌ی الهی، نصرت قطعی در این مبارزه است. کنگره‌ی امروز شما بخشی از این حرکت عمومی و عظیم است.
از خدای متعال توفیق جمع شما را مسئلت میکنم و تداوم مبارزه‌ی متنوع با رژیم متجاوز صهیونیست را به همه‌ی کسانی که این مسئولیت بزرگ را احساس میکنند، توصیه میکنم.

بیانات در دیدار بسیجیان / ۱۳۹۶/۰۹/۰۱

در هر نظامی، در هر کشوری، آن عنصری که حرف نهایی را میزند نیروی انسانی است. کشورهای پیشرفته‌ی مادی عالم با نیروی انسانی زحمت‌کش و فعال خودشان که تنبلی را کنار گذاشتند و دنبال کار را گرفتند - ولو در طلب دنیا، ولو در راه دنیا و برای پول - به‌خاطر پیگیری نیروی انسانی و توانایی‌های نیروی انسانی به یک نقطه‌ی اوجی رسیدند در همان مسئله‌ی مادی؛ این همان وعده‌ی الهی است. وعده‌ی الهی میگوید که اگر مجموعه‌ای، جامعه‌ای، دنیال دنیاطلبی باشند و تلاش کنند، به آن میرسند؛ اگر دنبال ارزشهای معنوی و تعالی حقیقی باشند و تلاش کنند، به آن میرسند؛ کلا نمد هولا و هولا من عطا ریک؛ هم دنیاطلبان را

خدای متعال کمک میکند، هم ارزش‌طلبان و تعالی‌طلبان را خدای متعال کمک میکند؛ منتها آن کسانی که همتشان فقط به قدر فراورده‌های زندگی مادی است، به همین می‌رسند؛ معنای زندگی حقیقی را نمی‌فهمند، طعم معنویت را نمی‌چشند؛ البته این [طور] است.

بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۶/۱۲/۲۲

این معیت خدای عزوجل با مومنین، با پیامبران، با همراهان و اصحاب پیامبران، یک چیزی است که خدای متعال مکرر در قرآن آن را به رخ کشیده. آنوقت نتیجه این شده که پیغمبران به این وعده‌ی صادق الهی اعتماد کردند در این آیهی شریفه که «فلما تراءى الجمعان قال اصحاب موسى انا لمدركون * قال كلا ان معى ربى سيهدين»؛ به مجردی که دیدند که سپاهی لشکر فرعون از دور پیدا شد و الا ان است که برسد -جلویشان دریا، پشت سرشان لشکر فرعون- دلها لرزید، [گفتند] «انا لمدركون»؛ پدرمان در آمد. اینجا حضرت موسیٰ به اعتماد همان وعده‌ی الهی می‌گوید: كلا؛ چنین نیست؛ ان معى ربى سيهدين. یا پیغمبر اکرم در غار ثور؛ الا تنصروه فقد نصره الله اذ اخرجه الذين كفروا ثانی اثین اذ هما فی الغار اذ يقول لصاحبه لا تحزن ان الله معنا؛ به اعتماد همین وعده‌ی الهی، پیغمبر اکرم می‌گوید «ان الله معنا»؛ ناراحت نباش، محزون نباش. پس هم خدای متعال این وعده را به طور قطعی داده است، هم اولیای الهی [مانند] حضرت موسیٰ و پیغمبر اکرم این وعده را باور کرده‌اند و قبول کرده‌اند و به آن ترتیب اثر داده‌اند. و این یک حقیقت و یکی از سنت‌های قطعی تاریخ است؛ این یکی از آن سنت‌هایی است که «لن تجد لسنة الله تبديلا»؛ بلاشک این همیشه هست.

بیانات در دیدار کارگران / ۱۳۹۷/۰۲/۱۰

نیمه‌ی شعبان، مظهر امید به آینده است؛ یعنی همه‌ی امیدهایی که ما به چیزی پیدا می‌کنیم، ممکن است بشود، ممکن است نشود؛ اما امید به اصلاح نهایی به‌وسیله‌ی ولی مطلق حضرت حق، حضرت صاحب‌الزمان (عجل‌الله تعالی فرجه و ارواحنا فداه) امید غیر قابل تخلف است. السلام علیک یا وعد الله الذی ضمنه؛ وعده‌ی تضمین‌شده‌ی خدا است؛ السلام علیک ایها العلم المنصوب و العلم المصوب و الغوث و الرحمة الواسعة وعدا غیر مکذوب؛ این وعده‌ی تخلف‌ناپذیر الهی است.

بیانات در محفل انس با قرآن کریم / ۱۳۹۷/۰۲/۲۷

بین ما جنگ و اختلاف و دعوا و شیعه‌سنی و عرب‌وعجم و بقیه‌ی چیزها را دشمنان راه می‌اندازند، حکام دور از قرآن، دور از تعقل و دور از خرد [هم] بازی کفار را می‌خورند و تسلیم آنها می‌شوند؛ ما از قرآن فاصله داریم؛ قرآن تکلیف ما را معین کرده است؛ قرآن آنها را به ما معرفی کرده؛ قد بدت البغضا من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر؛ اینها را امروز تلاوت کردند؛ اینها آیات قرآن است؛ دشمنی آنها که با اسلام و مسلمین تمام نمی‌شود؛ و ما نقموا منهم الا ان یؤمنوا بالله العزیز الحمید؛ دشمنی‌شان به‌خاطر گرایش به اسلام است. ما از قرآن دوریم؛ امت اسلامی از قرآن دور است. اگر خودمان را به قرآن نزدیک بکنیم، بلاشک بر دشمن غلبه پیدا می‌کنیم، این دشمن هر که باشد؛ ولو قاتلکم الذین کفروا لولوا الادبار ثم لایجدون ولیا ولا نصیرا سنه الله التی قد خلت من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلا؛ وعده‌ی الهی است، وعده‌ی قرآنی است؛ و لینصرن الله من ینصره؛ اینها چیزهایی است که از قرآن باید یاد بگیریم، باید فرا بگیریم، باید کار کنیم.

بیانات در محفل انس با قرآن کریم / ۱۳۹۷/۰۲/۲۷

ما از قرآن دوریم؛ امت اسلامی از قرآن دور است. اگر خودمان را به قرآن نزدیک بکنیم، بلاشک بر دشمن غلبه پیدا می‌کنیم، این دشمن هر که باشد؛ ولو قاتلکم الذین کفروا لولوا الادبار ثم لایجدون ولیا ولا نصیرا سنه الله التی قد خلت من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلا؛ (۱) وعده‌ی الهی است، وعده‌ی قرآنی است؛ و لینصرن الله من ینصره؛ (۲) اینها چیزهایی است که از قرآن باید یاد بگیریم، باید فرا بگیریم، باید کار کنیم. این نشست‌وبرخاست‌ها و این آموزش‌ها مقدمه است؛ این خواندن‌ها و تلاوت‌ها مقدمه است؛ مقدمه‌ی تدبیر کردن، فهمیدن، آگاه شدن و عمل کردن.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۹۷/۰۲/۰۲

خلاصه‌ی عرض ما در باب مسائل اقتصادی کشور این است که کشور به برکت ظرفیتها، توانایی غلبه‌ی بر مشکلات اقتصادی را به‌طور کامل دارد. ظرفیتها را شناسایی کنیم، توانایی‌ها را احصا کنیم، تجربه‌ها را مدنظر قرار بدهیم و از همه‌ی اینها بالاتر، نصرت الهی را فراموش نکنیم. ما برای اعلا کلمه‌الله داریم تلاش می‌کنیم، ما دنبال قدرت مادی و این چیزها نیستیم؛ ما می‌خواهیم اسلام سربلند بشود، ما می‌خواهیم شریعت اسلامی در جامعه تحقق پیدا کند؛ ما می‌خواهیم در دنیایی که مادیگری و فساد و انحرافهای گوناگون از غرایز بشری آن را فرا گرفته، یک حکومتی، یک جامعه‌ای، یک کشوری درست کنیم که با احکام دین اداره بشود؛ دنبال این هستیم. تا یک حدودی هم موفق شده‌ایم، در یک مواردی هم ناموفقیت داریم که تلاش می‌کنیم ان‌شاءالله در آن بخشهایی هم که موفق نبوده‌ایم موفق بشویم؛ هدف ما این است. با این هدف، نصرت الهی قطعی است؛ خدای متعال وعده کرده و وعده‌ی الهی هرگز خلاف در نمی‌آید.

بیانات در مراسم بیست و نهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۷/۰۲/۱۲

الگوی امام چگونه است؟ این را من خیلی کوتاه و مختصر عرض کنم؛ اینها برای ما درس است. من چند خصوصیت را در الگوی رفتاری امام بزرگوار، با این وضعیت ذکر می‌کنم.

...

هفتم: ایمان و اعتقاد راسخ به نصرت الهی و به وعده‌ی الهی؛ این هم آن نقطه‌ی اصلی. اتکا امام به نصرت الهی بود؛ همه‌ی تلاش خود را میکرد، با همه‌ی وجود در میدان بود، اما امید او بستی به نصرت الهی و به قدرت الهی و تکیه او به قدرت الهی بود. امام به احدی‌الحسینین اعتقاد واقعی داشت -ما لنا الا احدی الحسینین- و معتقد بود که اگر کار را برای خدا بکنیم، در ضرر بسته است؛ اگر کار برای خدا انجام بگیرد، هیچ‌گونه ضرری متوجه و عاید نخواهد شد؛ یا پیشرفت می‌کنیم، یا اگر پیشرفت هم نکرديم، کاری را که وظیفه‌ی ما بوده است انجام داده‌ایم و در مقابل پروردگار سرافرازیم.

بیانات در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی(ره) نوشهر / ۱۳۹۷/۰۶/۱۸

در این چهل سال در جمهوری اسلامی چه اتفاقی افتاده است؟ جمهوری اسلامی از یک نهال باریک تبدیل شده است به یک درخت برومند و پرثمر؛ جمهوری اسلامی به رغم انف(۲) قدرتها، استکباری و آمریکای، توانسته است دل ملت‌های اسلامی را به پیام خود جلب کند و جذب کند؛ توانسته است توطئه‌ی آمریکا را در این منطقه با شکست مواجه کند؛ یک نمونه سوریه است، یک نمونه عراق است، یک نمونه لبنان است. ملت‌های منطقه قدرت ایستادگی خودشان را در مقابل توطئه‌ی استکبار آزمودند؛ ملت عراق با شجاعت ایستاد، ملت سوریه با فداکاری در میدان حاضر شد؛ اینها نشانه‌های قدرت خداوند و نشانه‌های صدق وعده‌ی الهی است که فرمود: یاایها الذین امنوا ان تنصروا الله ینصرکم و ینتصروا الله اذ ینصرون (۳) هم نصرت داد، هم ثبات قدم داد.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی / ۱۳۹۷/۰۹/۰۲

مقاومت هم جز در سایه‌ی ایمان بالله و اتکا بالله و اعتماد به وعده‌ی الهی ممکن نیست؛ خدای متعال وعده فرموده است، با تاکید فرموده است؛ و لینصرن الله من ینصره؛ با تاکید، وعده‌ی نصرت داده است؛ این وعده تحقق پیدا خواهد کرد. اگر چنانچه ما خودمان را اصلاح کنیم، به وعده‌ی الهی با چشم حسن‌ظن نگاه کنیم نه با

سوطن، پیروز خواهیم شد. سوطن به وعده‌ی الهی مال کفار است؛ الظانین بالله ظن السو علیهم دائره السو و غضب الله علیهم و لعنهم؛ این کسانی که به وعده‌ی الهی سوطن دارند، معلوم است که از وعده‌ی الهی سود نخواهند برد. ملت ایران حسن‌ظن خود به وعده‌ی الهی را اثبات کرده است؛ ایستاده است. به ما حمله‌ی نظامی هم شد، تحریم هم شدیم، نفوذ عوامل جاسوسی هم اتفاق افتاد، شهید هم دادیم، اما ملت ایران مثل کوه ایستاد و توانست خود را مستحکم و پایدار کند! امروز این شجره‌ی طیبه -شجره‌ی طیبه‌ی جمهوری اسلامی و ملت ایران- شجره‌ی طیبه‌ای است که «اصلها ثابت و فرعها فی السماء». روزه‌روز به فضل الهی ما پیشرفت کردیم، روزه‌روز قوی‌تر شدیم؛ بعد از این هم همین خواهد بود؛ و این نسخه‌ی حرکت مسلمین و پیشرفت مسلمین در دنیای اسلام است.

گزیده‌ای از بیانات در دیدارهای خانواده‌های شهدای مدافع حرم / ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

یک نگاه، به خانواده‌ها است، یعنی پدرها و مادرها و همسرها و فرزندها؛ این نگاه هم همان‌جور است. یعنی خدای متعال آن‌چنان پاداشی را برای صابرین ذکر کرده که اگر کسی به عمق وعده‌ی الهی و گفتار الهی نائل شود و برسد، این سختی‌ها و دردها و مصیبت‌ها از یادش می‌رود. بله، طبعاً شهادت فرزند، فقدان فرزند و از دست رفتن جوانی که شما او را مثل دسته‌ی گل پرورش دادید، بزرگ کردید، به او امید بستید، به او محبت دارید، درد و رنج بسیار زیادی دارد؛ در این تردیدی نیست اما از آن طرف وعده‌ی الهی و چشم‌روشنی خدای متعال به همین پدر، به همین مادر، به همین همسر یا فرزند که در این مصیبت صبر میکنند، آن‌چنان دل‌نواز و چشم‌نواز است که آن مصیبت را کمرنگ میکند.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۷/۱۲/۲۲

قضیه‌ی حضرت موسی است وقتی که برگشت و الواح را آورد و دید که آن قضایای گوساله اتفاق افتاده. قال یقوم الم بعدکم ربکم وعدا حسنا؛ خب خدا که به شما وعده داده که زندگی شما را درست خواهد کرد؛ اطفال علیکم العهد، آیا طول کشیده؟ مگر از زمانی که بایستی وعده‌ی الهی انجام بگیرد گذشته که شما این جور بی‌صبری میکنید؟ خب صبر کنید، خدای متعال وعده‌ی خودش را عملی خواهد کرد. حسن ظن به خدای متعال -که من یک بار دیگر در همین جلسه عرض کرده‌ام(۲۴)- یک چیز لازمی است و سو ظن به وعده‌ی الهی که «چرا نشد، چرا نشد؟» جدا مضموم است در آیات؛ اطفال علیکم العهد امر اردتم ان یحل علیکم غضب من ربکم.(۲۵) من احتمال میدهم «یا ایها الذین امنوا لا تکنوا کالذین ادوا موسی فبراه الله مما قالوا»(۲۶) اشاره‌ای به این باشد: «او قال موسی لقومه! یا قوم لم تؤذوننی و قد تعلمون انی رسول الله»(۲۷) احتمالا اشاره‌ای به این است که مرتب فشار می‌آوردند که «آقا، چرا نشد، چرا نشد؟» که البته اینها مال بعد از نجات از دست فرعون است، اما قبل از نجات از دست فرعون هم همین جور بود؛ قالوا اوذینا من قبل ان تاتینا و من بعد ما جئتنا،(۲۸) به حضرت موسی اعتراض میکردند که حالا هم که تو آمده‌ای، باز [برای] ما همان اذیتها وجود دارد؛ یعنی ایرادهای بنی‌اسرائیلی که میگویند، واقعا همین جور است؛ باید مواظب باشیم که اینها دامن ما را نگیرد.

بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۸/۰۲/۱۴

امام مختصات شخصیتی‌ای و موهبت‌هایی را دارا بود و خدا به او داده بود که این مختصات، این خصوصیات در کمتر کسی در این حد جمع میشود. امام این خصوصیات را داشت: انسانی بود شجاع، انسانی بود باحکمت و باتدبیر، انسانی بود پارسا و پرهیزکار و دلبسته‌ی به خدای بزرگ، دلباخته‌ی به ذکر الهی؛ امام مردی بود ظلم‌ستیز؛ با ظلم کنار نمی‌آمد، با ظلم مبارزه میکرد، حامی مظلوم، استکبارستیز؛ امام مردی بود عدالتخواه، طرفدار مظلومان، حامی مظلومان؛ اهل صداقت، با مردم صادق بود، با مردم همان جوری سخن میگفت که دل او بود و احساس قلبی او بود؛ با مردم صادقانه رفتار میکرد؛ در راه خدا اهل مجاهدت بود، آرام نمی‌نشست، دائم در حال مجاهدت بود؛ [مصادق] این آیه‌ی شریفه: فاذا فرغت فانصب * والی ربک فارغب؛(۱) از یک کار بزرگ که فراغت پیدا میکرد، چشم به یک کار بزرگ دیگری میدوخت و آن را دنبال میکرد؛ اهل مجاهدت فی‌سبیل‌الله بود؛ اینها عوامل جاذبه‌ی امام است. این خصوصیات در امام مجتمع شده بود؛ هر کسی با این خصوصیات باشد، دلها به سمت او جذب میشود؛ اینها همان عمل صالحی است که خدای متعال میفرماید: ان الذین امنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا؛(۲) این وعده‌ی الهی است؛ این محبت‌ها هم محبت‌های الهی است، محبت‌های تبلیغی و تعمیلی و تلقینی نیست؛ کار خدا است، دست خدا است.

بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۸/۰۲/۱۴

عنصر چهارم از منطق مقاومتی که امام بزرگوار پایه‌گذاری کرد در نظام جمهوری اسلامی، این بخش قرآنی وعده‌ی الهی است. خداوند متعال در آیات مکرر قرآن این وعده را داده است که اهل حق، طرفداران حق، پیروز نهایی‌اند؛ آیات فراوان قرآن بر این معنا دلالت میکند. ممکن است قربانی بدهند اما در نهایت شکست نمی‌خورند؛ آنها پیروز هستند در این صحنه؛ قربانی دارند اما ناکامی ندارند. از مثالهای آیات کریمه‌ی قرآن، من دو سه آیه را اینجا ذکر میکنم؛ جوانهای عزیزی که اهل قرآنند، به اینها مراجعه کنند، روی آنها فکر کنند. ام یربدون کیدا فالذین کفروا هم المکیدون؛(۶) خیال میکنند دارند زمینه‌سازی میکنند، توطئه برای جبهه‌ی حق و مقاومت درست میکنند، [اما] نمیدانند که توطئه علیه خود آنها دارد چیده میشود طبق طبیعت و سنت الهی. آیه‌ی دیگر: «و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض»(۷) تا آخر آیه. آیه‌ی دیگر: ان تنصروا الله ینصرکم و ینتھ اقدامکم؛(۸) آیه‌ی دیگر: و لینصرن الله من ینصره.(۹) آیات فراوان قرآن همه همین عاقبت را نوید میدهند به آن کسانی که در راه مقاومتند. این هم یک استدلال، یک بخشی از استدلال قوی و منطق قوی امام همین آیات است -ده‌ها آیه است در قرآن کریم- که من حالا سه چهار آیه را خواندم.

دیدار نایب رئیس دفتر سیاسی حماس و هیئت همراه با رهبر انقلاب / ۱۳۹۸/۰۴/۲۱

ایشان ایستادگی و مقاومت مردم غزه و ساکنان ساحل غربی رود اردن را بشارت دهنده فتح و پیروزی خواندند و افزودند: خداوند به کسانی که ثابت‌قدم در راه او ایستادگی کنند، وعده یاری و پیروزی داده است و البته تحقق این وعده الزاماتی دارد که از مهمترین آنها جهاد و مبارزه و تلاش خستگی ناپذیر در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، فکری، اقتصادی و نظامی است.

...

حضرت آیت‌الله خاتمی‌هاجر افزودند: اینکه آقای سیدحسن نصرالله می‌گوید من ان‌شاءالله در مسجدالاقصی نماز می‌خوانم، برای ما یک امید کاملاً عملی و قابل تحقق است.

ایشان با تأکید بر اینکه یکی از الزامات تحقق این امید، همان مواضع مستحکم و ایستادگی است که آقای هنیه در نامه خود به آن اشاره کرده است، گفتند: اگر همه ما به وظایف خود عمل کنیم، وعده الهی قطعاً محقق خواهد شد.

دیدار سخنگوی جنبش انصارالله یمن و هیئت همراه با رهبر انقلاب / ۱۳۹۸/۰۵/۲۲

رهبر انقلاب اسلامی در این دیدار با تمجید از ایمان، ایستادگی، هوشمندی و روحیه‌ی جهادی مردم یمن در برابر یک تجاوز وحشیانه و گسترده، تأکید کردند: هر ملت مومنی که به خدای متعال ایمان و به وعده‌ی الهی اعتقاد داشته باشد، قطعاً پیروز خواهد شد و بر همین اساس بدون شک پیروزی با ملت مظلوم و مجاهد یمن خواهد بود.

گزیده‌ای از بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۸/۰۷/۰۴

«اعتماد و اطمینان به وعده‌ی الهی» اولین نکته‌ای بود که رهبر انقلاب اسلامی به آن اشاره کردند و گفتند: هدف ما تحقق دین خدا و پیاده شدن شریعت الهی در جامعه است؛ بنابراین خداوند طبق وعده‌ی خود، ما را یاری خواهد کرد، همچنانکه تاکنون نیز به این وعده عمل کرده و با وجود انبوه مشکلات، جمهوری اسلامی در قله‌ی عزت قرار دارد و مایه افتخار و مباهات برای اسلام است.

بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه / ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

بنده به هر طرف که نگاه میکنم، از هر جهت که محاسبه میکنم، میبینم در این مواجهه‌ی ملت ایران در زیر سایه‌ی جمهوری اسلامی با دنیای ظلم و استکبار و کفر، پیروز نهایی ملت ایران است. ما پیروزی راهبردی داریم ان‌شاءالله؛ هم آیات قرآن و وعده‌ی الهی این را به ما نوید میدهد، هم تجربه‌ی این چهل سال این را برای ما عینی میکند. ولكن لیطمئن قلبی، (۱) اینکه حضرت ابراهیم در قضیه‌ی احیای اموات به پروردگار عرض کرد که «اعتقاد دارم، اما میخواهم دلم آرام بگیرد»، حالا ملت ایران وقتی به این دستاوردهای چهل‌ساله و این نهال باریکی که از همه طرف به آن حمله کرده بودند که آن را از بین ببرند و نتوانستند، و حالا تبدیل شده به این بنای مرتفع و این درخت از همه طرف دارای برگ و بار نگاه کنند، آن «لیطمئن قلبی» برایشان به وجود می‌آید.

بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه / ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

بنده به هر طرف که نگاه میکنم، از هر جهت که محاسبه میکنم، میبینم در این مواجهه‌ی ملت ایران در زیر سایه‌ی جمهوری اسلامی با دنیای ظلم و استکبار و کفر، پیروز نهایی ملت ایران است. ما پیروزی راهبردی داریم ان‌شاءالله؛ هم آیات قرآن و وعده‌ی الهی این را به ما نوید میدهد، هم تجربه‌ی این چهل سال این را برای ما عینی میکند.

بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش / ۱۳۹۸/۰۸/۰۸

بحمدالله جوانهای ما سرشار و لبالب از امیدند. به کوری چشم دشمن که میخواهد امید را در دلها از بین ببرد، این فروغ را، این روشنی را از دلها بزداید، بحمدالله امید در کشور زیاد است؛ این امید را بایستی حفظ کرد و بایستی مطمئن بود به اینکه خدای متعال وعده‌ها را محقق خواهد کرد. امروز ما داریم در مقابل چشممان تحقق وعده‌های الهی را میبینیم. عزیزان! چه کسی تصور میکرد که رژیم صهیونیستی‌ای که نیروهای مسلح چند کشور از عهده‌اش برنیاوردند - در یک جنگ، نیروهای اسرائیلی توانستند نیروهای سه کشور عربی را در طرف شش روز شکست بدهند؛ در یک جنگ دیگر، در طرف حدود ده دوازده روز توانستند شکست بدهند - این نیروی مسلح مسالطی که سه لشکر از سه کشور از عهده‌اش برنمی‌آمدند، به وسیله‌ی جوانان مومن حزب‌الله وادار به عقب‌نشینی شد، شکست خورد، دستهایش را به علامت تسلیم بالا برد در طرف ۲۳ روز! از این مهم‌تر، در مقابل جوانان باهمت فلسطینی در غزه - غزه‌ی یک‌جوبی - در طرف ۲۲ روز در یک نوبت شکست خورد، در طرف ۷ روز در یک نوبت دیگر شکست خورد و تقاضای آتش‌بس کرد؛ اینها را چه کسی تصور میکرد؟ وقتی که ایستادگی بود، وقتی که صبر بود، وقتی که توکل به خدا بود، وقتی که باور به وعده‌های الهی بود، این پیش می‌آید؛ اینها را ما در مقابل چشم خودمان مشاهده کردیم، بعد از این هم همین خواهد بود.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۹۸/۱۱/۱۹

یک مسئله‌ی دیگر، اعتماد به وعده‌ی الهی است. خداوند متعال در چند جای قرآن بروشنی و باصراحت وعده داده است که اگر کسی در راه خدا و در راه دین تلاش کند، او را نصرت خواهد داد؛ این وعده‌ی الهی است. در یک جا میفرماید: ولینصرن الله من ینصره. (۴) در این تعبیر «لینصرن الله» چند علامت تأکید هست، که یعنی موکدا، موکدا خدای متعال نصرت میکند کسانی را که دین خدا را و او را نصرت کنند. خب این یک وعده است، وعده‌ی الهی است، به این وعده باید اعتماد کرد. در همان روز نوزدهم بهمن، با وجود اینکه این حادثه اتفاق افتاد و دیدند که جمعی از ارتش آمدند با انقلاب بیعت کردند، هنوز بودند کسانی که مطمئن نبودند، خاطرجمع نبودند، امیدوار نبودند که این کار به نتیجه خواهد رسید؛ اما امام به وعده‌ی الهی اطمینان داشت. امام و کسانی که دنباله‌رو فکر امام و رای امام و راه امام بودند میدانستند که این وعده قطعا تحقق پیدا خواهد کرد؛ نگذاشتند حرکت کند بشود. وقتی که اطمینان بود، امید به آینده بود، نمیگذارند که حرکت کند بشود. اینها محاسبات مهمی است که انسان بداند خدای متعال به وعده‌ی خود وفا میکند؛ این هم آیه‌ی قرآن است: و من اوفی بعهده؛ من الله: (۵) هیچ کس باوفا تر از خدای متعال نیست، در وعده‌ای که میدهد. خدای متعال وعده کرده و به این وعده عمل خواهد کرد.

...

در همان ایام نوزدهم بهمن و چند روز قبل از نوزدهم بهمن، آمریکا همه‌ی امکانات خودش را به میدان آورد؛ فرستادن یک نظامی عالی‌رتبه -هایزر- به تهران و تماس با کسانی در راس، تا بلکه بتوانند یک کاری انجام بدهند، کودتایی، چیزی راه بیندازند که انقلاب را متوقف کنند؛ کارهای فراوانی بود که اینها انجام دادند. علی‌رغم همه‌ی اینها ملت پیروز شد و آنها شکست خوردند. این به خاطر اعتماد و تکیه به وعده‌ی الهی است.

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۹ / ۱۳۹۹/۰۱/۰۱

و اما سال ۹۹، که در حال شروع شدن است. اولاً از خدای متعال میخواهیم که این سال را سال پیروزی‌های بزرگ قرار بدهد و به حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) که ناخدای این کشتی او است، عرض میکنیم که کشور خودش را به ساحل نجات برساند، مردم مومن ایران را حمایت کند، کمک کند. به ملت ایران هم عرض میکنم همان طور که در طول این سالهای متمادی -نه فقط سال ۹۸- با حوادث گوناگون شجاعانه برخورد کردند، با روحیه برخورد کردند، بعد از این هم با روحیه و با امید برخورد کنند با همه‌ی حوادث، و مطمئن باشند که تلخی‌ها خواهد گذشت، و «ان مع العسر یسر» (۱) قطعا یسر در انتظار ملت ایران است؛ در این تردیدی نیست. اینکه حالا بعضی تصور کنند که در فلان نقطه‌ی از تشکیلات کشور کم‌کاری میشود، این را هم بنده تأیید نمیکنم. ما از نزدیک شاهد هستیم، می‌بینیم؛ همه مشغولند، همه مشغول کار و تلاشند، هر کس به قدر خودش؛ مجموعه‌های علمی و تحقیقی یک جور، فعالان اجتماعی یک جور، مسئولان دولتی و قضائی یک جور، و ان‌شاءالله خداوند متعال به همه‌ی این تلاشها هم برکت خواهد داد و ملت را از این گذرگاه، با عافیت و با سربلندی ان‌شاءالله عبور خواهد داد.

بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش / ۱۳۹۹/۱۱/۱۹

خب، ساده‌انگاری نباید کرد. بله، دشمن در محاسبات خودش خطا میکند لکن ما باید مراقب باشیم که صرفاً معیوب بودن دستگاه محاسباتی دشمن نیست که ما را موفق میکند؛ باید کار کرد، باید تلاش کرد. حضور مردم در صحنه، ایمان مردم به لزوم حضورشان در صحنه، اعتماد به وعده‌ی الهی از سوی مردم و مسئولین، طراحی‌های متقابل، همه موثر است و موثر بوده. اگر امام بزرگوار هم در همان روزهای بیست‌ویکم بهمن و بیست‌ودوم بهمن، فرمان شکستن حکومت نظامی را نمیدادند، وضع جور دیگری میشد. با نشستن و تماشا کردن و به امید خطای دشمن ماندن کار پیش نمیرود؛ بایستی تلاش کرد، باید در میدان عمل حضور داشت، باید کار کرد، باید به خدا اعتماد کرد، باید مجاهدت کرد، باید به طور دائم طراحی متقابل کرد؛ این وظیفه‌ی مسئولین است. مولفه‌های قدرت ملی را باید افزایش داد که یکی از آنها همین نیروهای مسلح است و باید تولید قدرت کرد و این قدرت را در عمل هم بایستی نشان داد.

سخنرانی تلویزیونی به مناسبت روز جهانی قدس / ۱۴۰۰/۰۲/۱۷

هم‌افزایی مسلمین بر محور قدس شریف، کابوس دشمن صهیونیست و حامیان آمریکایی و اروپایی آن است. طرح ناکام «معامله‌ی قرن» و سپس تلاش برای

عادی‌سازی روابط چند دولت ضعیف عربی با رژیم غاصب، تلاش‌های مذبح‌خانه برای فرار از آن کابوس است. من قاطعانه می‌گویم: این تلاش‌ها به جایی نخواهد رسید؛ حرکت نزولی و رو به زوال رژیم دشمن صهیونیستی آغاز شده و وقفه نخواهد داشت. دو عامل مهم، تعیین‌کننده آینده است: اول - و مهم‌تر - تداوم مقاومت در داخل سرزمین‌های فلسطین و تقویت خط جهاد و شهادت، و دوم، حمایت جهانی دولتها و ملت‌های مسلمان در سراسر جهان از مجاهدان فلسطینی. همه -دولتمردان، روشنفکران، عالمان دینی، احزاب و گروه‌ها، جوانان غیور و دیگر قشرها- باید جایگاه خود در این حرکت سراسری را بیابیم و نقش ایفا کنیم. این است آن چیزی که کید دشمن را باطل میکند و برای این وعده الهی: ام یریدون کیدا فالذین کفروا هم المکیدون (۱)، مصداقی آخرالزمانی به وجود می‌آورد؛ و الله غالب علی امره؛ ولکن اکثر الناس لا یعلمون (۲).

پیام به مناسبت فرارسیدن ایام حج / ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

منطقه‌ی ما و حوادث سریع و گوناگون آن، نمایشگاه درسها و عبرتها است؛ از سویی قدرت ناشی از مجاهدت و مقاومت در برابر زورگوی متجاوز، و از سویی ذلت ناشی از تسلیم و اظهار ضعف و تحمل تحمیل‌های او. وعده‌ی صادق الهی، نصرت مجاهدان راه خدا است: ان تنصروا الله ینصرکم و ینتھ اقدامکم. (۲) نخستین اثر این مجاهدت، بازداشتن آمریکا و دیگر زورگویان بین‌المللی از دخالت و شرارت در کشورهای اسلامی است، ان‌شاءالله.

پیام به مناسبت فرارسیدن ایام حج / ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

منطقه‌ی ما و حوادث سریع و گوناگون آن، نمایشگاه درسها و عبرتها است؛ از سویی قدرت ناشی از مجاهدت و مقاومت در برابر زورگوی متجاوز، و از سویی ذلت ناشی از تسلیم و اظهار ضعف و تحمل تحمیل‌های او. وعده‌ی صادق الهی، نصرت مجاهدان راه خدا است: ان تنصروا الله ینصرکم و ینتھ اقدامکم. (۲) نخستین اثر این مجاهدت، بازداشتن آمریکا و دیگر زورگویان بین‌المللی از دخالت و شرارت در کشورهای اسلامی است، ان‌شاءالله.

پیام به مناسبت فرارسیدن ایام حج / ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

برادران و خواهران! منطقه‌ی ما و حوادث سریع و گوناگون آن، نمایشگاه درسها و عبرتها است؛ از سویی قدرت ناشی از مجاهدت و مقاومت در برابر زورگوی متجاوز، و از سویی ذلت ناشی از تسلیم و اظهار ضعف و تحمل تحمیل‌های او. وعده‌ی صادق الهی، نصرت مجاهدان راه خدا است: ان تنصروا الله ینصرکم و ینتھ اقدامکم. (۱) نخستین اثر این مجاهدت، بازداشتن آمریکا و دیگر زورگویان بین‌المللی از دخالت و شرارت در کشورهای اسلامی است، ان‌شاءالله. از خداوند تعال نصرت ملت‌های مسلمان را مسئلت میکنم و به حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) درود می‌فرستم و علو درجات امام خمینی عظیم‌الشان و شهادی بزرگوار را از خدا میطلبم.

بیانات در دیدار پرستاران و خانواده شهدای سلامت / ۱۴۰۰/۰۹/۲۱

از خدای متعال کمک بخواهید، به خدای متعال توکل کنید؛ در همه‌ی امور کشور، در همه‌ی امور زندگی باید از خدا مطالبه کرد، درخواست کرد، تضرع کرد و به خدا توکل کرد؛ ومن یتوکل علی الله فهو حسبه: (۷) هر کسی به خدا توکل کند، خدا او را کفایت میکند؛ این را بدانید. [البته] معنای توکل به خدا این نیست که کار نکنیم؛ واضح است؛ یعنی با اعتماد به وعده‌ی الهی که فرموده اگر کار کنید برکت میدهم، کار کنیم؛ اعتماد کنیم به وعده‌ی الهی.

بیانات در دیدار خانواده و ستاد سالگرد شهید سبهد حاج قاسم سلیمانی / ۱۴۰۰/۱۰/۱۱

خدای متعال به ما وعده‌ی پیروزی داده: ان الله یدافع عن الذین آمنوا؛ (۱۰) وعده‌ی دفاع داده. خب ما داریم در راه اراده‌ی الهی و اهداف الهی حرکت میکنیم و ملت برای اسلام کار میکند؛ این دفاع، بعد هم نصرت: لیتصرن الله من ینصره؛ (۱۱) ان تنصروا الله ینصرکم و ینتھ اقدامکم.

بیانات در دیدار خانواده و ستاد سالگرد شهید سبهد حاج قاسم سلیمانی / ۱۴۰۰/۱۰/۱۱

شماها هم، هم خانواده‌ی محترم‌شان، هم دوستان و هم‌زمان‌شان، هم آقای سردار قائنی، که الحمدلله ایشان خیلی خوب دارد کار میکند، حرکت میکند، همه‌ی شما ان‌شاءالله این خط را دنبال کنید، پیش بروید. و خدای متعال به ما وعده‌ی پیروزی داده: ان الله یدافع عن الذین آمنوا؛ (۱) وعده‌ی دفاع داده. خب ما داریم در راه اراده‌ی الهی و اهداف الهی حرکت میکنیم و ملت برای اسلام کار میکند؛ این دفاع، بعد هم نصرت: لیتصرن الله من ینصره؛ (۲) ان تنصروا الله ینصرکم و ینتھ اقدامکم. (۳)

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش / ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

آمریکایی‌ها هابز را که یک ژنرال آمریکایی بود و آن روز نفر دوم ناتو بود، فرستادند به تهران برای اینکه بیاید اینجا ارتش را جمع‌وجور کند و با هر وسیله‌ای هست، با یک کودتای خونی، نگذارد که رژیم ساقط بشود؛ یعنی او تصمیم گرفته بود که اگر لازم شد، صدها هزار نفر را در تهران به قتل برساند؛ یعنی هابز را این نیت آمده بود تهران که البته ناکام شد و بدبخت شد و برگشت رفت. این هابز در خاطراتش مینویسد -من البته خودم ندیدم این کتاب را، برای من نقل کردند- که نیروی هوایی جایی بود که ما حتی انتظار کمترین ناآرامی را در آن نداشتیم؛ زیرا از نظر فرماندهی و آموزش با آمریکا ارتباط نزدیکی داشت. شاید خیلی از همان کسانی که آن روز در آن جریان عظیم تاریخی شرکت کردند، عمدتاً کسانی بودند که تحصیلاتشان در آمریکا انجام گرفته بود و آنجا با فرهنگ آمریکایی آشنا بودند؛ اما اینها از آنجا ضربه خوردند. خب این نشانه‌ی این است که وعده‌ی الهی صادق است؛ خداوند فرمود: انهم یکیدون کیدا. و اکید کیدا؛ دشمنان ترفند میزنند، و من هم در مقابلشان به آنها ترفند میزنم. در یک جای دیگر [میفرماید]: فالذین کفروا هم المکیدون؛ در قضیه‌ی جبهه‌ی حق و باطل، جبهه‌ی باطل است که ضربه میخورد؛ و همیشه همین جور است؛ یعنی در این قضیه، محاسبات آمریکایی‌ها غلط از آب در آمد؛ یعنی آنها روی نیروی هوایی ارتش طاعوت یک محاسبه‌ای کرده بودند، این محاسبه غلط از آب در آمد؛ فکرش را نمیکردند که این جوری [از آب] در بیاید.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۴۰۱/۰۱/۲۳

ما در مقابل این حالت دومین آسیب [یعنی] انفعال، دستمان باز است؛ یعنی ما راه مقابله‌ی با این انفعال را الحمدلله در نظام جمهوری اسلامی داریم. اولاً وعده‌های الهی است، آیات قرآن که وعده‌های تخلف‌ناپذیر پروردگار است. در سوره‌ی مبارکه‌ی آل‌عمران بعد از آنکه احساسات دشمن را در مقابل ما و نسبت به ما افشا میکند و میگوید: ان تمسککم حسنه تسوهم و ان تصبکم سینه یفروها بها، بعد میگوید: و ان تصبروا و تتقوا لا یضرکم کیدهم شیئاً؛ قرآن راه مقابله‌ی با دشمن را به ما نشان میدهد: «صبر» و «تقوا». حالا من در مورد تقوا عرض میکنم که منظور از آن در یک چنین مواردی چیست. بنابراین ما هم یقین داریم به اینکه

وعده قرآن، وعده صادق است؛ یعنی اندک تردیدی و شکّی در این وجود ندارد. آن تصبروا و تتقوا لا یضرمکم کیدهم شیئا؛ یعنی کید آنها هیچ تأثیری در شما نخواهد گذاشت و شما را عقب نخواهد [راند]؛ این وعده الهی است.

بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه / ۱۳۰۱/۰۲/۰۷

سنت یعنی قانون، قاعده؛ خدای متعال در عالم طبیعت، در عالم انسان قواعدی دارد، قوانینی دارد. و الشمس تجری لمستقر لها ذلک تقدیر العزیز العظیم * و القمر قدرناه منازل؛ اینها همه قانون است دیگر. لا الشمس ینغی لها ان تدرک القمر؛ اینها قانون است، قوانین جاری است منتها قوانین جلوی چشم است. قانون جاذبه یک قانون جلوی چشم است و همه میفهمند، [اما] قوانینی هم دارد که همه قادر به فهم آنها نیستند؛ و افها سرتاسر قرآن پر است از بیان این قوانین؛ [مثلاً] ان الله مع المتقین، من جاهد فانما یجاهد لنفسه، و امثال اینها که حالا تعدادی‌اش را عرض خواهم کرد. اینها هم قانون است. و من اصدق من الله قیلا، چه کسی راست‌گوتر از خدا است؟ خدا میگوید این قانون است. یکی از این قوانین این است: لیبصرن الله من ینصره؛ هر کسی که خدا را نصرت کند، خدا او را نصرت میکند؛ لیبصرن الله - با چند علامت تأکید - با «ان تصروا الله ینصرکم»؛ این سنت الهی است. اگر طریقی که شما دارید میباید، کاری که شما دارید میکنید، جهت‌گیری شما، نصرت خدا [باشد] - نصرت خدا یعنی نصرت دین خدا، یعنی نصرت ارزشهای الهی؛ یعنی این - اگر در این جهت حرکت بکنید، پیروز خواهید شد، خدا شما را کمک خواهد کرد. البته به شرطی که حرکت کنید، عمل کنید، نه اینکه [فقط] بگویید؛ عمل کنید. این یک سنت الهی است. لئن شکرتم لازیدنکم؛ اگر نعمت الهی را در جایش مصرف کردید، خدا آن نعمت را بر شما زیاد خواهد کرد؛ این سنت الهی است. الذین جاهدوا فینا لنهینهم سبیلنا و ان الله لمع المحسنین؛ این سنت الهی است؛ همه‌ی اینها سنت الهی است.

من یک وقتی در یک جلسه‌ای در همین حسینیّه گفتم که وقتی حضرت موسی بنی‌اسرائیل را برداشت و شبانه به طرف دریا حرکت کردند که از آنجا بگریزند و بروند - حالا فردایش بود، پس‌فردایش بود، درست در تاریخ مشخص نیست - فرعون‌ها فهمیدند، اینها را دنبال کردند؛ منتها آنها پیاده و بازحمت، اینها با اسب و سواره؛ وقتی که نزدیک شدند و دیده میشدند، فلما تراا الجمعان، اصحاب موسی رو کردند به موسی گفتند: انا لمدركون؛ اصحاب موسی - بنی‌اسرائیل - ترسو و کم‌بخت به موسی گفتند: انا لمدركون؛ الان می‌آیند ما را میگیرند؛ پدرمان درآمد! حضرت موسی فرمود: کلا؛ هرگز! ان معی ربی سیهین؛ خدا با من است. این سنت الهی است؛ اینها سنت‌های الهی است.

سنت الهی یعنی قانون؛ قانون چه جوری عمل میکند؟ قانون یک موضوع دارد، یک حکم دارد؛ یک موضوع دارد، یک نتیجه دارد. شما خودتان را با آن موضوع منطبق کنید، نتیجه قطعاً مترتب خواهد شد. ان تصروا الله ینصرکم؛ «تصروا الله» موضوع است؛ یاری کنید خدا را، حکم و نتیجه «ینصرکم» است. اگر شما خودتان را با این تطبیق کردید، حتماً آن نتیجه مترتب خواهد شد؛ برپورگرد ندارد. وعده الهی است دیگر؛ قرآن، فرمایش صریح حضرت رب (جل جلاله) به ما است؛ در این که العیاذ بالله یک ذره میالفه و خلاف و امثال اینها که وجود ندارد؛ منتها شرط این است که شما خودتان را منطبق کنید با آن موضوع؛ اگر منطبق کردید، آن نتیجه حاصل میشود. جمهوری اسلامی آن روز این جوری حرکت کرد؛ هر وقتی هم ما پیروز شدیم، این جوری حرکت کردیم؛ [یعنی] خودمان را با یک مصداق سنت الهی منطبق کردیم و خدای متعال هم نتیجه را مترتب کرد. و ان لو استقاموا علی الطریق لاسقیناهم ما غدا؛ [فرمود: اگر] بایستید، خدا شما را سیراب میکند، شما را بی‌نیاز میکند. ایستادگی کردیم، ایستادیم، خدا بی‌نیاز کرد. عکسش هم همین جور است. سنت‌های خدای متعال انواع و اقسامی دارد دیگر؛ آنجا میگوید: لئن شکرتم لازیدنکم، بعد میگوید: و لئن کفرتم ان عذابى لشدید؛ (۱۹) این هم سنت است - «کفرتم» یعنی کفران نعمت - اگر کفران نعمت هم کردید، از نعمت استفاده نکردید، بد استفاده کردید، سو استفاده کردید، اگر این کارها شد، ان عذابى لشدید؛ آن هم یک سنت الهی است. اگر خودمان را بر طبق آن موضوع قرار دادیم، آن نتیجه بر آن مترتب خواهد شد، یعنی هر دو موردش سنت الهی است؛ آن طرف قضیه هم همین جور است.

خب، دو مورد در سوره آل‌عمران هست و عجیب است که این دو مورد هر دو در یک سوره و تقریباً مربوط به یک قضیه است؛ البته دو قضیه است، منتها دو قضیه‌ی متصل به هم است. دو جور سنت‌ها را بیان میکند: سنت پیروزی، سنت شکست. یکی در آیه ۱۷۲ سوره آل‌عمران است: الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل * فانقلبوا بنعمه من الله و فضل لم یمسسهم سو. داستان‌ش را لابد شنیده‌اید؛ جنگ احد تمام شد. کسی مثل حمزه سیدالشهدا در این جنگ به شهادت رسید، پیغمبر مجروح شد، امیرالمومنین مجروح شد، تعداد زیادی شهید شدند، خسته و فرسوده و زخمی‌شده برگشتند مدینه؛ حالا قریش، همین دشمنی که نتوانسته بود کاری [انجام بدهد] - ضربه زده بود، اما نتوانسته بود پیروز بشود بر مسلمین - اینها بیرون مدینه در فاصله‌ای در چند کیلومتری مدینه جمع شدند، گفتند امشب حمله کنیم؛ اینها خسته‌اند، کاری از اینها برنمی‌آید، مسئله را تمام کنیم. عوام‌ملشان آمدند داخل مدینه شروع کردند هراس‌افکنی؛ الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم؛ آمدند گفتند خبر دارید؟ اطلاع دارید؟ اینها جمع شده‌اند، لشکر فراهم آورده‌اند می‌خواهند پدر شما را در بیاورند! امشب میریزند چنین و چنان میکنند؛ هراس‌افکنی. اینهایی که مخاطب این هراس‌افکنی بودند، قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل؛ [گفتند:] نخیر، ما نمیترسیم، خدا با ما است. پیغمبر فرمود آن کسانی که امروز در احد زخمی شدند، جمع بشوند؛ آنها جمع شدند، گفت بروید مقابل اینها؛ رفتند آنها را شکست دادند و برگشتند؛ فانقلبوا بنعمه من الله و فضل؛ یک مقدار زیادی غنیمت آوردند و هیچ مشکلی هم برایشان پیش نیامد، دشمن را ناکام کردند و برگشتند؛ این سنت الهی است. پس بنابراین، اگر چنانچه در مقابل هراس‌افکنی دشمن، شما به معنای واقعی کلمه معتقد شدید که «حسبنا الله و نعم الوکیل» و به وظایف‌تان عمل کردید، نتیجه‌اش این است. این [بخش از] سوره آل‌عمران این سنت را برای ما بیان میکند. این مال قضیه‌ی بعد از احد بود، مثلاً شاید چند ساعت بعد از اتمام احد.

آن [بخش دیگر] قضیه، مال داخل خود احد است؛ در جنگ احد مسلمانها اول پیروز شدند دیگر؛ یعنی اول حمله کردند و دشمن را منهزم کردند و بعد که آن تنگه را به خاطر دنیاطلبی از دست دادند، قضیه بعکس شد؛ باز در سوره آل‌عمران، قرآن این را بیان میکند؛ میفرماید: و لقد صدقکم الله وعده؛ خدا وعده‌ی خودش را با شما عمل کرد - ما وعده کرده بودیم که اگر در راه خدا جهاد کنید، شما را پیروز میکنیم؛ ما وعده‌مان را عمل کردیم - از تحسونهام باذنه؛ شماها توانستید اینها را زیر فشار قرار بدهید و از پا در بیاورید باذن الله؛ اولش نتوانستید. خب پس اینجا خدا کار خودش را کرد؛ خدا وعده‌ای را که به شما داده بود عمل کرد، منتها بعد شما چه کار کردید؟ به جای اینکه این وعده الهی را شکرگزاری کنید، این لطف الهی را شکرگزاری کنید، حتی ادا فשלتم؛ پاتان سست شد؛ چشم‌تان به غنیمت افتاد، دیدید بعضی‌ها دارند جمع میکنند غنائم را، پای شما هم سست شد؛ فשלتم، فشل شدید؛ و تنازعتم؛ بنا کردید با همدیگر درگیر شدن، و اختلاف پیدا کردید. ببینید، [باید] یک نگاه‌های علمی جامعه‌شناسی روی این تعبیرات قرآنی انجام بگیرد؛ اینکه چطور میشود یک کشوری، یکی دولتی، یک حکومتی پیشرفت کند، چطور میشود متوقف بشود و چطور میشود سقوط کند، اینها را در این آیات قرآنی پیدا کنید. حتی ادا فשלتم و تنازعتم فی الامر و عصیتهم؛ عصیان کردید، نافرمانی کردید؛ پیغمبر به شما گفته بود که این کار را نکنید، نکردید. آن وقت، وقتی این جور شد، من بعد ما اراکم ما تحبون؛ بعد از آنکه خدا آنچه را میخواستید - که همان نصرت الهی است - به شما داده بود، نشان داده بود، به نصرت کامل داشتید میرسیدید، اما این جور عمل کردید، آن وقت «منکم من یرید الدنیا و منکم من یرید الآخرة ثم صرفکم عنهم»، اینجا باز خدای متعال به سنتش عمل کرد، صرفکم عنهم، دست شما را از سر آنها کوتاه کرد، یعنی مغلوب شدید؛ این سنت الهی است دیگر. آنجا سنت الهی این بود که در مقابل دشمن‌هراسی بایستید و پیش بروید؛ اینجا سنت الهی این است که در مقابل میل به دنیا و دنیاطلبی و عافیت‌طلبی و کار نکردن و زحمت نکشیدن و دنبال طعمه گشتن و مانند اینها، خودتان را و دیگران را بدبخت کنید. دو آیه‌ی نزدیک هم در سوره آل‌عمران، این دو سنت را بیان میکند.

و قرآن پر است [از سنت‌های الهی]؛ عرض کردم، از اول قرآن تا آخر قرآن همین طور که نگاه کنید، دائم سنت‌های الهی تبیین میشود و تکرار میشود؛ چند جا هم بیان شده: سنه الله التي قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلا - که از این قبیل چهار پنج مورد هم هست - که خدا [میفرماید] سنت‌های الهی تغییرپذیر نیست؛ قوانین الهی، قوانین متقنی است. خدا با کسی هم قوم و خویشی ندارد؛ اینکه بگوییم ما مسلمانیم و شیعه‌ایم و جمهوری اسلامی هستیم، پس هر کاری که دلمان خواست بکنیم، نه؛ ما با دیگران هیچ فرقی نداریم؛ اگر چنانچه خودمان را با موضوع آن سنت‌های دسته‌ی اول تطبیق کردیم، نتیجه‌اش آن است؛ اگر

با موضوع سنت‌های دسته‌ی دوم تطبیق کردیم، نتیجه‌اش این است؛ بربرگرد ندارد.

پیام به حجاج بیت‌الله الحرام / ۱۳۰۱/۰۴/۱۷

وحدت مسلمانان یکی از دو پایه‌ی اساسی حج است که چون با ذکر و معنویت - که پایه‌ی اساسی دیگر این فریضه‌ی پر راز و رمز است - همراه شود، میتواند امت اسلامی را به اوج عزت و سعادت برساند و آن را مصداق «و لله العزه و لرسوله و للمومنین» قرار دهد. حج، ترکیبی از این دو عنصر سیاسی و معنوی است؛ و دین مقدس اسلام آمیزه‌ی پرشکوه و با عظمتی از سیاست و معنویت است.

دشمنان ملت‌های مسلمان در تاریخ اخیر، کوشش انبوهی را برای سست کردن این دو اکسیر زندگی‌بخش، یعنی وحدت و معنویت، در میان ملت‌های ما به کار گرفته‌اند. معنویت را با ترویج سبک زندگی غربی که تهی از روح معنوی و برآمده از کوته‌بینی مادی است، کم‌رنگ و بی‌رسم می‌کنند، و وحدت را با گسترش و شدت بخشیدن به انگیزه‌های موهوم تفرقه مانند زبان و رنگ و نژاد و جغرافیا به چالش می‌کشند.

امت اسلامی که اکنون نمونه‌ی کوچک آن در مراسم نمادین حج دیده میشود، باید با همه‌ی وجود، به مقابله برخیزد؛ یعنی از سویی یاد خدا، کار برای خدا، تدبیر در کلام خدا، اعتماد به وعده‌های خدا را در ذهنیت همگانی خویش تقویت کند، و از سویی بر انگیزه‌های تفرق و اختلاف فائق آید.

بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۴۰۲/۰۳/۱۲

وقتی که ما ایمان به خدا را در مسائل عینی، در مسئله‌ی مبارزه با استکبار مطرح می‌کنیم، معنای ویژه‌ای دارد. ایمان به خدا در این مقام به معنای ایمان به وعده‌های الهی است. خدای متعال در قرآن وعده‌هایی داده است که این وعده‌ها تخلف‌ناپذیر است. وعده داده است «ان تنصروا الله ینصرکم و ینتھلکم»؛ وعده داده است که «و لینصرن الله من ینصره»؛ وعده داده است که «ان الله یدافع عن الذین آمنوا»؛ وعده داده است که «و اما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض»؛ اگر خدا را نصرت کنید خدا به شما ثبات قدم خواهد داد و شما را نصرت خواهد کرد؛ آنچه به سود مردم است، ماندگار است، ماندنی است و کف‌های روی آب، رفتنی است و ناحق و باطل همان کف روی آب است و حق یعنی حقیقت اسلام، عبارت است از آنچه خواهد ماند؛ اینها وعده‌های الهی است؛ ان الله لا یخلف المیعاد؛ خدا وعده‌های خودش را تخلف نخواهد کرد. ایمان به اله، ایمان به رب که شهید مطهری از قول امام نقل می‌کند، معنایش این است؛ یعنی به وعده‌های الهی ایمان دارد، اعتقاد دارد؛ این کجا، و اینکه کسی وارد یک راهی بشود، بگوید برویم ببینیم حالا چه میشود کجا؟ اعتماد به وعده‌ی الهی است که گام مستحکم امام را در این راه به حرکت درمی‌آورد.

بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۴۰۲/۰۳/۱۲

وقتی که ما ایمان به خدا را در مسائل عینی، در مسئله‌ی مبارزه با استکبار مطرح می‌کنیم، معنای ویژه‌ای دارد. ایمان به خدا در این مقام به معنای ایمان به وعده‌های الهی است. خدای متعال در قرآن وعده‌هایی داده است که این وعده‌ها تخلف‌ناپذیر است. وعده داده است «ان تنصروا الله ینصرکم و ینتھلکم»؛ (۱) وعده داده است که «و لینصرن الله من ینصره»؛ (۲) وعده داده است که «ان الله یدافع عن الذین آمنوا»؛ (۳) وعده داده است که «و اما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض»؛ (۴) اگر خدا را نصرت کنید خدا به شما ثبات قدم خواهد داد و شما را نصرت خواهد کرد؛ آنچه به سود مردم است، ماندگار است، ماندنی است و کف‌های روی آب، رفتنی است و ناحق و باطل همان کف روی آب است و حق یعنی حقیقت اسلام، عبارت است از آنچه خواهد ماند؛ اینها وعده‌های الهی است؛ ان الله لا یخلف المیعاد؛ (۵) خدا وعده‌های خودش را تخلف نخواهد کرد.

بیانات در دیدار پیشکسوتان و فعالان دفاع مقدس و مقاومت / ۱۴۰۲/۰۶/۲۹

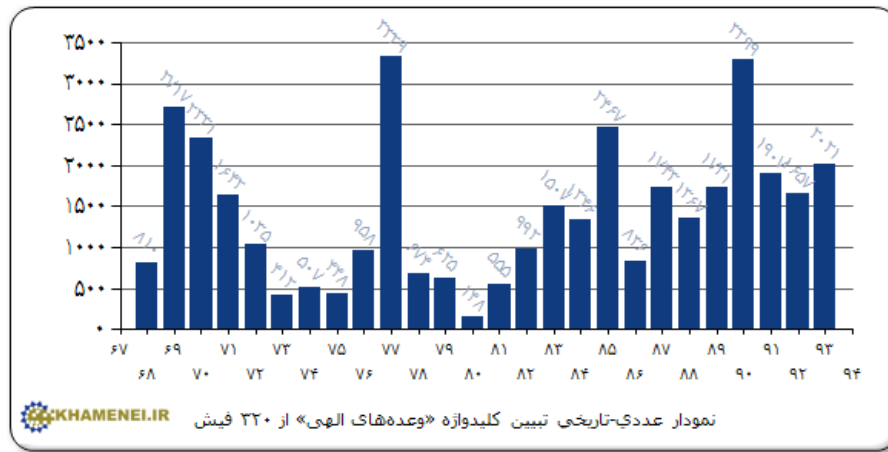
همه‌ی ما بدانیم که تا در راه خدا و برای خدا کار می‌کنیم، حرکت می‌کنیم، حرف می‌زنیم، خدا به ما کمک خواهد کرد؛ این وعده‌ی الهی است: ان تنصروا الله ینصرکم؛ و لینصرن الله من ینصره. اگر نیت شما نصرت خدا است، بلاشک خدای متعال به شما کمک خواهد کرد؛ گاهی طریقه‌ی کمک را خودمان می‌فهمیم، تشخیص می‌دهیم، گاهی هم نمی‌فهمیم، می‌بینیم کمک شدیم، می‌بینیم کار راه افتاد، کار پیش رفت؛ این کمک الهی است. نیتها را خدایی کنیم. نیت خدایی هم به این معنا نیست که هر وقت بخواهیم یک حرکتی انجام بدهیم، همان جا مثلاً فرض کنید بگوییم این کار را انجام می‌دهم برای رضای خدا؛ نه، همین که شما به مردم رحم می‌کنید، این نیت خدایی است؛ همین که شما به کشور می‌خواهید خدمت کنید، این یک نیت خدایی است؛ همین که شما می‌خواهید یک کار هنری خلق کنید که چهار نفر را هدایت کند، این نیت خدایی است. با نیت خدایی که وارد بشویم، خدای متعال هم کمک خواهد کرد.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۴۰۲/۰۸/۱۰

ما شک نداریم که «ان وعد الله حق»؛ وعده‌ی الهی حق است. و لا یستخفک الذین لا یوقنون؛ اینهایی که به وعده‌ی الهی یقین ندارند، با منفی‌بافی‌های خودشان شما را باید متزلزل نکنند، سست نکنند.

بیانات در دیدار آقای هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس / ۱۴۰۲/۰۳/۰۲

خدای متعال به مادر حضرت موسی دو وعده داد: انا رادوه الیک و جاعلوه من المرسلین؛ این دو وعده بود. بعد [میفرماید]: فردنانه الی امه کی تفر عینها و لا تحزن و لتعلم ان وعد الله حق؛ این وعده‌ای که خدا می‌خواست مادر موسی بفهمد که حق است، وعده‌ی برگرداندن او نبود؛ او که برگشته بود؛ آن وعده را که دارد می‌بیند؛ [منظور] آن وعده‌ی دومی بود؛ و جاعلوه من المرسلین؛ برای اینکه مادر موسی باور کند که حالا که این وعده عمل شد - که «فردنانه الی امه» است - آن وعده هم عمل خواهد شد. وعده‌ی اول الهی برای شماها تحقق پیدا کرده؛ یعنی «کم من فنه قلیله غلبت فنه کثیره باذن الله». (۷) شما یک فنه‌ی قلیله‌ای هستید که توانسته‌اید بر فنه‌ی کثیره غلبه پیدا کنید؛ فنه‌ی کثیره آمریکا، ناتو، انگلیس و بعضی‌های دیگر هستند. پس آن وعده‌ی دیگر هم که موجو اسرائیل است، قابل تحقق است؛ تشکیل فلسطین، من البحر الی النهر؛ ان‌شاءالله آن روز را هم خواهید دید.



مقالات مرتبط با کلیدواژه «وعده‌های الهی» :

بررسی وعده قرآنی «نصرت الهی» در بیداری اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی / نویسنده : مهدی معتمد رضایی / ۱۳۹۱/۰۲/۲۴